



مسجد جامع کوکوچک

劉謙



مسجد سیده زینت‌اللّٰه

تهییه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد

انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷

نویسنده: محمد جواد ولیزاده

ویراستار: حمید ابوالحسنی

مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران. خیابان جمهوری اسلامی. خیابان دانشگاه جنوبی.

نیش کوچه عطارد. پلاک ۵

کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹

تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷

www.masjed.ir



فهرست

بیشگفتل	۱۴
فصل اول: کلیات	۲۵
بخش اول: آشنایی با نهاد مسجد	۲۷
بخش دوم: آشنایی با کودک و نوجوان	۴۱
چکیده فصل اول	۵۸
فصل دوم: نگرش سازی و ارزش آفرینی از مسجد	۵۹
مقدمه	۶۱
بخش اول: مهدکودک	۶۴
بخش دوم: آموزش و پرورش	۷۸
بخش سوم: خانواده	۹۲
بخش چهارم: رسانه ملی (برنامه های تلویزیون)	۱۰۳
بخش پنجم: اسباب بازی	۱۱۳
بخش ششم: بازی های رایانه ای	۱۲۴
بخش هفتم: نوشت افزار	۱۳۹
بخش هشتم: شبکه های اجتماعی	۱۴۹
بخش نهم: شبکه های ماهواره ای	۱۶۴

١٨٩	فصل سوم: ایجاد ارتباط با مسجد و تقویت آن
١٩٣	بخش اول: دسترسی به مسجد
٢٢٦	بخش دوم: امام جماعت
٢٤٦	بخش سوم: خادم مسجد
٢٥٥	بخش چهارم: نمازگزاران
٢٦٥	بخش پنجم: کانون مسجد
٢٩٤	بخش هفتم: مدیریت کلان مساجد
٣١٣	بخش هشتم: خانواده‌ووالدین
٣٢٧	بخش نهم: مدرسه
٣٦١	فهرست منابع



۳۰



در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهاردهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت مادرست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباید که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»^۱

در تمام این سالها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. امادانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز تئییث که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه



و نافذالکلمه ای در امر مساجد^۱» محسوب می شود، در حوزه های مطالعاتی، برنامه ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندر کاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم.

امید است ضمن مطالعه و بهره مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشد. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را باید، هزینه های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد^۲».

مرکز رسیدگی به امور مساجد

۱: ابلاغیه‌ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۰/۷/۱۹



مسجد ڪوڊ ڪونوجوان

محمد جواد لوڙا زاده



١٢



مقدمه

«آن قدر آدم سازی و پرورش انسان‌های والا و با ایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار بسازد کار بزرگی را انجام داده است.»^۱

پرورش و تربیت انسان‌ها کار مقدس عظیمی است، تا آنجا که خداوند بزرگ وظیفه اصلی همه پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلی الله علیه و آله و سلم را تعلیم و راهنمایی انسان‌ها می‌داند.^۲ اهمیت این مسئله زمانی روشن‌تر می‌شود که خداوند خود را نیز معلم و رب انسان‌ها معرفی می‌کند.^۳

مقام ربوبیت بندگان ذاتاً متعلق به خداوند متعال بوده و تنها ربّ واقعی اوست. وظیفه پرورش انسان‌ها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلی الله علیه و آله و سلم در طول مقام ربوبیت الهی است که از طرف خداوند بر عهده ایشان گذارده و تفویض شده است. چنانچه می‌بینیم این وظیفه بعد از ائمه معصومین صلی الله علیه و آله و سلم به عهده علمای امت اسلام گزارده شده و همواره بزرگان دینی ما از صدر اسلام تاکنون به این مهم توجه ویژه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۹.

۲. بقره: ۱۵۱.

۳. بقره: ۴۱؛ الرحمن: ۲ تا ۴.



داشتند. نقل است از مرحوم آیت‌الله خوشوقت پرسیدند چرا کتاب نمی‌نویسید و مکتوبات ندارید، ایشان اظهار می‌دارند: من آدم نویسی را مهم‌تر می‌دانم. نوشتن کتاب خوب است و برکت دارد اما خیلی از کتاب‌ها خوانده نمی‌شوند و خاک می‌خورند؛ در حالی که اگر آدم‌ها تربیت شدند نه تنها خیانت نمی‌کنند بلکه خدمات‌های فراوانی می‌کنند و استاد نیز در همه آنها شریک است. اینها همه نشان از اهمیت و جایگاه ویژه تربیت انسان‌ها در چهارچوب نظام معرفتی اسلامی است. از طرفی، باید توجه داشت که تعلیم و تربیت چنانچه در اسلام نیز به آن اشاره شده سن مشخصی ندارد و انسان در تمام طول زندگی می‌تواند همواره در حال تعلیم و تربیت باشد؛ لیکن میزان تأثیرپذیری در سنین مختلف متفاوت است و همه روانشناسان اسلامی و غیراسلامی بر این مهم تأکید دارند که در دوران کودکی و نوجوانی، روح و روان انسان، شکل اصلی خود را پیدا می‌کند و شخصیت کودک و نوجوان در این دوران همانند موم نرم قابل شکل دادن است. لذا این قابلیت را در این برهه باید غنیمت شمرد تا بتوان انسانی در طراز اسلامی آن پرورش داد. از آنجا که وظیفه تربیت و تعلیم به عهده عالمان دین می‌باشد شاید سخن گزافی نباشد اگر بگوییم بهترین و مقدس‌ترین مکان برای تربیت کودک و نوجوان مسجد است. تجربه تاریخی صدر اسلام تاکنون نیز به همین مهم اشاره دارد که همواره از ابتدای بعثت پیامبر تاکنون انسان‌های پاک، باتقوا و تأثیرگذار در دین و در جهت تعالی پرچم اسلام، در مسجد پرورش یافته و رشد نموده‌اند. چه اینکه محل پرورش انسان‌ها در زمان رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} مسجد بود و اساساً مسجد مبنای هر حرکت آموزشی و تربیتی بوده است. در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز، با اندک تأمل در سیره بانیان و پیش‌تازان آن درمی‌یابیم که همه پرورش یافته مساجد بودند و شهدای گرانقدر انقلاب نیز از خانه خدا مسیر عروج به ملکوت را آغاز کردند.

مرکز رسیدگی به امور مساجد با عنایت به این موضوع پر اهمیت و البته با علم به تلاش همه جانبه نظام سلطه و دشمنان قسم خورده در به انحراف کشاندن نسل آینده فرزندان انقلاب، سال ۱۳۹۳ را سال مسجد و کودک و نوجوان نام‌گذاری نموده و در تلاش است با مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی، متولیان و



اثرگذاران و دغدغهمندان حوزه تربیت را به اهمیت و حساسیت این موضوع رهنمون سازد. امید است مساجد، این خانه‌های امید همچون گذشته مهد تربیت و اعتلاء فرهیختگان و آینده‌سازان فردای روشن ایران و جهان اسلام باشند و خادمان و خدمت‌گزاران مساجد بیش از پیش در این راه قدم بردارند.

این اثر علمی نیز حاصل تلاش پژوهشگر ارجمند آقای دکتر محمد جواد ولی‌زاده می‌باشد که با هدف ارائه تحلیل‌ها و راهکارهای علمی و عملی برای جذب و رشد و پرورش همه جانبه شخصیت کودکان و نوجوانان، به رشتۀ تحریر درآمده است و به حضورتان تقدیم می‌گردد.

ضمن تشکر از همکاران گران‌قدر در اداره تولید و تأمین محتوای معاونت فرهنگی- اجتماعی، امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات مقبول افتاد و پیشنهادها و نظرهای ارزشمند خویش را از خادمان خود در معاونت فرهنگی- اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.



پیشگفتار

کودکان و نوجوانان بخش قابل توجهی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می دهند و از آنجاکه آینده سازان جامعه هستند، اهمیت خاصی دارند؛ لذا فضای آموزشی و نظام تربیتی که سبب جهت دهی به باورها و نگرشا، ارزشها و ذائقه ها، رفتارها و الگوگزینی های آنان می شود، برای خانواده های متعهد و نیز برای نظام های حکومتی دنیا اهمیت فراوانی دارد. به طوری که کمترین تسامح و بی توجهی به آبخورها تربیتی کودکان و نوجوانان، خسارات جبران ناپذیری برای خانواده و جامعه در پی دارد. اهمیت ویژه دادن به تربیت کودکان و نوجوان، اختصاص به نظام های ایدئولوژیک و خدامحور ندارد - هر چند در آن ها بیشتر است و باید باشد - به دلیل آنکه حتی در نظام های مادی، آشنایی کودکان و نوجوانان با فرهنگ و آداب و رسوم و مبانی فکری آن نظام ها، به دلیل پیامدهایی که پس از بزرگ شدن آن ها برای جامعه دارد، امری کاملاً ضروری و گریزناپذیر است. در جامعه ایرانی، با سابقه دیرینه برخورداری از فرهنگ غنی و مترقی اسلام که به معنای واقعی کلمه، آیین حیات بخشی برای انسان هاست، این موضوع اهمیت دوچندان دارد؛



خصوصاً^۱ که با تأکیدات آموزه‌های دینی درباره توجه ویژه به تربیت کودکان و نوجوانان همراه است و آموزه‌های تربیتی دینی، پایه و مبنای اصلی تربیت رانه در بزرگسالی بلکه در همین سنین و حتی قبل از آن در رحم مادر موردنمود توجه قرار داده و توصیه‌های ارزشمندی در این خصوص دارد.

از سوی دیگر استقرار همین فرهنگ و دین حیات‌بخش اسلام سبب به وجود آمدن نهادها و نمادهای دینی عمدہ‌ای شده که شاید مهم‌ترین آن‌ها نهاد و نماد متعالی مسجد باشد. جایی که هرچند در اصل برای عبادت خداوند در نظر گرفته شده، لیکن هر کارکردی که در راستای تقویت این هدف اولیه باشد و سبب تربیت انسان‌ها و تقویت دین خداوند باشد، مورد اهتمام مسجد است و نهاد مسجد از آن استقبال می‌کند؛ و جالب‌تر اینکه در منظومه تربیت دینی در جامعه اسلامی، نهادی مقدس‌تر، کارسازتر، تأثیرگذارتر و مهم‌تر از مسجد وجود نداشته و ندارد و به جرئت می‌توان ادعا کرد که در اسلام، راه عبودیت و به خدا نزدیک‌تر شدن از ارتباط با مسجد می‌گزند و بدون مسجد و آموزه‌های تربیتی و معنوی آن، وصول به معرفت و بندگی خالص خداوند تقریباً غیرممکن است.

در همین راستا کودکان و نوجوانان هرچند که به صورت بالفعل واجد تکالیف شرعی نیستند، ولی از آنجاکه اولاً چند صباحی بعد بزرگ شده به سن تکلیف می‌رسند و در دوراهی‌های انتخاب خیر و شر قرار می‌گیرند، ناگزیر باید قبل از قرار گرفتن در این مسیر، با پیچ و خم این راه و بی‌راهه‌های آن آشنا شوند و نحوه قدم گذاشتن در راه درست را فرابگیرند؛ ثانیاً تکلیف نداشتن و مرتبت نشدن ثواب و عقاب بر اعمال، ملازمه‌ای با عدم تأثیر وضعی اعمال و سکنات و نحوه زندگی انسان ندارد؛ خصوصاً اگر با کوتاهی‌هایی همراه باشد. مثلاً چنانچه مشروبات الکلی به خیال اینکه آب است نوشیده شود، هرچند عقابی دربرندارد، ولی از تأثیر وضعی آن بر جسم و روان انسان نمی‌توان به راحتی گذشت؛ خصوصاً اگر همراه با کوتاهی در شناسایی آن باشد. اینجا نیز مسئله همان‌طور است. نحوه زندگی کودکان و نوجوانان و اینکه در چه فضایی بزرگ می‌شوند و با چه اندیشه‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی آشنا می‌شوند و با چه افرادی ارتباط برقرار می‌کنند، هرچند ثواب و عقابی مرتبت بر



آن نیست، ولی در ساخت زندگی آینده آن‌ها تأثیر تمام و کمال دارد؛ به طوری که هویت، فرهنگ، سبک زندگی و چارچوب ارزشی آنان بعد از رسیدن به سن تکلیف، کاملاً متأثر از نحوه زیست آنان قبل از این سن و فضای تربیتی و آموزشی آن زمان است. درنتیجه توجه به مسئله ارتباط کودکان و نوجوانان با فضای روحانی مسجد و تحت تعالیم حیات‌بخش آن قرار گرفتن، امری مهم و حیاتی برای زندگی آینده آنان و سعادت اخروی‌شان به شمار می‌رود.

اینکه کودکان و نوجوانان، در ارتباط با افراد با مقواهی مسجدی و اندیشه‌های ارزشمند امام جماعت، چنین افراد و اندیشه‌هایی را الگوی زندگی و روش فکری خود قرار دهند، امری بسیار مهم و قابل توجه است که لازم است برای برقراری چنین ارتباطی و تسهیل آن، گام‌های لازم برداشته شود. خصوصاً با تغییرات پیش‌آمده در جهان کنونی و مناسبات ارتباطی آن، نحوه ارتباط کودک و نوجوان با مسجد کاملاً متحول شده و تحت تأثیر قرار گرفته است. اگر تا دیروز کانال‌های تربیتی کودکان و نوجوانان در جامعه ایرانی منحصر به مسجد، خانواده، مکتب خانه و نهاد مدرسه بود، امروز با بروز و ظهر عوامل محیطی دیگر و ابزارها و نهادهای آموزشی جدید، این پازل کاملاً تغییر شکل داده و نحوه تأثیرگذاری‌ها و تأثیرگرفتن‌ها با گذشته متفاوت شده است:

کودکان و نوجوانان امروز از طریق آشنا شدن با ابزارهای اطلاع‌رسانی و ارتباطی جدید همچون بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی اعم از رایانه‌ای و موبایلی و نظامهای آموزشی خارج از مدرسه، با منابع تربیتی متعددی مواجه هستند. به دلیل جهانی شدن و به بیان صحیح‌تر مقوله جهانی‌سازی، حتی آن ابزارهای ارتباطی گذشته نیز کارایی گذشته خود را ندارند و نهادی همچون مدرسه، با مشکلات زیادی در امر آموزش و تربیت صحیح مواجه است و از نهادهایی همچون مکتب خانه هم خبری نیست و نهاد تربیتی خانواده نیز به دلایل متعددی - که در ضمن تحقیق توضیح داده خواهد شد - جایگاه تربیتی خود را از دست داده و با اتخاذ سبک‌های جدید از زندگی - که نوعاً در سمت وسیعی سبک زندگی غربی است - چندان احاطه‌ای بر امر تربیت فرزندان ندارد؛ اگر نگوییم که خود،



آسیب‌دیده است و لازم است کسی نجاتش دهد.

با انقلاب صنعتی و پدید آمدن مقوله اقتصاد فرهنگ، جهان غرب از هر چیزی که می‌شد و می‌شود سود و عایدی اقتصادی داشته باشد استفاده کرده و بدان نظر انداخته است؛ درنتیجه با شکل‌گیری انقلاب صنعتی و به وجود آمدن صنعت تولید انبوه، بسیاری از مقولات فرهنگ‌ساز که تا دیروز صرفاً جنبه فرهنگی داشتند، وارد عرصه رقابت اقتصادی شده و در این رهگذر وجه فرهنگی آنها تحت تأثیر جنبه اقتصادی قرار گرفته است. لذا در فضای کم کاری و بی‌توجهی خودی به این مقوله، رقبا، چه عامدانه و چه صرفاً با نیت اقتصادی، از صنایع فرهنگی در جهت سودآوری و نیز تبلیغ و ترویج فرهنگ خود استفاده برده‌اند، از نمونه‌های بارز آن می‌توان از صنعت اسباب‌بازی و نوشت‌افزار نام برد که ضمن سودآوری فراوان برای دشمنان، مسیری برای ورود فرهنگ منحط آن‌ها به جامعه ایرانی و القای این فرهنگ به کودکان و نوجوانان جامعه شده است.

با توجه به پیشرفت‌های علمی بشری در دستیابی به سازوکارهای تولید انبوه و فراتر از نیاز و به‌تبع، اشباع بازار نیازهای اولیه انسانی همچون مسکن و خوراک و پوشان، بخشی از تولیدات به سمت تولیداتی سوق یافته است که جنبه اوقات فراغتی و تفریحی دارند. اگر تا دیروز تمام همت بشر برای تولید نیازهای حیاتی خود همچون گندم و جو و مانند آن بود و تازه آن را هم نمی‌توانست تمام و کمال برآورده سازد، با انقلاب صنعتی این مشکل نه تنها مرتفع شد بلکه صرفاً به‌وسیله بخش محدودی از توانایی جامعه بشری محقق شد و کلی از افراد باقی ماندند که به کاری مشغول نبودند؛ لذا توجه به مرتفع ساختن نیازهای درجه دوم از نوع تفریحی و سرگرمی موردن توجه قرار گرفت. بنابراین در بخش کودکان و نوجوانان علاوه بر مقولاتی همچون اسباب‌بازی و بازی رایانه‌ای که ذکر شد، تولید کارتنهای و پویانمایی‌های مخصوص کودکان به‌شدت گسترش یافته که در این حوزه نیز به دلیل پیش‌دستی غرب و عقب‌ماندگی دیرینه‌ما، گوی سبقت از ما ربوه شد و فرهنگ غربی، به شکل خواسته یا ناخواسته بر اندیشه و فرهنگ کودکان و نوجوانان ما تحمیل شده و می‌شود.



تغییر سبک زندگی و تعریف نیازهای جدید - که برخی نیز کاملاً کاذب و غیرضروری هستند - سبب شده تا آسایش و فراغ بال از زندگی مردمان امروزی رخت بریند. برای مشغول نگهداشتن بشر امروزی که از معنویت و روحانیت و به بیان واقعی، از آرامش واقعی جدا افتاده، نیازهای کاذب جدیدی تعریف شده تا انسانها را در بسیاری از اوقات روز به کار واداشته و در بخش باقی مانده نیز سرگرم لذت‌های فیزیولوژیکی و حیوانی سازد؛ لذا همه این‌ها سبب شده تا پدران و مادران که واسطه‌های ارتباط‌دهنده کودک و نوجوان با نهاد مسجد هستند، فرصت و حتی انگیزه کافی برای ارتباط دادن کودکان و نوجوانان خود با مسجد نداشته باشند و علاوه بر اینکه خود از این نهاد مقدس فاصله گرفته‌اند، سبب دوری کودکان و نوجوانان نیز باشند.^۱

شاید پدر و مادری که خود در کودکی و نوجوانی با نهاد مسجد در ارتباط بوده‌اند، نتوانند تبعات سنگین و آینده مبهم فرزندانی را که حتی در کودکی نیز تجربه ارتباط با مسجد ندارند تصور نمایند، ولی بی‌گمان آینده فرزندانشان موضوع اساسی و مهمی است که نیاز به تأمل جدی دارد.

بنابراین در فضای فرهنگی موجود که عوامل تربیتی زیادی وارد حوزه تربیتی کودک و نوجوان شده‌اند و نوعاً هم فرهنگی معارض با فرهنگ مسجد و فضاهای معنوی به کودکان و نوجوانان عرضه می‌کنند و نیز سبک زندگی جدید که جایگاه ارتباط‌دهنگی والدین و فرزندانشان را با مسجد تنزل داده و متزلزل نموده است، این ضرورت را مبرهن می‌سازد که موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد و جذب وی به این نهاد برای استفاده از فرهنگ و سبک زندگی مسجدی، کاملاً نیازمند تحقیق‌های جدید با رویکرد کاملاً علمی و دقیق است که انتظار می‌رود این تحقیق، گامی مؤثر ولو بسیار اندک در این زمینه بردارد و مقدمه‌ای بر

۱. ر.ک: نش‌کیت، جامعه‌شناسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دل‌فروز، ص:۷۵؛ احمد گل‌محمدی، جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، ص:۴۳؛ قدیر نصیری، در چیستی جهانی‌شدن، تأملی نظری در سمت و سرنوشت آهنگ جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ص:۲۸۶-۲۸۵؛ آبرت بجزیان، مجله توسعه مدیریت، «پیامدهای جهانی‌شدن یک رویکرد اماری»، ص:۱۵؛ باری آکسفورد، نظام جهانی: سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، ص:۳۴؛ بل سوئیزی و دیگران، جهانی‌شدن با کدام هدف، ترجمه ناصر زرافشان، ص:۸۴؛ سرژ لاتوش، غربی‌سازی جهان، ترجمه امیر رضایی، ص:۱۰؛ امانوئل والرستاین، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، ص:۲۲۵؛ محسن فراهانی، روزنامه جام جم، «جهانی‌شدن به اختصار یا پهلوی‌بار»، ص:۸.



انگیزه‌بخشی در جهت انجام تحقیق‌های جدی‌تر بعدی در این حوزه باشد. بنابراین برای این که بتوان از نهاد متعالی و مقدس مسجد در جهت تربیت دینی کودک و نوجوان بهره برد یا تربیت موجود را از طریق مسجد ارتقا داد با دو سؤال عمده و اصلی مواجه هستیم:

۱. چگونه می‌توان برای نسل کودک و نوجوان از نهاد مسجد، زمینه‌ها و تصورات مثبت ایجاد نمود تا در این کارزار که این‌همه رسانه‌های متنوع از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا اسباب‌بازی‌ها، فرهنگ معارض با مسجد را تبلیغ می‌کنند، باور و نگرش مسجدی ارزش‌مدار آن را در ذهن و دل کودک و نوجوان نهادینه ساخت تا سرمایه ماندگاری برای روزهای آینده او باشد؟

۲. چگونه می‌توان ارتباط فیزیکی کودک و نوجوان را با مسجد نسبت به گذشته سهل‌تر و میسر‌تر نمود؟ و احیاناً در مواردی که این ارتباط برقرار نیست، چگونه می‌توان در جهت ایجاد آن اقدام نمود؟

طبعاً در پی این دو سؤال اصلی، سوالات فرعی‌ای پدیدار می‌شوند که عبارت‌انداز:

۱. وضع موجود نظام واره تربیتی که کودک و نوجوان متأثر از آن، نظام باورها و ارزش‌های خود را کسب می‌کند چگونه است؟ در این عرصه کدام عوامل محیطی و ابزارهای آموزشی، تا چه اندازه و با چه کیفیت محتوایی تأثیرگذار هستند؟

۲. وضع موجود ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد و نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها در این عرصه چگونه است؟

حقیقت آن است که از حیث پیشینه، هرچند در موضوع مسجد و امام جماعت کارهای تحقیقی زیادی صورت گرفته، لیکن هیچ یک تاکنون در حوزه پژوهش‌های عملیاتی و آماری وارد نشده‌اند. حتی اخیراً برخی تحقیقات منتشر شده‌اند که نشانگر نگاه مدیریتی به‌روز نسبت به نهاد مسجد است و بارقه‌های امید را در این خصوص زنده می‌کند ولی در آن‌ها نیز رویکرد پژوهشی کاملاً نظری و تئوریک است و نشانه‌های چندانی از پرداختن عینی و مصدقی به مسائل و موضوعات کلان نهاد مسجد و ارتباط کودک و نوجوان با مسجد دیده نمی‌شود. لذا محدودیت عمده این تحقیق، فقدان سوابق پژوهشی و تحقیقی در خور در این زمینه است و



تاکنون پژوهشی عملیاتی بر اساس آمار موجود در این خصوص انجام نشده است؛ این ضعف نیز خود ناشی از عواملی است که یکی از عوامل اساسی و پایه‌ای آن، فقدان سامانه آماری ملی در حوزه نماز و مسجد است. اگرچه به صورت پراکنده تحقیقاتی در خصوص مساجد انجام شده است، اما به جز طرح سراسری تهیه شناسنامه مساجد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز آمار [در سال ۱۳۷۵] انجام داده‌اند و حاوی مطالب بسیار مفیدی است، کار شاخص دیگری به چشم نمی‌خورد.^۱ این در حالی است که طبق قانون، هر ۱۰ سال یکبار باید این آمار بازنگری شود. آمار موجود بر اساس آمارگیری سال ۱۳۷۵ ستاد عالی کانون‌های مساجد با همکاری مرکز آمار است و به دلیل عدم اختصاص بودجه، آمار جدیدی ارائه نشده است.^۲

درواقع یکی از مشکلاتی که در بخش عام فرهنگ و از جمله حوزه نماز و مسجد در کشور وجود دارد، عدم وجود آمارهای دقیق و جامع از وضعیت اقامه نماز در مساجد کشور است. حال آنکه، سازمان‌های فرهنگی مرتبط با نماز و مسجد، باید از مسائل، نیازها، انتظارات و توقعات تهاد مساجد و نیز اقامه کنندگان نماز آگاه باشند، با سازوکارهای هشداردهنده، مشکلات را سریعاً رصد کنند و در مقابل آن‌ها واکنش مناسب و سازنده نشان دهند.

پیشنهاد نگارنده به متصدیان عرصه فرهنگ و مسجد، راهاندازی «سامانه آماری ملی فرهنگ» در سطح کلان کشور است. این مرکز درواقع پشتیبان اطلاعاتی سازمان‌های فرهنگی و از جمله نهادهای متولی مسجد و نماز خواهد بود. «ارائه این آمارها، نوعی بازخور محسوب شده و امر برنامه‌ریزی و اطلاع از وضعیت محیطی را تسهیل خواهد کرد. البته تا زمان راهاندازی و قوت گرفتن چنین سازمانی، لازم است سازمان‌های مذکور، خود نسبت به رصد محیطی، نیازسنجی و همچنین تبادل اطلاعات فرهنگی و مسجدی با یکدیگر، اقدام نمایند.»^۳

۱. محمدرضاحشمی، به نقل از حجت‌الاسلام سلیمانی، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه‌اماکن مذهبی کشور، ص ۱۹۰.

۲. بروز فرهی بوزنجانی، چگونگی ساماندهی دستگاه‌های متولی نماز و مسجد، ص ۱۶۵.

۳. حسین پرکان، ارتقای کیفیت خدمات و محصولات در دستگاه‌های فرهنگی، ص ۲۰۴-۲۰۵.



بر این اساس، این تحقیق در وهله اول برای نهادهایی که در موضوع مسجد مسئولیت دارند و مسئول ساماندهی به امور آن هستند، مفید و قابل استفاده خواهد بود. درواقع تحقیق حاضر به طور خاص با هدف به کارگیری توسط نهادهای مسئول در امور مساجد به نگارش درآمده است؛ در مرحله بعد نیز نهادهای دغدغه مند در امور تربیتی مرتبط با کودک و نوجوان، می‌توانند از بخش‌هایی از آن بهره‌مند شوند. نهادهای گستردۀ تربیتی از خانواده و آموزش و پرورش گرفته تا نهادهای تولید محتوا مانند بنیاد بازی‌های رایانه‌ای، اتحادیه اسباب‌بازی، شورای عالی فضای مجازی و رسانۀ ملی نیز از جمله نهادهایی هستند که هر یک به‌نوعی می‌توانند از نتایج و راهبردهای عملی این تحقیق بهره‌مند شوند.

در پایان قابل ذکر است که این تحقیق، بر حسب سؤالات اصلی و فرعی ذکر شده، از سه فصل تشکیل یافته است:

در فصل اول برای آشنایی خوانندگان با کلیات مباحث مربوط به کودک و نوجوان و مسجد، محتوای مورد نظر در دو بخش مجزا ارائه می‌شود؛ در بخش اول و جهت آشنایی با نهاد مسجد به مباحثی چون واژه‌شناسی مسجد، جایگاه، اهمیت و نقش مساجد، ثمره و لزوم ارتباط با مسجد، کارکردهای مساجد و در بخش دوم که بخش مربوط به کودک و نوجوان است، به موضوعات مختلفی مانند تعریف نظری و عملیاتی کودک و نوجوان، اهمیت تربیت در دوران کودکی و نوجوانی، روان‌شناسی رشد اخلاقی در کودک و نوجوان، نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان، اهمیت آشنایی فرزندان با مسجد و آثار و فواید گرایش کودکان و نوجوانان به مسجد پرداخته می‌شود.

در فصل دوم به بررسی نقش و جایگاه عوامل محیطی تأثیرگذار در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان از بُعد تصویرآفرینی مثبت از مقوله نماز و مسجد و جذابیت‌بخشی به آن‌ها در منظمه نگرشی و ارزشی کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود؛ لذا عوامل محیطی عمده و هم‌عرض مسجد در امر آفرینش تصورات مثبت برای کودکان و نوجوانان که بر حسب استقراری نگارنده نه مورد هستند موردنبررسی قرار می‌گیرند و وضعیت نقش‌آفرینی آن‌ها در شکل مثبت یا منفی تبیین شده و نهایتاً راهکارهای



لازم در جهت ارتقای بهره‌گیری از فرصت‌ها و شناخت نقاط قوت و نیز تقلیل تهدیدها و نقاط ضعف، ارائه می‌شود. این نه مورد عبارت‌اند از: نهاد خانواده، نهاد مدرسه و نظام آموزش و پرورش، مهدهای کودک، اسباب بازی، نوشتافزار، رسانه ملی به‌ویژه برنامه‌های مربوط به کودک و نوجوان، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای.

فصل سوم به موضوع وضعیت ارتباط فیزیکی کودک و نوجوان امروز(نه هر زمانی) با مسجد می‌پردازد. درواقع نوعی رابطه علی و معلولی بین مطالب مطرح شده این فصل و فصل دوم وجود دارد و نتیجه عملکرد عوامل محیطی موربدیث در فصل دوم را می‌توان در میزان ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، در این فصل مشاهده نمود؛ زیرا نقش‌آفرینی خنثای عوامل مطرح شده در فصل دوم و عدم تصویرآفرینی مثبت آن‌ها از نماز و مسجد و نمادهای دینی و نیز احیاناً ارزش‌آفرینی منفی در این زمینه، عمل‌آسیب ضعف ارتباط فیزیکی کودک و نوجوان با مسجد خواهد شد؛ بنابراین در این فصل به وضعیت ارتباط عملی کودکان و نوجوانان با مسجد و عوامل مکملی که به صورت مستقیم (و نه غیرمستقیم مانند عوامل فصل دوم) در تقویت این ارتباط اثرگذار هستند پرداخته می‌شود؛ در این فصل و در وهله اول، عناصر کلیدی نهاد مسجد و عوامل درونی آن که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری این ارتباط دارند، موردنرسی قرار می‌گیرند این عوامل عبارت‌اند از: وجود مسجد با امکانات سخت‌افزاری موردنیاز کودکان و نوجوانان با دسترسی آسان به آنها، امام جماعت، خادم مسجد، نمازگزاران، کانون فرهنگی مسجد، هیئت‌امنی مسجد و مدیریت کلان و منسجم مساجد کل کشور. در گام بعدی نیز به عوامل خارج از مسجد اشاره می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری ارتباط کودک و نوجوان با مسجد دارند و باید داشته باشند. این عوامل نیز عبارت‌اند از: خانواده (خصوصاً والدین) و مدرسه.

در این فصل نیز مانند فصل دوم، پس از بررسی وضع موجود عملکرد هریک از عوامل ازنظر میزان نقش‌آفرینی آن‌ها در برقراری ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد، به راهکارهای تقویت‌کننده عملکرد مثبت آن‌ها در افزایش ارتباط کودکان



و نوجوانان با مسجد پرداخته می‌شود.
امید آنکه، این تحقیق علمی و مستند بتواند گامی ولو مختصر در جهت تبیین هر
چه بهتر وضعیت ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان با مسجد و آموزه‌های مسجدی
بردارد و نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدهای کار را در حد توان خود برای
دست‌اندرکاران و محققان این حوزه نمایان سازد.



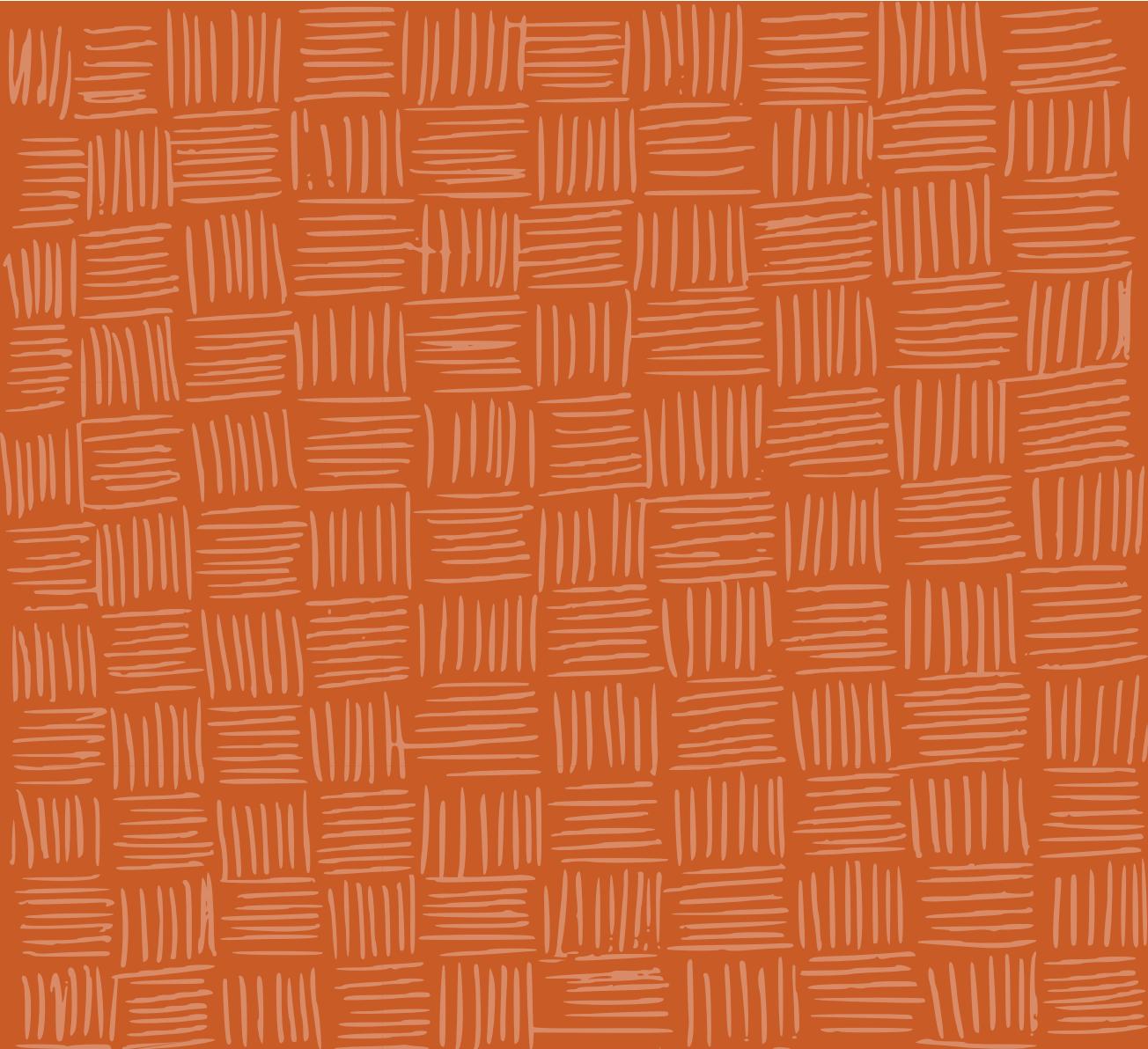
چکیده مقدمه

کودکان و نوجوانان بخش قابل توجهی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می دهند و از آنچاکه آینده سازان جامعه هستند، اهمیت خاصی دارند؛ لذا فضای آموزشی و نظام تربیتی که سبب جهت دهی به باورها و نگرشا، ارزشها و ذائقهها، رفتارها و الگوگزینی های آنان می شود، برای خانواده های متعهد و نیز برای نظام های حکومتی دنیا اهمیت فراوانی دارد.

با تغییرات پیش آمده در جهان کنونی و مناسبات ارتباطی آن، نحوه ارتباط کودک و نوجوان با مسجد کاملاً متحول شده و تحت تأثیر قرار گرفته است. اگر تا دیروز کanal های تربیتی کودکان و نوجوانان در جامعه ایرانی منحصر به مسجد، خانواده، مکتب خانه و نهاد مدرسه بود، امروز با بروز و ظهور عوامل محیطی دیگر و ابزارها و نهادهای آموزشی جدید، این پازل کاملاً تغییر شکل داده و نحوه تأثیرگذاری ها و تأثیرگرفتن ها با گذشته متفاوت شده است

در فضای فرهنگی موجود که عوامل تربیتی زیادی وارد حوزه تربیتی کودک و نوجوان شده اند و نوعاً فرهنگی معارض با فرهنگ مسجد و فضای معنوی به کودکان و نوجوانان عرضه می کنند و نیز سبک زندگی جدید که جایگاه ارتباط دهنده ای والدین و فرزندانشان را با مسجد تنزل داده و متزلزل نموده است، این ضرورت را مبرهن می سازد که موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد و جذب وی به این نهاد برای استفاده از فرهنگ و سبک زندگی مسجدی، نیازمند تحقیق های جدید با رویکرد کاملاً علمی و دقیق است که انتظار می رود این تحقیق، گامی مؤثر هر چند بسیار اندک در این زمینه بردارد و مقدمه ای بر انگیزه بخشی در جهت انجام تحقیق های جدی تر بعدی در این حوزه باشد.





فصل اول: کلیات



بخش اول: آشنایی با نهاد مسجد

۱. واژه‌شناسی مسجد

واژه مسجد در لغت، اسم مکان از ریشه سجد یسجد به معنای جایگاه سجده و محل عبادت است و هرچند در تعریف لغوی مسجد در معجم‌ها و فرهنگ‌های لغت تعابیر گوناگون وجود دارد، ولی تمامی آن‌ها به مفهوم گفته شده بازمی‌گردد؛ چنانکه زجاج در تعریف مسجد می‌گوید: کل موضع يتبعد فيه فهو مسجد؛ هرجایی که در آن عبادت شود، «مسجد» است^۱ و در مفردات راغب اصفهانی آمده است: المسجد موضع الصلاه اعتباراً بالسجود؛ «مسجد» به معنی محل نمازخواندن است، به اعتبار وجود مفهوم «سجده کردن» که در نمازانفاق می‌افتد.^۲

به این ترتیب، مسجد که در زبان عربی اسم مکان مشتق از ریشه ثلاثی مجرد سجد است، در زبان فارسی به معنای جایگاه نماز و محل عبادت به کاررفته است. در اینکه چرا کلمه مسجد برای مکان عبادت و محل نماز استعمال شده است،

۱. محمد مرتفعی الزبیدی، *تاج العروس* (من اهر القاموس)، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۲۷۱.



گفته‌اند: از آنجاکه سجود، شریفترین و مهم‌ترین اركان نماز است، در آن بیش از دیگر افعال نماز، انسان به خداوند نزدیک می‌شود؛ لذا اسم مکان را از این فعل اتخاذ و بر محل عبادت و نماز اطلاق کرده‌اند.^۱

در اصطلاح عرفی نیز مسجد عبادتگاه خاص مسلمانان است؛ ولی در قرآن کریم بر معابد اهل کتاب نیز اطلاق شده است: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أُمْرِهِمْ لَنَتَّخَذُنَ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا؛ آنان که به‌واقع احوال اصحاب کهف اطلاع یافتنند، گفتند: به یادگار آنان برایشان مسجدی می‌سازیم»^۲ و «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بَعْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكَنَا حَوْلَهُ لِنُرِيهِ مِنْ آيَاتِنَا؛ پاک و منزه است خدایی که شبی بنده خود، محمد ﷺ را از مسجد حرام به مسجد اقصی که پیرامونش را مبارک و پرنعمت ساخت، سیر داد تا آیاتمان را به او بنمایانیم.»^۳

در اصطلاح شرعی، مسجد به مکان معینی برای نماز نیز اطلاق شده، چنان‌که در متون فقهی در این باب آمده است: «المراد بالمسجد المکان الموقوف علی کافة المسلمين للصلوة؛ منظور از مسجد، مکانی است که برای نمازخواندن هر مسلمانی در آن اختصاص یافته است.»^۴

۲. مسجد در قرآن

مساجد در واقع خانه‌های خداوند بر روی زمین هستند که ملجاً و پناهگاه مردمند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَاتَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ همانا مساجد (سجده‌گاهها) از آن خداست، پس هیچ‌کس را غیر از خدا مخوانید».^۵

واژه مسجد، جمعاً ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد^۶ و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع آمده است.^۷ در این آیات، به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد و مسجدالحرام و احکام خاص آن،

۱. محمد بن عبدالله زرکشی، اعلام المساجد باحکام المساجد، ص ۲۸.

۲. کهف: ۲۱.

۳. اسراء: ۱.

۴. محمدحسن النجفی، جواهر الكلام، ج ۱۴، ص ۶۱.

۵. جن: ۱۸.

۶. بقره: ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۱، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۱۷، ۲۹؛ مائدہ: ۳؛ اعراف: ۳۱ و ۲۹؛ انفال: ۳۴؛ توبه: ۷؛ اسراء: ۱؛ کهف: ۲۱؛ عنکبوت: ۷؛ فتح: ۲۵ و ۲۷؛ حج: ۲۵.

۷. بقره: ۱۴ و ۱۸۷؛ توبه: ۱۷ و ۱۸؛ حج: ۴۰؛ جن: ۱۸.



مسجدالاقدسی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است؛ مانند: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلَّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفَيْنَ وَالْعَاكِفِيْنَ وَالرُّكْعَ السُّجُودِ؛ وَچون این خانه را محل اجتماع مردم و جای امنی کردیم [او فرمودیم]: از مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود برگیرید؛ و به ابراهیم و اسماعیل سپردیم که خانه مرا برای طوف کنندگان و معتکفان و راکعن و ساجدان پاکیزه دارید».^۱

البته، آیه‌های دیگری نیز در قرآن درباره مسجد و اهمیت آن آمده است که هرچند لفظ مسجد در آن‌ها نیامده است، ولی بنا بر مفهوم این آیات و گفته‌تمامی مفسران، می‌توان این آیات را در مورد مساجد نیز ذکر کرد؛ مانند «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَهُ مُبَارَّكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ؛ بِهِ يَقِينٌ نَخْسِطِينَ خَانَهَايِ که برای (عبادت) مردم نهاده شده همان است که در بکه (مکه مکرمه) است که پر خیر و برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است».^۲

۳. مسجد در روایات

در روایات زیادی به موضوع مسجد و فضیلت و آثار آن اشاره شده است که از باب «ما لا يدرك كله لا يترك جله» به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «فِي التَّوْرَاهِ مَكْتُوبٌ أَنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ، فَطُوبِي لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي، أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كِرَامَةَ الرَّازِيرِ، أَلَا بَشِّرِ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلْمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ در تورات نوشته شده است که: خانه‌های من در زمین مسجدهایند. پس خوشابندی که در خانه‌اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانه من، به دیدارم بیاید. بدانید! بر میزبان است که میهمان را گرامی دارد. هان! آنان را که در تاریکی‌های شب به مساجد می‌روند، بشارت بادا به نور درخشان در روز رستاخیز».^۳

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ؛ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ و

۱. بقره: ۱۲۵.

۲. آل عمران: ۹۶.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الاعمال، ص ۲۷.



من آنها مُتَّهِرًا طَهْرَةُ اللَّهِ مِنْ دُنْوِيهِ وَكِتَابٌ مِنْ زُوَّارِهِ فَأَكْثُرُوا فِي هَا مِن الصَّلَاةِ وَالدُّعَاءِ. بر شما باد رفتون [به] مساجد؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمین اند. هر که پاک و پاکیزه وارد آن‌ها شود، خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمرة زائران خود قلمدادش کند. پس در مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید.»^۱

۴. جایگاه، اهمیت و نقش مساجد

از احکام و تاریخچه مسجد این گونه پیداست که مقدس‌ترین و بالهمیت‌ترین مکان روی زمین، مسجد است و بر حسب اتفاق همه اماکن مقدس نظیر مکه، مدینه، بیت‌المقدس و کوفه نیز به اعتبار مسجد مقدس شده‌اند؛ و در حدوث و بقای انقلاب اسلامی به‌ویژه در مقطع دفاع مقدس، مسجد خدمات قابل توجهی داشته است و جایگاه و نقش آن در صورت توجه کافی در مرحله حساس مقابله با هجوم فرهنگی دشمن می‌تواند کارساز باشد.^۲

درواقع از همان ابتدا و در صدر اسلام، از همان روزهای آغاز نهضت اسلامی پیامبر ﷺ بسیاری از امور با مساجد مرتبط بودند؛ امور داوری، قضاوت، حل و فصل دعاوی، مسائل مهم و اساسی اجتماعی، مشورت و طرح جنگ، پذیرش وفود، اعزام نماینده به نقاط دیگر، اجتماعات عمومی، پرستاری بیماران و مجروحان و اعلام وظایف حکومتی در مسجد صورت می‌گرفت. به هر کجا که اسلام گام می‌نهاد، چه مسلمانان آن را فتح می‌کردند یا می‌ساختند، به زودی و بی‌درنگ مسجدی ساخته می‌شد.^۳

این میراث عظیم در طول سال‌ها دچار فراز و فرودهای فراوانی شده است و حال در دوره استقرار حکومت اسلامی انتظار می‌رود که الگوهای عبادی، آموزشی و تربیتی نهاد مسجد که در طول تاریخ فرهنگ و تمدن پرافتخار اسلامی به وجود آمده، احیا شود و نواعق و معضلات مرتبط نیز حل گردد تا جایگاه مطلوب خود را به دست آورد.

١. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ١، ص ٣٨٠.

۲. محمد رضا حشمتی، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه اماکن مذهبی کشور، ص ۱۹۰.

^٣. ر. محمد بن احمد ابن جبير، مساجد الاسلامية.

۵. ثمره و لزوم ارتباط کودک و نوجوان با مسجد

از آنجاکه موضوع این تحقیق و هدف نهایی آن برقراری ارتباط نسل کودک و نوجوان با مسجد و آمدن آن‌ها به این مکان مقدس است، مناسب خواهد بود اگر به روایاتی که در این خصوص وجود دارد و از وجود مختلف به آثار، ثمرات و فضیلت آمدن به مسجد و برقراری ارتباط با این کانون معنویت پرداخته‌اند، اشاره شود. این امر درواقع ضرورت توجه به مقوله ارتباط‌گیری با مسجد را از منظر روایات، تبیین می‌سازد. بر این اساس به طور مختصر روایاتی چند در این خصوص بیان می‌شود:

الف: فضیلت رفت و آمد به مسجد

در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِى فِي بَيْتِى أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الرَّائِرِ أَلَا بَشَّرَ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسِاجِدِ بِالْتُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خوشابه حال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو گیرد، سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند که در این صورت اکرام و گرامی داشت زیارت کننده بر زیارت‌شونده لازم است. همان کسانی را که در تاریکی‌ها به‌سوی مساجد گام

برمی‌دارند به نوری درخشنان در روز قیامت بشرط باد».¹

و امام صادق علیه السلام فرماید: «يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسِاجِدِ مِنْ كُلِّ قَبْيلَهِ إِلَّا وَافْدُهَا وَ مِنْ كُلِّ أَهْلِيَتِ إِلَّا نجِيَّبُهَا؛ به مسجد نمی‌آید از هر قبیله‌ای مگر پیش‌گیرندگانش و از هر خانه‌ای مگر نجیبانش».²

آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسِاجِدِ، لَمْ يَضْعُ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَ لَا يَأْسِ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَهُ؛ هر که به‌سوی مسجد برود، پایش را برعهیج تر و خشکی نگذارد مگر اینکه زمین تا طبقات هفت‌گانه آن برای او تسبيح بگويند».³

ب: ثمرةً آمدوشد به مساجد

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: لا يرجع صاحب المسجد بأقلّ من إحدى ثلاثٍ إما

۱. محمد بن علی ابن‌بابویه، همان، ص. ۲۸.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج. ۵، ص. ۱۹۳.

۳. محمد بن علی ابن‌بابویه، همان، ص. ۲۷.



دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرَفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا وَ إِمَّا أَحَدٌ يَسْتَفِيدُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ شَخْصٌ مُسْجَدِرُوهُ، دَسْتَكُمْ يَكْنِى إِذَا هُنَّ سَهْلٌ چیز نصیب‌ش می‌شود؛ یادعا‌ی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یادعا‌ی که به سبب آن خداوند بلای دنیارا ازا او برمی‌گرداند و یا برادری که به خاطر خداوند عزَّ وَ جَلَّ به دست می‌آورد [ونه بر اساس انگیزه‌های دنیوی و مادی].^۱

همچنین در کلام بالارزش دیگری از آن حضرت است: «بَشِّرِ الْمَشَائِنَ إِلَى الْمَسَاجِدِ فِي ظُلْمِ الْلَّيْلِ بِنُورٍ سَاطِعٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بِشَارَتْ بَادَ كَسَانِي رَا كَهْ در شبه‌های تاریک آهنگ رفتن به مساجد کنند که اینان در روز قیامت از نوری درخشان برخوردار خواهند بود.»^۲

واز ایشان روایت شده است: «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ كُلُّ خُطْوَةٍ خَطَاها حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ، عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ مَحِى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ؛ هر کس راهی را به سوی مسجدی از مساجد خداوند متعال در پیش گرفت، در برابر هر گامی که از هنگام رفتن برمی‌دارد تا زمانی که به منزلش بازگردد، برای او پاداش ده کار نیک نوشته شود و ده گناه ازا او محو گردد و ده درجه رفعت یابد.»^۳

نیز از امیر المؤمنین علی علیہ السلام است: «الْجَلْسَهُ فِي الْمَسْجِدِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجَلْسَهِ فِي الْجَنَّهِ فَإِنَّ الْجَنَّهَ فِيهَا رِضَا نَفْسِي وَ الْجَامِعَ فِيهِ رِضاَ رَبِّي؛ نشستن در مسجد برای من بهتر از نشستن در بهشت است؛ زیرا در بهشت خود را خشنود می‌سازم و در مسجد پروردگارم را.»^۴

ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: مَنْ اخْتَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الشَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرْدُّهُ عَنْ رَدِّي، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدْلُّهُ عَلَى هُدِّي، أَوْ يَتُرُكُ ذَنْبًا خَشِيَّةً أَوْ حَيَاءً؛ هر

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۵، ص ۱۹۳-۱۹۴.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، همان، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۲۹۱.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۵، ص ۱۹۹.



که به مسجد آمدوشد کند به یکی از این هشت چیز دست یابد: یافتن برادری به خاطر خدا، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم، یا رحمتی که آن را چشم به راه بود، یا سخنی که او را از هلاکت برها ند، یا شنیدن جمله‌ای که او را به هدایت رهنمون شود، یا آن که گناهی را از ترس و یا شرم ترک گوید.^۱

۶. جایگاه کارکردی مساجد در نظر بنیان‌گذار کبیر انقلاب

چنانکه در بحث کارکردها به تفصیل اشاره خواهد شد، مسجد صرفاً برای عبادت و پرستش نیست؛ هرچند فلسفه وجودی مسجد برای این امر است، ولی با اندکی تفکر و دوراندیشی مشخص می‌شود که اگر صرفاً به این کارکرد اکتفا شود، بسیاری از امورات نظام اسلامی بر زمین مانده و نهایتاً، علاوه بر آموزه‌های متعالی دینی، اصل نظام دینی و به تبع آن، نهادهای دینی همچون مسجد در خطر نابودی و زوال قرار خواهند گرفت. لذا مسجد در واقع سنگر و پایگاهی آماده برای لشگر و نظام اسلام است که در هر زمان و مکانی بر حسب اقتضایات مخصوص آن، از ظرفیت مادی و معنوی مسجد بهره گرفته شده و استمداد می‌شود؛ بنابراین اگرچه مسجد برای عبادت و پرستش بنا شده و می‌شود، ولی این نهاد همواره با تمام هستی خود از هرگونه اقدام و کارکردی که در راستای تقویت بُعد عبودیت و بندگی انسان‌ها و مقابله با جبهه طاغوت و بندگی نفس و شیطان باشد حمایت می‌کند و امکانات خود را برای استفاده و کارکرد این چنینی بسیج می‌نماید؛ و بر اساس همین رویکرد استفاده از مساجد بود که خداوند بر ملت بزرگ ایران منت نهاد و تلاش‌های آن‌ها در استقرار نظام اسلامی در این برهه زمانی و جغرافیایی حساس به رهبری امام خمینی (ره) و از طریق بهره گیری از سنگرهای اسلام یعنی مساجد به ثمر نشاند، لذا در این قسمت به تبیین جایگاه واقعی مسجد (از حیث بهره گیری از آن) از منظر رهبر کبیر انقلاب - امام خمینی (ره) - پرداخته می‌شود تا واضح شود که سخن از توجه به ارتباطگیری کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد و لزوم بسیج امکانات مسجد در جهت جذب هر چه بیشتر این قشر مهم از جامعه،

۱. همان، ص ۱۹۷



حرف ناصوایی نیست:

الف: مساجد، حافظ کیان اسلام:

حضرت امام (قدس سرہ) در اهمیت مساجد در صدر اسلام می فرمائیند: در صدر اسلام هر وقت مسلمین می خواستند به جنگ عزیمت کنند از مساجد تجهیز می شدند و هر وقت که کار مهمی داشتند، در مساجد آن را مطرح می ساختند و درباره مسائل سیاسی به بحث و گفت و گو می نشستند.^۱ مسجد مسلمین در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان خلفایی که بودند... مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، این‌ها همه در مسجد درست می شده است. شالوده‌اش در مسجد ریخته می شده است، در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر الْمُلْك^۲ ... ما یک چنین سلطانی دیده‌ایم که چراغ را خاموش می کند که آن چراغ به قدر دو دقیقه که با این شخص می خواهد صحبت عادی بکند، صحبت رفاقتی مثلًا بکند، این دیگر روش نباشد؛ خودش هم دستگاه و بارگاهش این مسجد است؛ توی این مسجد می آید می نشیند، همه می آیند حرف‌هایشان را به او می زنند؛ از مسجد هم لشکر درست می کند و می فرستد به این طرف و آن طرف.^۳ لذا از جمله ترفندهای استعمار برای محو اسلام، از رونق انداختن مساجد بوده است که این حیله در رژیم‌های گذشته تا حد زیادی مؤثر افتاد و برخی دولت‌های حاکم از این ترفندهای خائنانه استقبال کردند. بر همین اساس یکی از موضوعاتی که حضرت امام به کرات به آن اشاره کرده‌اند، همین وضع اسفبار مساجد در رژیم‌های گذشته بوده است: اسلام منزوی در مساجد بود؛ با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند؛ در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. این مسجد‌الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم ﷺ مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر ﷺ همان مسائل عبادی

۱. امام خمینی صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۴، بیانات امام در جمع ائمه جمیعه مرکز استان‌های سراسر کشور، ۱۳۶۱/۷/۲۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۴، بیانات امام در مورد وظایف و مسئولیت‌های رؤساآسلانی دول اسلامی و علمای اسلام.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۳۵، بیانات امام در مورد ابعاد سیاسی عبادی احکام اسلام و کیفیت حکومت اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۶.



نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی اش بیشتر بوده. هر وقت می خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را بسیج کنند و مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می کردند این امور را... مع الأسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی بعد از یک مدتی تا زمان ما، مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می شد؛ محکوم کردن اسلام به این نیست که کسی بگوید من اسلام را محکوم می کنم. محکوم کردن اسلام به این است که از چیزی که اسلام می خواهد در مسجد، زیر پا گذاشته شود.^۱

از آن وقتی که غرب به اینجا راه پیدا کرده و مطالعات در حال مردم مشرق عموماً کرده‌اند و رسیدگی به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم شرق آن‌ها کرده‌اند. همه این‌ها را مطالعه کردن و به آن نتیجه رسیدن که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد؛ یعنی آن نتیجه‌ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود خنثی کنند، چه بکنند، مأمورشان که رضاخان آمد و شاید (اگر) شما یادتان نباشد که چه کرد. تمام منابر تعطیل شد، تمام مساجد نیمه تعطیل، تمام مجالس روضه‌خوانی همه از بین رفت.^۲

ب: مساجد، سنگر انقلاب اسلامی:

امام خمینی (رحمه الله علیه) در سال ۴۷ در نامه‌ای خطاب به شهید حجت‌الاسلام سعیدی می فرمایند: در هر صورت سنگرهای را حتی‌الامکان نباید از دست داد.^۳ ایشان در پیامی خطاب به ملت ایران ابراز داشتند: مساجد و محافل دینیه را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه‌دارید.^۴

همچنین در جمع روحانیون تهران فرمودند: این مساجدها را سنگ قرار بدھید برای اسلام. در صدر اسلام از این مساجدها همه چیز بیرون می‌رفت. مسجد محل قضاوت بود. مسجد چه بود، مسجد محل بسیج بود، بسیج سپاه بود؛ این مساجدها

۱. همان، ج ۱۸، ص ۶۷-۶۸، بیانات امام در دیدار با نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و روحانیون کاروان‌های حج، ۱۳۶۲/۵/۲۶.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۷، بیانات امام در دیدار با جامعه و عاط تهران، ۱۳۵۸/۳/۲۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۸، نامه امام خطاب به حجت‌الاسلام شهید سعیدی.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۰، پیام امام به ملت ایران، ۱۳۵۱/۶/۲۰.



را شما باید محکم نگه دارید و این مساجد سنگرهای اسلام است. محراب، محل حرب است؛ این‌ها سنگرند. برای اسلام حفظ کنید این‌ها را.^۱

و در جمع طبقات دیگر مردم فرمودند: این‌ها از مسجد بد دیدند خصوصاً در این دو سه سال اخیر؛ در این دو سه سال اخیر مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد؛ این‌ها می‌خواهند این سنگرا بگیرند.^۲

حضرت امام (قدس سرہ) همین سفارش را به دانشجویان کرده‌اند: این‌ها از مسجد می‌ترسند... شما دانشگاهی‌ها، شما دانشجویان، همه‌تان مساجد را بروید پرکنید. سنگر هست اینجا، سنگرهای را باید پر کرد.^۳

ج: مساجد محل تربیت:

این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد و مساجد بحمدالله اکثراً این‌طوری است. اشخاصی که در مسجد می‌روند، باید تربیت بشوند، تربیت‌های اسلامی. مساجد را خالی نگذارید؛ آن‌هایی که می‌خواهند نقشه بکشند و شما را دور کنند از مساجد، دور کنند از مراکز تعلیم و تربیت، آن‌ها دشمن‌های شما هستند... باید در ماه مبارک رمضان تربیت و تعلیم به تمام معنا در همه بعدهایش در مساجد باشد، در محافل دیگر باشد؛ مساجد را خالی نگذارید... انقلاب از مساجد پیدا می‌شود؛ از این مساجد این‌طور امور تحقق پیدا می‌کند. هم دانشگاه‌ها را حفظ کنید، هم مساجد را حفظ کنید، منافات با هم ندارند... دانشگاهی باشید، مسجد هم بروید، مساجد را هم تعمیر کنید، مساجد را هم آباد کنید از رفتن خودتان.^۴

د: لزوم حفظ مساجد:

مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود، این مساجد بود که این پیروزی را با رأی ملت ما درست کرد؛ این مراکز حساسی است که ملت باید به

۱. همان، ج ۱۵، ص ۵۸، بیانات امام در جمع روحانیون تهران، ۱۳۶۰/۴/۱۰.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۷، بیانات امام در جمع اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۵۹/۸/۲۷.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۷، بیانات امام در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۱۴.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۲۱۷-۲۱۸، بیانات امام در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استانداری‌ها و رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۵۹/۱۰/۱.



آن توجه داشته باشند، این طور نباشند که خیال کنند که حال دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه بکنیم؛ پیروزی ما برای اداره مسجد است، مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است؛ بسط فقه اسلامی است و آن مساجد است. این‌ها را خالی نگذارید. این یک توطئه است که می‌خواهند مساجدها را کم کم خالی کنند... اینکه می‌آیند مساجدها را می‌خواهند خلوت کنند و بیچاره جوان‌ها و متدينین ما هم اشتباه‌به خطای روند، این است که مساجدها کم کم امسال یک‌قدری ماه رمضانش کمتر باشد، سال دیگر یک‌خرده کمتر، بعد از ده سال، پانزده سال دیگر چه بشود. آن‌ها عجله ندارند، به تدریج هر چه شد؛ شما باید هوشیار باشید که مساجدهایتان و محراب‌هایتان و منبری‌هایتان را حفظ کنید و بیشتر از سوابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید که هم قدرت‌ها را در هم شکست... نباید سستی کنید... مساجدها را محکم نگه‌دارید و پر جمعیت کنید. من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او وابسته است.^۱

۷. جایگاه مسجد در نقشه مهندسی فرهنگی کشور

موضوع مسجد و تقویت جایگاه آن و نیز ارتقای سطح ارتباط مردم با این نهاد مقدس در نقشه مهندسی فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز مورد توجه واقع شده است طوری که در جاهای مختلف و به تناسب از لزوم توجه به آن و به اشکال مختلف سخن به میان آمده است.

عمده محورهای نقشه مهندسی فرهنگی که به شکل مستقیم بدین موضوع پرداخته و بایدها و نبایدها را مشخص نموده، به شرح ذیل است:

- [حفظ و تقویت عناصر] هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی [که عبارت‌انداز]: انتظار منجی، قرآن و عترت، نمازو، مسجد، ولایت فقیه، فرهنگ بسیجی، ایثار و جهاد و شهادت، زبان، ادبیات و خط فارسی.
- برنامه‌ریزی برای زمینه‌سازی و نهادینه کردن انس با نماز جماعت و مسجد و احیای

۱. همان، ج ۱۲، ص ۳۳۰-۳۳۴-۴۲۰، ۱۳۵۹/۴/۲۰.



- کارکردهای فرهنگی-اجتماعی آن متناسب با نیازهای زمان و مخاطبان.
- بهره‌گیری از تعامل سازنده خانواده، مدرسه و مسجد در تحکیم خانواده.
- نهادینه‌سازی ارتباط و تعامل مؤثر خانواده، مسجد، مدرسه، محله با پلیس و بسیج در مقوله نظام و امنیت اجتماعی.
- طراحی و استقرار نظام تعامل و همکاری خانواده، مسجد، مدرسه، بسیج و پلیس برای ایجاد نظام و امنیت اجتماعی و محله سالم.
- تدوین و اجرای سند ملی توسعه، گسترش و تقویت نهاد مسجد و سامان بخشی و راهبری آن در سطح ملی و بین‌المللی.
- حفظ و تقویت محوریت مساجد در فعالیت‌های نظام فرهنگی، تربیتی، آموزشی و تبلیغ دینی و ارتقای جایگاه و نقش راهبری نهاد مسجد در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در حل مسائل عمومی.
- تدوین و اجرای برنامه ملی توسعه اقامه نماز جماعت در مساجد و نماز خانه‌ها و بهره‌گیری هم‌افزار از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی، تبلیغی، رسانه‌ای و هنری در جهت تبیین و ترویج احکام، اسرار و آثار فردی و اجتماعی نماز بر طهارت ظاهری و باطنی و آرامش روحی و روانی برای همه اشار جامعه.
- فرهنگ‌سازی برای پیشگیری از ناهمجاري‌ها و تعارضات درون خانواده و حل آن‌ها با استفاده از حکمیت قرآنی، معتمدان فامیلی، محلی و مساجد و مراکز امداد و ارشاد خانواده و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده یا در معرض آسیب.
- طراحی و اجرای برنامه انجام عبادات جمعی و تعامل محلی با محوریت مساجد و تقویت و گسترش ارتباطات خوبی‌شاندنی و حمایت از صله ارحام.
- تهییه طرح جامع ایجاد و گسترش تعاون و مشارکت عمومی و مدیریت کلان تشکل‌های مردمی و شبکه‌های اجتماعی و ارتقای کارکردهای آن در سطح محله، روستا، شهر، منطقه و کشور، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و انقلابی با تأکید بر محوریت مساجد.
- حمایت از ایجاد، توسعه و فعالیت مساجد، مراکز، مؤسسات و تشکل‌های بومی پیرو مکتب



أهل بیت علیہما السلام با تأکید بربهره گیری از ظرفیت‌های بومی.

- حمایت از گسترش و تقویت نهادهای اصیل دینی مروج فرهنگ اسلامی مانند بقاع متبرکه، مساجد، هیئت‌ها و وقف بالاستفاده از ظرفیت روحانیت و نهاد حوزه علمیه.
- بهبود شرایط مساجد موجود و گسترش مساجد مناسب با آمایش سرزمینی و محیطی در سطح شهرها، رستاهات، راه‌ها، شهرک‌ها، مجتمع‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی و فضاهای عمومی.
- ارتقای مشارکت مردم در آبادانی و اداره مساجد و افزایش حضور و انس آحاد مردم و اقسام اجتماعی به ویژه نوجوانان و جوانان در آن برای عبادت و سلوک دینی.
- حمایت و پشتیبانی نظام‌مند دولت و نهادهای عمومی از مساجد، حسینیه‌ها، هیئت‌ها و پیگیری حل مشکلات آن‌ها بحفظ استقلال و اتکای محوری آن‌ها به مردم.^۱

۸. کارکردهای مساجد

در صدر اسلام مسجد نقش‌های گوناگونی داشته و از نقش و کارکرد مساجدی مثل

مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد سهلة، می‌توان موارد متعدد زیر را استنتاج کرد:

۱. کانون عبادی، نماز، اعتکاف، عبادت، دعا و نیایش.
۲. پایگاه قضایی، رسیدگی به مسائل و دعواهای حقوقی مردم؛ «دکه القضا».
۳. جایگاه امور حسیبیه، رسیدگی به امور شهروندي و شهرداری و وظایف شورای شهر.
۴. کانون ارتباطات جمعی مردم، نماز جماعت، نمازهای عبید فطر و قربان و اجتماعات مردمی در مناسبت‌های مذهبی، مرکز اطلاع‌رسانی به مسلمانان.
۵. محل رفع مشکلات فردی و اجتماعی و اداری، رسیدگی به امور محرومان و مردم گرفтар و دچار مشکل و فقر و محرومیت.
۶. پایگاه جهاد و مبارزه با دشمن.
۷. مرکز آموزش.
۸. پایگاه جهاد فکری، تعلیم و تربیت و فراگیری معارف اسلامی.

۱. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال ۱۳۹۲ ش



۹. پایگاه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی؛ از طریق مساجد، انقلاب اسلامی شکل گرفت؛ اطلاع‌رسانی انقلاب، در مساجد صورت می‌گرفت، بیانیه‌ها و نوارهای حضرت امام و سخنان علاقه‌مندان انقلاب در مسجد و از مسجد به مردم منتقل می‌شد. هسته مرکزی راهپیمایی‌هایی که به نفع نظام و انقلاب برپاشده مسجد بوده است، امروزه هم مساجد همین نقش را ایفا می‌کنند.



بخش دوم: آشنایی با کودک و نوجوان

۱. تعریف نظری کودک و نوجوان

برای تعیین گروه سنی مشخص کودک و نوجوان، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و گفته‌ها و نوشه‌ها بر حسب مبانی مختلف، متفاوت‌اند.

از نظر فقه اسلام کودک - که معادل آن لفظ صغیر در متون به کاربرده می‌شود - از محجورین است و به محض رسیدن به سن بلوغ، حجر از او زایل می‌گردد؛ لذا در فقه اسلامی ابتدای دوره بلوغ، پایان دوره کودکی است؛ یعنی بلوغ مرز بین کودکی و نوجوانی را مشخص می‌کند. به تعبیری سن کودکی از ولادت تا بلوغ است و منظور از کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. همچنین کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. چنانکه قانون مجازات اسلامی (که از صغیر، رفع مسئولیت کیفری شده) در ماده ۴۹ صغير را کسی می‌داند که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. یکی از محققان می‌نویسد: معمولاً از آغاز تولد



تا حدود ۱۲-۱۳ سالگی را که پایان دوره دبستان است، دوران کودکی می‌نامند.^۱ از نظر کنوانسیون حقوق کودک نیز منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است؛ مگر آن‌که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد.^۲

یکی دیگر از محققان می‌گوید: به طور کلی لفظ کودک را (با توجه به معنای جامعه‌شناختی آن) به کسی می‌توان اطلاق کرد که وظيفة اجتماعی بر دوش ندارد؛ کودک تا زمانی کودک است که موظف نیست.^۳

لیکن در خصوص دوره نوجوانی قابل ذکر است که پس از کودکی، سن نوجوانی شروع می‌شود. چنانکه برخی از محققان بر آن‌اند که سن ۱۱-۱۲ سالگی تا ۱۹-۲۰ سالگی دوره نوجوانی محسوب می‌شود. برخی دیگر گفته‌اند که سن نوجوانی به دوره سوم رشد معروف است و با بلوغ آغاز می‌شود. روانشناسان نیز این دوره را دوره هویت‌یابی، بلندپروازی و دوره ثبتیت شخصیت می‌دانند. نوجوانی در شرایط، موقعیت‌ها و وضعیت‌های گوناگون با هم متفاوت است.^۴

۲. تعریف عملیاتی کودک و نوجوان

این تحقیق در مقام بررسی وارائه راهکار برای ارتباط هریک از این دو دوره سنی با نهاد مسجد نیست و به صورت تخصصی وارد بحث نمی‌شود؛ حتی این دوره‌ها که خود شامل سالین مختلفی است و هر کدام از بازه‌های سنی، اقتضائات تربیتی خاص خود را دارد، موضوع بحث این پژوهش نیست بلکه آنچه در این مقام و در این تحقیق از «کودک و نوجوان» مدنظر است عبارت است از یک گروه سنی که وابستگی کامل به نهاد خانواده و والدین دارد و حضورش در مسجد مستلزم همراهی آنان است. همچنین به دلیل ویژگی‌های کودکانه و شیطنت‌ها و بازیگوشی‌هایی که

۱. سید محمد موسوی بجنوردی، پژوهشنامه متین، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مریوطه»، ص ۳۵-۳۳ و ۴۰-۴۳.

۲. ماده اول کنوانسیون حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۹۰ م مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۳. حمیدرضا شاه‌آبادی، مقدمه بر ادبیات کودک (بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی)، ص ۴۸.

۴. ر.ک: هیلکار و همکاران، زمینه روانشناسی، ترجمه جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۱، ۱۳؛ ماسن، کانجر و همکاران، روانشناسی رشد و شخصیت، ترجمه مهشید یاسایی، ۱۳۷۲، ۱۳؛ دادستان، محمود، روانشناسی ثبتیک (پیازه)، ۱۳۷۰، ۱۳؛ گردانوس و همکاران، مراقبت از نوجوانان، ترجمه صرافی و مطهری، ۱۳۸۳، ۱۳.



دارند، حضورشان در مسجد با اما و اگرهايی همراه است، اين قشر که بيشترشان نيز به سن تکليف نرسيده‌اند، به دليل اينکه افكار، انديشه‌ها و سبک زندگی امروزشان، سازنده و شكل‌دهنده شخصيت آينده آن‌ها خواهد شد، ارتباطشان با نهاد مسجد، بسيار مهم و حائز اهميت است لذا در اين تحقيق مراد از کودك و نوجوان اجمالاً آن گروه سني است که ويژگي‌های گفته‌شده را دارا باشد. اين تحقيق در تعريف کودك و نوجوان به ويژگي‌های اختصاصي و متماييز‌کننده آن‌ها از هم نظرندارد.

۳. اهميت تربيت در دوران کودکي و نوجوانی

دوران کودکي در زندگي انسان از اهميت ويژه‌اي برخوردار است. در اين دوران می‌توان يك زندگي سالم و سعادتمندانه را پي‌ريزی کرد و از بروز بسياری از مشکلات در آينده جلوگيري نمود. بسياری از نابساماني‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربيت نادرست او در دوران کودکي است؛ بنابراین، اگر خانواده با اصول و روش‌های صحیح تربیت کودک آشنا باشد و آن‌ها را به کار بندد، بعداً با مشکلات كمتری روبرو خواهد شد. لذا آموزش خانواده‌ها و آشنا ساختن آن‌ها با روش‌های صحیح تربیتی به مقدار زیادی در تأمین سعادت فردی و اجتماعی افراد جامعه مؤثر است.^۱

همچنین يكی از دوره‌های حساس که نقش بسياری در سرنوشت افراد ایفا می‌کند، سennin پس از کودکي يعني شروع نوجوانی است. نوجوانی و تغييراتی که در آن برای نوجوان رخ می‌دهد، يكی از مسائلی است که توجه والدين و مربیان آموزشی را به خود معطوف کرده است. اين دوره که حدفاصل کودکي و بزرگ‌سالی است، بنا به تحولاتی که در جسم و روان نوجوان روی می‌دهد، دارای اهميت است. يك نوجوان دیگر نمی‌خواهد مانند يك کودک با او رفتار شود و می‌خواهد دیگران بدانند که بزرگ شده. او احساس می‌کند که اطرافيانش او را درک نمی‌کنند. آن‌ها تنها در مقابل دوستان همسال خود، احساس راحتی می‌کنند و مایل‌اند که بيشتر اوقات خود را با دوستان سپری کنند. روی عقاید و نظرات همسالان خویش حساسیت

۱. محمدعلی سادات، رفتار والدين با فرزندان، مقدمه.



خاصی دارند و به داوری و قضاوت آن‌ها بیش از بزرگ‌سالان اهمیت می‌دهند. به همین دلیل در این دوره توجه والدین به دوستان و ارتباط فرزندشان با دوستان و نظارت بر اعمال و رفتار آن‌ها ضروری است. [که البته «دوستان» دایره بس فراتری دارد و صرفاً شامل اشخاص همسن‌وسال نوجوان نمی‌شود؛ بلکه هرگونه عامل محیطی مانند شبکه اجتماعی موبایلی و بازی‌های رایانه‌ای نیز که مقبول نظر نوجوان هستند و نوجوان، دمی از زندگی خود را با آن‌ها می‌گذراند و برای گذران اوقات فراغت با آن‌ها، تمایل و رغبت از خود نشان می‌دهد، از منظر تأثیرگذاری، به منزله دوستان نوجوان به شمار می‌روند] به همین دلیل توجه به نیازها و خواسته‌های نوجوان و آموزش و آگاهی دادن درباره مسائل این دوره و تغییراتی که در فرد روی می‌دهد، ضروری است. [می‌تواند تأثیر مثبتی بر جای گذاشته و احياناً تنش و شکاف بین والدین و نوجوان را در موضوعات دینی و مسجدی از بین ببرد.] از سوی دیگر به لحاظ کمبود مؤسسات و مراکزی برای هدایت و راهنمایی خانواده‌ها در زمینه پرورش فرزندان و چاره‌جویی هنگام مواجهه با مشکلات دینی و تربیتی، نقش مساجد و مدارس و امامان جماعت و معلمان، به مراتب دشوارتر می‌شود؛ بنابراین لازم است مسئولان بیشتر به این دوره و مسائل مربوط به آن در مساجد و مدارس بپردازند تا همگان حتی خود نوجوان با آگاهی و اخذ توشیه‌های لازم، این دوره را پشت سر بگذارند.^۱

شاید درواقع دلیل اهمیت و حساسیت دوره نوجوانی در میان سایر دوره‌های زندگی انسان به این خاطر است که در این دوره، نوجوان به دنبال یافتن هویت خویش، در مسیر شکل دادن به شخصیتی متکی به خود گام برمی‌دارد. سؤالات متعددی نیز چه در حوزه مسائل دینی و غیر آن در ذهن نوجوان نقش می‌بندد که چنانچه نتواند پاسخی مناسب برای آن‌ها بیابد، چه بسا ممکن است شخصیتی متزلزل و احياناً دوگانه پیدا کند؛ بنابراین، شناخت جنبه‌های مهم جسمانی، روانی، اجتماعی، عقلانی و اخلاقی نوجوانان، این توانایی را به نوجوان، اطرافیان و نهادهای مسئول می‌دهد تا شیوه صحیح برخورد با تغییرات جسمی-روانی به وجود آمده را بدانند

۱. عطایی، نوجوانی گذران کودکی، ص. ۱۱۰.



و [با انجام اقدامات لازم و برنامه‌ریزی‌های مناسب و به موقع] تا حدی از بروز ناسازگاری‌های خاص این دوران جلوگیری نمایند.^۱

۴. روان‌شناسی رشد اخلاقی در کودک و نوجوان

اگر نهاد مسجد بخواهد در مقوله ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان و وضعیت جذب آن‌ها موفق شود، ناگزیر از شناسایی ویژگی‌ها و خصوصیات کودکان و نوجوانان و دنیابی است که آن‌ها در آن به سر می‌برند. بر این اساس در این قسمت به تبیین بخشی از ویژگی‌های عمدۀ کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود:

الف: رشد قضاؤت و وجودان اخلاقی در نوجوانی:

رشد وجودان از دوره پیش‌دبستانی شروع می‌شود؛ یعنی از زمانی که کودک هنجارهایی را برای رفتارهای قابل قبول در ذهن خود ایجاد می‌کند. نوع الگویی که والدین به کودک و نوجوان ارائه می‌دهند و نوع نظم و انضباطی که اعمال می‌کنند، بر چگونگی شکل‌گیری و قوت وجودان کودک یا نوجوان تأثیر می‌گذارد.

نوع انتخاب الگو، چگونگی حل تعارضات شناختی در قضاؤت اخلاقی و کیفیت استفاده از فرصت‌ها برای پذیرش نقش اخلاقی، می‌تواند در رشد وجودان اخلاقی تأثیر بسیار داشته باشد.

رشد وجودان اخلاقی از طریق ارائه الگوهای بحث و گفت‌و‌گوی والدین و مریبان با نوجوانان و جوانان درخصوص چگونگی تفکر اخلاقی نیز امکان‌پذیر است. برخی از تحقیقات نیز نشان می‌دهد که از طریق این بحث و گفت‌و‌گوها می‌توان سطح رشد اخلاقی را به مراحل بالاتری ارتقا داد. این تحقیقات بر غنا بخشیدن در مفاهیم رشدی شناخت اخلاقی مبتنی است.

ب: رشد احساس اخلاقی در کودکی و نوجوانی:

رشد احساس اخلاقی اساساً در خانواده و در فرایند ارتباطی عاطفی والدین با

۱. محمد رضا محمدی، جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان، ص ۲۸.



فرزنдан شکل می‌گیرد. روش‌ها و فنون تربیت فرزند، میزان همدلی والدین با فرزندان و نقش عواطف و رشد و جدان اخلاقی را می‌توان در شمار مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده فراخود و احساس اخلاقی به حساب آورد. فراخود که بخش اخلاقی شخصیت فرد است، از سنین پیش‌دبستانی در او شکل می‌گیرد؛ یعنی آن زمان که کودک برای حفظ و افزایش محبت والدین نسبت به خود و از ترس و اضطراب از دست دادن عشق و علاقه والدین و برای اجتناب از تنبیه شدن توسط آنان، سعی می‌کند خود را با والدین و به خصوص با والد هم‌جنس خود همانند سازد. در فرایند شکل‌گیری وجودان و همانندسازی با والدین (و بعداً با مردمیان و همسالان) است که احساس مثبت و منفی درباره هنجارهای اخلاقی خیر و شر نیز در وجود فرد ریشه می‌گیرد و فراخود او را می‌سازد. انتظارات و فرمان‌ها و چارچوب‌های مجاز و غیرمجاز اخلاقی فراخود فرد است که احساس معینی را نسبت به تفکر و رفتار مثبت اخلاقی (احساس صواب یا پاداش وجودانی) و نسبت به تفکر و رفتار غیراخلاقی (احساس گناه یا تنبیه وجودانی) در فرد به وجود می‌آورد.

ج: رشد ارزش‌هادر کودکی و نوجوانی:

سانتروک، مانند سایر روان‌شناسان غربی که فقط گوش‌های چشمی به حقایق ارزشی و اخلاقی دارند و گهگاه واقعیت‌های کوچکی از تلخی‌های بزرگ زندگی مادی غربی را بیان می‌کنند، در بحث خود این سخن «برتراند راسل»^۱ را در کادر قرار داده است که: «جوامعی که فاقد ارزش‌های اخلاقی جمعی هستند نابود می‌شوند، اما بدون ارزش‌های اخلاقی شخصی بقای آنان نیز ارزشی ندارد».^۲ بر همین مبنای گفتنی است ارزش‌ها [که عبارت از همان خوب‌ها و بدھا و شناخت آن‌هاست و از طریق آشنایی با مزايا و پیامدهای مثبت خوب‌ها و مضرات و نتایج سوء بدھا حاصل می‌شود]، در هیچ دوره‌ای به‌اندازه دوره نوجوانی برای انسان مطرح نمی‌شود. توانایی‌های شناختی فزاینده نوجوانان بیشتر آنان را متوجه ارزش‌ها و

Bertrand Russell. ۱

۲. ر.ک: حسین لطف‌آبادی، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، «روان‌شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، ص

.۸۵ - ۷۵



به عبارتی خوب و بدھا می کند. جالب اینکه نوجوان هم مانند بزرگ سال ممکن است بتواند به موضوعات ارزشی تیزبینانه بنگرد و راه و روش ارزشی مناسبی را فرمول بندی کند؛ ولی شاید همیشه نتواند بر اساس این فرمول بندی عمل کند.^۱

۵. نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان

شناخت این نیازها - که برآورده ساختن آن‌ها عمدتاً مورد رغبت کودکان و نوجوانان هست و تطابق بین نیاز درونی و ذاتی آن‌ها با خواسته‌های بیرونی شان وجود دارد - نقش اساسی در تولید محتوای جذاب نسبت به مقوله نماز و مسجد (در فصل دوم) و نیز در برنامه‌ریزی بهمنظور ارتباطدهی بهتر کودکان و نوجوانان با مسجد (در فصل سوم) دارد.

برخی از این ویژگی‌های عمدۀ کودکان و نوجوانان عبارت‌اند از:^۲

۱. ابراز محبت به کودکان:

در صورتی که کودکان و نوجوانان به لحاظ محبت احساس کمبود کنند و در برخوردهای اجتماعی، چه در محیط خانه چه در اجتماع - از نظر احساسی و عاطفی - اقناع نشوند و به سنین بالاتر بروند، دوگانگی شخصیت پیدا می‌کنند و زمینه‌های بهتر تربیت و هدایت در آن‌ها کاهش می‌یابد. درنتیجه، نظامهای آموزشی و تربیتی نیز با افرادی سرگردان و عقدهای و بعضًا قانون‌گریز مواجه می‌شوند که نمی‌توانند کار چندانی برای اصلاح و تربیت آن‌ها انجام دهند.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «حضرت موسی علیه السلام از خداوند پرسید: خدایا، برترین اعمال نزد تو کدام است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا من آن‌ها را بر فطرت توحید خود آفریدم و اگر آن‌ها را بمیرانم، همه آن‌ها را، به رحمت خود، به بهشت داخل می‌کنم.»^۳

۱. پاول هنری ماسن، رشد و شخصیت کودک، ص. ۹۷۵.

۲. ر. ک: اسماعیل اخلاقی، مجله پیام زن، «نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان در روش تربیتی امام صادق علیه السلام»، ص. ۸۰.

۳. ابی الحسن بن فضل الطبرسی، مکارم الاخلاق، ص. ۲۴۷.



۲. امنیت خاطر:

کودکی که در محیط زندگی اش احساس امنیت و آرامش دارد، فضای زندگی خود را متناسب و ایدئال می‌بیند، با روحیه اعتماد، تکیه به ارزش‌های وجود خویش و اطمینان از اطرافیان، بهتر می‌تواند استعدادهای درونی خود را به ظهور برساند، در زندگی آینده سردرگم نمی‌شود.

کودکان برخوردار از امنیت خاطر، سلیقه‌های درونی و ابتکار و خلاقیت‌های درونی خود را بروز می‌دهند و علاوه بر آن، نیازها و خواسته‌ها و هنجارهای درونی را بسیار صادقانه با مریبیان در میان می‌گذارند و در محیط آموزشی، بسیار سریع و مطلوب به وسیله آموزه‌های دینی و تربیتی موفق می‌شوند.

۳. تحسین کارهای آن‌ها:

در سرشت انسان حب ذات نهفته است و نمی‌شود آن را نادیده گرفت یا به شکلی آن را سرکوب کرد؛ زیرا تمام انسان‌ها خود را دوست دارند و برای حفظ حرمت خویش جان‌فشانی می‌کنند و از بی‌حرمتی به خود، احساس بدی دارند. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «طبع القلوب على حب من احسن اليها و بعض من اساء اليها؛ قلب انسان‌ها چنان سرشته شده است که هر کس به انسان احسان کند او را دوست می‌دارد و هر کس به او بدی کند او را دشمن می‌دارد.»^۱

کودکان و نوجوانان بر اساس غریزه حب ذات، بسیار علاقه‌مندند که دیگران تحسین و تشویقشان کنند و کارها و رفتار آن‌ها تحسین‌برانگیز باشد. بر همین اساس اگر کودکان از بزرگ‌ترها یا مریبیان بی‌احترامی ببینند و کارهای هر چند کوچک ولی ارزشمند آنان را تحسین نکنند یا تحقیر و تمسخر کنند، تربیت اثر معکوسی خواهد داشت و رهنماوهایشان کاربردی آموزشی نخواهد داشت و کودکان با ناباوری نسبت به آنان، به حرف‌هایشان گوش فرانمی‌دهند.

۴. بهاددن:

اهل‌بیت علیهم السلام برای کودکان و نوجوانان اهمیت خاصی قائل بودند و کارهای ثمربخش

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۶، ص ۱۸۴.



آن‌ها را تحسین می‌کردند و هیچ‌گاه از اشتباهات آن‌ها انتقاد نمی‌کردند. طوری رفتار می‌کردند که کودکان احساس شرمندگی نکنند و با این کار، زمینه‌های تربیت آن‌ها را فراهم می‌کردند.

اگر کودکی در حضور دیگران و همسالان سرزنش شود، به جای آنکه رفتار ناپسند خود را ترک کند، بالجذبی به آن ادامه می‌دهد؛ و متقابلاً میدان دادن به کودکان، شخصیت آن‌ها را پربار می‌کند و فرهنگ گفتاری و ادب، اخلاق و... آن‌ها رشد می‌کند. محمد بن مسلم می‌گوید: «ابوحنيفه، پیشوای حنفی‌ها، خدمت امام صادق علیه السلام رسید. در آن حال فرزندش موسی علیه السلام نماز می‌گزارد و مردم از جلو او می‌گذشتند و او مانع آن‌ها نمی‌شد و حال آنکه این کار اشکال دارد. - البته بر اساس فقه حنفی - وقتی ابوحنيفه وارد شد. به امام صادق علیه السلام این خبر را داد. امام فرزند گرامی‌اش را خواست و خطاب به وی فرمود: فرزندم، ابوحنيفه می‌گوید: تو وقتی نماز می‌خواندی، مردم از جلو تو عبور می‌کردند و تو آن‌ها را نهی نکردی. عرض کرد: بله، پدر، کسی که من برای او نماز می‌گازم، از این مردم به من نزدیک‌تر است؛ زیرا خدا می‌فرماید: من از رگ گردن به آن‌ها نزدیک‌ترم. امام صادق علیه السلام همین‌که این دلیل را از زبان فرزندش امام موسی کاظم علیه السلام شنید، او را در آغوش کشید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت! ای کسی که اسرار الهی در تو به ودیعه گذاشته‌شده است.»^۱

لذا امام صادق علیه السلام در اعتراض ابوحنيفه نسبت به فرزندش موسی علیه السلام از خود واکنش منفی نشان نداد. نخست از فرزندش پرسید و به وی مجال و میدان دادند تا برای کار خویش برهان اقامه کند. اگر کودکان و نوجوانان مورد تحقیر و اهانت والدین و یا مربیان خود قرار بگیرند، اثرات منفی و نامطلوبی در رفتار و گرایش‌های آینده آن‌ها دارد. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ما من رجل تکبر او تجبر الا لذله و جدها فی نفسه؛ هیچ‌کس تکبر نمی‌کند و زور نمی‌گوید مگر به سبب ذلت و حس حقارتی که در خود می‌بینند.»^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج. ۸، ص. ۲۹۹.

۲. محمد بن یعقوب کلبی، اصول کافی، ج. ۵، ص. ۲۲۴.



۵. شرکت در بازی کودکان و نوجوانان:

بازی و سرگرمی برای کودکان و نوجوانان یک خصیصه طبیعی به حساب می‌آید و زمینه رشد جسمانی و روانی آن‌ها را فراهم می‌کند. وقتی کودک در بازی‌های گروهی شرکت می‌جوید، روحیه تعادل و خویشتن‌داری او تقویت می‌شود و از تجربیات و لیاقت دیگران استفاده می‌کند و بر توانایی‌های شخصی خویش می‌افزاید. حضور بزرگ‌ترها - هرچند به مدت محدود - در این بازی‌ها، به‌دادرن به شخصیت کودک به حساب می‌آید. برخی از بازی‌های خوب ممکن است باعث انتقال برخی از رفتارهای پسندیده و آموزش مسائل تربیتی شود. اسلام به این نیاز طبیعی کودکان توجه جدی دارد. امامان علیهم السلام علاوه بر اینکه کودکان را در بازی کردن آزاد می‌گذاشتند، خود نیز در بازی‌های آنان شرکت می‌کردند و با حضور خود در فضای با طراوت بازی، به شخصیت آن‌ها احترام می‌گذاشتند.

از انس بن مالک نقل شده است: «پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم برای ادای نماز به مسجد آمد در حالی که امام حسن علیه السلام بر دوش آن حضرت قرار داشت. در هنگام نماز او را در کنار خود نشانید. وقتی پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم به سجده رفت، سجده طولانی شد. من سر را از سجده برداشتیم. دیدم امام حسن علیه السلام بر دوش پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم سوار شده است. وقتی نماز تمام شد، مردم از پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم پرسیدند: این سجده را به قدری طول دادی که هیچ‌گاه چنین نکرده بودی. آیا وحی نازل شده است؟ فرمود: وحی نازل نشده ولی فرزندم بر دوشم سوار شده بود، نخواستم عجله کنم تا اینکه خود[ش] از دوشم پایین آمد». ^۱

در سیره امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که امام در بازی کودکان شرکت می‌کرد و هرگاه با عدم صداقت برخی از کودکان مواجه می‌شد، بازی را ترک می‌کرد و با خواهش دیگران به بازی بر می‌گشت؛ یعنی امام علیه السلام در واقع به این طریق پایبندی و عمل به قوانین و مقررات یا راستی و صداقت را به آن‌ها می‌آموخت.

۶. ورزش و نقش تربیتی آن:

ورزش، نیازهای جسمی و روحی کودکان و نوجوانان را برطرف می‌کند و آثار

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج. ۴۳، ص. ۲۹۴.



جسمی مطلوبی دارد. کوهنوردی، شنا، اسب‌سواری و مسابقات تیراندازی، در روایات گوناگون از پیشوایان دین از ورزش‌های مفید دانسته شده است.

امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند: «روزی پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم به منزل فاطمه علیها السلام وارد شد. امام حسن و امام حسین علیهم السلام با او بودند. پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم به آن‌ها فرمود: برخیزید و با هم کشته بگیرید. فاطمه زهرا علیها السلام که برای کاری بیرون رفته بود، بر آن‌ها وارد شد و مشاهده کرد که پیامبر اکرم صلوات الله علیہ و آله و سلم می‌فرماید: عجله کن حسن بر حسین سخت بگیر! فاطمه علیها السلام تعجب کرد و فرمود: آیا بزرگ‌تر را بر کوچک‌تر تشویق می‌کنید؟ پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم فرمود: من حسن را تشویق می‌کنم؛ در حالی که برادرم جبرئیل حسین را تشویق می‌کند و می‌گوید: یا حسین، بر حسن سخت بگیر.»^۱

کودکان در ورزش‌های گروهی، دوستی، رقابت، افتخار به برنده شدن و بروز شخصیت را که در درون پنهان می‌داشتند ظاهر می‌کنند؛ زیرا در صحنه بازی‌های منظم ورزشی از همبازی‌های خود چیزهای خوبی می‌آموزند. از جمله آثار مطلوب ورزش، تقویت جنبه‌های جسمانی است ولی عمدۀ اثری که در ورزش وجود دارد، تقویت فکری، اعتماد به نفس، درک میزان توانایی خود و رقیب و باور کردن دیگران است؛ که این‌ها سبب می‌شود تا عقل و خرد کودکان پرورش یابد و رشد کند. طبع کودکان موافق بازی کردن است و این برای رشد آنان بسیار مفید است. گفتنی است اگر جهت ورزش غلط باشد، همین ورزش تبدیل به ضد ارزش می‌گردد و ممکن است آسیب‌هایی مانند پرخاشگری، ماجراجویی، سودطلبی، غرور کاذب و خودمحوری را در پی داشته باشد.

۶. تربیت دینی فرزندان و نقش مساجد در این مورد:

در متون دینی به کرات و به تناسب موقعیت‌های مختلف، نسبت به تأدب فرزند و ملازمت والدین بر این امر سفارش شده است؛ چنانکه آمده است:

۱. پیامبر خدا صلوات الله علیہ و آله و سلم فرمود:

«أَكِرِّمُوا أُولَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفِرُ لَكُمْ؛ بَهْ فَرْزَنْدَانَ خُودَ احْتِرَامَ گَذَارِيدَ وَ آنَانَ»

۱. همان، ج. ۱۰۰، ص. ۱۸۹.



را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید.^۱ نیز فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةً فَأَدَّبَهَا وَأَحْسَنَ أَدَبَهَا وَعَلِمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا؛ فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعْمَ اللَّهِ الَّتِي أَسْبَغَ عَلَيْهِ، كَانَتْ لَهُ مَنَعَهُ وَسِرْتَراً مِنَ النَّارِ؛ هُرَّ كَهْ دَخْتَرِي دَاشْتَه باشَدْ وَخُوبْ تَرِبِيَّتْشِ كَندْ وَأَوْ رَابَهْ خُوبِي دَانِشْ بَيَامُوزَدْ وَازْ نَعْمَتْهَا يِيَ كَهْ خَداونَدْ بَهْ اوْ عَطَا كَرَدْ بهْ وَفُورْ بَهْرَهْ مَنْدَشْ سَازَدْ، آنْ دَخْتَرِ، سَپَرْ وَپَوشَشْ پَدَرْ درْ بَرَابَرِ آتشْ دُوزَخْ خَواهَدْ بَودْ.»^۲

۲. امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَادِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَّهُ مَا الْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتُهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدْبِ قَبْلَ أَنْ يَقُسُّوْ قَلْبُكَ وَيَشْتَغلَ لُبْكَ؛ دَلْ نَوْجَوْنَ هَمْچُونْ زَمِينَ خَالِيَ اسْتَ كَهْ هُرَّ چَهْ در آنْ افْكَنَدَه شَوَدْ مَىْ پَذِيرَدْ؛ ازَايِنِ روْ مَنْ پَيَشْ از آنَكَه دَلَتْ سَخْتْ وَفَكْرَتْ مشْغُولْ شَوَدْ، بَهْ تَأْدِيبْ وَتَرِبِيَّتْ توْ پَرَادَختَمْ.»^۳

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَمَّا نَزَّلْتُ هَذِهِ الْآيَهُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوْا أَنْفَسَكُمْ وَأَهْلِيَّكُمْ نَارًا» قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ نَقِيَ أَنْفَسَنَا وَأَهْلِيَّنَا؟ قَالَ: اعْمَلُوا الْخَيْرَ وَذَكِرُوا بِهِ أَهْلِيَّكُمْ فَأَدْبُوْهُمْ عَلَى طَاعَهِ اللَّهِ؛ چُونْ آيَه «إِيْ كَسَانِي كَهْ اِيمَانْ آورَدَهَا يِيدَ! خُودْ وَخَانُوادَه خُودْ رَازْ آتشْ نَگَهْ دَارِيَدْ»^۴ نَازِلَ شَدْ، مَرَدَمْ گَفْتَنَدْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! چَگُونَهْ خُودْ وَخَانُوادَه خُودْ يَادَآورِي كَنِيدْ وَبَرْ پَايِهْ فَرْمَانْ بِرْ دَارِي از خَدا پَرَورِشَشَانْ دَهِيدْ.»^۵ هَمْچَنِينَ آنْ حَضْرَتْ مَىْ فَرْمَائِنَدْ: «لَا يَرْزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يَوْرِثُ اهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدْبَ الصَّالِحَ حَتَّى يَدْخُلَهُمْ الْجَنَّهَ جَمِيعًا، حَتَّى لَا يَفْقِدَ مِنْهُمْ صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا وَلَا خَادِمًا وَلَا جَارًا؛ وَلَا يَرْزَالُ الْعَبْدُ الْعَاصِي يَوْرِثُ اهْلَ بَيْتِهِ الْأَدْبَ السَّيِّئَ حَتَّى يَدْخُلَهُمْ النَّارَ جَمِيعًا، حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا مَنْ اهْلَ بَيْتِهِ صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا وَلَا خَادِمًا وَلَا جَارًا؛ بَنْدَهُ مَؤْمِنَهْ هَمَارَه بَرَايِهْ خَانُوادَه خُودْ دَانِشْ وَتَرِبِيَّتْ نِيكَوْ بَهْ اِرْثِ مَىْ نَهَدَ تَاهَهْ آنَهَا رَا وَاردَ

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۷۶.

۲. علی بن حسام الدین المتقی الهندي، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۲.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. التحریر: ۶.

۵. نعمان بن منصور ابوحنیفه، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.



بهشت کند؛ به طوری که کوچک و بزرگ و خدمتکار و همسایه را در بهشت می‌یابد؛ و بنده گناهکار پیوسته برای خانواده خود بدادبی را به ارث می‌نهد، چندان که همه آن‌ها را وارد دوزخ می‌کند؛ به طوری که کوچک و بزرگ از خانواده‌اش و خدمتکار و همسایه را در آنجا می‌بیند.^۱

۴. امام رضا علیه السلام فرماید:

«مُرِّ الصَّبَى فُلْيَّ صَدَقَ بِيَدِهِ الْكَسْرَهُ وَالْقَبْضَهُ وَالشَّيْءِ وَإِنْ قَلَّ، فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يَرَادُ بِهِ اللَّهُ وَإِنْ قَلَّ - بَعْدَ أَنْ تَصْدُقَ النِّيَّةُ فِيهِ عَظِيمٌ»، به کودک دستور ده که با دست خودش صدقه بدهد؛ اگرچه به اندازه تکه نانی یا یک مشت چیز اندک باشد؛ زیرا هر چیزی که در راه خدا داده می‌شود، هر چند کم، اگر بانیت پاک باشد زیاد است.^۲

۵. لقمان علیه السلام به فرزندش فرمود:

«یا بُنَى، إِنْ تَأْذِبَتْ صَغِيرًا انتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا؛ پسِّرم! اگر در کودکی ادب‌آموزی، در بزرگی از آن بهره‌مند می‌شوی»^۳ به نظر می‌رسد اولین نتیجه راهبردی احادیث مذکور برای عملی نمودن آن‌ها این باشد که در یک جامعه اسلامی باید کودکان و نوجوانان از نگرشی مثبت و خوشایند نسبت به نمادها و اماکن مذهبی، همچون روحانیت، مساجد و نمازخانه‌ها برخوردار باشند. چون بخش قابل توجهی از فرایند تربیت دینی به‌واسطه آن‌ها صورت می‌گیرد و البته محتوای تعالیم موجود در این اماکن و نیز رفتار تبلیغی و ترویجی والدین، برای آوردن فرزندان به این مراکز، باید از چنان استحکام و تدبیر شایسته‌ای برخوردار باشد که در نتیجه آن، کودکان و نوجوانان «مسجد» را محلی آرامش‌بخش، زیبا و دوست‌داشتنی بدانند.

به‌هر حال نباید از این واقعیت چشم پوشید که مسجد مهم‌ترین، ثمر بخش‌ترین و پاک‌ترین نهاد تربیتی در طول تاریخ اسلام بوده است و حتی در زمان حال که

۱. همان.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۷۶.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۳، ص ۴۱۱.



ابزارهایی فراگیر و برحسب ظاهر تأثیرگذارتر به وجود آمده‌اند و علی‌رغم دارا بودن ضعف‌ها و نفایصی چند در برنامه‌های مساجد، باز هم هیچ‌کدام از ابزارهای مدرن از حیث تأثیر مثبت، با نهاد مسجد برابری نمی‌کنند؛ که البته این موضوع اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسئله را بیش از پیش مشخص می‌سازد که مسجد نیز باید برحسب اقتضایات زمان خود قدم بردارد و برای اهداف والا و ثابتی که دارد از بهترین و بهروزترین ابزارها در جهت هدایت انسان‌ها به‌ویژه نسل کودک و نوجوان استفاده نماید.

۷. آثار و فواید تربیتی گرایش کودکان و نوجوانان به مسجد

۱. دین‌آموزی و تقویت ایمان و اعتقاد:

برای صیانت کودکان و نوجوانان از آفت‌های فکری و نگرشی یکی از بهترین راه‌ها به مسجد بردن آنان است؛ زیرا مسجد در تعزیه فکری، روحی، عاطفی و هدایت آنان در بستر صراط مستقیم و بر اساس قرآن و عترت به عنوان مکان مقدس گام بزرگی می‌تواند بردارد. فردی که به مسجد رفت و آمد داشته باشد، از آموزه‌ها و صحبت‌های دیگران استفاده می‌کند. وقتی که کودک نوجوانی در مسجد برای نماز حاضر شود و بعد از نماز صحبت‌های امام جماعت را بشنود، این کار در ایمان و اعتقاد او آثار بسیار سازنده‌ای بر جا می‌گذارد؛ زیرا امام جماعت که در مورد مسائلی چون امامت، ولایت، معاد، قبر و قیامت، دنیا و مذمّت دنیاگرایی در قالب احادیث و حکایات سخنرانی می‌کند در روحیه‌ی وی اثر گذاشته و باعث تقویت مبانی اعتقادی و ایمان او خواهد شد.^۱

۲. تعلیم قرآن و دعا:

در میان همه مباحث علوم دینی، پرداختن به علوم قرآن در مسجد دارای اهمیتی ویژه است؛ زیرا قرآن و مسجد پیوندی خاص با یکدیگر دارند. پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیہ و آله و سلم فرموده‌اند: **إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ**؛ مساجد را برای (خواندن و فهمیدن)

۱. زهرا رسولی شورکی، نقش مسجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۸/۲۷.

قرآن بناکرده‌اند.^۱ و نیز فرموده‌اند: «مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلَيُحِبَّ الْمَسَاجِد؛ دوستدار
قرآن، مسجد را نیز باید دوست داشته باشد.»^۲

۳. پرورش حب اهل بیت علیہ السلام:

یکی از راه‌های محبت اهل بیت علیہ السلام در کودکان و نوجوانان، پدید آوردن صحنه‌ها و فضاهایی است که آن‌ها در شرایط روحی خاصی قرار بگیرند و به تدریج حس درونی آنان بیدار شود و جذب گردند. چه بسا اگر آنان را به حال خود رها کنید، به این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسل نیایند.^۳ این مسئله با حضور آنان در مسجد به دست می‌آید. وقتی که کودک و نوجوان در مسجد حضور پیدا کنند و در مسجد مجلس عزا و نوحه برپا شود، عواطف آنان بر محور اهل بیت علیہ السلام رشد و تعالی می‌یابد.

۴. دوست‌یابی مناسب:

هنگامی که یک کودک و نوجوان به مسجد رفت و آمد داشته باشد، می‌تواند دوستان خوب زیادی پیدا کند و از دوست‌یابی در مراکز سوء و فحشا و دوستان ناباب مصون بماند. حضرت علی علیہ السلام هنگام برشمردن آثار رفت و آمد و مراوده با این مکان مقدس یکی از فواید آن را «...أَخَاً مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...» براذر ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند...»^۴ بیان می‌فرمایند؛ و نیز از مضمون حدیث معصوم که می‌فرمایند افرادی که وارد مساجد می‌شوند، افراد شایسته و اصیل هر قومی هستند، می‌توان استفاده کرد که به یقین هر کس توفیق نخواهد داشت نامش در شمار افراد دعوت شده به مسجد باشد و مسجد جایگاه افراد شایسته و مورد اعتماد است؛ لذا می‌توان در آنجا دوستان دینی و واقعی خود را پیدا کرد.^۵

۵. نظم آموزی:

مسجد در یک جامعه اسلامی جایگاه تجمع منظم و همه‌روزه مؤمنان حق جوست.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج.۵، ص.۲۱۳.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج.۳، ص.۳۵۵.

۳. جواد محدثی، عشق برتر، ص.۷۱.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج.۵، ص.۱۹۷.

۵. عباس عرشی نیاسر، مسجد گوهری همتا، ص.۶۷



آوای ملکوتی اذان به خودی خود آنان را به مسجد فرامی خواند و جلسه‌ای منظم از دوستداران معارف اسلامی فراهم می‌آید؛ بنابراین وقتی که کودکان و نوجوانان به مسجد بیایند و این نظم و هماهنگی اهل مسجد با همیگر و با امام جماعت را بینند این را برای خود الگو قرار می‌دهند و مسئله نظم و یکپارچگی، بیشتر برایش تجلی و بروز پیدا می‌کند.^۱

۶. ایجاد آرامش روحی و روانی:

مسجد خانه‌الهی در گستره زمین و پناهگاه مؤمنان است. در آنجا دل‌ها با ذکر و یاد خدا آرام گرفته، از تنש‌های روانی دور می‌شوند.

همچنین اطمینان و آرامش که نتیجه ذکر خداست «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ»، آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید که تنها با یاد خدادل‌ها آرامش می‌یابد! ^۲ اطمینان و آرامش در سایه مذهب و قداست مکان‌های مذهبی به اوج خود می‌رسد. پس اگر کودک و نوجوان امروز به مسجد رفت و آمد داشته باشند، تندرستی روحی و روانی آن‌ها تضمین شده خواهد بود. همان‌طور که حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ كَانَتِ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِّنَ اللَّهَ لَهُ بِالرَّوْحِ وَ الرَّاحِمِ؛ هر کس مساجد خانه‌اش باشد خداوند آسايش و آرامش را برای او ضمانت می‌کند.»^۳

۷. پرکردن اوقات فراغت:

هرگاه کودک و نوجوان به مسجد رفت و آمد داشته باشند و در مسجد با برنامه‌های مختلف، پرمحتو و متنوع مشغول شود، از این راه‌ها ارضای فکری می‌گردد و هیچ‌گاه در ذهن‌ش مکانی برای فرهنگ مبتدل غرب باقی نمی‌ماند.^۴

برای پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان بهتر است که به مناسبت‌های مختلف، مسابقه‌های مختلف و اردوهای تفریحی - زیارتی از طرف مسجد برگزار شود؛

۱. رحیم نوهار، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲. رعد/۲۸.

۳. محدث نوری، همان، ج ۳، ص ۳۵۵.

۴. عیاس عرشی نیاسر، همان، ص ۴۵.



این کار سبب می‌شود تا اوقات فراغت آن‌ها به شکل مفید و مطلوبی پر شود.

۸. پرورش روحیه جمع‌گرایی:

از تأثیرات مناسب مسجد بر تعلیم و تربیت افرادی که در آن حضور می‌یابند، تقویت و پرورش روح جمع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، نظم‌پذیری و پیوستن به جماعت را می‌توان برشمرد. حضور در مسجد درون‌گرایی، خودمحوری افراطی و بیگانگی از جماعت را از کودکان و نوجوانان دور می‌کند. هنگامی که آنان وارد مسجد می‌شوند، با افکار گوناگون و اشخاص متفاوت برخورد می‌کنند. این علاوه بر آثار تربیتی و آموزشی، روح فردگرایی و خودبینی را در آنان از بین می‌برد و باعث می‌شود تنها به منافع شخصی خود فکر نکند و در صورت تراحم منفعت شخصی و منافع جامعه، مصلحت شخصی را کنار گذاشته و جامعه را از خود بداند.^۱

۱. همان، ص. ۶۲-۶۳



چکیده فصل اول

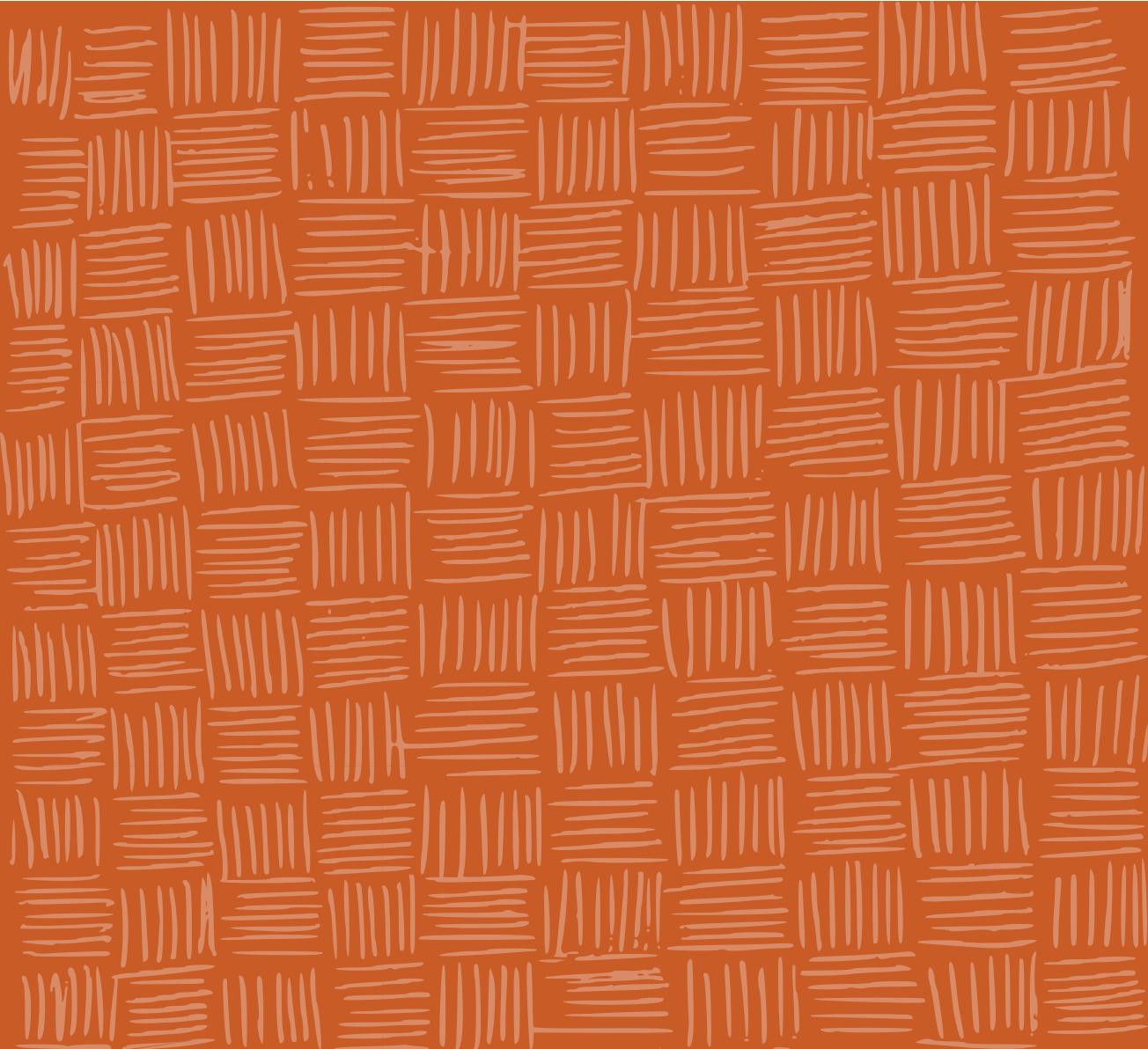
کلیات

مسجد صرفاً محلی برای عبادت و پرسش نیست؛ هر چند فلسفه وجودی مسجد برای این امر است، ولی با اندکی تفکر و دوراندیشی مشخص می‌شود که اگر صرفاً به این کارکرد اکتفا شود، بسیاری از امورات نظام اسلامی بر زمین مانده و نهایتاً علاوه بر آموزه‌های متعالی دینی، اصل نظام دینی و به تبع آن، نهادهای دینی همچون مسجد در خطر نابودی و زوال قرار خواهد گرفت. مسجد در واقع سنگر و پایگاهی آماده برای لشکر و نظام اسلامی است که در هر زمان و مکانی بر حسب اقتضای مخصوص آن، از ظرفیت مادی و معنوی مسجد بهره گرفته شده و از آن استمداد می‌شود؛ بنابراین اگرچه مسجد برای عبادت و پرسش بنا شده و می‌شود، ولی این نهاد همواره با تمام هستی خود از هرگونه اقدام و کارکردی که در راستای تقویت بُعد عبودیت و بندگی انسان‌ها و مقابله با جبهه طاغوت و بندگی نفس و شیطان باشد حمایت می‌کند و امکانات خود را برای این‌گونه کارکردها بسیج می‌نماید؛ بر اساس همین رویکرد استفاده از مساجد بود که خداوند بر ملت بزرگ ایران منت نهاد و تلاش‌های آن‌ها را در استقرار نظام اسلامی در این برهه زمانی و جغرافیایی حساس به رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) از طریق بهره‌گیری از سنگرهای اسلام یعنی مساجد به ثمر نشاند.

دوران کودکی و نوجوانی در زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوران می‌توان یک زندگی سالم و سعادتمندانه را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است.

اگر نهاد مسجد بخواهد در مقوله ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان و وضعیت جذب آن‌ها موفق شود، ناگزیر از شناسایی ویژگی‌ها و خصوصیات کودکان و نوجوانان و دنیایی است که آن‌ها در آن به سر می‌برند.





فصل دوم: نگرش سازی و ارزش آفرینی از مسجد

٦٢



مقدمه

بخش قابل توجهی از علل و عوامل ارتباطگیری افراد با مسجد و یا عدم آن، مربوط به وضعیت نگرشی و ارزشی آنان در موضوع مسجد است که از دوران کودکی و توسط عوامل مختلف، شروع به شکل گیری می کند.

درواقع انسان با آن چیزی ارتباط برقرار می کند که قبل از آن را شناخته و ارتباطگیری با آن را ارزشمند و مفید تلقی نماید و این در تمام جریان زندگی صدق پیدا می کند که البته ماجراجویی ها و اقدامات متهورانه را که از منظر عقل، جایگاه چندانی ندارند باید از این مقوله جدا کرد.

در موضوع مسجد نیز لازمه و گام زمینه ساز ارتباط با آن، ابتدا شناخت یابی و آگاه شدن از این نماد هویت ساز و اثرگذار دینی است؛ اینکه واقعیت وجودی مسجد چیست؟ فلسفه پیدایش آن چیست؟ کارکردهای عمده آن کدامند و جایگاه، فضیلت و احکام خاص ارتباط داشتن با مسجد از منظر متون دینی چیست؟ این ها و مواردی مانند آن، در نیل به نگرش، بینش و شناخت نسبت به مسجد اثرگذارند. در گام دوم لازم است شناخت و بینش به ارزش و احساس تبدیل شود؛ لذا با آموزش و آگاهی از مزایا و منافع ارتباط داشتن با مسجد و نیز مضرات و خسaran دنیوی و



اخری دوری گزینی از مسجد، خوب بودن ارتباط با مسجد حاصل می‌شود و ارزش داشتن ارتباط‌گیری با مسجد که چیزی جز همان خوب و مفید دانستن ارتباط با آن است حاصل می‌شود ولذا احساس و هیجان مثبت برای ارتباط به وجود می‌آید و این مقدمه‌ای می‌شود برای تحریک عضلانی و فیزیکی جهت رفتن به مسجد و ارتباط سازنده داشتن با مسجد و تعالیم ارزشمند موجود در آن.

بر این اساس خود موضوع نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از مقوله نماز و مسجد از موضوعات مهم و اساسی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد است. لازم است وضعیت موجود آن در جامعه فعلی سنجیده شده و مشخص شود که برونداد و خروجی عملکرد جامعه امروز از حیث نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی برای موضوع مسجد و نماز، بر حسب عوامل محیطی مختلف که دارد و هر کدام در موضوع آموزش و تربیت نقش آفرینی می‌کنند، چیست و چگونه است و اگر نهاد مسجد بخواهد در این خصوص اقدام مناسب و متناسب با داشته‌های خود انجام دهد، اولویت‌های همکاری و یا احیاناً مقابله‌اش کدام عوامل محیطی هستند و چه نحوی تعامل را باید در کوتاه‌مدت و بلندمدت در قبال آنان درپیش بگیرد.

شاید اگر بخواهیم از منظر دیگری به قضیه نگاه کنیم این طور بشود: با این پیش‌فرض که شناخت انسان از مسائل، عمدتاً از طریق عوامل محیطی موجود در جامعه صورت می‌گیرد و خصوصاً در جامعه امروزی که عوامل رسانه‌ای باشد و حدت بیشتری در این مقوله اثرگذاری می‌کنند، در چنین شرایطی، لازم است بدانیم شناخت کودکان و نوجوانان از مسجد و خوب یا بد بودن ارتباط‌گیری با آن چگونه رقم می‌خورد؟ آیا خروجی پرداخت عوامل محیطی -که نه مورد آن‌ها و مهم‌ترینشان در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرند- به مسائل دینی و مسجد، سبب ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد می‌شود؟ یا اینکه نه از این حیث خنثی هستند و یا احیاناً تعالیم و پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها، سبب کم‌ارزش تلقی شدن مسائل دینی و نماد مسجد و در مواردی در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان موجب شکل‌گیری تصویر ضد ارزشی از این‌ها می‌شود؟

بر این اساس، پرداختن به وضعیت محتوایی این عوامل، امری ضروری و لازم است.



هر چند در مواردی از عوامل، ممکن است بخش زیادی از بررسی مطالب، عمومیت داشته باشد و اختصاص به مسجد نداشته باشد، ولی این دلیل موجهی بر بی ارتباط بودن بحث با موضوع تحقیق نخواهد بود؛ زیرا چنانکه گفته شد، هدف این فصل آن است که به مسئولان فرهنگی مرتبط با موضوع کودک و نوجوان و مسجد، این نگاه و شناخت را ارائه نماید که فضای عوامل محیطی و رسانه‌های متعدد آن که شناخت کودکان و نوجوانان از نماز و مسجد و خوب و بد بودن آن‌ها، عمده‌تاً از طریق این رسانه‌ها شکل می‌گیرد، چه وضعیتی دارد و ارزش‌ها و نگرش‌های کودکان و نوجوانان در موضوع مسجد در چه فضا و محتوایی رقم می‌خورد؛ که بدون تردید این هدف، ماراناگزیر می‌کند تا در مواردی به نوع توجه عوامل مذکور به کلیت مسائل دینی بپردازیم؛ چون به صورت مستقیم در خصوص مسجد پرداختی ندارند - که هر چند خود این عدم پرداختن به مسئله، نوعی از پرداختن است که خروجی آن عدم آشنایی کودک و نوجوان با مسجد است - و بیشتر به سایر مسائل دینی به شکل مثبت یا منفی توجه می‌شود؛ ولی از آنجاکه نمی‌توان انکار نمود که مسجد و نماز نیز بخشی از مجموعه مسائل دینی هستند و جذابیت و یا عدم جذابیت آن در ذهن کودک و نوجوان، بدون تردید متأثر از جذابیت سایر مسائل دینی و خصوصاً در حوزه اعتقادات بنیادین در اندیشه کودک و نوجوان است؛ و به راستی! مگر می‌شود که یک رسانه‌ای، مسائل ضد دینی را به مخاطبان کودک و نوجوانش عرضه کند و آنگاه یگوییم که این عملکرد، تأثیری در چگونگی شکل‌گیری تصویر مثبت یا منفی از مسجد در افکار مخاطبان مذکورش ندارد؟! بنابراین پرداختن به کلیات و اینکه برخی رسانه‌ها در حالت کلی در چه فضای فرهنگی سیر می‌کنند، بدون تردید بخشی کاملاً مرتبط و لازم با موضوع تحقیق است و وجود آن در محتوای موجود این پژوهش، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است.

بنابراین در این فصل به وضعیت عوامل عمدۀ محیط نه گانه و نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی مثبت یا منفی یا حتی خنثای آن‌ها از موضوع مسجد در ذهن و اندیشه کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود و راهکارهای لازم نیز در پایان هر بخش - که اختصاص به بررسی یکی از عوامل دارد - ارائه می‌شود.



بخش اول: مهدکودک

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

۱. تعریف مهدکودک

بنابراین تعریف سازمان بهزیستی کشور «مهدکودک» به مرکز یا موسسه یا کانون فرهنگی- تربیتی اطلاق می‌شود که مسئولیت نگهداری، مراقبت، پرورش و فراهم نمودن زمینه بروز رشد استعدادهای کودکان تا سن قبل از ورود به دبستان را بر عهده دارند که با توجه به مدت فعالیت روزانه، جغرافیای فعالیت و نوع خدمات دارای انواعی است.

مهدهای کودک دریچه‌ای برای ورود کودک به دنیای روابط اجتماعی گستردگی و تسريع در روند جامعه‌پذیری نیز قلمداد می‌شوند و از این نظر دارای اهمیت بالایی هستند. مهدکودک می‌تواند و باید گزینه‌ای مناسب برای تربیت دینی و مسجدی کودک بعد از خانه و خانواده باشد و اگر آموزش به صورت درست و اصولی صورت گیرد، در آینده اجتماعی و فرهنگی کودک تأثیر فراوان خواهد گذاشت.



۲. اهمیت نقش تربیتی مهدوای کودک

در بین مقاطع آموزشی-تربیتی نیروی انسانی، مهدوای کودک اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا اولین برهه‌ای است که فرزند خردسال آمادهٔ فراغیری، درون محیطی غیر از خانواده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، اولین مرحله جامعه‌پذیری نیروی انسانی، مهدوای کودک است.^۱

روان شناسان نیز امروزه معتقدند که آموزش‌های دین‌داری باید از دوران کودکی آغاز شود تا نهاد کودک رنگ و بوی دینی بگیرد و رفتار او در دوره‌های دیگر زندگی، مبتنی بر دین‌داری باشد.^۲

درواقع دوران کودکی نقش مهمی در سرنوشت انسان ایفامی کند و خاستگاه بسیاری از موفقیت‌ها و یا نارسایی‌های تربیتی در دوران بزرگ‌سالی در این دوران است. رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودکان در دوران قبل از دبستان و توجه به این مراحل، چنان اهمیتی دارد که سهل‌انگاری و کم‌توجهی به آن‌ها، خسارت جبران‌ناپذیری را برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت.

در حال حاضر مهدوای کودک بیشتر از اینکه یک مکانی برای نگهداری کودکان در هنگام اشتغال والدین باشد، به یک نهاد آموزشی و پرورشی تبدیل شده‌اند. مهدوای کودک در واقع امروزه به مکانی برای آموزش مهارت‌های اولیه زندگی به کودکان تبدیل شده است.

۳. مهدوای کودک، لازمه سبک زندگی جدید

با به وجود آمدن مهدوای کودک-از حدود ۴۰ سال پیش^۳-درواقع، بر حسب ضرورت‌های خواسته یا ناخواسته اجتماعی-که عمده‌تاً متأثر از فرهنگ مدرنیته و سبک زندگی غربی بود^۴-یک قطب دیگر تربیتی در کنار قطب مسجد- به

۱. محمدصادق فقفوری، نشریه کیهان، نگاهی به تربیت نیروی انسانی در مهدوای کودک‌های ایرانی، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳.

۲. میر چالاید، دین پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۲۴.

۳. ساراجمال آبادی، روزنامه سلامت، اولین‌های جهانی مهدوای کودک، ۱۳۸۹/۷/۲۲.

۴. هم‌اکنون در کلان‌شهری مانند تهران که رواج فرهنگ مدرنیته و سبک زندگی جدید در آن به نسبت سایر مناطق بالاتر است مهدوای کودک هم از رونق بیشتری برخوردارند (خطری به نام کم‌توجهی والدین به وضعیت مهدوای کودک‌ها، مشرق نیوز، ۱۳۹۳/۸/۲۵، کد خبر: ۳۶۳۰۱۶).



شرطی که مسجد به عنوان یک قطب باقی مانده باشد- در جامعه کودکان به وجود آمده که مسئولیت نگهداری و تربیت فرزند را در کنار مادر به عهده دارد. بدون تردید نکته کلیدی بحث مهدهای کودک و مرکز ثقل آن در ارتباط با موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، حذف این نهاد تربیتی و خارج نمودن رقیب از گردونه تربیت نیست. چنانکه شدنی هم نیست. بلکه لزوم توجه به چند و چون محتوای تربیتی مهدها و اصلاح آن هاست و لذا جامعه دینی مانیاز به مهدهای کودکی دارد که بتواند بچه ها را در همان سال های اولیه عمرشان با آموزه های دینی و نمادها و شعائر آن همچون نماز و مسجد آشنا سازد. مهد کودکی که بتوان آن را با صفت مهد کودک اسلامی شناخت.



۱. وضعیت کمی مهدهای کودک

طبق نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۱ تعداد کودکان ۰ تا ۶ سال کشور ۶۷۸۷۵۸۴ نفر بوده است که تقریباً ۹,۷ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند و تعداد کودکان بهره‌مند از خدمات کل مهدهای کودک اعم از دولتی و خصوصی در همان سال ۶۶۵۸۶۹ نفر بوده که نسبت به کل کودکان گروه سنی مذکور ۹,۸۱ درصد است. همچنین لازم به ذکر است که تعداد کل مهدهای کودک در کشور در سال ۱۳۹۱، تنها ۱۴۳۳۶ مهدکودک بوده و از این تعداد نیز ۷۳۹۳ روستامهد در کشور وجود داشته است.^۱

آنچه حائز اهمیت است آن است که تعداد مهدهای کودک به شکل شتابداری سالانه در حال افزایش است. چنانکه در تازه‌ترین آمار و در اسفند ۹۳ از سوی مدیر کل امور کودکان سازمان بهزیستی کشور اعلام شد که در حال حاضر ۱۷ هزار مهدکودک در سطح کشور فعال هستند و بالغ بر ۸ هزار روستامهد هم در مناطق مختلف حاشیه‌ای و کم برخوردار فعالیت می‌کنند.

گفتنی است در امر تأسیس نهاد مهمی همچون مهدکودک -که نیاز به حساسیت‌های خاص و رعایت ضوابط محکم دارد- چندان صحیح عمل نمی‌شود. به طوری که یکی از آسان‌ترین مسیرهای قانونی راه یافتن به ویترین سیستم آموزشی کشورمان را می‌توان در راهنمای تأسیس مهدهای کودک جستجو کرد! در مراجعه به سازمان بهزیستی کشور، به عنوان نهاد مجری و ناظر، برای تأسیس مهدکودک تنها کافی است اشتهراب به مسلمانی داشته باشد همراه با مدرک کارشناسی دریکی از رشته‌های متنوعی که در لیست سازمان بهزیستی ذکر شده است. باقی شرایط به اندازه‌ای سهل است که به ندرت یک فرد معمولی در آن‌ها توفیق نمی‌یابد! در حال حاضر مدیریت پایش و نظارت بر مجموعه گسته مهدهای کودک کشور بر عهده «سازمان بهزیستی» است. سازمانی که با وظایف

۱. فائزه زارعی، ارتقاء عملکرد مهدهای کودک، پورتال وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۳/۹/۸.



محوله زیادی که دارد، از سازوکار و ابزارهای مکفی برای اداره چنین سیستمی
برخوردار نیست.^۱

۲. وضعیت کیفی مهدهای کودک

۱-۲. مزایا و مضرات بالقوه مهدهای کودک:

بر حسب نگاه موافقان، کودکان با قرار گرفتن در محیط مهدکودک، معمولاً رشد تکلم بهتری پیدا می‌کنند، اعتماد به نفسشان بیشتر می‌شود، اضطرابشان کاهش می‌یابد، اگر در مهدکودکی که شرایط خوبی دارد، نگهداری شوند، توان دوری از مادر را به تدریج پیدا می‌کنند و از طرفی سن مناسب برای آموختن زبان دوم، سه‌سالگی است و رفتن به مهدکودک آموزش آن را تسريع می‌کند. این افراد همچنین بیان می‌کنند که مهد نمی‌روند: دیرتر اجتماعی می‌شوند، هنگام بازی با همسالان قوانین را رعایت نمی‌کنند و این کودکان زمان رفتن به مدرسه به سختی از مادر جدا می‌شوند، زیرا هرگز تجربه دور بودن از مادر را نداشته‌اند.^۲

در مقابل گروه بالا که از حامیان و مروجان مهدکودک هستند و برای آن مزایایی ذکر می‌کنند، عده‌ای هم رفتن به مهدکودک را مخصوصاً از سنین پایین دارای معایبی می‌دانند همچون: پرخاشگر شدن کودک، مستعدشدن برای بیماری‌های جسمی و فکری، تأثیر متقابل بچه‌ها از هم به‌ویژه در امور ناشایست، اصول تربیتی غلط برخی از مریبان مهدها، کم‌حوصله بودن مریبان و از همه مهم‌تر دور شدن کودک از آغوش مادر (که بهترین مأمن خصوصاً برای بچه‌های کوچک‌تر است) و محیط خانه و خانواده و تربیت شدن در فضا، فرهنگ و اصولی بعض‌ناهمانگ با فضای خانه و اطرافیان.^۳

۱. محمدصادق فقفوری، همان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳.

۲. کتابیون خوشابی، هفته‌نامه سلامت، «راهی برای اجتماعی شدن کودک»، ص ۱۴.

۳. نسرین صفری و اما مهدکودک، پortal تبیان، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.



۲-۲. وضعیت فرهنگی موجود مهدهای کودک:

در بخشی از دستورالعمل مربوط به تأسیس، اداره و انحلال انواع مهدهای کودک که توسعه سازمان بهزیستی اعلام شده، در قسمت اهداف عمده تأسیس آن آمده است:
«**ماده ۲**:

بند ۲- ارتقای هشیاری اخلاقی و توجه به ارزش‌های دینی و مذهبی
بند ۴- آموزش مفاهیم اجتماعی نظری تعاون، نوع دوستی، گذشت، ایشاره، همکاری و ارزش‌های مطلوب زندگی از طریق آموزش غیرمستقیم و کسب تجارت گوناگون.
بر حسب این دستورالعمل، آشنا ساختن کودکان با ارزش‌های دینی که در رأس آن‌ها رفتارهایی همچون تعظیم و تکریم در برابر خالق هستی و نمازخواندن قرار دارد و نیز معرفی نهاد مسجد و کارکردهای آن به شکل نظری و عملی به کودکان به عنوان نماد دین‌داری و نهاد ارتباط‌دهنده انسان‌ها با خداوند و ارزش‌های دینی- جزء وظایف اولیه مهدهای کودک است که با توجه به اهمیت دوران کودکی - که پیشتر ذکر شد- اگر کوتاهی در این قضیه صورت گیرده تبعات و پیامدهای منفی بسیار سهمگینی را درپی خواهد داشت. به‌طوری که در آینده با نسلی مواجه خواهیم بود که با ارزش‌های دینی همچون نماز آشنا‌یی ندارد و تمایلی برای ارتباط‌گیری با نهادهای مذهبی همچون مسجد ندارد و درواقع فرهنگ زیستی او غیردینی و مستعد اخذ آموزه‌های انحرافی از رقبای مسجد است؛ چیزی که محتوای فعلی برخی مهدهای کودک نشان از آن دارد.

در مهدکودک‌های تشکیل شده در جامعه ما که نوعی کپی‌برداری از نمونه‌های غربی بود، کمتر به وظایف گفته شده و ارائه الگوهای اسلامی توجه می‌شود و لذا این موضوع سبب نگرانی برخی از مردم و مسئولان شده است؛ هم‌اکنون در تعدادی از مهدها به خصوص مواردی که در محله‌های مرفه شهر قرار دارند، سنختی بسیار کمی میان محتوای آموزشی آن‌ها با آنچه مورد انتظار است دیده می‌شود: برخی مهدکودک‌ها برنامه‌ها و فوق برنامه‌های به قول خودشان مفرح و جذاب دارند! کلاس‌های فوق برنامه مانند «آموزش اُرف»^۱ و آموزش تئاتر و سرود؛ که



منظورشان از برگزاری کلاس آموزش تئاتر، آموزش حرکات موزون و منظور از کلاس آموزش «أَرْف» نیز شناخت دستگاه «بلز»^۱ و اجرای آن توسط کودکان است!^۲

در تعدادی از این مهدکودک‌ها علاوه بر آموزش رقص به آموزش شنا هم می‌پردازند که در محیط استخر به صورت مختلط انجام می‌شود.^۳

مورد دیگر، آموزش دادن مدروز لباس‌هایی که برگرفته از مدل‌های غربی است.

در این مهدکودک‌ها به کودکان آموزش می‌دهند که لباس‌ها و مدل مویشان را چگونه انتخاب کنند تا بتوانند جذابیت جنسی خود را به دیگران نشان دهند.

پخش و آموزش ترانه‌های «آن ور آبی» به بهانه شاد بودن یکی دیگر از موارد است.^۴

بخش دیگر، آموزش‌ها و برنامه‌هایی ویژه از جمله آموزش زبان انگلیسی، سرود انگلیسی، شعر انگلیسی، «بالماسکه»^۵ انگلیسی و مانند آن است! در حالی که معلوم نیست چه اصراری بر «انگلیسیزاسیون»^۶ کردن مهدکودک‌ها و کودکان و آینده‌سازان کشوری مسلمان در تراز جمهوری اسلامی ایران، با وجود دشمنی چون کشور سلطنتی انگلستان، وجود دارد؟ آن‌هم زمانی که تعالیم مرتبط با زبان عربی که زبان دینی و هویتی ماست بسیار کمنگ است.^۷

برگزاری اعیاد با همراهی موزیک و رقص که در بسیاری از مراسم آرایش محو صورت، عادی تلقی می‌شود.

رفتارهای مذهبی و پرورش اخلاقی و اسلامی کودک کمترین اقبال را در برنامه‌های آموزشی دارد و اغلب به صورت سرفصلی با نام آموزش قرآن در برنامه‌های هفتگی گنجانده می‌شود.^۸

حتی مهدهای کودکی که دغدغه اسلامی دارند، بعضًا صلاحیت‌های تربیتی و بعضًا صلاحیت‌های دینی را چندان مورد توجه قرار نمی‌دهند و به رغم اقبال خانواده‌های

Bell Music Instruments .۱

۲. سکولاریزه کردن مهدکودک‌ها، بخش فرهنگی پورتال یالثارات، ۱۳۹۲/۴/۲۹.

۳. هدی سادات پاک‌نهاد، رقص باپنؤل در مهدکودک‌ها، بخش اجتماعی پورتال تبیان، ۱۳۹۳/۱۰/۱۵.

۴. در مهدهای کودک چه می‌گذرد؟ خبرنامه دانشجویان، ۱۳۹۳/۷.

۵. Bal masqué

۶. Anglysyzasyvn.

۷. سکولاریزه کردن مهدکودک‌ها، بخش فرهنگی پورتال یالثارات، ۱۳۹۲/۴/۲۹.

۸. مهدکودک‌ها و تربیت مدرن، مجله اینترنتی دختایران: www.dokhtiran.com.

مذهبی به این مراکز، به نظر می‌رسد به طور شایسته سامان نیافته‌اند و لازم است که متولیان امر تعلیم و تربیت به مدیریت محتوایی، قادر تربیتی و فضای امکانات آن‌ها توجه جدی داشته باشند.

در جمع‌بندی آنچه گفته شد به نظر می‌رسد، در وضع موجود (با تأسیس بی‌حساب و کتاب مهدهای کودک، مربیان و محتوای آموزشی ضعیف و عدم نظارت لازم بر کادر و محتوای آن‌ها) استعداد بالقوه مهدهای کودک در تربیت ناسالم و غیر مسجدی، بیشتر از قابلیت آن‌ها در تربیت اخلاقی و مسجد محور باشد.

۳-۲. تقسیم انواع مهدهای لحاظ محتوایی:

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان سه گونه مهدکودک را در نظر گرفت که هر کدام با عمق متفاوتی به مباحث دینی و آشناسازی کودکان با نمادها و شاعر دینی همچون نماز و مسجد می‌پردازند:

الف: دسته اول شامل مراکزی می‌شوند که به دین به عنوان امری فرهنگی توجه می‌کنند و فعالیتها و برنامه‌های دینی را با همین نگاه در چارچوب کاری خود می‌گنجانند. برای چنین مهدهایی دینی بودن یا نبودن یک برنامه چندان اهمیتی ندارد و بعضاً صرف نوستالژیک بودن یک فعالیت برای پرداختن به آن کفايت می‌کند؛ همچون پخت و توزیع نذری. چنین مهدهایی از یک سو مناسبات‌های اسلامی همچون نیمة شعبان و عید غدیر را جشن می‌گیرند و از سوی دیگر ایامی همچون یلدا، کریسمس و ولنتاین را به صورت پرنگ مورد توجه قرار می‌دهند! چندان بعيد نیست که تربیت‌شدگان چنین مهدهایی در هنگام تعارض مؤلفه‌های دینی و غیر دینی، دین را کنار بگذارند.

ب: دسته دوم، مهدهایی را دربرمی‌گیرد که در آن‌ها مؤلفه‌های دینی به طور جدی‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند، اما فعالیتها دیگری نیز تعریف می‌شود که نسبت آن‌ها با دین مبهم است. چنین مهدهایی گرچه تلاش دارند به اقتضا و در حد توان، به برخی از فعالیتها و مناسبات‌های دینی بپردازند، اما به دلیل داشتن انگیزه اقتصادی و یا سطحی بودن برداشت‌شان از دین، عملاً فعالیت‌های دیگری نیز



تعریف می‌کنند که در سبک زندگی دینی جایی ندارد؛ لذا شاید چندان عجیب نباشد که در این مهدها، «آموزش و حفظ قرآن» و «آموزش موسیقی، یوگا و رقص باله» با هم در برنامه روزانه گنجانده شود!

از آنجاکه بخش قابل توجهی از مهدها در این دسته جای می‌گیرند، توجه جدی‌تر به آن‌ها ضرورت می‌یابد. باید توجه داشت گرچه این مهدکودک‌ها کم‌وبیش به دنبال پیاده‌سازی تربیت مبتنی بر اسلام هستند، به دلیل خلاالگوهای بومی دینی و یا ناگاهی از مبانی تربیت دینی، به سمت الگوهای تربیتی غیربومی سوق پیدا می‌کنند که نسبتش با دین و آموزه‌های مسجد مشخص نیست؛ مهدهایی که از یک سوابیزهای «مونته سوری» را به کار می‌گیرند و از سوی دیگر با گنجاندن برنامه‌های قرآنی و مناسبتی اسلامی سعی در تربیت کودک مسلمان دارند.

ج: دسته سوم شامل مهدهایی می‌شود که دین را محور و مرکز فعالیت تربیتی خود قرار داده‌اند و تلاش دارند همه فعالیت‌های خود را بر این اساس سامان دهند. چنین مهدهایی که البته تعدادشان چندان زیاد هم نیست، دغدغه مشترکی دارند: برای فعالیت‌های مختلف خود، شواهد و مستندات دینی پیدا می‌کنند و در این مسیر، ارتباط قابل قبولی با کارشناسان تربیت دینی دارند. تأکید بر سبک زندگی اسلامی در بخش‌های مختلف فعالیت‌ها یکی از ویژگی‌های مهم چنین مهدهایی است.

به عنوان نمونه، تأکید بر آداب غذا خوردن، خواندن دعای سفره، مسوک زدن بعد از غذا، رعایت شکون پوشش کودکان دختر و پسر و مربیان در مهد، خواندن قرآن و دعای فرج در هر روز، طرح کارهایی با موضوعات و نمادهای اسلامی همچون نماز و مسجد، برگزاری مراسم‌های مذهبی (اعم از جشن و عزا) از این جمله است. این نگرش در فعالیت‌های ظاهرًا غیردینی هم اثر می‌گذارد؛ به عنوان نمونه در اردوهای نیم‌روزه، بازدید از اماکن مذهبی مورد تأکید است تا کودکان از ابتدا با این عناصر آنس بگیرند؛ البته در کنار این، آشنا کردن بچه‌ها با فضاهای مختلف هم موردن توجه است. کاردستی بچه‌ها هم در این نگرش تفاوت دارد؛ به عنوان مثال دوختن سربند، شابلون زدن اسامی ائمه، جنگیدن با دشمن اسرائیلی و کمک به فلسطینی‌ها در



بازی‌ها، نقل داستان‌هایی از ائمه و شهدا از این قبیل فعالیت‌ها است. البته مهدکودک‌های دسته اخیر، هنوز نتوانسته‌اند الگوی منسجم و نظاممند تربیتی به دست بدهند و به تعبیری هنوز «در حال شدن» هستند. حمایت از این‌چنین مراکزی و ثبت و تبادل تجربیات آن‌ها می‌تواند گامی در مسیر بهبود فضای مهدکودک‌ها باشد. شایان ذکر اینکه با توجه به محوریت خانواده در تربیت کودک زیر هفت سال، همه سیاست‌ها و اقدامات باید در جهتی باشد که تا حد ممکن، خانواده‌ها خود، متولی تربیت کودکانشان باشند و مهدکودک به عنوان مکمل و در شرایط خاص توصیه شود.^۱

۴- رگه‌های جریان نظاممند تربیت غربی در مهدکودک:

از سال ۱۳۸۲، شبکه‌ای از مهدکودک ایرانی به صورت الکترونیکی به یکدیگر متصل شدند که در این شبکه الکترونیکی مجموعه مدیران مهدکودک ایرانی اطلاعات پرونده آموزشی کودکان ایرانی را در فضای شبکه به ثبت می‌رسانند و همچنین شبکه به عنوان ابزار ارتباط‌گیری و ارائه جزوای آموزشی به کار گرفته می‌شد؛ اما متأسفانه اطلاعات شبکه مذکور در سال ۱۳۸۸ به یونسکو و یونیسف طبیعتاً این سازمان و مجموعه سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به یونسکو و یونیسف در ایران موظف به تلاش برای نهادینه ساختن فرهنگ ایرانی-اسلامی میان کودکان ایرانی نیستند و برای برگزیدگان سیستم مطبوع خود در امر روانشناسی کودک همچون فروید، روسو، مونته سوری، پیازه و دیگران به تبلیغ می‌پردازند. لذا هم‌اکنون در صفحه متعلق به اغلب مهدکودک‌های عضو شبکه الکترونیک مهدکودک، جزوای منطبق با دستورات روانشناسی فروید دیده می‌شود. در دوره‌های آموزشی که به صورت نیمه‌خصوصی در این شبکه برگزار می‌شود نیز نظریه شرطی کلاسیک پاولف، نظریه شرطی کنشگر اسکینر، نظریه فروید، نظریه رشد اجتماعی اریکسون، نظریه رشد اخلاقی کلبرگ، نظریه رشد بندورا و نظریه رشد شناختی پیازه تدریس می‌گردد. این در حالی است که متأسفانه هنوز دستورالعملی بهتر از همین فرمان‌های سیستم آموزشی غربی به زیرمجموعه مدیران مهدکودک

۱. مجتبی همتی فر، وقتی مهدکودک سکولار باشد، پورتال خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳، کد خبر: ۲۵۱۵۷۲۴.



ارائه نشده، هرچند بنا بر اطلاعات به دست آمده، طرحی پیشرفتی و بومی با همین هدف در حال حاضر در سورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه شده است.

در جزویت آموزشی تهیه شده توسط مرکز بین‌المللی آموزش «مونته سوری»^۱ به‌وضوح قوانین اولیه جهان‌بینی صهیونیستی، «کابالا»^۲ در قالب آزمایش‌های کودکانه و بازی‌های ساده به کودک یاد داده می‌شود. همچنین داستان تکامل برآمده از تز داروینیسم نیز در شکل داستانی «ماجرای آفرینش» برای کودکان بازگو می‌شود. درواقع مونته سوری، روش آموزشی غربی است که به دلیل فقدان برنامه‌آموزشی واحد، در مهدهای کودک ایرانی، به اسم ترویج فرهنگ صلح و مدار، در قالب سازمان‌های غیردولتی در حال اجرای برنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در ایران و برای کودکان است.^۳

با این حساب برآیند وضع موجود محتواهای تربیتی مهدهای کودک حاکی از این است که مهدهایی که دارای تربیت عالمانه دینی باشند و بتوانند کودکان را با نمادها و شعائر دینی همچون نماز و مسجد آشنا سازند (نگرش‌سازی) و مهم‌تر اینکه، مهدهایی که متولیان آن‌ها و مریانشان با رفتار و کردارشان، تصویرآفرینی مثبت دینی و مسجدی در کودکان داشته باشند و از نماز و مسجد ارزش‌آفرینی کنند در اقلیت‌اند. بخش کثیری از مهدهای کودک، التقط محتواهای دارند و بخش قابل توجهی نیز محتواهای غیردینی دارند.

به نظر می‌رسد از مهدهای کودک فعلی چندان نباید انتظار داشت که کودکان در این مهدها با نماز و مسجد آشنا باشند و نهاد مسجد در ذهن و اندیشه کودکان جذاب باشد.

Monte Syria.^۱

Kabbalah.^۲

۳. محمدصادق فقفوری، همان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳.



۱. لزوم توجه به ایجاد مهدهای کودک مناسب

با توجه به نیاز جامعه دینی ما توجه به این موارد و سرمایه‌گذاری بیشتر برای تأسیس مهدهای کودک با معیارهای اسلامی مهم و ضروری است؛ زیرا از این طریق این‌گونه مراکز می‌توانند در کنار خانواده‌ها در امر تربیت صحیح فرزندان مشارکت کنند و بخشی از نگرانی‌های تربیتی والدین و به خصوص مادران را رفع کنند؛ البته نکته‌ای که باید در اینجا مذکور شد این است که هرگز نباید فراموش کرد که بن‌مایه‌های اولیه فرهنگی و اعتقادی لازم برای این مقوله وجود دارد و نیازی به وضع و دریافت پاره‌ای از مسائل از فرهنگ بیگانه نیست.^۱

جالب است که اخیراً طرحی تحت عنوان مهدکودک مساجد مطرح شده و در شورای عالی انقلاب فرهنگی در دست بررسی است؛ در این طرح در نظر است تا مهدهای کودک در تعامل نزدیک با فضای معنوی مسجد و نیز محتوای تربیتی متعالی آن قرار گیرند. این طرح گام‌های ابتدایی خود را می‌پیماید و بدون تردید نقاط قوت و ضعف و فرسته‌ها و تهدیدهایی دارد که لازم است بدون یکجانبه‌نگری و دخیل نمودن احساسات دینی، به شکلی کاملاً منطقی و آینده‌نگر، مورد بررسی قرار گیرد.

۲. ضرورت آموزش دینی مربيان مهدکودک

ناکارآمدی شیوه‌های سنتی آموزش و تربیت، نداشتن نگرش دینی نسل پرورش‌دهنده، فقر مدیریت فرهنگی و آموزش‌های خرافه‌ای- و نه اخلاقی و عقلانی- از علل اصلی نهادینه نشدن ارزش‌های معنوی و فرهنگی در کودکان و جوانان هستند. همه این نتایج نقشه راه ضرورت توجه به آموزش در مهدکودک را ترسیم می‌کنند.

نهادهای مسئول در مهدکودک و در رأس آن‌ها سازمان بهزیستی باید چنان برنامه‌ریزی داشته باشند که:

۱. اقدس عظیمی، مهدکودک هفت‌نامه حزب مولفه اسلامی، «دینی از رؤیا تا واقعیت»، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸، کد مطلب: ۹۶۷۵.



الف: کودکان، مربیان مجرب و زبده به لحاظ اخلاقی و دینی داشته باشند و برای این کار لازم است علاوه بر گزینش ابتدایی مربیان و اطمینان از وجود ملاک‌هایی در این خصوص، به آموزش‌های بدروضمن خدمت آن‌ها توجه ویژه داشته و آن‌ها را با محتوای تعالیم دینی و نمادها و رفتارهای آن همچون نماز و مسجد آشنا سازند و نیز نحوه انتقال این مفاهیم را به کودکان مهدکودکی، یاد دهند.

ب: محتوای مشخص و معینی را برای همه مهدهای کودک تعریف نمایند تا هر کسی بر حسب صلاحیت و تشخیص خود به ارائه محتوای تربیتی متفاوت اقدام ننماید. این کار نظارت بر آن‌ها را نیز بسیار سهل و ممکن خواهد ساخت. در این محتوا باید مهم‌ترین نیازهای زیستی کودک هم به لحاظ روحی و هم جسمی مورد توجه قرار گیرد.

بدون تردید یکی از موارد مطرح در این محتوا، محتوای مربوط به نماز و مسجد خواهد بود.

البته در خصوص این راهکار قابل ذکر است، ازان‌جاكه بخش عمده‌ای از مشکلات و یا بهبیان دیگر، بهانه‌های مسئولان در عدم تحقق آموزش مناسب، کمبودهای مالی و ضعف بودجه آموزش است، می‌توان روی نهاد مسجد و آموزش‌های مخلصانه و بی‌هزینه و نهایتاً کم‌هزینه آن، حساب کرد و از ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن در جهت آموزش محتوای دینی به مربیان مهدها بهره گرفت. به ویژه که نهاد مسجد با مجموعه‌ای از نهادهای دینی دیگر همچون حوزه‌های علمیه ارتباط دارد و مسئولان متولی آن می‌توانند نقش خوبی را به عنوان حلقه واصل، در جهت سریان و جریان یافتن معارف اصیل دینی از سوی حوزه‌ها به مهدها، ایفا نمایند.

۳. جهت‌گیری فرهنگی در نظارت‌ها

در مهدکودک‌های موجود، بیشتر به برگزاری جشن‌ها و اعیاد ملی و نه مذهبی تأکید می‌شود و این جداسازی به مرور ملکه ذهن کودک می‌شود. این‌ها همه در حالی



است که نظارت بر کار مهدکودک‌ها بیشتر به رعایت بهداشت در محیط و بررسی امکانات عینی و ملموس در مهدکودک‌هاست و نظارتی بر شیوه آموزشی و برنامه پرورشی آنان اعمال نمی‌شود.^۱ لذا لازم است به طور جدی، بر محتوای تربیتی مهدهای کودک و نوع تغذیه فرهنگی آن‌ها توجه و نظارت جدی صورت گیرد. نهاد مسجد می‌تواند و باید چنین رویکردی را از سازمان‌های مسئول، مطالبه نماید و نیز در جهت همکاری نظارتی و در حد توان نیروی فرهنگی خود، اعلام آمادگی نماید.

۱. مهدکودک‌ها و تربیت مدرن، مجله اینترنتی دخت‌ایران: www.dokhtiran.com



بخش دوم: آموزش و پرورش

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

تریبیت و شکل‌گیری شخصیت افراد به‌ویژه نسل جدید، تحت تأثیر عوامل مختلف درونی، بیرونی و حتی عوامل فوق طبیعی قرار دارد. عوامل گوناگون مؤثر در تربیت، هر کدام در جای خود مهم و دارای درجه خاصی از تأثیر است. در این میان دو عامل خانواده و مدرسه نقش بسیار برجسته‌ای نسبت به دیگر عوامل دارند و در واقع این دو هستند که شخصیت افراد را شکل می‌دهند. خانواده نخستین محل تعلیم و تربیت و عرصه آموزش برای تمام افراد است. اینجاست که بخش اعظم سلایق و علایق، شخصیت و الگوهای رفتاری افراد شکل می‌گیرد. مدرسه نیز به عنوان مکمل خانواده، کانونی است که در آن افراد علاوه بر کسب معلومات، تربیت می‌شوند و در آن دو عامل کلی بیش از سایر عوامل در نحوه تربیت دینی کودکان و نوجوانان نقش بازی می‌کنند: یکی از آن‌ها مربوط به محتوای کتب آموزشی است که در صورت داشتن استانداردهای لازم، نقش بسزایی در انگیزش دینی فرزندان خواهد داشت و دومی، نقش بارز و بی‌بدیل معلم است که بر حسب جایگاه و کارویژه‌های



خاصی که دارد مهم‌ترین نقش را در بهثمرنشستن محتوای آموزشی -بنابر فرض مطابقیت- در روح و روان کودکان و نوجوانان بازی می‌کند.

بر این اساس موضوع تربیت دینی دانش آموزان در مدارس و آشنا ساختن آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین اهداف نظام آموزشی است که در این قسمت از تحقیق به بررسی بایسته‌های محتوای آموزشی و معلم مطلوب و وضع موجود آن‌ها در مدارس کشور -در حد وسع این تحقیق- پرداخته می‌شود:



« ب: وضع موجود آموزش و پرورش »

۱. وضع موجود محتوای آموزشی کتب درسی

انجام رسالت تربیت دینی فرزندان و نیز آشنایی آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت، در کشور ماتاحد قابل توجهی به نهاد آموزش و پرورش واگذار شده است. در درون این نهاد نیز کتاب‌های درسی به عنوان یک سازوکار مؤثر مطرح هستند و محتوای این کتاب‌ها می‌توانند نقش مؤثری در هدایت و پرورش دینی و اسلامی دانشآموزان ایفا کنند.

در همین راستا نتایج یک تحقیق در محتوای کتب دینی سال دوم متوسطه نشان می‌دهد که توجه به معیار اهمیت دین و مفید بودن دین در زندگی در این کتاب زیاد مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد از جمله دلایلی که این کتاب نتوانسته است برای دانشآموزان اهمیت و کاربردی داشته باشد بتوان به مواردی چون تکراری بودن مطالب کتاب، عدم بیان مطالب اساسی و بنیانی تری که باید در قالب این درس ذکر شود (ولی به این موضوع توجهی نشده است) و ارتباط ضعیف محتوای درس با مسائل زندگی روزمره دانشآموزان و به عبارت دیگر به روز نبودن مطالب و بیان مطالب سطحی اشاره کرد. در حالی که محتوای این درس به خاطر اهمیت فراوانی که در جامعه دینی مادرد، باید به گونه‌ای تدوین شود که قبل از هر چیز، دانشآموزان با مطالعه آن، این درس را کاملاً مفید احساس کنند و محتوا به گونه‌ای باشد که دانشآموز، خود به دانستن آن احساس نیاز کند. علاوه بر این توجه به معیار سودمندی در این تحقیق با استفاده از شاخص‌های پاسخگویی به نیازها و مسائل دینی دانشآموزان، ارتباط بین دین و زندگی و سودمندی دین در زندگی موردنرسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در کتاب دین و زندگی دوم متوسطه به معیار سودمندی دین در زندگی توجه زیادی نشده است.^۱ یکی دیگر از محققان در مقام تبیین ضعفهای محتوای آموزشی نظام آموزش و پرورش

۱. ناهید صادقی لویه و همکاران، نشریه اطلاعات، «تحلیل محتوای کتاب درسی دین و زندگی پایه دوم متوسطه از دیدگاه معلمان»، ۱۳۹۲/۹/۳۰.



کشور می‌گوید: نخستین آسیب، فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان باصلاحیت، در طراحی و تولید برنامه‌های درسی دینی است. آموزش‌وپرورش برای برنامه‌ریزی درس دینی، به کارشناسان و صاحب‌نظرانی نیاز دارد که در آموزش معارف دینی متخصص باشند. وجود تنوع در مطالب کتاب‌های دین و زندگی، استفاده از آثار نویسنده‌گان و متفکران اصیل و مشورت کردن با خود دانش آموزان برای انتخاب مطالب درس دینی، می‌تواند این اطمینان را به دانش آموزان بدهد که به‌هیچ‌وجه، هدف از کلاس دینی، تحمیل پاره‌ای از آموزه‌های از پیش تعیین شده نیست. همچنین عدم آشنایی برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب دینی با دین‌پژوهی‌های معاصر و تغییر و تحولات نوینی که در عرصه دین‌پژوهی صورت گرفته است، یکی دیگر از آسیب‌های جدی در برنامه‌ریزی و محتوای آموزشی است.^۱

از محتوای کتب درسی آموزش‌وپرورش انتظار می‌رود همچنان که مفید بودن برخی مهارت‌های زندگی را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد و با استدلال‌های عقلی و مناسب برایشان مسائل را تبیین و درونی‌سازی می‌کنند، در موضوعات دینی و از جمله اقامه نماز به شکل نماز جماعت و همچنین آشنایی با نمادهایی همچون مسجد و روحانیت نیز با شکلی مطلوب و جذاب، اقدام شود. در حال حاضر، هرچند محتوای آموزشی غیردینی و ضد دینی در آموزش‌وپرورش تقریباً وجود ندارد و به لحاظ حجمی، بخش زیادی به محتوای دینی اختصاص یافته است، لیکن خروجی محتوای آموزش‌وپرورش در فراغیران آن، آشنایی مناسب، مستدل و الهام‌بخش با مسائل دینی و نمادهای آن همچون برپاداشتن نماز و برقراری ارتباط با مسجد نیست.

۲. وضعیت معلمان نظام آموزش کشور

در مدرسه عوامل مختلفی وجود دارند که در امر تربیت مؤثرند از قبیل برنامه‌های درسی، مواد آموزشی، سازمان مدرسه و امکانات آموزشی آن؛ ولی هیچ‌یک از این‌ها

۱. بیژن عبدالکریمی، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش‌وپرورش، «آسیب‌شناسی پاره‌ای از مبانی نظری تعلیم و تربیت دینی در ایران»، ج ۱، ص ۲۱۷ و ۲۲۱.



به اندازه معلم، چه به لحاظ آموزشی و چه تربیتی اهمیت ندارد؛ زیرا این معلم است که به همه آن عوامل جان می‌بخشد و آن‌ها را سودمند و نتیجه‌بخش و یا احیاناً مضر و زیانبار می‌سازد. همچنین اوست که نسل‌ها را به هم‌دیگر ارتباط می‌دهد، فرهنگ جامعه را حفظ می‌کند، تغییر می‌دهد و تکامل می‌بخشد، به رفتار دانش‌آموز شکل می‌دهد و افراد موردنیاز جامعه را تربیت می‌کند.

از طرفی در نگاه اسلامی و در کشور ما، فرض تربیت بدون توجه به تربیت دینی مسئله‌ای بی‌مفهوم و حتی نامطلوب است و بخش قابل توجهی از تربیت مربوط به تربیت دینی است. لذا در تربیت دینی فرزندان در نظام آموزش و پرورش به دنبال سه هدف هستیم: دانش‌آموزان آموزه‌های تربیت دینی را درست و مستدل یاد بگیرند و برآشت‌های صحیحی از حقایق معنوی و دینی داشته باشند، با آگاهی از مزایا و مصالح دنیوی و اخروی آموزه‌های دینی، در ذهنشان ارزش‌آفرینی شود و آموزه‌ها و معارف شناسایی شده را با صفت خوب و مفید و دوست‌داشتنی بشناسند و نهایتاً هم به سمت انجام عملی آن‌ها سوق داده شده و رفتار و کردارشان در تمام زمینه‌ها در چارچوب این معارف باشند. معلم در هر سه محور نقش‌های مهمی باید و می‌تواند ایفا کند که محور سوم در فصل بعدی موردنرسی قرار می‌گیرد و اینک به تبیین و وضعیت دو هدف ابتدایی می‌پردازیم:

۱-۲. نقش معلم در شناساندن معارف دینی و مسجدی:

معلم به از این نظر که مستعدترین افراد به لحاظ ذهنی و پاک‌ترین آن‌ها به لحاظ قلبی و روحی و عاطفی، یعنی کودکان را در اختیار دارد، و هم‌چنین به دلیل اینکه بیشترین وقت دانش‌آموزان را در اختیار دارد و مهم‌تر از همه عهده‌دار آموزش و تعلیم آنان است، می‌تواند نقش بسیار ممتازی در تربیت دینی و آشنایی کودکان با نمادها و شعائر دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت (امام جماعت) ایفا نماید. او می‌تواند از فرصت‌های متعددی که در حین درس دادن برایش فراهم می‌شود، استفاده کند و عقاید اسلامی و آموزه‌های دینی را درست تبیین و باورهای نادرست و خرافاتی را مانند این عقیده که «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است»



که در اذهان بچه‌ها از طریق خانواده، یا محیط بیرون نقش بسته، از نگرش‌ها و باورهای دینی آن‌ها جدا کند.

کودکان به خاطر حس کنجکاوی پرسش‌های فراوانی راجع به مسائل مختلف از جمله مسائل دینی دارند که ممکن است به پاسخ قانع‌کننده‌ای دست نیافته باشند؛ مانند اینکه «چگونه ممکن است خدایی که جسم و مکان ندارد مسجد خانه او باشد؟» و یا ممکن است با پاسخ‌های غلطی که از والدین و یا کسانی دیگر دریافت کرده‌اند، عقایدی نادرستی پیداکرده باشند. معلم می‌تواند با جواب به سؤالات و در مواردی نیز با تفکیک مسائل دینی از غیر آن، عقاید آن‌ها را پالایش کند. او حتی وقتی که فیزیک، شیمی، ریاضی، زبان خارجی، ادبیات و ... تدریس می‌کند نیز می‌تواند در ضمن آن‌ها و در فرصت‌های مناسب به تبیین معارف دینی و مسجدی بپردازد.^۱

۲- نقش معلم در ارزش‌آفرینی:

شناخت معارف و آموزه‌های دینی مستقلأ و فی نفسه برای مطلوبیت ذهنی و روانی آن‌ها کافی نیست و سبب دوست داشتن آن‌ها نمی‌شود. همچنان که شناخت رذایل و عقاید نادرست نیز به تنها‌ی برای طرد ذهنی آن‌ها مکفی نیست و بلکه به تبیین مضرات و منافع و کارکردهای آن عقیده و رفتار نیاز دارد.

باید مصلحت‌های موجود در فضائل اخلاقی مانند راست‌گویی و به مسجد رفتن و نمازخواندن و فواید دنیوی و اخروی آن‌ها گفته شود و متقابلاً مضرات و مفسداتی که این رفتارها توسط معلم بازگویی شود تا دانش‌آموزان جذب آن‌ها شده و آن‌ها را به عنوان یک ارزش (امر مطلوب و مفید و خوب) در ذهن خود بپذیرند. با اینکه آگاهی از اصل وجود خدای واحد صرفاً یک شناخت است، ولی زمانی که از الطاف بی‌کران خداوند بر بندگان گفته شود و مضرات دور افتادن از خدا بیان گردد، از مقوله توحید، ارزش‌آفرینی نیز صورت می‌گیرد که نتیجه ارزش‌آفرینی، رفتار‌آفرینی‌های موردنیاز است؛ لذا با ارزشمند دانستن نماد مسجد، کودکان به

۱. مرضیه نوروزی، دانشنامه روانشناسی و علوم تربیتی، «مدرسه‌های اجتماعی شدن مذهبی دانش‌آموزان»، ۱۳۹۱/۲/۲۹، کدمطلب ۱۱۱۳۳



رفتن بدانجا سوق پیدا می کنند و با ارزشمند شناختن توحید، در امثال اوامر خداوند از جمله نماز، کوشاد و فعال می شوند.

همچنین هرچه دانش آموزان نگاه مثبتتری به معلمشان داشته باشند، احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظر وی تغییر دهنده؛ لذا معلم می تواند با دین داری، گشاده رویی و خوش رویی، خلق نیکو، تواضع و احترام به دانش آموزان، زهد و بی رغبتی به دنیا و آراستگی و زیبایی ظاهری، محبوبیت خود را نزد دانش آموزان افزایش دهد. معلم نباید هیچ وقت دانش آموز را مورد تحقیر و توهین قرار دهد؛ زیرا ممکن است کودک را فراری بدهد و نفرتی در دل او نسبت به معلم و آموزه های او مانند نماز و مسجد ایجاد کند، به گونه ای که گفتار و کردار معلم برای او قابل قبول نباشد.^۱

۱. همان



نگاه به وضع موجود گویای ناهمخوانی‌های قابل توجه و مشهود بین بایسته‌های مذکور با شرایط و ویژگی‌های معلمان موجود در مدارس است؛ خصوصاً از زمانی که نظام آموزش‌وپرورش صبغه‌مادی به خود گرفته و با سوق دادن تعلیم و تربیت دانش‌آموزن به سمت مدارس غیراتفاقی، مقوله تربیت در شکل عام آن و تربیت دینی در شکل خاص آن، اصولاً از اولویت‌های نظام آموزش کشور خارج شده است؛ هرچند متقابلاً مدارسی نیز صرفاً با دغدغه‌های توجه به مسائل تربیتی شکل یافته‌اند، ولی تعداد آن‌ها بسیار کم و اندک است؛ لذا در حال حاضر یکی از مؤلفه‌های مهم که مانع تربیت صحیح دانش‌آموزان در حوزه دین می‌شود، وجود مریبان و معلمان ناکارآمد در حوزه تربیت دینی و مسجدی است. (آموزش‌وپرورش در بسیاری از موارد، کسانی را در سمت معلم و خصوصاً معلم دینی، به کار گماشته که به علت ناپختگی و رفتار نامناسب و نیز عدم بینش و شناخت کافی از [اخلاق حرفه‌ای و تعالیم] دین، موجبات عدم آشنایی [او دل نبستن به آموزه‌ها، معارف و نمادهای دین] و یا حتی یأس، افسردگی و نفرت دانش‌آموزان نسبت به مسائل دینی را فراهم آورده‌اند).^۱

همچنین متأسفانه در مراکز آموزشی خصوصاً در پایه‌های ابتدایی مشاهده گردیده است که معلم و مربی در روان‌خوانی قرآن مشکل جدی دارد و تسلط کامل به قرائت و روان‌خوانی قرآن ندارد. گاهی هم تسلط کامل دارد اما به دلیل نگرش‌های ضعیف و اشتباه، وقت کلاس قرآن و دینی را با کلاس ریاضی و زبان پر می‌کند و دلیل هم می‌آورد که این واجب‌تر است، بچه‌ها ضعف دارند والی آخر!^۲

با این وضعیت که اصل تربیت دینی و آموزه‌های اصولی دین در مدارس با مشکل مواجه است، حساب تعالیم و آموزش‌های مربوط به نماز و مسجد ناگفته معلوم است!

۱. محمدی، مژگان، «رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش‌وپرورش، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۲. حسن آخوندپور، بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه و ارائه راهکارهای کاربردی، پورتال صلات صداوسیما.



۱. اصلاح وارتقای محتوای درسی و شیوه‌های آموزشی

۲. ارتقای الگوهای رفتاری دانش آموزان (معلمان)

۳. اقامه نماز جماعت مطلوب در مدارس

۱-۳. توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه با تلاش برای طراحی، ساخت و تجهیز مناسب نمازخانه، اصلاح برنامه‌ها و توانمندسازی معلمان.

اقامه نماز جماعت و شرکت جستن در مراسم مختلف، توسط عوامل مدرسه (مدیر، معاونان، مریبی و معلمان) بسیار اهمیت دارد. این اهمیت زمانی بیشتر خواهد شد که آن‌ها سعی کنند با دانش آموزان رابطه‌ای ملموس، صمیمی و دوستانه‌تر برقرار کنند و آنان را در این امر واجب و مهم تشویق و راهنمایی نمایند.^۱

۲-۳. اختصاص بهترین و زیباترین مکان در مدرسه به نمازخانه، همراه با تزئین و رنگ‌آمیزی مناسب، به طوری که برای ورود به این مکان در دانش آموز رغبت و تمایل درونی ایجاد نماید. (نوجوان و جوان در مقطع سنی قرار دارند که از حس زیباشناسی بالایی برخوردار بوده، به همین دلیل زیبایی مکانی که در آن حضور پیدا خواهند کرد، برایشان بسیار مهم است و نقش تعیین‌کننده‌ای دارد). در حال حاضر، از نظر امکانات، نمازخانه‌های موجود در مدارس، به جز فرش در مابقی موارد (حرارتی، برودتی و بهداشتی) در حد بسیار محدود و نامطلوبی قرار دارند که لازم است به برنامه‌ریزی جهت تهیه امکانات اولیه برای آن‌ها توجه شود.

۳-۳. سهیم نمودن دانش آموزان در مدیریت و برنامه‌ریزی اقامه نماز جماعت و فعالیت‌های نمازخانه‌ها و مساجد در سطح مدارس؛ بدیهی است ایجاد چنین

۱. نتایج بیش از ۶۰ طرح تحقیقاتی از واحد تحقیق ستاد مرکزی اقامه نماز کشور، ص. ۹.

بستری، باعث می‌شود تا نوجوانان با قبول مسئولیت‌ها بیشتر به مساجد و نمازخانه‌های مدارس روی آورند. همچنین هماهنگی مدیریت مدرسه برای پخش اذان حلقومی و زنده، در ساعات شرعی به صورت چرخشی که دانشآموزان بیشتری را دربرگیرد، از دیگر راه‌های جذب نمودن دانشآموزان به نماز جماعت است.

۴-۳. شناسایی باورهای غلط و موانع حضور دانشآموزان در نمازخانه‌ها و مساجد سطح مدارس، همراه با ارائه راهکار عملی برای حذف موانع و تقویت موارد جذاب و تبیین باورهای عقلانی:^۱

ذکر این نکته حائز اهمیت است که از آنجاکه خلق و خوی مجریان اقامه نماز و مهارت اجتماعی آنان، در برقراری ارتباط با نمازگزاران، به ویژه نوجوانان و جوانان در مدارس، فوق العاده حساس و مهم است، لذا انتخاب افرادی به عنوان مجریان اقامه نماز در مدرسه که از لحاظ ظاهری، اخلاقی، درسی و رفتاری مورد علاقه دانشآموزان باشند، توصیه می‌شود.^۲

۴. تعامل مدرسه با نهادهای تربیتی

نهادینه‌سازی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی محله به ویژه مسجد و کانون‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه از راهکارهای عمده در این بخش است.^۳

به عنوان نمونه دعوت از امام جماعت مسجد هم‌جوار مدرسه، برای ایراد سخنرانی در مناسبت‌های مختلف به خصوص ایام میلاد و برگزاری جشن‌های اسلامی و ملی، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند زمینه آشنایی و انس بین دانشآموزان و مدیر مسجد (امام جماعت) را فراهم سازد. اگر ائمه جماعات مساجد، با برنامه‌ریزی دقیق و ارائه سخنرانی پر محظوظ، هدفمند و جهت‌دار (آمادگی کامل)، در این جلسات حضور پیدا کنند و از نظر ظاهری با چهره‌ای خندان، آراسته و پاکیزه در مراسم شرکت نمایند، زمینه استمرار این ارتباط را بیشتر فراهم خواهند نمود.

۱. محمدعلی موظف رسمی، روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و نماز جماعت، ص ۱۸۳-۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.



مدیریت مدرسه باید تلاش نماید تا از طریق انجمن اولیا و مریبان به صورت هفتگی، ماهانه و یا مقطعی، جلسات مشترکی را با امام جماعت مسجد هم‌جوار و یا مدیران مساجد برگزار نماید. تعامل ایجاد شده موجب پیوند مدرسه، خانواده و مسجد خواهد شد و در سایه این هماهنگی، در چگونگی تشویق و ترغیب کودکان و نوجوانان به نماز و مسجد ایجاد خواهد شد و در نهایت زمینه جذب آنان را فراهم خواهد نمود.^۱

۵. تبلیغات محیطی در مدارس

۱- استفاده از تابلوهای زیبا حاوی عکس، طرح و تصویری از مساجد مشهور جهان اسلام که از حیث مذهبی، تاریخی و اعتقادی از ارزش و اهمیت ویژه‌ای در بین مسلمانان برخوردار باشند و نصب آن‌ها در مکان‌های مناسب مدرسه، جهت تبلیغ بصری حائز اهمیت خواهد بود. هم‌چنین پوستر، شعارنوشته، آویز و دیوارنویسی حاوی مطالب و اشعاری که جنبه عاطفی داشته و فریضه نماز جماعت را به شکل خوشایندی نشان داده، نصب کنند تا احساس خوب و مطلوبی از نماز جماعت در نظر دانش‌آموزان پیدید آید.^۲

۲- مسئولان مدارس با مشارکت دانش‌آموزان بعضی رفتارهای معروف [همچون اقامه نماز و شرکت در نماز جماعت] را در تابلوی مدرسه نصب کنند و پس از تعیین زمان مناسب، از آن‌ها مسابقه‌ای برگزار کنند. هم‌چنین می‌توانند کتب مناسب را در این زمینه برای مسابقه معرفی کنند تا بدین وسیله دانش‌آموزان با این فرایض آشنا شده و از این طریق زمینه برای تربیت و تزکیه آن‌ها فراهم شود.^۳

۳- برگزاری نمایشگاهی از کتب، فیلم‌ها و عکس‌های مرتبط با موضوع نماز و مسجد در سطح مدارس، بهخصوص در مقطع دبیرستان.^۴

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۷۷ و ۱۸۰.

۲. ر.ک: نتایج بیش از ۶۰ طرح تحقیقاتی از واحد تحقیق ستاد مرکزی اقامه نماز کشور.

۳. همان.

۴. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۸۹.



۶. آگاهی‌دهی به دانش آموزان

تبیین جایگاه و منزلت مساجد در اذهان دانش آموزان و نیز بیان آثار و نتایج حضور در مساجد با تمسک به ذکر آیات و روایات به طریق مقتضی و سودمند (به خصوص در موقعی که فضای لازم برای بیان آن توسط سخنرانان، مدیران، دبیران و مسئولین تربیتی مدرسه وجود دارد) از دیگر عوامل افزایش کمی نمازگزاران خواهد بود. چه بسا علت اصلی بسیاری از بی‌رغبتی‌های دانش آموزان نسبت به نماز، نداشتن آگاهی و شناخت کافی نسبت به نماز است. پس خانواده در درجه نخست و مردمان و معلمان مدارس در درجه بعد، باید سعی کنند تا در فرصت‌هایی که به دست می‌آید و با برنامه‌ریزی دقیق و منظم، آگاهی‌های صحیح و سالم، در مورد احکام نماز و ضرورت و اهمیت نماز در زندگی فرد را برای آنان شرح و توضیح دهند.^۱

۷. استفاده از ظرفیت تفریح و سرگرمی

تشکیل گروه‌های گردشگری و سفرهای زیارتی دانش آموزی با هدف بازدید از اماكن تاریخی و مذهبی. ضروری است در این سفرها، بازدید از مساجد تاریخی و مساجدی که به نحوی دارای امتیاز ویژه در فعالیت‌ها هستند، مورد توجه قرار گیرند.^۲

۸. استفاده از ظرفیت کتابخانه مدرسه

تجهیز کتابخانه و نوارخانه مدرسه به کتب و نوارهای مذهبی و دینی به خصوص کتبی که در اهمیت نماز و جایگاه مسجد نوشته شده است و نیز فیلم‌های آموزشی با مفاهیم دینی جهت بهره‌برداری دانش آموزان.^۳

۹. تعریف جایگاه نظارتی برای نهاد مسجد

همه آنچه گفته شد ناظر به این پیش‌فرض بود که در نظام اسلامی، توجه

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۱۸۸.



نهاد آموزش و پرورش به ترویج نماز و آشنا ساختن دانش آموزان با نماد مسجد و تصویر آفرینی مثبت از آن جزء وظایف اصلی و اولویت دار این نهاد در موضوع پرورش روحی و تربیت دینی است. لذا بیجا نخواهد بود که نهاد مسجد با اخذ تمهیداتی، جزء یکی از افراد گروه نظارت کننده بر عملکرد محتوایی و ساختاری مدارس باشد.

همه محورهای پیشنهادی، زمانی به شکل صحیح اجرا خواهند شد که مجری مناسب و در کنار آن ناظر توانمند و بینایی وجود داشته باشد و گزنه با توصیه و سفارش، کار به جایی نخواهد رسید.

نهاد مسجد و مسئولان آن باید به شکل جدی مطالبه گر وجود نمازخانه در مدارس، برگزاری نماز جماعت، پخش اذان، وجود محتوای نمازی و مسجدی مناسب در کتابهای درسی و مانند آن باشند و جایگاه رسمی و قانونی نظارت بر آن را داشته باشند.

۱۰. اتخاذ رویکرد طبیب دوار

حضرت علی علیہ السلام در وصف پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم می فرماید: «طَبِيبُ الدَّوَارِ بِطِيبٍ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاحِمَهُ وَ أَحْمَمَ مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمَّى وَ آذَانِ صُمٌّ وَ أَلْسِنَةِ بُكْمٍ مُتَتَّبِعٍ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغُفلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ» (نهج البلاغه، خ ۱۰۸) «پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم طبیبی است که برای درمان بیماران سیار است. مرهمهای شفابخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گداخته. برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوای زبان‌های لال، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

امروز دیگر زمان آن نیست که نهاد مسجد بنشینند تا نهاد مدرسه به سراغش بیاید و ازوی خاضعانه و با التماس در جهت تربیت دینی و مسجدی استمداد نماید؛ زیرا حقیقت آن است که در اثر رسوخ فرهنگ آموزش محوری آن هم با نگاه سوداگرانه در برخی مدارس و خارج شدن مقوله پرورش و تربیت دینی از اولویت‌ها، نهاد مدرسه بیمار شده و بر پیکره آن آسیب‌های فراوان وارد شده است به طوری که عزم



واراده لازم را برای حرکت خودجوش به سمت مسجد ندارد و لازم است که نهاد مسجد پیش قدم شود و گام اول و ابتدایی ارتباط با مدرسه و دانش آموزان از طریق امام جماعت و هیئت امنای مسجد محل برداشته شود.



بخش سوم: خانواده

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

۱. نقش تأثیرگذار تربیتی خانواده

خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که نقش بسیار مهم و سرنوشت‌سازی، در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان ایفا می‌نماید. از سوی دیگر، انسان‌ها در تمامی جوامع و به خصوص در جامعه دین‌مدار مثل ایران تا پایان عمر ارتباط خود را با خانواده حفظ می‌نمایند؛ به گونه‌ای که توجه و الزام به اوامر و نواهی والدین، جزء لاینفک خصوصیات اخلاقی ایرانیان محسوب می‌گردد.^۱

بنابراین جوّ تربیتی خانواده، در مذهبی و یا غیرمذهبی شدن فرزندان بسیار مؤثر است. خانواده‌هایی که مقید به انجام احکام و فرایض دینی هستند، از همان ابتدا فرزندان خود را با تکالیف دینی آشنا نموده و آموزه‌های دین را به آنان گوشزد می‌نمایند، درنتیجه چنین فرزندانی در هنگام جوانی مشکلی حاد پیدا نمی‌کنند؛ ولی خانواده‌هایی که اصولاً پایبند به احکام دینی نبوده و احساس مسئولیتی در

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۰۵-۱۰۶.

قبال پرورش معنوی فرزندان خود نداشته باشند، ضریب آسیب‌پذیری و شکست در انجام امور مذهبی را در آنان افزایش می‌دهند. جنبه بسیار مهم، مربوط به تربیت خانوادگی در خصوص جذب فرزندان به مساجد، نقش الگویی و سرمشقدی خود والدین است. پدر و مادری که خود بهندرت به مسجد می‌روند و در انجام تکالیف شرعی مشکل دارند، پرا واضح است که نمی‌توانند فرزندانی مسجدرو و مسجددوست تربیت نمایند و این یکی از مضلات فعلی بسیاری از خانواده‌هاست.^۱

نظام خانواده با تولیت پدر و مادر، ویژگی‌ها و بروندادهایی در این خصوص دارد که این ویژگی‌ها در نهادی غیر آن عمل‌آمکن نیست؛ بروندادهای تربیتی چون: کانون سالم تربیت و آموزش مسجدی؛ هرچند نهادهای دیگری نیز می‌توانند نقش تربیت و آموزش فرزندان را ایفا نمایند، ولی اغلب به سلامت و پاکی نهاد خانواده نمی‌توانند باشند. خانواده در انتقال ارزش‌های اخلاقی و مسجدی بهترین نقش را ایفا می‌کند. دلیل آن نیز عبارت است از دلسوزی عمیق و نیز عاشقانه و خالصانه بودن تربیت از طریق نهاد خانواده که در نهادهای هم‌عرض آن -غیر از مسجد- یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و صرفاً رویکرد مادی و سودآوری دارند و یا بسیار کمرنگ است.

«انتقال خالصانه تجربیات:

والدین فرزندان را جزئی از وجود خود می‌دانند و خالصانه و بی‌منت تجربیات دینی مانند مزايا و مصالح نمازخواندن و مسجدی شدن خود را به آن‌ها منتقل می‌نمایند؛ به‌طوری که تا این وظیفه خود را انجام ندهند آرام و قرار ندارند.

البته وجود خانواده شرط لازم برای موفقیت جامعه است نه کافی؛ لذا آوردن مثال‌های نقض از فرزندان ناموفق در برخی خانواده‌ها و مثال‌های موفق از تربیت در غیر خانواده کار درستی نیست زیرا اولاً باید کلیت یک جریان و مدل را بررسی و مقایسه نمود نه مورده‌ی و ثانیاً خانواده نیز برای موفقیت باید یکسری وظایف را درست انجام دهد. آری اگر خانواده مطلوب و سالم، زیربنای اصلی جامعه پایدار

۱. سید مهدی سجادی، جاذبه‌های مسجد؛ مسجد نقطه وصل، ص ۲۰۵.



است، متقابلاً خانواده متأثر از فرهنگ مادی الحادی و ناآشنا با اخلاق دینی و مسجدی، جایگاه مناسبی جهت رشد جسمی و عاطفی زوجین و کودکان ندارد؛ چنین خانواده‌ای به جای ارزش آفرینی از مسجد و آموزش نماز عاشقانه به کودکان، آن‌ها را با انواع رذایل آشنا می‌سازد و خود عاملی می‌شود برای بروز بسیاری از آسیب‌ها.^۱

۲. لوازم موققیت خانواده‌ها در تربیت فرزندان^۲

۳-۱. تفاهم بین والدین:

فعالیت‌های تربیتی و نگرش سازی‌ها و ارزش آفرینی‌ها از نمادها و رفتارهای دینی زمانی ثمربخش‌تر است که ثبات و آرامش بیشتری در خانواده موجود باشد. یکی از راههای ایجاد ثبات و آرامش در خانواده، تفاهم اعتقادی بین والدین است. رابطه بین اعضای خانواده (همسران با همدیگر و والدین با فرزندان) که از آن به جویا بافت عاطفی خانوادگی تعبیر می‌شود، در انتقال مفاهیم تربیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

۳-۲. بعد الگویی خانواده:

اسلام به روش الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه تربیتی همواره به این فن به عنوان شیوه‌ای بسیار مؤثر نگاه کرده و یکی از مکان‌های کاربرد آن را خانواده‌ها دانسته است. رفتار و اعمال والدین خواهانخواه در فرزندان تأثیر می‌گذارد. فرزندان با چشمانی تیزبین به رفتار و گفتار والدین توجه می‌کنند. والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگورا به عهده‌دارند. اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند. اگر والدین مسجدی شدن را می‌پسندند، اول خود باید مسجدی باشند. اگر احترام به بزرگ‌تر را طالب هستند خود باید به بزرگ‌ترها احترام بگذارند.

۱. محمدجواد ولی‌زاده، مسجد و خانواده / فروغ مسجد ۸ (مجموعه مقالات)، ص ۱۹-۲۰.

۲. ایرج شاکری‌نیا، تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده، مصباح، ص ۱۵۵-۱۷۴.



۳-۳. جدیت و منظم بودن:

آموزش دینی، جدی است؛ بنابراین به نظم و جدیت نیاز دارد. خنده، شوخی و مزاح هرچند در حد خود پسندیده است، اما در خصوص دین و هنگارهای دینی جای هیچ‌گونه شوخی و مزاح نیست. کودک باید پی ببرد که هر آن چه به دین مربوط است، از ارزش و احترام برخوردار است. پس باید در برابر آن خاضع و خاشع بود. این اهمیت و جدیت در خانواده باید عملًا برقرار شود؛ مثلاً بسیار مشاهده می‌شود که هنگام مشاهده یک مسابقه فوتبال یا یک فیلم سینمایی، والدین، بچه‌ها را مجبور به سکوت و آرامش می‌کنند؛ در حالی که چنین تعصبی را هنگام پخش برنامه‌های دینی و مذهبی ندارند و بدین ترتیب عملًا به این گونه برنامه‌ها بی‌حرمتی می‌کنند و ارزش آن‌ها را پایین می‌آورند. در حالی که اگر والدین این برخورد را برای برنامه‌های مذهبی به کار ببرند، نگرش فرزندان نیز دستخوش تغییر خواهد شد. خانواده‌های مذهبی همان‌گونه که برای درس و تحصیلات فرزندان با حرارت و جدیت صحبت و برنامه‌ریزی می‌کنند، برای ادای فرایض دینی و خصوصاً در مسجد نیز باید صبر، حوصله و وقت صرف کنند. همان‌گونه که ساعتها صرف نقل و انتقال فرزندان برای کلاس‌های تقویتی می‌کنند، باید صرف حضور در مجالس وعظ و خطابه و مسجد و منبر کنند تا نتیجه مطلوب حاصل شود. همه‌چیز را نباید به دست حوادث و اتفاقات سپرد. باید با جدیت و تلاش زیاد به تربیت مذهبی فرزندان اقدام کرد و آن‌ها را نسبت به برخی آسیب‌های موجود واکسینه نمود.

۴. تشویق تفکر و اندیشه:

تفکر در آموزش‌های اسلامی یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند تلقی می‌شود به‌گونه‌ای که در حدیثی شریف، پیامبر اکرم ﷺ «یک ساعت تفکر را از هفتاد سال عبادت برتر دانسته است»^۱ و حضرت علیؑ در نهج البلاغه می‌فرمایند: «لام کالتفکر؛ هیچ دانشی مانند اندیشه‌یدن نیست.»^۲ این تأکیدها برای این است که انسان جاهل به راحتی نمی‌تواند از اعتقادات خود دفاع کند. لازم است که فرزندان

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج. ۶۶، ص. ۲۹۳.

۲. سید رضی، همان، حکمت. ۱۱۳.



خود را نسبت به علت انتخاب رفتار دینی مانند نماز خواندن و مسجد رفتن هشیار ساخت و از آن‌ها خواست دنبال استدلال‌هایی باشند که در برابر مخالفان قافیه را نبازنند و عرصه استدلال را تنگ نبینند.

۳-۵. ایجاد رابطه عاطفی:

برقراری رابطه صمیمانه و پرمهر و محبت برای الگو لازم است. تحقیقات روان‌شناسی نشان داده است که از بین عواملی نظیر شباهت، قدرت و صمیمیت، عامل صمیمیت تأثیری قوی‌تر بر فرد به جای می‌گذارد^۱ ایجاد صمیمیت و رابطه محبت‌آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و درخواست‌های آنان پیروی کنند؛ زیرا می‌ترسند که در غیراین صورت عشق و علاقه آنان را از دست بدھند.

۳-۶. کنترل‌های غیرمستقیم:

احتمال غفلت و فراموشی برای همگان هست خصوصاً برای کودک یا نوجوانی که اضطراب‌ها و استغلالات ذهنی زیادی دارد. با توجه به این مراتب باید اذعان کرد که همگان به تذکر نیاز دارند و این امر برای کودکان و نوجوانان بیشتر صدق می‌کند؛ بنابراین آن‌ها برای انجام دادن اعمال و شعائر مذهبی نظیر نماز و روزه و حجاب و رفتن به مسجد نیازمند کمک و راهنمایی هستند. لذا مراقبت از برنامه‌های مذهبی کودک و نوجوان، تذکر به موقع و واداشتن آنان به این امور، لازم و حتمی است. در عین حال باید توجه داشت که این کنترل‌ها هراندازه غیرمستقیم‌تر و هنرمندانه‌تر باشد، مفیدتر است و احتمال گرایش نوجوان را به امور شرعی بیشتر می‌کند. نکته مهم دیگر اینکه این تذکرات و درخواست‌ها باید جنبه خشونت، رسواگری و تنبیه‌ی داشته باشد که در این صورت، نتیجه‌های جز دوری هرچه بیشتر کودک و نوجوان از فعالیت‌های مذهبی نخواهد داشت.

۱. اتکینسون، ریتا، اتکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست، همان، ۱.

« ب: وضع موجود

خانواده ایرانی در طی دهه‌های اخیر با تحولات گسترده‌ای روبرو بوده و درنتیجه تغییرات عمدی‌ای در نقش‌های تربیتی آن پدید آمده است. شاید اگر بخواهیم همه تغییرات را در ذیل چند گروه ذکر کنیم، به دو محور کلی از تغییرات به شرح ذیل بررسیم:

۱. تغییر در ارزش‌ها و هنجارها (عرفی شدن)

در گذار از سنت به مدرنیته و به همراه تغییرات فرهنگی جامعه، خانواده ایرانی دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه کرده است. به‌طوری که بزرگ‌ترین مشکل خانواده امروزی گذار از دوره سنت به مدرنیته است. در این فرایند، بخشی از هنجارها و ارزش‌های نظام فرهنگی سنتی برایش کارکردی ندارد و بدیهی است که در توزیع وظایف، نقش‌ها و اهداف هم کارکردی نخواهد داشت. وضعیت کنونی نشانه‌هایی دارد که بیانگر ایجاد یکسری تغییرات ارزشی و هنجاری در نهاد خانواده است.

نتایج تحقیقاتی در شهر تهران نشان می‌دهد که دین‌داری مادران نسبت به دختران قوی‌تر و پایین‌دی آنان به اصول و ارزش‌های دینی محکم‌تر از دختران است و نیز در مورد داشتن حجاب اسلامی همسر، پدران نسبت به پسران به این امر اهمیت بیشتری می‌دهند. علاوه بر این مادران بیشتر از دخترانشان اوقات فراغت خود را در اماکن زیارتی و مذهبی همچون امامزاده‌ها و مساجد می‌گذرانند؛ اما در مقابل دختران بیشتر اوقات فراغت خود را صرف سینما، تئاتر، ورزش، پارک و کوه می‌نمایند. علاوه بر این پسران نسبت به پدران خود به معیارهایی نظری خوش‌تیپ بودن همسر(۲۸,۴ درصد)، داشتن وضع مالی خوب (۳۱,۳ درصد) و دارا

بودن تحصیلات عالی دانشگاهی (۴,۴ درصد) اهمیت بیشتری می‌دهند.^۱

علاوه بر این بررسی‌ها نشان می‌دهد که صرف هزینه‌های زیاد برای قربانی کردن، سفر حج، سفره‌های نذری، صدقات و برگزاری مراسم‌ها و اعیاد مذهبی جای خود

۱. اسماعیل صدیق، جامعه‌شناسخی تحولات فرهنگی- ارزشی خانواده در شهر تهران (پایان‌نامه)، ص ۲۱۷-۲۱۸.



را به صرف هزینه‌ها برای برگزاری جشن‌ها و سفرهای غیر مذهبی مانند جشن‌های تولد، عروسی، مهمانی‌های شبانه، سفرهای اروپا، دبی، آنتالیا، تایلند و جاهایی از این قبیل داده است. به طوری که بنا بر آمار رسمی مسافران ایرانی در صدر آمار گردشگران برخی از کشورهای غیر زیارتی قرار دارند.

از طرفی در زمینهٔ صرف هزینهٔ خانواده جهت امور مذهبی آمار نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از شهروندان تهرانی هیچ هزینه‌ای را به عنوان صدقه، نذر، خیرات و مبرات نمی‌پردازند و یا در بارهٔ انجام مناسک مذهبی نیز ۷۲ درصد از شهروندان تهرانی اعلام کرده‌اند که هرگز در نماز جمعه شرکت نکرده و همچنین نزدیک به ۲۲ درصد هرگز در مراسم جشن‌ها و اعياد مذهبی و یا عزاداری‌ها و مداعی‌ها شرکت نکرده‌اند؛ ۳۸ درصد هرگز در مراسم ختم قرآن و ۴۴ درصد در مراسم مذهبی و سفره‌های خانگی شرکت نکرده‌اند و نیز ۴۴ درصد اعلام کرده‌اند که برای زیارت به مشهد و ۴۷ درصد برای زیارت به قم نرفته‌اند.^۱

۲. تغییر در کارکردها و نقش‌های رفتاری

اگر یک چیز و تنها یک چیز در جامعهٔ شهری امروز ایران به ویژه شهر تهران «واقعیت محض» باشد آن امر «تغییر رفتار خانواده» است.

در یک بررسی که در سال ۱۳۸۹ و با عنوان «تحولات معاصر خانواده در شهر تهران» انجام‌شده «تنوع ساختاری»، «کاهش نقش حمایت‌گری شبکهٔ خویشاوندی»، «فردگرایانه شدن ازدواج»، «گسترش روابط پیش از ازدواج»، «افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی»، «کاهش گفتمان خانواده‌گرایی»، «افزایش آسیب‌ها و اختلالات خانوادگی»، «افزایش مناسبات جنسی بیرون از خانواده»، «کاهش کارکردهای خانواده» و نهایتاً «کاهش اهمیت فرزندآوری ناخواسته» به عنوان روندهای روبه‌گسترش در زندگی خانوادگی تهرانی‌ها استخراج شده است.^۲ هم‌اکنون موجی از آسیب‌ها و تهدیدات از جمله «فمینیسم»، و رود فناوری‌های

۱. فرهنگ عمومی، طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیرثبتی شهر تهران)، ص ۱۲۹-۱۴۴.

۲. ر.ک: نعمت‌الله فاضلی، گونه‌های در حال ظهور خانواده در تهران، کتاب مجموعه مقالات زن و زندگی شهری، ۱۳۹۱.

Feminism.^۳



جدید و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و طلاق، خانواده‌های ایرانی را تهدید می‌کند. جایگاه کنونی خانواده نسبت به گذشته بسیار متزلزل‌تر و نامطلوب‌تر شده است. خانواده امروزی نه دوام و بقای خانواده سنتی را دارد و نه در کارکردها و وظایفی که برای خانواده تعریف شده، همچون گذشته موفق و کارآمد است.



« نتیجه‌گیری:

با توجه به آنچه گفته شد بحسب تغییرات ارزشی و رفتاری عمیق که در خانواده ایرانی پدید آمده، دیگر نمی‌توان کارکردهای شش گانه مذکور در محور قبلی را از خانواده امروزی و مانند گذشته انتظار داشت؛ در خانواده امروزی تفاهم بین والدین مانند گذشته مشاهده نمی‌شود. نگاهی به آمار بالای طلاق که روزبه روز نیز در حال افزایش است، گویای این امر است؛ مضاف بر اینکه بخش قابل توجهی از طلاق‌ها در آمار وجود ندارد و مشاهده نمی‌شوند زیرا از نوع طلاق عاطفی هستند. همچنین خانواده امروزی الگوی رفتاری مطلوبی برای فرزندان به شمار نمی‌رود و چنان نیست که توجهش به امتنال فضائل و دوری از رذایل، در حد الگوی خوبی برای فرزندان باشد، برای خانواده امروزی، نماز همچون گذشته، یک ارزش نیست و نماز جماعت رفتن و در مسجد حاضر شدن مورد اهتمام نیست. و در نهایت اینکه خانواده امروزی تعامل عاطفی خوبی با فرزندان ندارد و ارتباط عاطفی آن با فرزندان کمتر از گذشته شده است؛ افزایش آمار کودک‌آزاری، کودکان خیابانی و رهاسده، خانوارهای تک والد و خصوصاً از نوع زن سرپرست که با مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی مواجه‌اند و فرصتی برای امور عاطفی ندارند و نیز افزایش روابط فرازنشوی و خانوارهای بدسرپرست، همه و همه نشانه‌ها و قرائن دلالت‌کننده بر افول محبت و عاطفه در خانواده ایرانی هستند.

بی‌گمان بخش قابل توجهی از عوامل ایجاد این وضعیت، هم ناشی از فاصله گرفتن خانواده از تعالیم حیات‌بخش دینی و مراکز تربیت دینی همچون مساجد است و هم سبب فاصله گرفتن از تعالیم دینی و مراکز تربیتی همچون مساجد می‌شود.

۱. نگرش سازی و ارزش آفرینی در فرزندان

- ۱-۱. توجه جدی و اهتمام ویژه والدین به معاشرت فرزندان با دوستان و نیز ایفای نقش مثبت و فعال‌تر در دوستی‌بایی فرزندان، می‌تواند سلامت اخلاقی و رفتاری آنان را در آینده تضمین نماید. والدین سعی نمایند در انتخاب دوستان فرزندان خویش، تأمل جدی داشته و زمینه‌ی دوستی با بچه‌های مسجدی را فراهم نمایند و بر عکس نسبت به ارتباط با دیگر دوستانی که به نحوی کمتر در مسائل مذهبی مقید می‌باشند، به طور غیرمستقیم، رفتاری سخت‌گیرانه (نه به صورت مستقیم و ملموس) داشته باشند. کمترین کار در این خصوص، معیار قرار دادن اقامه نماز و یا حضور در مسجد، برای انتخاب دوست برای فرزندان است.
- ۱-۲. والدین سعی نمایند در برقراری ارتباط با دیگر دوستان و خانواده‌ها دقیق‌تر عمل نمایند. برقراری ارتباط و دوستی والدین با خانواده‌های مذهبی و مسجدی به طور غیرمستقیم بر فرزندان آنان نیز تأثیرگذار خواهد بود. حضور چندین ساعته در منازل یکدیگر، نوع گفتمان مورد استفاده در برقراری ارتباط، نوع فیلم‌هایی که نگاه می‌کنند و نوع برداشت و نگرش خانواده‌ها نسبت به پاییندی به امور دینی و مذهبی، در درازمدت تأثیرات مثبت و یا منفی خود را بر جای خواهد گذاشت.
- ۱-۳. والدین سعی نمایند با نزدیک شدن فرزندان به سن تکلیف، احکام مسجد و نماز جماعت را برای آن‌ها تبیین کنند. در این رابطه، استفاده از کتاب‌های احکام، ویژه نوجوانان و جوانان بسیار مناسب خواهد بود.
- ۱-۴. والدین لازم است از همان اوان کودکی به صورت حساب‌شده، نسبت به ترغیب فرزندان به انجام فرایض دینی اقدام نمایند و در مراحل بالاتر، به تقویت و بسط دامنه آموزه‌های دینی در آنان بپردازنند.
- ۱-۵. والدین سعی نمایند افراد فعال و موفق مسجدی را، به عنوان الگو برای فرزندان خود برگزینند و یکی از علتهای موفقیت آنان را حضور مستمر در مسجد، معرفی نمایند.^۱

۱. محمدعلی موظف‌رستمی، همان، ص ۱۲۵-۱۲۶، ۱۳۰-۱۳۱ و ۱۴۰-۱۴۱.



۲. آموزش و آگاهی دهی از طریق نهاد مسجد

متولیان برنامه‌های مسجد، در این خصوص می‌توانند با تهیه جزوایات آموزشی و فرهنگی نسبت به افزایش آگاهی خانواده‌ها از راهکارهای آشنای نمودن کودکان و نوجوانانشان با مسجد، به زمینه‌سازی جهت حضور فعال والدین همراه با فرزندانشان در برنامه‌های مساجد به‌ویژه مراسم عبادی اقدام نمایند.

گفتنی است طبق یک نظرسنجی از دانشجویان، عمده‌ترین مشوّق آن‌ها در مورد نماز، اولاً مادران و ثانیاً پدران آن‌ها بوده‌اند. در این موارد، میزان تأثیر مادران نسبت به سایر عوامل همراه با پدر، برابری می‌کند و مادران باید به نقش بالهیت خود آگاه باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود از قدرت تأثیر روحانی و عاطفی مادران استفاده شود. این مهم با ارتباط مستمر آموزشگاه‌ها با خانواده و راهنمایی فردی مادران و استمرار کلاس‌های آموزش خانواده، قابل اجرا است.

همچنین در یک نظرسنجی، دانشآموزان، خانواده اعم از پدر یا مادر، برادر یا خواهر، پدربزرگ و مادربزرگ و اقوام درجه‌یک را مهم‌ترین عامل در فراغیری و آموزش نماز دانسته‌اند و پس از آن مدرسه و بعد کتاب، اعم از کتاب درسی، دینی سال چهارم دبستان و یا کتاب‌های نماز دیگر را در فراغیری نماز خود مؤثر دانسته‌اند، لذا شایسته است خانواده‌ها به این امر مهم نیز توجه کنند.^۱

۱. همان، ص، ۱۱۲، ۱۴۲، ۱۴۳.

بخش چهارم: رسانه ملی (برنامه های تلویزیون)

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن »

امروزه، تأثیر رسانه های گروهی به ویژه رسانه های تصویری از جمله تلویزیون - که محبوب ترین و در دسترس ترین رسانه ها است - به دلیل داشتن جذابیت های خاص خود بر رفتار کودکان و نوجوانان، غیرقابل انکار است و این تأثیر به گونه ای است که آنان، ساعتها از وقت خود را صرف تماشای برنامه های تلویزیونی می کنند. مطالعات انجام شده در مورد استفاده افراد در سنین مختلف از تلویزیون نشان می دهد که حتی نوزادان، روزانه حدود نیم ساعت تلویزیون تماشا می کنند.^۱ اما کودکان و نوجوانان به واسطه جذابیت هایی که این جعبه جادویی دارد، به مراتب بیش از سایر اقسام جامعه به تماشای آن می نشینند و این خود عاملی است که آنان، اثرپذیری فراوانی در جنبه های مختلف از این رسانه داشته باشند.

از طرفی، رسانه های گروهی از جمله تلویزیون نقشی به مراتب فراتر از یک رسانه سرگرم کننده یافته اند و نمی توان از نقش مهم و اساسی آن ها در فرهنگ سازی

۱. ر. ک: فیلیپ نیومن، باربار نیومن، اثرات تلویزیون بر رشد کودکان، ترجمه اسماعیل بیابان گرد، نشریه تربیت، ص ۴۵.



چشم پوشید. با این مبنا که افراد در فرایند جامعه‌پذیری از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرند و یکی از این عوامل، رسانه‌های گروهی است که از میان انواع این رسانه‌ها، تلویزیون به علت داشتن طرفداران و علاقه‌مندان بیشتر از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا با گرایش به سمت تلویزیون بنا به هر دلیلی، افراد به اثر پذیری و ادار می‌شوند؛ به گونه‌ای که آنان آگاهانه و ناآگاهانه از برنامه‌هایی که تماشا می‌کنند، الگو می‌گیرند.

در کشور مانیز در حال حاضر، تلویزیون در دسترس ترین رسانه‌ای است که عame مردم، صرف نظر از موقعیت شغلی و شرایط سنی، مقداری از وقت خود را صرف تماشای برنامه‌های آن می‌کنند که در این میان، کودکان و نوجوانان، سهمی بیشتر از سایر اقسام دارند.

مطلوب اساسی که پیرامون آموزش در برنامه کودک عمل نادیده گرفته می‌شود، این است که آموزش در برنامه کودک محدود به بخش‌هایی که سازندگان، اراده آموزش از آن دارند، نیست. بلکه در عموم موارد، کل یک برنامه، نقشی آموزشی دارد و این امر در برنامه‌ای که کودک مخاطب آن است، به علل مختلف از جمله ظرفیت یادگیری شگفت‌آور کودکان صدچندان می‌شود؛ به خصوص در مواردی که منبع آن مفهوم یا پیام کاملاً غیرمستقیم باشد؛ زیرا کودکان در مورد بسیاری از حقایق فاقد پیش‌فرض‌های ذهنی هستند و اگر پیش‌فرض ذهنی ضعیفی نیز در ذهن‌شان باشد، ابزارهای چند رسانه‌ای با قدرت فوق العاده خود به راحتی ذهن کودک را مطابق مفهوم خروجی ناشی از اجزای برنامه، شکل خواهد داد.^۱

کودکی که هنوز قادر به مکر و فریب نیست و مرز تخیل و واقعیت را از هم نمی‌شناسد، تمامی گزاره‌های دریافتی را حقیقتی مسلم می‌پنداشد و اخلاقیات، ارزش‌ها و رفتارهایش را صرفاً از راه تقلید شکل می‌دهد. در سنین پایین، ورودی‌ها و خروجی‌های ذهنی افراد تقریباً برابر است و رسانه نقش عرضه‌کننده کلان و بانفوذی را دارد که اطلاعات خاصی را به صورت غیرمستقیم به ذهن کودک وارد می‌کند. به خصوص کودک زیر هفت سال که مطابق آنچه می‌بیند رفتار می‌کند.

۱. الوبن تافلر، جاگایی در قدرت (دانایی، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم)، ص ۵۷۲-۵۷۳.

در مورد کودکان با سنین بالاتر نیز اگرچه از تأثیر آموزشی رسانه کاسته می‌شود و کودک لزوماً تمام ورودی‌های ذهنی‌اش را نمی‌پذیرد، اما هر انسانی وقتی خود را در موقعیت سرگرمی تصور می‌کند، واکنش‌های مؤثری در قبال مؤلفه‌های پنهان آن سرگرمی نشان نمی‌دهد و به همین دلیل کودکان و نوجوانان بسیاری از یافته‌های ذهنی خویش را از برنامه‌های تفریحی می‌آموزند و نه از برنامه‌های آموزشی.^۱ ازین‌رو می‌توان گفت که یک برنامه فارغ از آنکه هدف آموزشی داشته باشد یا نداشته باشد، برای یک کودک مملو از آموزش‌های مختلف از جهان‌بینی تا سبک زندگی است؛ زیرا در هر سرگرمی بیش از انتظار سازنده و مخاطب، اطلاعات پنهان فراوانی در مورد سبک زندگی، ارتباطات، مشکلات و معضلات اجتماعی و آداب و رسوم منتقل می‌شود.^۲

در پایان گفتنی است که سبک زندگی جدید عامل سوق یافتن بیشتر کودک به تلویزیون شده است؛ زیرا کودک بهشدت تشنه امر بازی است ولی به دلیل سبک زندگی جدید در جامعه و م屁股 تک‌فرزنی و آپارتمان‌نشینی، کودکان اغلب تنها و منفرد بازی می‌کنند که این خود باعث انزوا و محدود شدن دایره تعاملاتشان با اجتماع و عدم توانایی در دوست‌یابی آن‌ها می‌شود که تلویزیون در این بین، همبازی کودکان تنها و وحید در خانه است.^۳

درواقع؛ جامعه امروز که در بسیاری از ابعاد خود، صورت مدرن یافته و یا در مسیر آن قرار دارد، شکلی از سبک زندگی متناسب با الزامات خود را خلق کرده است. پیدایش مهدکودک‌ها و همچنین بخشی از تولید و پخش گسترده برنامه‌های تلویزیونی مخصوص کودکان از جمله لوازم یا نمودهای این سبک زندگی است. برنامه‌های کودک مستقل از محتوای خود، در پیوند با سبک زندگی مدرن تعریف می‌شوند که از الزامات زندگی آپارتمانی، تک‌فرزنی و نداشتن همبازی و اشتغال مادران است.^۴

۱. گی روشه، کنش اجتماعی، ص ۱۷۳.
۲. الوبن تافلر، همان.

۳. مجید‌امامی، نشریه الکترونیکی باحجاب، «تلویزیون فرصتی برای تربیت کودک»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۸/۵، شماره مطلب: ۲۶۴۷.

۴. ر. ک. کمیل قیدرلو، مجله سوره‌اندیشه، «دایه مجازی؛ کودکی که تلویزیون برای ما پرورش می‌دهد».



۱. وضعیت کمی و کیفی برنامه‌های کودک و نوجوان امروز

در این سال‌ها به لحاظ کمی، صدا و سیما رشد بسیار چشمگیری در عرصه کودک داشته است؛ شبکه کودک تأسیس شده و با عنوان شبکه پویا فعالیت می‌کند. تلویزیونی که در طول ۲۴ ساعت فقط سه الی چهار ساعت برنامه کودک در تمام شبکه‌هاییش پخش می‌کرد، آن در برنامه‌های گوناگون بیش از ۳۰ ساعت برنامه کودک در روز پخش می‌کند.

اما برنامه‌های تلویزیون به لحاظ کیفی که باید هم‌تراز بخش کمی رشد می‌کرد، وضعیت مناسبی ندارد. یکی از صاحب‌نظران و مسئولان مربوطه در حوزه برنامه‌های کودک و نوجوان در مقایسه وضعیت کنونی با اوایل انقلاب می‌گوید: بخش قابل توجهی از برنامه‌ها، داستان‌های آموزنده اخلاقی که کارکرد اخلاقی داشته باشد و ابزار آن‌هم اخلاقی باشد، ندارند. درواقع بیش‌تر سرگرم‌کننده، فانتزی و تخیلی هستند. عملاً مجموعه‌ای همگن از غیرارزش‌ها و ضدارزش‌ها در کنار یکدیگر و به‌ نحوی انباسته، جذاب و با یک راهبرد غلط که همان اتخاذ سرگرمی به جای آموزش و تربیت است، محتوای نامطلوب را به کودک انتقال می‌دهد. چون این کار به‌ صورت همگن انجام می‌شود، همزمان هم آموزش و هم تربیت در راستای نامطلوبی صورت می‌گیرد. البته در کنار آن و شاید برای تطهیر خود، از مایه‌های مذهبی هم استفاده می‌کنیم. مثلاً این که می‌گوییم اکنون عید غدیر است و از حضرت علی علی‌الله‌آمید هم سخنی گفته می‌شود اما در ادامه باز هم به رقص و حرکات موزون پرداخته می‌شود. یا مثلاً در هنگام اذان و نماز، همان آدم‌هایی که تا الان آواز می‌خوانند و می‌رقیبدند، اذان می‌گویند. این مایه‌های مذهبی با آن ساختار، نه از نظر حجم و نه از نظر جذابیت قابل مقایسه نیست، درواقع بچه می‌آموزد که در برابر آن موضوعات جذاب، موضوعات غیرجذابی هم وجود دارد که در کنار یکدیگر مورداستفاده هستند. به همین دلیل این امکان برای مخاطب کودک وجود دارد که از محورهای مذهبی صرف‌نظر کند. در بهترین حالت، به کودک آموزش داده

می‌شود که ارزش‌های برخاسته از مذهب هیچ تعارضی با ضدارزش‌ها ندارد و می‌توان تمام این موارد را در کنار یکدیگر داشت.

در رفتار افراد [مجری] هم دیده می‌شود که هیچ‌یک مروج رفتارهای مذهبی نیستند؛ بلکه مروج رفتارهای متناسب با عرف و هنجارهای طبقه غیرمذهبی (نه لزوماً ضدمذهبی) در جامعه هستند. نشانه‌ها و نمادهای مذهبی هم در رنگ‌ها، ساخت محیط و دکور و چهره‌ها استفاده نمی‌شوند. بازیگران و مجریان در بسیاری از موارد در تعاملات خود به طرق مختلف قوانین را دور می‌زنند تا بتوانند حرکات موزون داشته باشند. در ادبیات رفتاری آن‌ها مانند رفتار «امیرمحمد» با «عمو پورنگ» هیچ‌گونه نحوه رفتار و گفتار مؤمنانه‌ای مشاهده نمی‌شود. برخورد تند، اهانت و تند صحبت کردن این را می‌رساند که فرزند شما به تکرار در حال یادگیری چنین رفتارهایی است. چنین رفتاری، همان رفتار هنجاری و عرفی طبقه غیرمذهبی جامعه است.^۱

ناگفته نماند که تعدادی پویانمایی باکیفیت مطلوب نیز وجود دارد که با هزینه‌های بالا ساخته شده و باید آن‌ها را به طور جداگانه بررسی کرد؛ اما طبق قاعده «النادر کالمعدوم» این تولیدات اثرگذاری و جریان‌سازی نمی‌کنند. قطعاً زمانی که معیار برای ساخت برنامه کودک، جذابیت باشد، آموزش و تربیت دین محور و مسجدمدار به حاشیه جذابیت تبدیل می‌شود.^۲

۲. بی‌توجهی به الزامات تولید برنامه دینی در تلویزیون

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، فرد از دامان خانواده، اصول و مبانی دین را فرامی‌گرفت؛ ولی با گذشت زمان و ظهور فناوری‌های نوین اطلاع‌رسانی و گسترش و نفوذ آن در زندگی مردم امروزه شاهد آن هستیم که تبلیغ دینی با روش‌های گذشته چندان کارساز و جوابگو نیست و ابزارهای جدید و در رأس آن‌ها تلویزیون از تأثیرگذاری فراوانی برخوردارند. متصدیان تلویزیون نیز به خوبی اهمیت این کار را دریافت‌هاند و تلاش کرده‌اند که در این راستا گام بردارند؛ اما باید اذعان داشت که آن‌گونه

۱. همان.

۲. ر.ک: کمیل قیدرلو، همان.



که شایسته است، تلویزیون در انتقال مفاهیم دینی موفق عمل نکرده است؛ وقتی بحث از مضامین و مفاهیم دینی است، با استفاده از قالب‌های مستقیم و صریح و آشکار به بیان آن پرداخته شده و قالب‌های نمایشی و غیرمستقیم، صرف موضوعات خنثی شده است. بسیاری از مفاهیم همچون عبادت‌های فردی، کمک به خلق، توسل، احترام به بزرگ‌ترها، احسان و نیکوکاری و توکل را می‌توان در قالب‌هایی که مورد پذیرش افراد در آدوران کودکی است منتقل کرد.^۱

« جمع‌بندی:

در حال حاضر ظاهرًاً ارتباط نظاممند و تعریف‌شده‌ای بین نهادهای متولی مسجد با رسانه ملی وجود ندارد؛ ارتباطی که در آن نحوه تعامل و همکاری برای تولید محتوای مسجدی به منظور آشناسازی کودکان و نوجوانان با نماز جماعت و مسجد مشخص باشد و نیز نحوه تبلیغ و ترویج کارکردهای مثبت مسجد به منظور تصویرآفرینی و ارزش‌سازی در کودکان و نوجوانان معین باشد. هر چند نباید از رویکرد مثبت چند سال اخیر رسانه ملی در پخش اذان اول وقت در تمام شبکه‌ها و اقامه نماز جماعت چشم پوشید.

۱. مجید امامی، همان.



« ج: راهکارها »

۱. ارتباط نهادی سازمان مساجد با رسانه ملی و انعقاد تفاهم‌نامه برای بهره‌گیری از ظرفیت رسانه ملی به منظور نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان.

طبعاً این تفاهم‌نامه دوسویه است و لازم است نهاد مسجد نیز از تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در جهت یاری رسانی به رسانه ملی برای هدف گفته شده کمک بگیرد و یا احیاناً این ظرفیت‌ها را با هماهنگی‌های لازم در اختیار رسانه ملی قرار دهد.

برخی از محورهای پیشنهادی تولید برنامه به شرح ذیل است:

۱-۱. تولید برنامه از فعالیت‌های مسجدی کودکان و نوجوانان و شرکت آنان در نماز جماعت، خصوصاً مساجد تاریخی و مساجدی که به نحوی در میان عامه مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان از جایگاه خاصی برخوردار است؛ مانند اماکن مذهبی و مشهور ایران و جهان اسلام: بارگاه امام رضا ع، حرم حضرت معصومه ع، حضرت عبدالعظیم، کربلای معلّی، نجف اشرف، مسجدالنبی و مسجدالحرام.

۲-۱. معرفی مساجد نمونه، موفق و فعال در حوزه ارتباط‌گیری با کودکان و نوجوانان و جذب آن‌ها، از طریق تهیه گزارش تصویری و خبری از مهم‌ترین برنامه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها و درج و پخش آن در شبکه‌های مختلف صدا و سیما

۳-۱. تحت پوشش قرار دادن برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که در خصوص ارتباط کودک و نوجوان با نماز و مسجد انجام می‌شود. مثل سمینار، همایش، کنگره و مراسم؛ به خصوص مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان.

۴-۱. تهیه گزارش زنده (مستقیم) و تولیدی از مراسم اقامه نماز جماعت در مساجد و مدارس (به‌ویژه در مکان‌هایی که غالب نمازگزاران نوجوان و جوان هستند) و درج و پخش آن از شبکه‌های مختلف صداوسیما^۱

۱. محمدعلی موظف رسمی، همان، ص. ۲۶۷، ۲۶۹.



۱-۵. تهیه‌ی برنامه‌های نرمافزاری، نماهنگ، کارتون و فیلم با موضوع نماز و مسجد به شکل هدفمند و جذاب و با استفاده از مجریان و گویندگان خوش‌لحن و خوش‌چهره و پخش آن در خلال برنامه‌های پرمخاطب صداوسیما.

۱-۶. معرفی کودکان و نوجوانان بر جسته و فعال در حوزه مسجد و نماز جماعت در آیتم‌های مختلف و در خلال برنامه‌های پربرینده، بهصورت جذاب و مناسب در شبکه‌های مختلف صداوسیما.

۱-۷. مصاحبه با چهره‌ها و شخصیت‌های موفق و فعال در حوزه ارتباطدهی کودک و نوجوان با مسجد، شامل ائمه جماعات، مدیران، کارشناسان، نویسنده‌گان و هنرمندان، جهت معرفی به نسل نوجوان، مضاف براینکه آثار و عملکرد فعالیت‌های آنان برای آشنایی بیشتر از حوزه فعالیت آن‌ها در معرض دید عموم مردم قرار گیرد.

۱-۸. به کارگیری هنرمندان و هنرپیشه‌ها و چهره‌های مشهور و جوان پسند سینما، تئاتر و تلویزیون در برنامه‌ها و فیلم‌هایی که در آن بهصورت هدفمند، موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نماز و مسجد، از محوریت برخوردار است.

۱-۹. محور قرار دادن موضوع مسجد و نماز جماعت در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی و تبیین جایگاه والای آن‌ها در قالب‌های شیوه‌ای هنری.

۱-۱۰. تهیه متون و نمایش‌نامه‌های مناسب نمایشی (در حوزه مسجد و نماز جماعت) برای گروه‌های مختلف تئاتر و کمک مادی و معنوی در اجرای نمایشنامه‌های فوق با هدف تبیین آموزه‌های دینی به‌ویژه موضوع مسجد و نماز جماعت در قالب هنر نمایش.^۱

۱-۱۱. برای تقویت فرهنگ مسجد در میان افکار عمومی، شخصیت‌های فیلم باید از یک الگوی روان‌شناختی و جامعه‌شناسی پیروی کند تا دید منفی علیه مسجد و اهل مسجد ایجاد نشود؛ زیرا بازتاب آن بی‌تفاوتش عمومی نسبت به مسجد خواهد بود. فیلم‌سازان می‌توانند الگوهای مطلوبی

^۱. همان، ص. ۲۶۹-۲۷۱ و ۲۸۳-۲۸۴.

از مسجد و اهل مسجد در اشکال ذیل ارائه دهنده:

الف: مسجد را با شغل‌های مطلوب و مقبول اجتماعی مرتبط کنند.

ب: افراد مسجد از میان افراد با تحصیلات بالا انتخاب شوند تا معلوم شود که علم و دین با هم تضاد ندارد.

ج: اهل مسجد از افرادی با سلامت روانی مناسب باشند.

د: فیلم، به‌گونه‌ای باشد که مخاطبان را فقط در موقع گرفتاری به مسجد هدایت نکند.

هـ: مساجدها را منظم و مرتب نشان دهند.^۱

۱۲-۱. برنامه اذان و نماز قبل یا بعد و احیاناً وسط برنامه‌های کودک و نوجوان متناسب با نیاز و فهم آن‌ها تدارک شود. (به‌ویژه در هنگام اقامه نماز در خانه و مدرسه برنامه‌های رادیو و تلویزیون نباید به‌گونه‌ای باشد که قطع برنامه موجب دلخوری و بدینی کودک یا نوجوان نسبت به نماز شود. به همین جهت، باید قبل و یا بعد از نماز از پخش سریال‌های پربیننده خودداری گردد تا این محدوده زمانی به زمینه‌سازی روانی و عاطفی برای برپایی فریضه نماز اختصاص داده شود)^۲

۱۳-۱. از آنچاکه تصورات برخی از مردم به‌ویژه جوانان از محیط‌های غیراسلامی به‌خصوص غرب غیرواقعی است، یعنی این عده تصویر می‌کنند هرآن کس و هر آنچه آنچاست از دین و معنویات به دور است و از سوی دیگر هنگامی که مظاهر پیشرفت و ترقی آن‌ها در علوم تجربی و فناوری‌های نوین مشاهده می‌کنند ناخودآگاه گمان می‌کنند برای پیشرفت کردن یا مدرن بودن باید از دین و معنویات فاصله گرفت، در چنین شرایطی نشان دادن جلوه‌های دین‌داری و معنویات و به‌ویژه نماز خواندن در غرب این برداشت

۱. راضیه‌امینی، زهرا شریفی، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مسئول و مرتبط با مساجد جهت جذب جوانان به مساجد و نماز جماعت، پورتال ستاد اقامه نماز صدا و سیما.

۲. رضا فرهادیان، عوامل آموزش و گرایش نوجوانان و جوانان به نماز، ص ۷.



ناصیح را که یکی از عوامل مهم بحران هویت نیز هست اصلاح می‌کند.^۱
۱۴-۱. برنامه‌های جذاب و پرمخاطب در زمان اذان و هنگام فعالیت مساجد، تعطیل و به تعویق افتاد تا همه مخاطبان به سمت مساجد و شرکت در برنامه‌های مسجدی ترغیب شوند. همچنین، زمان پخش برنامه‌های زنده، مانند فوتبال (خارجی یا داخلی) نباید با اوقات شرعی و برنامه‌های مسجدی تداخل داشته باشد.^۲

۲. استفاده از کارشناسان و صاحب‌نظران مسائل دینی در کنار برنامه‌سازان: در چنین حالتی برنامه‌سازان علاوه بر آگاهی بیشتر از مسائل دینی از جمله نماز، بهتر می‌توانند مفاهیم مربوط به نماز را به مخاطبان خود انتقال دهند.

۱. علیرضا پویا، ارزیابی و آسیب‌شناسی نقش رسانه‌هادر گسترش فرهنگ نماز، موسسه فرهنگی تبیان.
۲. ماهنامه مسجد، «مرکز رسیدگی به امور مساجد، رسانه ملی و مسجد (قابل یا تعامل)»، ص ۶۱ و ۶۲

بخش پنجم: اسباب بازی

«الف: تبیین موضوع و ضرورت آن»

۱. نقش تربیتی اسباب بازی در کودک و نوجوان

اسباب بازی وسیله‌ای پرورشی است که کودک از ابتدای شکل‌گیری شخصیتش با آن مواجه می‌شود و اولین مفاهیم دنیا واقعی با کمک اسباب بازی به شکل پارادایم برای کودک درمی‌آید. اسباب بازی الگویی برای کودک محسوب می‌شود و از آن به عنوان وسیله کار یک کودک یاد می‌شود که با استفاده از آن، روش زندگی کردن را یاد می‌گیرد. صاحب نظران حوزه تربیت معتقدند بهترین وسیله برای شناخت و بی بردن به احساسات و تمایلات کودک، اسباب بازی است؛ زیرا از طریق آن کودک بسیاری از امیال درونی خود را آشکار می‌کند. نقش اسباب بازی‌ها، کارتون‌ها و سرگرمی‌های دوران کودکی در زندگی افراد بسیار پررنگ است. بررسی‌ها نشان داده است که شخصیت کودک با اسباب بازی‌ها و سرگرمی‌های دوران کودکی شکل می‌گیرد.^۱

۱. سیده فاطمه محبی، اسباب بازی؛ نمادی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، کد تحقیق: ۶۴۰۶۴۷ (کتابخانه الکترونیکی پورتال شورای عالی انقلاب فرهنگی).



۲. بایسته‌های اسباب بازی

اسباب بازی هر وسیله بازی برای کودکان، نوجوانان و یا حتی بزرگ‌سالان است که به‌قصد بازی و سرگرمی ایجاد شده باشد و در بازار توسط کانال‌های توزیع و عرضه‌کنندگان اسباب بازی در اختیار عموم قرار می‌گیرد. برخی از بایسته‌ها و ویژگی‌های فرهنگی اسباب بازی مناسب به قرار ذیل است:

اسباب بازی باید با سایر وسایل محیط زندگی کودک تناسب و هماهنگ داشته باشد تا کودک بتواند به راحتی از آن استفاده نموده و آن را با زندگی واقعی خود پیوند دهد.

اسباب بازی باید با ارزش‌های حاکم بر جامعه تناسب داشته باشد؛ زیرا کودک طی بازی با آن با ارزش‌های موجود آشنا می‌شود. ابزار و وسایل بازی که در اختیار کودک قرار می‌گیرد، نمادی از وسایل حقیقی هستند که باید ضمن هماهنگ بودن با فرهنگ جامعه، مورد علاقه کودک نیز باشد.

اسباب بازی باید به گونه‌ای باشد که ارزش‌های جامعه مانند نماز خواندن را تقویت و تحکیم کند و درستیز با آن‌ها قرار نگیرد؛ زیرا یکی از فواید این تجانس فرهنگی و ارزشی اسباب بازی، فراهم‌سازی آرامش روانی و عاطفی برای کودک است.

اسباب بازی می‌تواند هم محتوا منتقل کند هم مهارت را ارتقا دهد و هم در نهادینه شدن بعضی فرهنگ‌ها در کودک کمک کند. در بخش تأثیر فرهنگی هم به شرطی که در گستره وسیعی کار شود می‌تواند موفق باشد. بهترین فرصت و شیوه عملی برای آموزش فرهنگ ایرانی و تربیت کودکان باهوش برای آینده کشور، در اختیار گذاشتن اسباب بازی‌هایی متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم این مرز و بوم است. تفکیک جنسیتی اسباب بازی‌ها به لحاظ توانایی‌ها و گرایش‌های مختلف جسمی، روحی و روانی دو جنس دختر و پسر، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا باید برای هر کدام از دختران و پسران اسباب بازی‌هایی مناسب و مطابق با ذوق و استعداد آن‌ها طراحی نمود.^۱

۱. همان.

۳. تفکیک محتوایی اسباب بازی‌ها

در یک تقسیم‌بندی ساده، می‌توان اسباب بازی‌ها را به سه دسته: سازنده، مخرب و خنثی یا فاقد پیام تقسیم کرد. اسباب بازی‌های سازنده هم در چند حوزه قابل تفکیک هستند: اسباب بازی‌های خلاقیت‌زا (مثل احجام و ساختمان بازی‌ها)، اسباب بازی‌هایی که نقش اجتماعی کودکان را تقویت می‌کنند (اسباب بازی‌های دسته‌جمعی و عروسک‌ها) و همچنین اسباب بازی‌های حاوی پیام‌های مذهبی که اسباب بازی ارزشی را می‌توان ذیل این دسته تعریف کرد. این نوع اسباب بازی علاوه بر ایجاد خلاقیت و یا تقویت نقش‌های اجتماعی کودکان، به تقویت فرهنگ اسلامی- ایرانی می‌پردازد. جای این گونه اسباب بازی‌ها در بازار اسباب بازی جهان و به طریق اولی در بخش تولیدات کشور خالی است.

اسباب بازی‌های مخرب را نیز می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد: اسباب بازی‌های خشونت‌زا، اسباب بازی‌های دارای پیام‌های غیراخلاقی و برهنگی، اسباب بازی‌های مبلغ فرهنگ غرب و اسباب بازی‌های پخش‌کننده ترانه‌های غیرمجاز و غربی.

اسباب بازی‌های خنثی نیز همان اسباب بازی‌هایی است که صرفاً باعث گذران وقت می‌شوند و هیچ پیام و پیامد سازنده یا مخربی برای کودک ندارد.

برخی نیز کارکردهای سیاسی اسباب بازی‌ها را یادآوری کرده‌اند که کشورها برای هارمونی فرهنگی خود از آن استفاده می‌کنند. ساخت عروسک شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و یا اساطیر تاریخی در هویت‌بخشی به قومیت‌ها از این نمونه اسباب بازی‌ها هستند. از جمله کارکرد سیاسی اسباب بازی، ساخت مدل اسباب بازی هواپیمای جاسوسی پهپاد آمریکایی است که در قفسه‌های اسباب بازی فروشی‌های ایرانیان خودنمایی می‌کند.^۱

۱. حامدرضایی، ابراهیم معظمی گودرزی، گزارش رصدی اسباب بازی، سبک‌زنندگی، مرکز رصد فرهنگ و علم شورای عالی انقلاب فرهنگی.



۱. وضعیت آماری تولیدات و واردات اسباب بازی

بر اساس برخی اظهارنظرها حدود ۲۵ درصد جمعیت کشور در گروه سنی زیر ۱۵ سال قرار دارند و این یعنی بازار اسباب بازی کشور با تقاضای جمعیتی نزدیک به ۱۸ میلیون نفر روبرو است اما تولید اسباب بازی در داخل کشور از پاسخ به چنین تقاضایی ناتوان است و به همین علت، ایران به بازار ورود اسباب بازی های خارجی تبدیل شده است. روزانه این اسباب بازی ها به صور مختلف یا به طور قانونی یا غیرقانونی مرزهای کشور را در می نوردند تا به دست کودکان ایرانی برسند.

هم اکنون تعداد عروسک های ملی بسیار اندک است؛ در حالی که کودکان تنوع طلب هستند و این میزان پاسخگوی نیاز آن ها نیست. باید حداقل ۱۰۰ نوع عروسک ملی و بومی تولید کرد و بعد از مردم انتقاد کرد که چرا از عروسک های بیگانه استفاده می کنند.^۱

در حالی که بر اساس آمارهای موجود، تجارت اسباب بازی سومین تجارت پرسود جهان بعد از تولید مواد مخدر و تسليحات نظامی است. انجمن بین المللی تولید کنندگان اسباب بازی، گردش مالی این صنعت در سال ۲۰۱۱ را حدود ۸۵ میلیارد دلار اعلام می کند.^۲

کشور چین بزرگترین تولید کننده اسباب بازی در جهان به شمار می رود. محصولات غربی آمریکایی با ورود به چین به تولید انبوه می رسد و با این شیوه ۹۰ درصد از بازار اسباب بازی آسیا و ایران را به خود اختصاص می دهد.^۳

در حال حاضر از کل مصرف اسباب بازی در کشور سهم تولید داخلی تنها ۲ الی ۳ درصد است و حدود ۹۵ درصد بازار اسباب بازی کشور در اختیار کشور چین است. هم اکنون تعداد واحدهای صنفی تولید کننده اسباب بازی در کشور در حدود ۲۰ الی ۲۰ واحد است که در کنار اسباب بازی، کالاهای دیگری هم تولید می کنند.^۴

۱. بازار اسباب بازی و خفره های قانونی، پایگاه خبری تحلیلی خردان نیوز، ۱۳۹۰/۲/۱۴، کد خبر: ۱۴۶۴۲۳.

۲. رضاسادات، این صنعت ۸۵ میلیارد دلاری...، نشریه جام جم، ۱۳۹۱/۸/۱.

۳. القای فرهنگ غرب در قالب اسباب بازی های چینی، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱/۱۲/۱، شماره: ۱۳۹۱۱۲۰۱۰۰۹۲۵.

۴. آسیب شناسی، تحلیل و بررسی صنعت اسباب بازی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳/۱/۲۷، کد تحقیق: ۶۴۰۶۴۰ (کتابخانه

البته واردات اسباب بازی در سال ۹۱ به خاطر گران شدن دلار ۵۱ درصد نسبت به سال ۹۰ و در سال ۹۲، ۳۰ درصد نسبت به سال ۹۱ کاهش یافته است. در این مدت تولید اسباب بازی داخلی روند رو به رشدی داشته است. هرچند در سالهای گذشته تنها ۵ درصد بازار در اختیار تولیدکنندگان داخلی بود؛ اما در حال حاضر، آمارها نشان می‌دهد که ما آرام آرام به سمت تصرف ۲۰ درصدی بازار اسباب بازی با تولیدات داخلی حرکت می‌کنیم.^۱

همچنین درصد تولید اسباب بازی‌های داخلی نسبت به خارجی در انواع مختلف اسباب بازی متفاوت است. در برخی دسته‌ها، میزان تولیدات داخلی بیشتر و در برخی نیز کمتر است.^۲

میانگین رشد اسباب بازی خلاقانه، کمک‌آموزشی و فکری به نزدیک ۱۵ درصد رسیده است؛ در حالی که در سال ۸۱ نزدیک یک درصد بود. از سال ۱۳۸۱ مادر صنعت اسباب بازی رشد معناداری داشته‌ایم. ما به سمتی می‌رویم که خلاهای موجود از نبود اسباب بازی و سرگرمی بومی را پرکنیم.^۳

جريان ۱۰۰ درصد قاچاق اسباب بازی به ۵۰ درصد واردات قانونی تبدیل شده که هنوز هم این روند به صورت مثبت در حال اجراست.^۴

بر همین اساس طبق گفتهٔ دبیر شورای نظارت بر اسباب بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در صنعت اسباب بازی مانه از نظر محتوایی علم و دانش داریم و نه از نظر تجهیزات و ادوات. هم‌اکنون تعریفه واردات اسباب بازی و قطعات آن به کشور حدود ۵۵ درصد بوده که این وضعیت عملً تولید اسباب بازی در کشور را غیراقتصادی کرده است. اگر تعریفه واردات قطعات اسباب بازی به حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یابد، می‌توان تعدادی از قطعات موردنیاز تولید را از خارج وارد کرده و مابقی کار تولید را در داخل انجام داد که این کار باعث ایجاد اشتغال نیز می‌شود.^۵

الکترونیکی پورتال شورای عالی انقلاب فرهنگی).

۱. کارنامه مسئولان در مقابله با عروسک‌های نامناسب فرهنگی، نشریه خراسان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷.

۲. حامد رضایی، ابراهیم معظمی گودرزی، گزارش رصدی اسباب بازی، سبک‌زنندگی، مرکز رصد فرهنگ و علم شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳. درآمد تولید اسباب بازی چین، چند برابر درآمد نفتی ایران است، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۰/۱۱، شناسه خبر: ۲۴۵۳۹۲۹.

۴. مجید قادری، ایران فاقد صنعت اسباب بازی است، گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما، ۱۳۹۱/۱/۲۳.

۵. اظهارات دبیر شورای نظارت بر اسباب بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در صنعت اسباب بازی، www.:۱۳۸۹/۵/۹



نکته حائز اهمیت این است که اکثریت قریب به اتفاق عروسک‌های چینی نیز تحت تأثیر فرهنگ غربی بوده و دارای شخصیت‌هایی غربی است. به عنوان مثال ساخت عروسک‌های باربی، شخصیت‌های کارتونی والت دیسنی مثل سیندرلا و حیوانات موجود در کارتون‌های هالیوودی (که همه در کشور چین تولید می‌شود) حاکی از پیشرو بودن فرهنگ غرب در مقیاس جهانی است.

متأسفانه حتی یکی از مهم‌ترین سوغات‌حجاج بیت‌الله‌الحرام (هم در حج تمتع و هم عمره مفرده) عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های چینی است که هرساله به‌وفور واژ مرز رسمی و همراه زائران بیت‌الله‌الحرام وارد کشور شده و توزیع می‌شود.^۱

۲. وضعیت محتوایی اسباب‌بازی

در حال حاضر برخی از انواع اسباب‌بازی‌ها هیچ‌گونه جهت‌گیری فرهنگی ندارند و یا اساساً اثرگذاری فرهنگی از آن‌ها انتظار نمی‌رود (مانند توپ یا مِنج)، اما اغلب آن‌ها امکان انتقال مفاهیم فرهنگی را دارند. کشورهایی مثل چین نیز که به صورت صرفاً تولید انبوه و بدون توجه به تبعات فرهنگی اسباب‌بازی‌ها اقدام به تولید آن‌ها می‌کنند و از نمادهای غربی در شخصیت‌پردازی اسباب‌بازی‌ها بهره می‌گیرند، عملًا در راستای غربی کردن کودکان جهان و البته جمهوری اسلامی ایران گام برمی‌دارند. از این‌ها گذشته، ساختار برخی اسباب‌بازی‌ها ظرفیت بسیار بالایی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی را دارد؛ اما متأسفانه در این حوزه توجه زیادی به عوامل نهفته و زمینه‌ای موجود در حیطه فرهنگی تولید اسباب‌بازی‌ها صورت نگرفته است.

نکته مهم‌تر اینکه شرکت‌های ایرانی تولید اسباب‌بازی نیز در مواردی به دلیل ضعف جدی در سامانه‌های بازاریابی و فروش و به منظور پوشش بخشی از این ضعف‌ها، در طراحی‌های خود گوی سبقت را از شرکت‌های چینی ربوه و از جاذبه‌های جنسی بهره جسته‌اند!

لذا در حال حاضر اسباب‌بازی‌های تولید داخل نیز به دلایلی مثل ناهنجاری فرهنگی،

zarrintoys.com
۱. حامد رضایی، ابراهیم معظمی گودرزی، همان.

بی تفاوتی و یا ضعف در حوزه بازاریابی و فروش، دارای نقوش و شخصیت‌های غربی با پیام‌هایی نظیر برهنگی، صورت‌های آرایش کرده، جاذبه‌های جنسی و امثال آن هستند؛ به عنوان مثال به تصویر کشیدن عکس زنان و دخترانی با اوصاف مذکور در پازل‌ها کاملاً مشهود است. حال آنکه در طراحی پازل، تنها مشقت موجود برای گریختن از این وادادگی فرهنگی انتخاب عکسی مناسب با فرهنگ و عقاید دینی-اجتماعی مردم است که با دسترسی شرکت‌ها به اینترنت، این مسئله امری کاملاً آسان است.^۱

کودکان با استفاده از اسباب‌بازی‌های خارجی به جای اینکه با فرهنگ ایرانی آشنا شوند، فرهنگ و اصطلاحات خارجی را فرامی‌گیرند و از همان ابتدا، حس خودباوری ملی آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ چون اسباب‌بازی‌های مصنوع شرکت‌های غربی، در عمل مبلغان و مروجان فرهنگ زندگی مدرن (غربی) برای کودکان آن کشورها و حتی دیگر کشورها هستند تا از همان سنین کودکی با این فرهنگ آشنا شده و با آن انس بگیرند.^۲

۳. وضعیت نظارت بر بازار اسباب‌بازی

در حدود یک سال پیش مقام معظم رهبری خطاب به مسئولان در ۱۹ آذر سال ۱۳۹۲ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره تأثیر منفی اسباب‌بازی‌های نامناسب بر ذهن کودکان فرمودند: «تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند روی ذهن ملت ما و روی رفتار ملت ما جوان، نوجوان و حتی کودک-اثرگذاری کنند. این بازی‌های اینترنتی از جمله همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور می‌شود از جمله همین است که من چقدر سر قضیه تولید اسباب‌بازی داخلی معنی دار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال بکنند.»^۳

هم‌اکنون یکی از وظایف شورای نظارت بر اسباب‌بازی‌ها، صدور مجوز برای ترخیص

۱. حامد رضایی، ابراهیم معظمی گودرزی، همان.

۲. فاطمه محبی، همان.

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.



واردات کالا از گمرک به داخل کشور است؛ اما از لحاظ فرهنگی و بررسی کیفیت اسباب بازی‌های وارداتی، نظارت کاملی وجود ندارد. در حوزه اسباب بازی‌های تولید داخل هم تولیدکننده باید مجوز تولید اسباب بازی را از شورای نظارت بگیرد. به گفته دبیر شورای نظارت بر اسباب بازی‌ها دستگاه‌های مختلفی از جمله اماکن، سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان، شورای اصناف، اتحادیه خرازی‌ها و پلاستیک، برای بازرگانی بازار اسباب بازی وظایف نظارتی دارند و می‌توانند برای فروشندگان مختلف، مجازاتی همچون جریمه یا پلمپ در نظر بگیرند. بارها به نمایندگان این دستگاه‌ها تذکر داده شده که گزارشی از نظارت‌شان بر بازار به ما بدهند؛ ولی متأسفانه این دستگاه‌ها به دلیل اینکه با مشکلاتی مانند بودجه و نیروی انسانی مواجه هستند، نتوانسته‌اند وظایفشان را آن‌طور که شایسته است، انجام دهند. حتی در بعضی دستگاه‌های نظارتی برای برخورد با متخلفان، ملاحظاتی انجام می‌گیرد و انگار برای برخورد قانونی با فروشندگان مخالف رودربایستی دارند.^۱

۱. کارنامه مسئولان در مقابله با عروسک‌های نامناسب فرهنگی، نشریه خراسان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷.

« جمع‌بندی:

بر حسب آنچه از وضعیت کمی و کیفی اسباب‌بازی گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود که در حال حاضر، بازار اسباب‌بازی به لحاظ محتوایی، در دست اسباب‌بازی‌هایی با شخصیت‌ها و نمادهای غربی است که عمدتاً ضد اسلامی و ضد ایرانی هستند.

در اسباب‌بازی‌های موجود، به صورت مستقیم به موضوع نماز و مسجد، اهانت نشده و کار تبلیغاتی بر علیه‌شان صورت نگرفته است؛ لیکن در شکل غیرمستقیم کاملاً مورد هجمه قرار گرفته است؛ بدین صورت که تصاویر و شخصیت‌های رایج در بازار اسباب‌بازی، عمدتاً از شخصیت‌های کارتونی اخذ شده‌اند و این شخصیت‌ها علاوه بر پوشش نامتجانس خود، در دنیای کارتونی کاملاً ناآشنا با رفتارها و نمادهایی همچون نماز و نماز جماعت و مسجد عمل می‌کنند و درحالی که به عنوان افراد موفق و پیروز در برنامه‌های کارتونی معرفی می‌شوند؛ ولی سبک زندگی و رفتار و گفتارشان کاملاً عاری از نمادها و نشانگان‌ها و ارزش‌های مسجدی است. این همان روش تبلیغ غیرمستقیم است که متأسفانه رسانه‌های ما در مفهوم عام خود بهشت از آن غافل‌اند و هر وقت هم که می‌خواهند مفاهیم نماز و مسجد را برای جذب کودکان و نوجوانان تبلیغ نمایند، به شکل مستقیم عمل می‌کنند که با این روش نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شود.



۱. راهبرد ساماندهی نظارت محتوایی - ارزشی بر اسباب بازی‌های وارداتی

با توجه به نقش عمده اسباب بازی‌ها در جامعه پذیری کودکان، لازم است تمهیدی اندیشه شود تا ارزش‌های اجتماع و رفتارهای مطلوب دینی همچون نماز خواندن و مسجد رفتن، در طی فرایند جامعه پذیری کودک در او نهادینه شود. این امر به ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که پاره‌ای از اسباب بازی‌های وارداتی با ارزش‌های مذکور سازگاری ندارند.

برای رفع این مشکل لازم است نهاد مسجد از مسئولان مربوطه مطالبه‌گر موارد ذیل باشد:

ساماندهی شورای ارزشیابی اسباب بازی برای تأیید انطباق اسباب بازی‌های وارداتی با ارزش‌های بومی.

تعیین برچسب‌هایی برای اسباب بازی‌های وارداتی که مناسب بودن آن‌ها را از حیث انطباق با ارزش‌های اجتماعی نشان می‌دهد.

دعوت از سازمان‌های مردم‌نهاد برای رصد مداوم اسباب بازی‌های وارداتی و تأیید انطباق آن‌ها با ارزش‌های اجتماعی.

ایجاد شبکه‌های پایش مدام در فضای مجازی برای آگاهی از نظرات بخش‌های گوناگون جامعه در خصوص استانداردهای ارزشی اسباب بازی‌ها^۱

۲. راهبرد آموزش، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در سطح جامعه

به دلیل کم‌اطلاعی خانواده‌ها در خصوص اهمیت اسباب بازی و کارکردهای آن، به نظر می‌رسد از یکسو توجیهات کافی در میان خانواده‌ها در خصوص ضرورت توجه به محتوای اسباب بازی و آگاهی از نقش تأثیرگذار آن‌ها بر فکر و اندیشه فرزندان وجود ندارد و از سوی دیگر خانواده‌ها به اندازه کافی آموزش داده نمی‌شوند تا بدانند چه نوع اسباب بازی انتخاب کنند.

۱. پیشنویس سند نظام نوآوری فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳.

برای رفع این مشکل لازم است نهاد مسجد علاوه بر آموزش و آگاهی دهی مستقیم از طریق کانون‌های مسجد و امام جماعت به مخاطبان مسجدی، به شکل غیرمستقیم و مانند راهکار قبلی وارد عمل شود و از طریق رسانه ملی و کانون پرورش فکری مطالبه‌گر آموزش در خصوص اسباب‌بازی‌ها برای آگاهی رساندن به والدین در قالب‌های مختلف باشد.^۱

۳. راهبرد تعامل بین نهادی

ارتباط نهادی سازمان مساجد با اتحادیه اسباب‌بازی و انعقاد تفاهم‌نامه برای بهره‌گیری از ظرفیت همیگر با هدف تولید اسباب‌بازی مناسب کودکان و نوجوانان با رویکرد ترویج غیرمستقیم نماز و مسجد، یکی از عمدت‌ترین کارهایی است که می‌تواند در این زمینه انجام شود.

در این خصوص، لازم است نهاد مسجد از تمام ظرفیتها و قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در جهت یاری اتحادیه اسباب‌بازی برای هدف پیش‌گفته کمک بگیرد. شاید یکی از کمک‌های عمدت، استفاده از ظرفیت عظیم شبکه مساجد در فروش اسباب‌بازی‌های تولیدی باشد. اگر با هماهنگی نهاد مدیریتی مساجد، امکان فروش اسباب‌بازی‌های مناسب تولیدشده، در فضای مساجد و بدون صرف هزینه‌های دیگر، برای تولیدکنندگان فراهم باشد، چه بسا بخش قابل توجهی از مشکلات تولید و هزینه‌های بالای آن از بین رفته و روند غلبه اسباب‌بازی‌های با محتوای نامناسب وارونه شود.

۱. همان.



بخش ششم: بازی‌های رایانه‌ای

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

بازی‌های رایانه‌ای یکی از ابزارهای رسانه‌ای است که کشورهای غربی با قدرت در این زمینه وارد شده‌اند و توانسته‌اند با طراحی مناسب، کیفیت و گرافیک مطلوب، مخاطب را جذب کرده و اهداف خود را از این طریق منتقل کنند.

بازی‌هایی ابتدایی ساخته شده در دنیا، بسیار ساده و تنها یک ابزار تفریحی آرام بودند؛ ولی به تدریج و با پیشرفت روزافزون بازی‌های رایانه‌ای و حضور آن‌ها در اماکن مختلف، حتی منزل‌های شخصی و استقبال‌بی‌نظیر جوامع بشری از آن‌ها، تولیدکنندگان را وادار به بازی‌هایی با هیجان بیشتر و داستان عمیق‌تر و دقیق‌تر کرد. هم‌اکنون بازی‌های رایانه‌ای یکی از ابزارهای مهم رسانه‌ای است که طی سال‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته و عمده‌تاً توسط کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا تولید شده و در سراسر جهان توزیع می‌شود.

بازی رایانه‌ای را می‌توان رسانه‌ای بی‌بدیل خواند که کاربر و بازیکن طی آن به انجام عملی دیدگاه‌های موردنظر تولیدکنندگان و پشتیبانی‌کنندگان آن‌ها می‌پردازد و

با عمل خود، سبب نهادینه‌سازی این دیدگاه‌ها و رفتارها در روح و روان خود می‌شود.^۱

صرف‌نظر از مثبت یا منفی بودن بازی‌های رایانه‌ای، به لحاظ ارتباط عمیقی که کاربر یا بازیکن در این بازی‌ها با شخصیت اصلی و کل داستان برقرار می‌سازد، فرد به‌شدت از فضای حاکم بر بازی تأثیر می‌پذیرد و خود این مسئله این فرصت را برای سازندگان فراهم می‌سازد که اهداف فرهنگی خود را به مخاطب عرضه کنند ولذا با توجه به نیت سازندگان و اهداف پیدا و پنهان آنان، می‌توان از این بازی‌ها به عنوان یک شمشیر دو لبه نام برد که هم می‌تواند سازنده یک فرهنگ و هویت ملی باشد و هم القاگر فرهنگ بیگانه در ذهن مخاطب.

این پدیده به مرور مورد توجه صاحب‌نظران دینی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفت و هدایت تولید‌کنندگان و پشتیبانی از آن‌ها برای تولید محصولات مناسب با دیدگاه‌های آن‌ها و استفاده رسانه‌ای از آن به فرآیندی ناگستاخ از بازی‌های رایانه‌ای تبدیل شد؛ به گونه‌ای که بررسی این پیوند خود نیازمند ساعت‌ها تأمل و جستجو است.

بر همین اساس بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس شد که وظیفه آن هدایت، حمایت و برنامه‌ریزی برای تولید بازی‌ها و حمایت از مراکزی است که در این حوزه فعالیت می‌کنند.^۲

۱. ایمن‌السادات موسوی نژاد، کالبدشکافی موشکافانه بازی رایانه‌ای، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۷/۷، شماره: ۱۸۹.
۲. همان.



۱. وضعیت مخاطبان بازی‌های رایانه‌ای

جامعه هدف این محصولات عمدتاً کودکان و نوجوانان هستند و امروزه بازی‌های رایانه‌ای، یکی از اجزای غیرقابل تفکیک از زندگی کودکان، نوجوانان و جوانان محسوب می‌شوند که توانسته‌اند این قشرهای جامعه را به خوبی به خود جذب کرده و روزانه تا چندین ساعت به خود مشغول سازند؛ بنابراین طیف گسترده‌ای از جامعه را زیرپوشش خودش قرار می‌دهند و علاوه بر اینکه به عنوان ابزار تفریحی در اختیار جامعه هدف قرار می‌گیرند، اهداف مرموزانه‌ای را در لابه‌لای این بازی‌ها دنبال کرده و تفکرات نادرست جوامع غربی را به کودکان و نوجوانان و جوانان القا می‌کنند.^۱

نمودارهای ذیل که نتایج پیمایش‌های صورت گرفته در نمایشگاه بازی‌های رایانه‌ای است، وضعیت سنی کاربران و بازیکنان ایرانی بازی‌های رایانه‌ای را نشان می‌دهند:

« میانگین سن بازیکنان ایرانی »

۱۶ سال ۱۳ سال

پیمایش ۹۲

پیمایش ۸۹

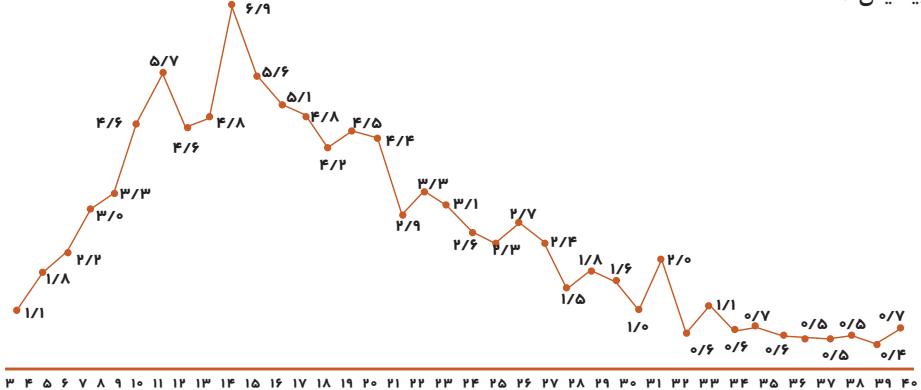
منبع: بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای

چنانکه مشاهده می‌شود میانگین سن بازیکنان روند صعودی دارد و رفتار فته، افراد بزرگ‌تر را نیز وارد بازی‌ها کرده است. همچنین نکته جالب توجه دیگر آنکه میانگین سنی بازیکنان حتی در پیمایش اخیر که چند سال بالا رفته است عدد ۱۶ را نشان می‌دهد که سن نوجوانی است؛ لذا بخش قابل توجهی از بازیکنان

۱. همان.

بازی‌های رایانه‌ای در ایران را سینین پایین و در رأس آن‌ها کاربران نوجوان تشکیل می‌دهد. این ادعا در نمودار ذیل به صورت عینی‌تری قابل اثبات است.

« ترکیب درصدی سن بازیکنان ایرانی پیمايش ۹۲ »



منبع: بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای

بر حسب داده‌های این نمودار، بیشترین درصد بازیکنان را گروه‌های سنی ۹، ۱۲ و ۱۳ سال، به ترتیب با ۶.۹ درصد، ۵.۷ درصد و ۵.۶ درصد تشکیل می‌دهد. در حال حاضر ۲۰ میلیون بازیکن بازی‌های رایانه‌ای در کشور ما وجود دارد. با این توصیف که هر کاربر در ایران به طور متوسط روزانه دو ساعت مشغول بازی رایانه‌ای است، روزانه ۴۰ میلیون ساعت در ایران صرف بازی‌های رایانه‌ای می‌شود.

« میزان کاربران بازی‌های رایانه‌ای در ایران »

براساس **پیمايش سال ۱۳۹۲** و مطابق با سرشماری ملی سال ۱۳۹۰
برآورد میزان **بازیکنان بین سینین ۳ تا ۴۰ سال** در ایران

جمعیتی معادل **۱۸ میلیون** و ۳۱۷ هزار و ۹۴۰ نفر می‌باشد.

منبع: بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای



با رواج بازار این بازی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای هم‌اکنون به عنوان یک صنعت و یکی از موارد عمده صنایع فرهنگی مطرح شده است که با گردش مالی بالا، نقش پررنگی را در حوزه اقتصاد ایفا می‌کند.

۲. وضعیت تولید بازی‌های رایانه‌ای در ایران

تولید بازی رایانه‌ای در ایران حرکتی ۶ ساله دارد و بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای به طور مستقیم به سرمایه‌گذاری برای بازی‌های تولید شده در کشور می‌پردازد. محدودیت‌های اعتبار و بودجه به عنوان مهم‌ترین چالش‌های تولید بازی رایانه‌ای در ایران مطرح است. بودجه‌ریزی اولیه کشوری مانند کره جنوبی برای ساخت و تولید بازی‌های رایانه‌ای ۲۰۰ برابر بودجه ایران برای این صنعت است (بر اساس آمار سال ۱۳۹۱) در ایران سالانه یک‌میلیون دلار بودجه به تولید بازی رایانه‌ای تعلق می‌گیرد و در این راه مصرف می‌شود.

در زمینه آموزش عالی «بازی‌سازی» در کشور نیز گام‌های مؤثری برداشته شده، به‌نحوی که هم‌اکنون سه واحد اختیاری تولید بازی رایانه‌ای در ۳ دانشگاه کشور راه‌اندازی شده و رشتۀ کارشناسی ارشد بازی رایانه‌ای نیز در سال ۹۲ راه‌اندازی شد.^۱ متأسفانه نخبگان در ایران خیلی دیر متوجه اهمیت بازی‌های رایانه‌ای شدند. در حقیقت، هم دیر متوجه شدند و هم سرمایه‌گذاری مناسبی در این حوزه انجام نگرفت. لذا نتیجه این شد که ایران در بخش تولید بازی، به لحاظ کمّی، تقریباً یک کشور مصرف‌کننده صرف در این حوزه است و متخصص این کار را نیز تربیت نکرده است. هیچ دانشگاهی در ایران متخصص بازی رایانه‌ای تربیت نمی‌کند؛ در حالی که در کشورهایی مثل مالزی و اندونزی دانشگاه‌ها، خروجی متخصص بازی رایانه‌ای دارند.

در بخش بودجه نیز بودجه‌های لازم تخصیص پیدا نکرده است. در سال ۱۳۹۰ بودجه بازی‌های رایانه‌ای کشور چیزی حدود ۱/۵ میلیارد تومان بود که از این

۱. اظهارات رئیس بنیاد بازی‌های رایانه‌ای در مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۱۰/۲۶.

مبلغ شاید نصف آن به تولیدکنندگان اختصاص پیدا کرد. همچنین در بحث کپیرایت، قانون مشخصی که سبب شود تولیدکنندگان با طیب خاطر در این حوزه وارد شود و سرمایه‌گذاری کند، وجود ندارد؛ زیرا قفل این بازی‌ها را خیلی راحت می‌شکنند و بعد آن را وارد بازار می‌کنند و درنهایت تولیدکننده ورشکسته خواهد شد.^۱

جدول بهترین بازی‌های ایرانی

نام بازی	هزینه ساخت	درآمد
مبارزه در خلیج عدن	۱۲۰ میلیون تومان	نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان
گرشااسب	۳۰۰ میلیون تومان	بیش از ۴۰۰ میلیون تومان
سیلواش	۲۵۰ میلیون	نلمشخص

سالانه بین ۳ تا ۴ هزار بازی رایانه‌ای در جهان ساخته می‌شود که در داخل کشور حدود ۲۰۰ بازی رایانه‌ای ساخته می‌شود. ماهانه بین ۴۰ الی ۵۰ بازی الکترونیکی خارجی نیز وارد بازار ایران می‌شود. طی چند سال گذشته ۲۰۰ بازی ایرانی به تولید رسیده و تاکنون ۳۰ بازی وارد بازار شده است.^۲

« میانگین خرید بازی رایانه‌ای در هر ماه (براساس واحد و هزینه) توسط بازیکنان ایرانی

۲ عدد ۷۸۰۰ تومان

براساس واحد در ماه

« افراد ۱۱ تا ۱۵ سال و افراد ۱۶ تا ۲۰ سال بیشتر از سایر گروههای سنی، بازی خریداری می‌کنند

« میانگین هزینه ماهانه برای خرید بازی در روستاهای بیشتر از شهرهای تابعه است

منبع: بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای

۱. حمید ضایی‌پور، تأثیر بازی‌های رایانه‌ای، فردانیوز، ۱۳۹۰/۸/۲۴، کد خبر: ۱۶۹۷۸۷.

۲. اظهارات مسئولان در «نشست کمیته نوآوری فرهنگی در حوزه صنایع فرهنگی»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.



با توجه به آمار و اطلاعات سایت رسمی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۳۰ در فرآیند صدور مجوز تعداد ۲۰۷۸ بازی موردنرسی قرار گرفته و تعداد ۱۵۳۰ بازی نیز موفق به دریافت مجوز گردیده‌اند؛ ضمناً ۳۵۳ بازی نیز غیرمجاز اعلام شده است. همین آمار در تاریخ ۹۰/۱۲/۲ به عدد ۸۱۷ عدد بازی غیرمجاز افزایش پیداکرده و ۷۳۹ بازی نیز مجاز قلمداد شده است. در تاریخ ۹۱/۱/۲۴ نیز عنوانین بررسی شده به ۱۷۳۲ بازی تقلیل پیداکرده که از این تعداد ۷۴۷ عنوان، مجاز و حدود ۱۴۸ عنوان آن حکم ویرایش گرفته و مابقی غیرمجاز اعلام شده است.

از ۱۰۰ بازی ایرانی تولید شده حدود یک‌پنجم آن‌ها آنلاین هستند. ۱۰ درصد بازی‌ها توانسته به بازارهای خارجی راه پیدا کند. بازی‌های آنلاین را تقریباً همه کشورها استفاده می‌کنند؛ حتی در آمریکا مخاطبان جدی دارد. از میان بازی‌های داخلی، بازی گرشاسب به ۱۰ زبان در بازارهای مختلف دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بازی سیاره میترا، بازی شبان و بازی طلای سیاه نیز در اروپا منتشر شده است. برخی بازی‌ها به بسیاری از کشورهای اسلامی ارائه شده‌اند از جمله مالزی و کشورهای شرق آسیا.

طبق آمارهای منتشر شده، روزانه دو بازی رایانه‌ای جدید به بازار می‌آید؛ یعنی هرماه حدود ۶۰ بازی رایانه‌ای جدید تولید و به بازار وارد می‌شود.

ایران در تولید بازی رایانه‌ای در منطقه مقام اول را به خود اختصاص داده و در آسیا بعد از کشورهای چین، کره جنوبی، ژاپن و هند مقام پنجم را دارد. شایان ذکر است بازی آسمان دز در جشنواره بازی‌های آلمان جایزه بهترین بازی مستقل دنیا را از آن خود کرد.

گفتنی است با توجه به نوع دسترسی به بازی‌های رایانه‌ای به‌ویژه از طریق اینترنت، رصد این بازی‌ها و فیلتر آن‌ها ظاهراً کاری مشکل و غیرقابل انجام است و طوری نیست که با بستن مرز جلوی آن‌ها گرفته شود.^۱

۱. اظهارات مسئولان در «نشست کمیته نوآوری فرهنگی در حوزه صنایع فرهنگی»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳. وضعیت محتوایی بازی‌های رایانه‌ای

بازی‌های رایانه‌ای به لحاظ محتوایی وضعیت مطلوبی ندارند و چنانکه از وضعیت آماری تولید داخل و خارج و نیز از پیش‌دستی زمانی غرب در ورود به این عرصه پیداست، بخش اعظمی از محتوای موجود در بازی‌های رایانه‌ای، محتوای عاری از نشانگان دینی و مسجدی است و بخش قابل توجهی از همین قسم، محتوای ضد دینی دارد. آن قسمتی هم که محتوای مناسب دارد و در داخل تولیدشده است، هنوز جذابیت‌های بصری و هنری لازم را به اندازه بازی‌های خارجی برای کودکان و نوجوانان ندارد؛ لذا در صد استفاده از بازی‌های داخلی از درصد حضور آن‌ها در میان تمام بازی‌ها کمتر است.

بنابراین بازی‌های رایانه‌ای حامل آسیب‌های فرهنگی متعددی هستند که بر اساس درون‌مایه‌ای که دارند آسیب‌ها را به کاربر و بازیکن وارد می‌نمایند. تفصیل برخی از آسیب‌ها به شرح ذیل است:

۱-۱. تخریب سبک زندگی دینی:

در بخشی از این بازی‌ها، کودکان و نوجوانان در مقابل رایانه‌هایشان می‌نشینند، به خرید می‌روند، مانکن‌ها را آرایش کرده و لباس‌هایشان را عوض می‌کنند و متناسب با زیبایی‌شان نمره می‌گیرند، وسایل گمشده زنان را پیدا می‌کنند، انواع غذاهای غربی را می‌پزند و در تمامی این بازی‌ها، سبک زندگی غربی را فرامی‌گیرند، بنابراین تخریب سبک زندگی اسلامی ایرانی که ارتباط مستقیم و جدی با هویت ملّی، دینی و انقلابی دارد، کار عمدہ‌ای است که بازی‌های رایانه‌ای با کودکان می‌کنند.^۱

۱-۲. تخریب اخلاق و عفت عمومی:

این بازی‌ها با به نمایش گذاشتن لباس‌های نامناسب، سناریوهای غیراخلاقی، صحنه‌های تحریک‌کننده و حرکات خلاف شئون اسلامی، ذهن کودکان و نوجوانان را با مسائلی درگیر می‌کند که برای سنتشان بسیار زود است و این مسئله، هم در

۱. فلش‌بازی‌های کودکانه و آموزش سبک زندگی غربی، خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۲/۴/۴، کد خبر: ۲۴۶۹۹۹.



بازی‌های پر حجم به وفور قابل مشاهده است و هم در بازی‌های کم حجم.

۳-۳. تخریب هویت دینی و انقلابی:

برخی از این بازی‌ها سیاسی است و اسلام و ایران انقلابی را هدف قرار داده است. این بازی‌ها که عموماً از نمادهای یکسانی بهره می‌برند، در ردیف بازی‌های بزرگ و مشهور هستند و کمتر موردی از بازی‌های رایانه‌ای فلش می‌توان یافت که جهت حمله به اسلام و انقلاب اسلامی طراحی نشده باشد. نمادها عموماً در تصویرسازی شامل مواردی از قبیل چهره‌ها (چهره‌های ایرانی و یا اسلامی و حتی گاهی شبیه به چهره حضرت امام یا سید حسن نصرالله) طرح‌های اسلامی شبیه به طرح‌هایی که در مساجد ایران دیده می‌شود، استفاده از نامهایی چون اسمای متبرک الهی و نامهای معصومین علیهم السلام در پرچم‌ها و سردرها، صداهای شبیه به صدای بزرگان دینی-سیاسی مثل سید حسن نصرالله و صداهایی شبیه به شعارهای الله اکبر، است که به وفور در این‌گونه بازی‌های سیاسی به کار می‌روند؛ بنابراین تخریب هویت دینی و انقلابی از دیگر مشکلاتی است که به تبع بازی‌های رایانه‌ای به وجود می‌آید.

۴. تقدس زدایی از منجی آخرالزمان:

برخی بازی‌ها رویکردی آخرالزمانی دارد و با معرفی منجیانی جعلی، تفکر آخرالزمانی کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این‌گونه بازی‌ها که گاه با جنگ‌های بزرگ شبیه به «آرم‌اگدون»^۱ همراه هستند، بازیکنان نقش منجیانی می‌یابند که و劫اتی شبیه به اسطوره‌های غربی می‌یابند.^۲

۴. تحلیل محتوای برخی از بازی‌های رایانه‌ای^۳

هرچند دشمنی غرب با ادیان آسمانی و به خصوص اسلام، موضوع تازه‌ای نیست و سالیان سال است که در فیلم‌های هالیوودی و غیره‌هالیوودی تاخت و تاز و توهین

Armageddon. ۱

۲. آنچه که بازی‌های رایانه‌ای با کودکان و نوجوانان می‌کند، خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۱/۴/۲۰، کد خبر ۱۹۵۳۱۳ .
۳. ر.ک: کالبدشکافی بازی‌های رایانه‌ای: <http://www.vgpostmortem.blogfa.com/post.aspx.44>

آن‌ها به این دین مقدس و پاک مشاهده می‌شود، اما در این بین، در بخش دیگری از رسانه‌های غربی، توهین‌هایی به خداوند یکتا، ساحت مقدس انبیای الهی، ائمه اطهار، کتب آسمانی و اماکن مذهبی در حال انجام است که چندان به چشم نیامده و از دیده‌ها پنهان مانده است. توهین‌هایی که در بازی‌های رایانه‌ای غربی به مقدسات صورت می‌گیرد، نه تنها خشم و انزعجار مسلمانان را به همراه نداشت، بلکه متأسفانه خیلی از این بازی‌ها زینت‌بخش اوقات فراغت کودکان و نوجوانان و جوانان مسلمان نیز شده‌اند!

باید توجه داشت که غرب در حال برنامه‌ریزی برای از بین بردن قبح اهانت به مقدسات در میان فرزندان مسلمانان است تا نسل بعد که در آینده حاکمیت کشورهای اسلامی را در دست خواهند داشت، نسبت به شعائر دینی که مانعی جدی بر سر راه نفوذ غرب خواهد بود، بی‌تفاوت باشند و زمینه نفوذ هر چه بیشتر غرب به ممالک اسلامی و غارت منابع آن‌ها را فراهم نمایند. از این‌رو، در این مجال به برخی از تعرض‌های فرهنگی پنهانی این بازی‌ها به فرهنگ و آیین متعالی اسلام پرداخته شود:

۴-۱. خداوندی که جسم دارد و ناتوان است!

در چندین بازی، خداوند به شکلی مادی توصیف شده که عاری از خطای نیست و حتی توان لازم برای رسیدگی به امور بندگان خود را ندارد! به عنوان نمونه می‌توان به بازی‌های El Shaddai: Ascension of the Metatron و Black & White اشاره نمود.

در بازی Black & White قدرت و توان خداوند به میزان پیروان و عبادت‌کنندگان وی بستگی دارد و هر چه تعداد آن‌ها بیشتر باشد، اقتدار خدا نیز بیشتر است و می‌تواند معجزات پیچیده‌تری انجام دهد.

۴-۲. اهانت به مساجد عالی اسلام:

ارائه چهره‌ای مخدوش از قبله‌گاه مسلمانان و مسجد پیامبر، از دیگر مصادیق توهین به مقدسات اسلامی در بازی‌های رایانه‌ای به شمار می‌رود. نشان دادن این مکان‌ها



به عنوان جایگاه شر و پلیدی و نمایش قرآن در کتابخانه شرورترین افراد، نشان از عمق کینه و نفرت کفار از اسلام و مسلمین دارد. بازی‌هایی چون Resident Evil 5&4 و تولید دیگر شرکت Capcom، یعنی بازی Clive Barker's Devil May Cry 3 و بازی Undying نمونه‌های آشکاری از این کینه‌تزوی‌ها هستند.

به عنوان نمونه در بازی Devil May Cry داستان در مورد دو برادر شیطان زاده است که یکی از آن‌ها در جایگاه خیر! و دیگری در جایگاه شر توصیف می‌شوند. در این بین، برادر شرور برای دستیابی به ارثیه سیاه پدر خود، اقدام به مبارزه با برادرش می‌کند. نمایش فرزند شیطان به عنوان منجی و عامل خیر برای بشریت، توهین به قبله‌گاه مسلمین و نمایش در خانه خدا به عنوان دروازه‌ای برای ورود به دنیا شیاطین از نکات قابل توجه و توهین‌آمیز این فیلم است.

همچنین در Resident Evil دنیا به علت انتشار ویروس ناشناسی که محصول آزمایشگاهی چندین کشور ابرقدرت است، دچار فاجعه‌ای انسانی شده و انسان‌ها به مردگانی متحرک تغییر ماهیت داده‌اند؛ اما در این بین، دانشمندان سازنده ویروس موفق شده‌اند تا در آزمایشگاه‌های مخفی خود در کشور اسپانیا، با خلق نوع پیشرفته‌ای از این ویروس، گونه‌ای جدید از سربازان ژنتیکی را به وجود آورند و آن را در اختیار فرقه‌ای از افراطیون مذهبی اسپانیایی قرار دهند. رهبران این فرقه به منظور تحت‌فشار قرار دادن دولت آمریکا برای توجه به خواسته‌های آن‌ها، دختر رئیس جمهور را می‌ربایند و اقدام به اخاذی می‌کنند. دولت آمریکا برای یافتن دختر رئیس جمهور و نفوذ به این فرقه، لیان اسکات کندی (Leon S. Kennedy)، محافظ مخصوص رئیس جمهور را به اسپانیا می‌فرستد و لیان با این گروه در گیر می‌شود؛ در این بازی برای دری که به اتاق شکنجه فرقه موردنظر باز می‌شود، از تصویر در مسجدالنبی استفاده شده است.

۴-۳. تحریف داستان‌های قرآن:

ایجاد شک و شبهه در داستان‌های قرآنی، از دیگر موارد توهین به اسلام به شمار می‌رود. در این بازی‌ها سعی شده تا برخلاف نص صریح قرآن، نابودی اقوام مختلف

را به عوامل طبیعی ارتباط داده و مجازات الهی را داستانی خیالی و به دور از حقیقت جلوه دهد. بازی Uncharted 3 از همین دست بازی‌هاست.

۴- توهین به کلمه الله:

در بازی Guitar Hero III: Legends of Rock کلمه الله به شکل اهانت‌آمیزی در زیر پای خواننده و نوازنده‌گان نقش بسته است؛ اما نکته قابل توجه دیگر در مورد این بازی، وجود شیاطینی سمدار در میان نوازنده‌گان است که با اسم‌های خود روی کلمه الله قدم می‌زنند.

۴-۵. تخریب مسجد با خوک‌های درون آن:

در یکی از مراحل بازی پر طرفدار پرنده‌گان خشمگین (Angry Birds)، بازیکن باید به خوک‌هایی که درون مسجد پناه گرفته‌اند، حمله کند و آن‌ها را نابود سازد!

۴-۶. به سخره گرفتن جهنم:

بازی Dante's Inferno یکی دیگر از مصادیق توهین به مقدسات برای به سخره گرفتن بهشت و جهنم است.

۴-۷. توهین به مقدسات شیعیان:

علاوه بر توهین به مقدسات مسلمانان، اهانت به مقدسات شیعیان نیز از دیگر اقدامات کفار در بازی‌های رایانه‌ای به شمار می‌رود.

جمع‌بندی:

بازی‌های رایانه‌ای غربی علی‌رغم تأثیرگذاری فراوانی بر نسل کودک و نوجوان، محتوای ناسالمی دارند؛ محتوایی که هم اعتقادات، هم ارزش‌ها، هم رفتارها و هم نمادهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت (امام جماعت) را به چالش کشیده و مورد هجو و سخره قرار داده است.

در این بازی‌ها و اصولاً در هر بازی رایانه‌ای غربی نشانی از سخن و استدلال و منطق در اقداماتشان وجود ندارد؛ لیکن به دلیل تأثیرپذیری عقل و روان انسان از دیده‌های خود و خصوصاً مواردی که به کرات دیده می‌شوند، تصاویر موهن



بازی‌های رایانه‌ای، در اندیشه و نگرش افراد به شکلی ناخواسته تأثیر می‌گذارند. این تأثیرگذاری در سالین پایین و برای کودکان و نوجوانان که هم اطلاعات اندکی دارند و هم قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را ندارند، بسیار زیاد است؛ لذا به عنوان مثال کودک و نوجوانی که مشغول آن بازی‌ای است که مسجدالحرام را مورد وهن قرار داده و یا مسجدی را نشان می‌دهد که خوک‌های کثیف در آن جمع شده‌اند، ناگزیر نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی منفی از موضوع مسجد در فکر و روانش نقش می‌بندد. بنابراین با برنامه‌ریزی و تحمل سختی‌ها و خدمات و هزینه‌های گراف می‌توان چنین تصاویر توهین‌آمیزی را از ذهن کودک و نوجوان در معرض این آسیب‌ها پاک کرد و تغییر داد.



۱. اقدام متناسب از طریق نهادهای مسئول

لازم است توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی، در قوانین و مقررات مجوزدهی بازنگری و دقت شود. با توجه به اینکه علی‌رغم اعمال برخی محدودیتها هنوز هم بازی‌های مخرب، یا مجوز پخش می‌گیرند و یا از طرق دیگری در دسترس کودکان قرار می‌گیرند، لازم است قوانین مربوط به این حوزه مورد بازبینی قرار گیرند.

دستگاه‌هایی مانند معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان بسیج، آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان می‌توانند در این خصوص کارکرد تبلیغی، ترویجی و اطلاع‌رسانی داشته باشند.

اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی مانند انجمن بازی‌سازان دفاع مقدس، انجمن فرهنگی بازی‌سازان ایران، انجمن فرهنگی ناشران بازی‌های رایانه‌ای، اتحادیه شرکت‌های ویدئورسانه ایران و انجمن بازی‌سازان انقلاب اسلامی هنوز کارکرد بایسته خود را ندارند.

اتاق بازرگانی نیز به رغم ظرفیت‌های عدیدهای که دارد، در حال حاضر نقشی در توسعه صنعت بازی‌های رایانه‌ای ایفا نمی‌کند. بخش قابل توجهی از بازی‌های رایانه‌ای که در داخل کشور مصرف می‌شود، از اینترنت دانلود شده و به‌طور غیرمجاز تکثیر، توزیع، فروخته و مورد استفاده قرار می‌گیرد و گمرک جمهوری اسلامی ایران و ستاد مبارزه با فاچاق کالا و ارز، عملان نقشی در نظام نوآوری این صنعت ایفا نمی‌کنند؛ بنابراین، برای مبارزه با کالاهای غیرمجاز در این صنعت که ماهیت دیجیتال دارد، نقش نهادهایی مانند مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ایران (فتا) پرنگ می‌شود.^۱

نهاد مسجد با ایجاد گفتمان در این حوزه و نیز از طرق قانونی می‌تواند یکی از

۱. پیشنویس سند نظام نوآوری فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.



مطلوبه گران عرفی و قانونی از نهادهای مسئول - که ذکر شدند - در خصوص ایفای وظایفشان در این حوزه و نگرش سازی و ارزش آفرینی از موضوعات دینی و رفتارهای مطلوب همچون اقامه نماز و رفتن به مسجد توسط بازی های رایانه ای باشد. همچنان که نهاد مسجد به عنوان چشم بینای وضعیت فرهنگی جامعه می تواند مطالبه گر ساماندهی و کارآمدسازی نظام ارزیابی بازی های رایانه ای باشد.

۲. آگاهی دهی و اطلاع رسانی

امامان جماعت و کانون های فرهنگی مساجد باید ضمن آشنایی با موضوع بازی های رایانه ای و نیز به صورت موردی با بازی های رایانه ای روز دنیا، خوب و بد آن را همراه با دلیل و تحلیل تشخیص دهند.

این شناخت دو ثمرة باید داشته باشد؛ اول آگاهی دهی لسانی و مکتوب و مانند آن به مخاطبان مسجدی خود و ارائه پیشنهاد برای بهره گیری از بازی های سالم رایانه ای؛ دوم اینکه مسئولان نهاد مسجد از طریق رسانه های موجود در کشور و سایر وسائل ارتباطی، سخن خود را به مسئولان مربوطه به شکل مستدل و منطقی برسانند و آن ها را بر لزوم اقدامات جدی - با پیشنهادهای عملی که ارائه می کنند - مجاب نمایند.

۳. همکاری نهاد مسجد و بنیاد بازی های رایانه ای

ارتباط نهادی سازمان متولی مساجد با بنیاد بازی های رایانه ای و انعقاد تفاهم نامه برای بهره گیری از ظرفیت هم دیگر با هدف تولید بازی های رایانه ای مناسب برای کودکان و نوجوانان با رویکرد ترویج غیر مستقیم نماز و مسجد، یکی از راهکارهای عمدۀ است.

در این خصوص، لازم است نهاد مسجد از تمام ظرفیت ها و قابلیت های سخت افزاری و نرم افزاری خود در جهت یاری به بنیاد بازی های رایانه ای برای هدف از پیش تعیین شده کمک بگیرد.

بخش هفتم: نوشت افزار

«الف: تبیین موضوع و ضرورت آن»

یکی از عوامل اثرگذار در نگرش و تغییر رفتار دانشآموزان، نمادها و نشانههایی هستند که در محیط زندگی و تحصیل آنان دائماً در حال ارسال پیام‌اند. انبوه نوشت افزارهایی که برای جامعه بزرگ و کمنظیر و اثرباز دانشآموزی وارد کشور می‌شود و در طول سال تحصیلی همراه آنان است، هر کدام با تصاویری از شخصیت‌های عروسکی و نشانه‌های محصولات فرهنگی بیگانه، یادآور موضوع فیلم‌ها و سریال‌ها و داستان‌ها و پیام‌های هدف‌گذاری شده‌ای هستند که با مخاطبان خود در خانه و مدرسه و کوچه و خیابان ارتباط برقرار می‌کنند. این نمادها و نشانه‌ها به مثابه یک «رسانه» به تدریج تغییراتی را در نگرش، ذائقه، رفتار و کردار دانشآموزان و دوستان و اطرافیان آنان به وجود می‌آورند.

نوشت افزارهای حاوی نمادهای فرهنگ بیگانه که مسیر آسان و کم‌هزینه‌ای را برای ورود و توزیع در کشور پیش رو دارند و گاهی توسط تولیدکنندگان داخلی نیز به بهانه برخورداری از مشتری بیشتر و رایگان بودن اقتباس، تکثیر می‌شوند، از مصادیق تأثیرگذاری فرهنگی بعضی اصناف در غیاب سازمان‌ها و نهادهای مسئول هستند.^۱

۱. سیدیاقر پیش‌نمایی، نشریه رسالت، «نوشت افزار و سلامت تحصیلی»، ۱۳۹۳/۶/۱.



۱. وضعیت فرهنگی نوشت افزار

سال‌ها است که تصاویر «کاراکتر»^۱ فیلم‌های «پویانمایی»^۲ «هالیوود»^۳ و بازی‌های اینترنتی، نبض بازار لوازم تحریر کشور را در دست گرفته است و دانش آموزان، شاید رستم و سهراب و آرش کمانگیر را نشناسند اما «بن‌تن»^۴ و «باربی»^۵ را از اعضای فامیل و آشنا یانشان هم بیشتر می‌شناسند.

در واقع سیطره شخصیت‌های آمریکایی و هالیوودی در بازار نوشت افزار در سال‌های اخیر، با گسترش اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای افزایش یافت و کارتون‌ها و بازی‌های غربی با حجم مهارناپذیری راه ورود به ذهن مخاطبان کودک و نوجوان را در پیش گرفتند و به تبع آن فروش لوازم تحریر حاوی تصاویر این کاراکترها هم رشد روزافزونی به خود گرفت.

همه شخصیت‌های هالیوودی و غربی روی جلد لوازم مدرسه در حالی بود که دانش آموزان ما هیچ شناختی نسبت به شخصیت‌های تاریخ‌ساز کشور خود ندارند و جای خالی تصاویر این بزرگان و نمادهای دینی همچون مسجد همواره بر روی نوشت افزار مصرفی دانش آموزان کشور ما احساس می‌شود.^۶

۲. وضعیت آماری تولید نوشت افزار

مدتها گذشت تا برخی از تولید کنندگان داخلی نوشت افزار از جمله «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» نیمه دوم سال ۹۱ مسابقه‌ای را در خصوص طراحی دفتر و نوشت افزار بر اساس نمادهای ایرانی و اسلامی برگزار کردند و درنهایت طرح‌های برگزیدگان این مسابقه، برای تولید انبوه در اختیار کانون پرورش فکری قرار گرفتند. در بین تصاویر و طرح‌های ایرانی و اسلامی به کار گرفته شده برای

Character. ۱

Animation. ۲

Hollywood. ۳

Benten. ۴

Barbie. ۵

۶. کیانی‌کفام، دختران نیمه عربیان روی دفترها، پورتال موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۹۳/۷/۳.

تولید نوشت افزار چهره های شاخصی مانند جهان پهلوان تختی، امیر کبیر، میرزا کوچک خان جنگلی، پوریای ولی، ابوعلی سینا، فردوسی، شهید مصطفی احمدی روشن، شهید مجید شهریاری، شهید عباس بابایی و شهید باقری دیده می شد. پس از این ماجرا، نمایشگاهها و افتتاحیه هایی هم با عنوان نوشت افزارهای ایرانی و اسلامی در سال های اخیر برگزار شد و در نهایت در تیرماه ۹۳ هم بار دیگر ۵۰۰ نوشت افزار ایرانی - اسلامی روشنا با حضور مدیران و مسئولان مربوطه رونمایی شد. در این بخش پنج شخصیت «پارسا»، «پروانه ها»، «بچه های ایران»، «خانواده رضوی» و «دلاران» طراحی شده است که هر کدام از این طرح ها دارای داستان و شخصیت های مستقل بوده اند و پس از آن هم نوشت افزار روشنا برای سال تحصیلی جدید دفترهای مشق با طرح های جدید مانند شخصیت های سریال «پایتخت» تولید و برای توزیع و فروش راهی فروشگاه های زنجیره ای کرده است. سعی و تلاش مؤسسات تولید نوشت افزار داخلی در طول چند سال گذشته در حالی بوده است که به گفته مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، تولیدات داخلی نوشت افزار ۵ میلیون دفتر در برابر نیاز ۱۵۰ میلیونی بازار مصرفی است. (در سال ۱۳۹۲) و بر حسب آمار سال ۱۳۹۳ (منتھی به شهریور و مهر ۹۳) ۹۰ درصد بازار لوازم التحریر در ایران در قبضه محصولات وارداتی و ۱۰ درصد در دست محصولات تولید داخل بوده است که البته آن هم اختصاص به دفتر و چند نوع خود کار داشته و بقیه اقلام همچنان کاملاً وارداتی هستند؛ لذا همچنان راسته لوازم التحریر فروش های بازار تهران در دست باربی و بن تن قرار دارد و نمونه های ایرانی آن قدر محدود هستند که در ازدحام نمونه های غربی گاه اصلاً دیده نمی شوند.^۱

البته نباید از یاد برد که با توجه به فعالیت تنها دو ساله در این حوزه، اختصاص ۱۰ درصد از این میزان به نوشت افزار اسلامی ایرانی، رقم قابل توجهی است؛ هر چند در حوزه های دیگر مانند کیف عدد چشم گیری حاصل نشده است. ضمن اینکه نباید از شدت گرفتن رقابت و داغ شدن تنور جنگ نرم در این حوزه غافل بود؛

۱. همان.



به طوری که وقتی تولیدکنندگان ایرانی با تأخیری ۳۰ ساله توانستند در عرصه نوشتافزار و لوازم التحریر وارد شوند و تصاویری ایرانی اسلامی را که تجسمی از اسطوره‌ها و چهره‌های شاخص ایرانی است وارد بازار این گونه محصولات کنند، آن قدر هجمه فروش نوشتافزارهایی با برنده و فرهنگ غربی و با نازل‌ترین قیمت در کشور افزایش یافت که مردم برای صرفه‌جویی در هزینه‌های زندگی ترجیح می‌دهند این کالاهای خریداری کنند.^۱

جدول روند افزایش تولید نوشتافزار ایرانی اسلامی

سال	تعداد تولید	سهم تولید	برندهای فعال	برندها
سال ۹۳	۱۵ میلیون دفتر ایرانی اسلامی	۱۰ درصد محصولات نوشتافزار کشور	حدود ۲۰ برنده	-
سال ۹۲	بیش از ۷ میلیون دفتر ایرانی اسلامی	۵ درصد فضای نوشتافزارهای کشور	بیش از ۱۰ برنده	فقط مجموع ۲ برنده دولتی بودند
سال ۹۱	نزدیک به ۱ میلیون دفتر ایرانی اسلامی	-	۲ برنده	«ایام» و «فاصدک»

جمع‌بندی:

در حال حاضر محتوای فرهنگی نوشتافزار از نمادهای مسجدی تقریباً خالی است و تصاویری که نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد داشته باشد در حد صفر و یا بسیار پایین است؛ ولی توجه به چهار نکته اساسی، بسیار حائز اهمیت است؛

۱. چنانکه توضیح داده شد، اخیراً جریان فرهنگی انقلابی در این حوزه فعال شده و نمادها و تصاویر مناسب و ارزشی را در تولید نوشتافزارها وارد نموده که نوید آینده خوبی را می‌دهد و لازم است که این اقدام سازنده به‌طور فعال ادامه یابد.
۲. نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد لزوماً از طریق چاپ و نشر تصاویر آن‌ها بر روی نوشتافزار حاصل نمی‌شود و انتظار هم نمی‌رود که این گونه شود؛

۱. اظهارات مسئولان در «نشست کمیته نوآوری فرهنگی در حوزه صنایع فرهنگی»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳.

زیرا این روش، همان روش تبلیغ مستقیم است که کارایی چندانی ندارد، بلکه باید رفتارها و نمادهای مطلوب همچون نماز و مسجد را به شکل غیرمستقیم و از طریق نمادها و تصاویر مثبتی که آشنایی کودکان و نوجوانان هستند انتقال داد. این نکته حقیقت دارد که درج نمادی همچون انرژی هسته‌ای و یا ماهواره امید در نوشت‌افزار که نشانگر رشد علمی و توانایی حیرت‌انگیز فناورانه در منظمه «نظام و انقلاب» است، به شکل غیرمستقیم، مروج و مبلغ تمام آرمان‌های دینی و انسانی است و این نمادها در بطن خود از حجاب و نماز و مسجد و حج و جهاد و همه معارف و احکام دینی، نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی می‌کنند. به دلیل آنکه آن‌ها چهره مثبتی را از نظام و حکومتی تداعی می‌کنند که در صدد تبلیغ و ترویج تمام معارف و آموزه‌ها و نمادهای دینی است و هدف و رسالتش اقامه نماز و تبلیغ سایر ارزش‌های دینی است. به خاطر همین هم هست که دشمن با تمام این نمادها و ترویج آن‌ها مقابله می‌کند و تا می‌تواند در تحقیر و وهن آن‌ها می‌کوشد.

آنچه گفته شد در نمادهایی همچون تصویر پوریای ولی، شهدای هسته‌ای و شخصیت‌های مثبت کارتونی نیز صادق است. در کنار این‌ها نیز شایسته است در حد محدودی و به شکل برنامه‌ریزی شده، از نمادهای مستقیم نماز و مسجد نیز استفاده شود.

۳. واقعیت امروز دنیا چیزی جز مادی گرایی و اقتصادمحوری نیست. دنیای امروز، خدا و پرستشگاهش پول و سود مادی است و برای نیل بدان از هر طریق و ابزاری که می‌تواند استفاده می‌کند. بر این اساس در دنیای کنونی، چندان تعصی بر مذهب و آیین‌های دینی وجود ندارد و بلکه در موقع زیادی، خود آن‌ها را نیز ابزار و وسیله نیل به مادیات و منافع دنیوی قرار می‌دهند؛ چنانکه نگاهی به مقوله صنایع فرهنگی و روند رشد آن در جهان امروز گویای این مطلب است.

البته در این میان معدهودی از کشورها که اهداف فرهنگی را نیز دنبال می‌کنند، از فرصت صنایع فرهنگی و نشر گستردگی آن در جهت ترویج نمادهای فرهنگی خود بهره می‌گیرند و بخشی از جنگ نرم را این طریق رقم می‌زنند. ولی چنانکه گفته شد این‌ها همه کاره و همه ماجرا نیستند؛ لذا به وفور دیده می‌شود که حتی در کشورهای



غربی و برای جذب گردشگران مسلمان در مراکز گردشگری خود، نیازهای مسلمانان مانند تعبیه نمازخانه و محراب و مهر را موردنوجه قرار می‌دهند. یا اینکه کشوری همچون چین، داعیه و انگیزه چندانی برای ترویج فرهنگ غربی در نوشتافزار و مقابله با فرهنگ اسلامی ندارد و بلکه صرفاً دنبال منافع مادی خود است و در شرایطی که درصد قابل توجهی از نوشتافزار مصرفی در ایران از این کشور وارد می‌شود، تولیدکنندگان آن‌ها بر حسب شناخت از دنیای کارتون‌ها و بازی‌های رایانه‌ای کودکان و نوجوان ایرانی و ذائقه‌سنگی آن‌ها، تصاویر غربی را که بیشتر موردنوجه کودکان و نوجوانان هستند، در نوشتافزار صادراتی خود به ایران وارد می‌کنند و گرنه هیچ تعصیتی براین یا آن تصویر ندارند. نکته جالب توجه در اینجا آن است که حتی تولیدکنندگان داخلی نیز که فرهنگ غربی را قبول ندارند، برای کسب سود و فروش تولیداتشان، از تصاویر و نمادهای غربی بهره گرفته و می‌گیرند.

ماحصل این نکته آن است که در کنار شخصیت‌آفرینی در برنامه‌های رسانه‌ای و بازی‌های رایانه‌ای نباید از این واقعیت غفلت نمود که بخش زیادی از تولیدکنندگان دنبال سود مادی هستند و مصرف کنندگان نیز همان نوشتافزاری را مصرف می‌کنند که در بازار هست و گرنه خودشان در صدد تولید کیف و دفترچه با نمادهای مورد علاقه و دلخواهشان نیستند. لذا اگر نهادهای فرهنگی و نظارتی مسئول، با هماهنگی همدیگر، فارغ از بحث مادی و بازار گردش مالی تولید داخلی و خارجی، فروش هرگونه نوشتافزار را اعم از داخلی و خارجی، با نمادها و تصاویر نامناسب ممنوع نموده و در این خصوص مجازات قانونی بازدارنده وضع نمایند و ضمن بستن مبادی ورود قاچاق نوشتافزار، به صورت قاطعانه در صدد اجرای این قوانین باشند، تردیدی وجود ندارد که در کوتاه زمانی، همه نمادها و تصاویر نوشتافزار از معضل نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی فرهنگ غربی خلاص خواهد شد.

^۴ نکته آخر که همواره مورد غفلت قرار می‌گیرد، نگاه منفعانه داشتن به نقش و تأثیر نوشتافزار است؛ با این توضیح که همواره سخن از این است که نمادها و تصاویر نوشتافزار، تحت تأثیر شخصیت‌های ساخته و پرداخته در کارتون‌ها و بازی‌های رایانه‌ای هستند؛ لذا برای اصلاح نمادها و تصاویر نوشتافزار باید در

لایه‌های پیشین، کار فرهنگی کرد و فکر و ذهن کودکان و نوجوانان را در کارتون‌ها و بازی‌های رایانه‌ای بامز و مسجد آشنا ساخت و ارزش‌آفرینی نمود تا آنگاه خودبه‌خود در نوشت‌افزار، نمادها و تصاویر مثبت و مناسب جایگزین شود. نگارنده ضمن تأیید این مطلب، آن را ناقص و منفعانه می‌داند و بر این نظر است که این ارتباط دوسویه است و همچنان که نمادها و تصاویر کارتون‌ها و بازی‌های رایانه‌ی در نمادها و تصاویر نوشت‌افزار تأثیر می‌گذارد، عکس آن نیز صادق است و شخصیت‌پردازی و نمادسازی از طریق نوشت‌افزار نیز در نحوه شکل‌گیری نمادها و تصاویر کارتون‌ها و بازی‌های رایانه‌ای اثر می‌گذارد و کودکان و نوجوانان در کارتون‌ها و بازی‌های رایانه‌ای از نمادها و تصاویری خوششان می‌آید که قبل‌آن‌ها را در دنیای نوشت‌افزارشان - که مدام و روزانه با آن‌ها سروکار دارند - شناخته و با آن‌ها زندگی کرده باشند.

بنابر مطالب پیشین، مقوله فرهنگ و سیر حرکتی آن را در بحث صنایع فرهنگی و از جمله نوشت‌افزار باید از بحث اقتصاد و منافع مادی آن که فرمول‌ها و عناصر خاص خود را دارد جدا کرد و ضمن اهتمام به لزوم تولید نوشت‌افزار با نمادها و تصاویر مطلوب و مروج ارزش‌های دینی همچون نماز و مسجد، بحث تأثیرگذاری بر دنیای کارتون‌ها و بازی‌های رایانه‌های را نیز دنبال کرد.



۱. مطالبه‌گری

نهاد مسجد باید وظایف هریک از نهادها را برای برآورده‌سازی هدف «مناسب‌سازی تصاویر نوشت‌افزار» از آن‌ها مطالبه نماید و یکی از مطالبه‌گران فرهنگی عمدۀ در این حوزه باشد. بخشی از این مطالبات بدین شرح می‌تواند باشد:

شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگی دفتر مقام معظم رهبری، علاوه بر نقش هدف‌گذاری، نقش هماهنگی رانیز بر عهده داشته باشند.

سازمان گمرک جمهوری اسلامی ایران نقش قابل توجهی در این صنعت ایفا نمی‌کند که این مسئله شایسته تأمل و بازنگری است.

۲. تولید محتوا جذاب و مناسب با محصولات این صنعت

ناکافی بودن استفاده از نشانه‌های اسلامی- ایرانی در محصولات این صنعت، نبود الگوهای مناسب در صنایعی مانند پویانمایی یا بازی‌های رایانه‌ای برای تبدیل به فرم و محتوا در محصولات مختلف این صنعت و کم توجهی تولید‌کنندگان به جذابیت محصولات داخلی به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، سبب ضعف ابعاد محتوایی در محصولات این حوزه شده است که نهاد مسجد می‌تواند یا خود از طریق برخی مخاطبان صاحب‌فن در این حوزه وارد کار شود و نوشت‌افزارهایی با نشانگان ایرانی و مسجدی تولید نماید، یا اینکه در قالب همکاری با نهادهای مسئول، ظرفیت‌های خود را در جهت تولید نوشت‌افزار مطلوب بسیج نماید.

« نکته »

مطلوبی که در ضمن راهکارهای موجود این فصل مورد توجه قرار گرفته است و در واقع با تجزیه و تحلیل آن، به راهکارهای ارائه‌شده نائل می‌شویم آن است که مسجد وظیفه تعلیم علوم روز و تولید ابزارهای روز مانند اسباب‌بازی و نوشت‌افزار را ندارد و اگر می‌بینیم که در برخی کتب و در بیان ارائه راهکار، به بیان مواردی

همچون آموزش ریاضی و زبان انگلیسی و فنون روز در مسجد اشاره شده و یا اینکه به ورود مسجد به حوزه عوامل محیطی در این کتاب اشاره می‌شود، به دلیل تلاقی این موضوعات و عوامل محیطی روز مانند اسباب بازی با وظیفه ذاتی و اولی مسجد - محل عبادت و نشر معارف اسلامی و تربیت دینی بودن - است. با این توضیح که علوم و فنون روز، ناگزیر در فضای «تربیتی» اجتماع که وضعیت خاص خود را دارد ارائه می‌شوند. علاوه بر این، ابزارهایی همچون اسباب بازی، نوشت‌افزار، کارتون‌ها و ابزارهای سرگرمی و مانند آن، نوعاً وارد فضای «تربیتی» می‌شوند و این‌گونه نیست که صرفاً مهارت‌های زندگی روز را آموزش دهند و یا جنبه سرگرمی صرف داشته باشند بلکه با دغدغه‌های فکری و یا حتی اقتصادی سوداگرانه وارد فضای تربیتی افراد می‌شوند؛ به طوری که خروجی کار آن‌ها (فراورده‌ها و محصولات تولیدشده) و آموزش‌های آن‌ها، در نحوه تربیت فرآگیران تأثیر تام و تمام می‌گذارد؛ اینجاست که مسجد به عنوان پشتیبان ارزش‌های اسلامی و مدافع تربیت دینی انسانی، احساس خطر می‌کند و با ارائه راهکارهای ذیل که به شکل طولی در تداوم همدیگر هستند وارد عرصه می‌شود:

در وهله اول به آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به مردم و خصوصاً مخاطبان خود نسبت به فضای تربیتی موجود در برخی آموزش‌ها و ابزارهای روز می‌پردازد.

در گام بعدی با نهادهای مسئول که با نهاد مسجد هم‌هدف هستند و در جهت اعتلای ارزش‌های اسلامی شکل‌گرفته‌اند، ارتباط برقرار نموده و ضمن هشدار برای اقدام در جهت کنترل مسائل تربیتی ناسالم، تولیدات فاخر و مناسب و نیز مدنظر قرار دادن مسائل تربیتی مفید را در کنار آموزش‌ها مطالبه می‌نماید؛ تولیدات و آموزش‌هایی که خروجی آن‌ها نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی مثبت و مطلوب از نمادها و رفتارهای دینی همچون مسجد و نماز جماعت باشد.

در گام سوم، خود نیز با آن نهادها همکاری می‌کند و ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود را جهت به ثمر نشستن تربیت سالم در کنار آموزش‌ها و نیز برای تولید ابزارهایی با نشانگان و فضای تربیتی سالم بسیج می‌نماید.

در گام آخر خود مستقل‌وارد کار می‌شود؛ بدین صورت که اسباب بازی مسجدی



تولید می کند، نوشت افزار مذهبی منتشر می کند، کلاس های آموزش علوم روز را در فضای روحانی مسجد برقرار می کند و حتی اردوهای تفریحی سالم برگزار می کند. این کارها همچنین باعث می شود تا برخی افراد که چندان ارتباطی با این مکان مقدس ندارند، پایشان به این محیط مملو از معنویت باز شود و با فضای روحانی مسجد آشنا و نهایتاً جذب آن شوند.



بخش هشتم: شبکه‌های اجتماعی

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

شبکه‌های اجتماعی بحسب هدف راهاندازی و موضوع فعالیت خود علاوه بر امکانات عمومی متنوعی مانند اضافه کردن دوستان، به اشتراک‌گذاری متن، تصویر و فایل‌های چندرسانه‌ای و سیستم ارسال پیام، امکانات و ویژگی‌های دیگری هم نظیر خبرخوان، بازی‌های آنلاین، تماشای فیلم، ارتباط با سایر رسانه‌ها، ارتباط با دستگاه‌های قابل حمل نظیر موبایل و تبلت و نظایر این‌ها در اختیار کاربران قرار می‌دهند. این شبکه‌ها با فراهم نمودن این قبیل امکانات کاربران خود را از مراجعه به چندین سایت بازداشت و احتیاجات و نیازمندی‌های اطلاعاتی، ارتباطی و تفریحی مختلفی ایشان را پوشش می‌دهند؛ نتیجه آنکه گرایش به شبکه‌های اجتماعی رشدی روزافزون دارد.

شبکه‌های اجتماعی مرزهای قراردادی و عرفی را از میان برداشته و افراد را از ورای مرزهای جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی کنار هم نشانده است. از کودکان و نوجوانان گرفته تا مادربزرگ‌ها، مدارس، شرکت‌های دولتی، انجمن‌های



خیریه و برندهای تجاری، همه و همه در رسانه‌های اجتماعی سعی می‌کنند حضور پیدا کرده و ضمن تولید محتوا برای خود مخاطبان ثابتی فراهم کنند. کاربران گوناگون در سطوح مختلف سنی، تحصیلی، فرهنگی و با جنسیت، نژاد و زبان‌های متفاوت بر حسب عالیق، اهداف، دلایل و نیازهای خود طیف وسیعی از محتوا را تولید و یا بازنشر می‌کنند.

هم‌اکنون با وجود محدودیت‌های سنی در نظر گرفته شده، کودکان و نوجوانان با انتخاب سن بالاتر در شبکه‌های اجتماعی ثبت‌نام کرده و فعالیت می‌کنند؛ بدین ترتیب کودکان وارد دنیایی می‌شوند که پیش از این بزرگ‌ترها نیز تجربه زندگی در آن را نداشته‌اند. چنانکه بر اساس آمارها، ۲۰ درصد کاربران فیسبوک زیر ۱۸ سال هستند.^۱

اما نحوه کاربری کودکان و نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی، نه تنها در شکل دهی به سبک زندگی شان بلکه در نوع قالب‌گیری هویت دینی و فرهنگی شان تأثیر تمام و تمام دارد؛ این تأثیرپذیری بالا از آن جهت است که شبکه‌های اجتماعی جزء رسانه‌های دیجیتال تعاملی هستند و چنان نیست که عرضه محتوا در آن‌ها مانند سایر رسانه‌های موجود، به شکل یک‌سویه و یک‌طرفه باشد و احياناً در مخاطب، انگیزش لازم برای پذیرش محتوای مورد انتظار به وجود نیاید. در این شبکه‌ها همه افراد حاضر، هم مخاطباند و هم عرضه‌کننده محتوا (به شکل بالقوه) و این وضعیت هیجانی و پرنشاط، با فضای گفتمانی و فرصت ابراز وجود و شخصیت که برای افراد می‌آفریند، میزان تأثیر و تأثر را به شدت بالا می‌برد و اثرگذاری محتوای رد و بدل شده در آن را افزایش می‌دهد؛ محتوایی که ممکن است دینی و مسجدی باشد و یا غیر دینی و یا ضد دینی.

۱. سبک زندگی کاربران شبکه‌های اجتماعی، پورتال مشرق نیوز، ۱۳۹۲/۱/۱۴، کد خبر: ۱۹۵۷۸۲.

۱. وضعیت برخورد جامعه ایرانی و غرب با مقوله فناوری‌های جدید

بررسی تطبیقی موضع اولیای فرهنگی جوامع ایران و غرب، حکایت از برخوردی متفاوت در زمینه فناوری‌های جدید، دارد؛ در حالی که در ایران به لحاظ تحقیقاتی، با بی‌توجهی از کنار تبعات و پیامدهای اتاق‌های «چت»^۱ اینترنتی عبور شده است، در غرب تلاش وافری در جهت شناخت نقاط ضعف و قوت اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی و کوشش در جهت گسترش بسترسازی‌های فرهنگی برای افزایش فرصت‌ها و کاهش تهدیدهای چترومها، صورت گرفته است.

بر همین اساس با گسترش پژوهش‌ها و تحقیقات اجتماعی در غرب، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه اتاق‌های گفت‌و‌گو، شامل سه محور کلان پژوهشی در زمینه آسیب‌های ناشی از حضور در چترومها، تلاش در جهت کاهش آسیب و تلاش در جهت گسترش فرصت‌های اتاق‌های چت شد. پژوهش‌های محور نخست، به بازشناسی آسیب‌های مترتب بر اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی و موبایلی می‌پردازند. پژوهش‌های محور بعدی، با هدف مداخله در فضای پرفرازونشیب اتاق‌های گفت‌و‌گو، کوشش در جهت کاهش آسیب‌های پیش‌گفته را تعقیب می‌کنند و سرانجام آخرین محور از محورهای یادشده، به گزارش تحقیق‌هایی می‌پردازد که با هدف گسترش فرصت‌های اتاق‌های گفتمان، به بررسی و مطالعه پرداخته‌اند.^۲ بنابراین فناوری‌های ارتباطی نه در ایران بلکه در جهان حاضر نه یک انتخاب، بلکه یک تحمیل است، ولی برای مقابله با تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی، غربی‌ها با اتکا به رویکردی مداخله‌گرایانه، کوشیده‌اند با گسترش فرصت‌های اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی از میزان تهدیدهای آن بکاهند؛ اما به سبب دید متفاوت در ایران، فناوری‌های ارتباطی پیشرفت و در اینجا شبکه‌های اجتماعی، به سبب آنکه متضمن تهدید نیز هستند، در نگاه و برخوردی آرمان‌گرایانه، به کنار نهاده شده‌اند. نگاه آرمان‌گرایانه اخیر، مسئولان ایرانی را به سمت رویکرد مبتنی بر نفی و انکار

Chat. ۱

۲. صبا حسنوندی و مرتضی منطقی، فراز و فروز چترومها، ص ۳۷



فناوری‌های ارتباطی پیشرفت‌ه سوق داده است و همین مسئله سبب گردیده است با بی‌توجهی به بسترسازی‌های فرهنگی لازم جهت کاهش آسیب‌های فناوری‌ها، در جریان فرصت‌سوزی پدید آمده، فرصت‌های فناوری‌های پیش گفته، به شکل جدی امکان طرح نیابند و تنها تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی پیشرفت، خود را در ایران به نمایش بگذارند.^۱

نتیجه اینکه شبکه‌های اجتماعی را باید به مثابه فرصت و تهدید در کنار هم نگریست. باید پذیرفت که اصل این فناوری خود را بر جوامع مختلف و از جمله ایران، تحمیل کرده و خواهند کرد و در ارتباط با آن‌ها، انتخاب چندانی در «اصل» قضیه، وجود ندارد؛ همچنان که همین الان چندین نرمافزار در حال فعالیت هستند و کاربران زیادی را جذب کرده‌اند، نرمافزارهایی همچون واپر، تانگو. درواقع؛ این گزاره که «نمی‌توان در مقابل ورود فناوری ایستاد» در اصل، حرف درستی است که البته نتیجه‌ای که روشنفکران غرب‌زده مبنی بر یله و رها گذاشتن آن و تسليم شدن در برابر آن و به عبارتی خودکشی از ترس مرگ، می‌گیرند، رویکرد کاملاً اشتباه و منفعلانه‌ای است؛ اگر نمی‌توان در مقابل ورود «اصل» فناوری ایستاد - که البته نباید هم ایستاد - بدان دلیل است که تغییر و تحول در ابزارها و به وجود آمدن فناوری‌های مدرن، در راستای قانون طبیعت است یعنی همان استفاده از عقل و خرد بشری و اختراع امکانات پیشرفت‌ه؛ ولذا هر کس و جریان و مکتبی نیز بخواهد در برابر پیشرفت‌های بشری قد علم کند محکوم به شکست و نابودی و یا نهایتاً انزوا و ضعف است. رویکرد صحیح در مواجهه با فناوری‌ها و تغییرات و تحولات اخیر، رویکرد مواجهه فعال و جهت‌دهی صحیح به آن‌هاست؛ باید با بسترسازی و فراهم آوردن زمینه‌ها، فرصت‌هایی را فراهم ساخت تا ابزار موردنظر مثلاً شبکه‌های اجتماعی در آن جهت، مورد استفاده قرار گیرد و نیز زمینه‌ها و بسترهای استفاده منفی را و یا درواقع همان زمینه‌های تهدید را به حداقل رساند و در موقع معدودی نیز با حذف برخی بخش‌های آن، در برآورش مانع ایجاد نمود؛ در همین راستا لازم است به رویکرد بومی‌سازی البته با خلاقیت و نوآوری

۱. همان، ص. ۷۱

و جذابیت‌آفرینی و تنوع‌بخشی به امکانات نرم‌افزارهای هم‌عرض، توجه جدی مبذول شود و گرنه شانسی برای برنده شدن در این رقابت سهمگین وجود ندارد. البته این‌ها همه در کنار وظایف کلان و مسئولیت‌های عمدہ‌ای است که نظام در جهت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم و خصوصاً جوانان در حوزه شبکه زندگی اسلامی دارد که در صورت مرتفع شدن نسبی آن‌ها، شاهد گرایش «افراتی» مردم به چنین ابزارهایی و آن‌هم در جامعه دین‌مدار ایرانی نخواهیم بود.

۲. وضعیت محتوای رد و بدل شده در شبکه‌های اجتماعی

برای تبیین این پرسش که محتوای رد و بدل شده میان کاربران چتروم‌ها یا شبکه‌های اجتماعی، چه چیزهایی است؟ پژوهشگران با حضور در چتروم آسیا، بدون آنکه مداخله فعالی در روند بحث‌های رد و بدل شده کاربران داشته باشند، از مباحث رد و بدل شده در این چتروم نسخه‌برداری کرده و آن را تجزیه و تحلیل نموده‌اند^۱ که حسب آن «دوست‌یابی و تبادل شماره تلفن»، «ارتباط‌های روزمره و تعامل‌های معمولی» و «مسائل غیر اخلاقی»، با ۸۹,۳ درصد عمدترين حجم پیام‌های رد و بدل شده را در برمی‌گیرند.

در یک برسی دیگر، نوسان ارزشی کاربران چت مورد توجه قرار گرفت و از کاربران اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی، این پرسش به عمل آمده که آیا چت کردن می‌تواند موجب دوری افراد از ارزش‌های فرهنگی‌شان شود یا خیر؟ در ۴۸٪ موارد پاسخ‌دهندگان پاسخ مثبت، در ۲۴٪ پاسخ بی‌نظر و در ۲۸٪ موارد گزینه منفی را انتخاب کردند.^۲

البته در یک برسی مقدماتی که توسط یک گروه پژوهشی در سطح هفتاد کاربر ایرانی اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی (۳۵ دختر و ۳۵ پسر) انجام پذیرفت، افرادی که از محیط گفت‌و‌گوی اینترنتی به عنوان فرصت یاد کرده بودند، با اشاره به مواردی مانند آشنایی با افراد دیگر، دوست‌یابی، تبادل تجربیات، اخذ ایده‌های جدید از دیگران، استفاده‌های مشاوره‌ای، تخلیه هیجانی، قیمت ارزان و سرعت زیاد و نظایر

۱. مصطفی بلقان‌آبادی و مرتضی منطقی، نشریه سلامت روانی، «تحلیل محتوای اتاق‌های گپ اینترنتی (چتروم‌های) ایرانی».

۲. مرتضی منطقی؛ همان، ص ۲۴۱-۲۴۳.



آن، بر مثبت دیدن اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی تأکید ورزیده بودند.^۱ این مسئله همان بحث وجود فرصت در فناوری‌های روز و امکان بهره‌مندی مثبت از آن‌ها را نشان می‌دهد که در مبحث قبلی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

« جمع‌بندی:

در خصوص نقش‌آفرینی شبکه‌های اجتماعی در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در فکر و اندیشه کودکان می‌توان چنین بیان کرد که از آنجاکه شبکه‌های اجتماعی محصول خارجی هستند و فناوری مربوط به آن‌ها در گام اول در خارج از کشور ساخته و پرداخته شده است، لذا جدا از مشکلات امنیتی که در بردارند، محتواهای اولیه آن‌ها با فرهنگ بیگانه شکل‌گرفته است.

این مطلب وقتی با این گزاره همراه می‌شود که رویکرد مواجهه با فناوری‌های روز در جامعه ایمانی ایرانی، نوعاً رویکرد طرد و نفی آن‌ها بوده است، نتیجه این می‌شود که بخش قابل توجهی از کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران و محتوای تولیدشده توسط آن‌ها، نامناسب و ضد فرهنگی است - که راهکارهای اصلاحی آن در قسمت قبلی توضیح داده شد - طوری که نگاهی به محبوب‌ترین صفحه‌های شبکه‌های اجتماعی که توسط برخی نهادهای آماری تهیه شده و نیز هنرمندان محبوب بین ایرانیان، رسانه‌های محبوب بین ایرانیان و شناسه‌هایی که بیشترین دنبال‌کننده را بین ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی دارند، مؤید این مطلب است. در حال حاضر، با وجود مسدود بودن بسیاری از شبکه‌های اجتماعی، حضور ایرانی‌ها در فضاهایی از جمله «فیسبوک»^۲، «توبیتر»^۳، «ایнстاگرام»^۴ و البته شبکه‌های ارتباطی اینترنتی مانند WhatsApp, Viber بوضوح دیده می‌شود و حتی در برخی موارد کاربران ایرانی مخاطبان اصلی این شبکه‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین گفتنی است هرچند شبکه‌های اجتماعی بومی نیز ساخته شده‌اند لیکن به دلیل

۱. همان، ص ۲۵

۲. Facebook

۳. Twitter

۴. Aynstagram

دیر جنبیدن، ضعف خدمات و عواملی دیگر، به هیچوجه مانند شبکه‌های اجتماعی غیربومی مورد استقبال واقع نشده‌اند.

بنابراین در محتوای فعلی شبکه‌های اجتماعی، نشانگان دینی و مذهبی اساساً کمنگ است که در ضمن آن، موضوعات مربوط به رفتارها و نمادهای دینی همچون نماز و مسجد کمنگ‌تر نمود دارد. این موضوع وقتی با قشر خاصی از جامعه و گروه سنی مشخصی مانند کودکان و نوجوانان ارتباط پیدا می‌کند، نقصان مضاعفی مشاهده می‌شود.



۱. تغییر رویکرد نفی مطلق:

شبکه‌های اجتماعی یکی از قابلیت‌های فضای مجازی است که به‌طور وسیع در معرض استفاده کودکان و نوجوانان و سایر اقشار جامعه قرار دارد و می‌تواند دارای پیامدهای مثبت و یا منفی باشد.^۱ اگر هم برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در داخل، حکایت از غلبهٔ استفاده منفی از تالارهای گفت‌و‌گو در کاربران ایرانی و یا حتی در کل دنیا دارد، ناشی از دلایل خاصی است و دال بر تهدید صرف بودن شبکه اجتماعی بالذاته نیست و نمی‌تواند مستمسک و دلیلی برای حذف کلی آن از جامعه باشد. «لذا مقاومت سلبی صرف، در برابر فناوری‌های ارتباطی پیشرفت، تنها فرصت‌سوزی است و بهنوعی تداعی گر حکایت از چاله به چاه افتادن است؛ اما در صورتی که رویکرد اخیر، به شکل فعالی با رویکرد مبتنی بر مداخله‌گرایی تغییر یابد؛ در این صورت، به جای فرصت‌سوزی و از دست دادن زمان، مسئولان امر در صدد فرهنگ‌سازی و بسترسازی جهت گسترش ابعاد مثبت فناوری‌های ارتباطی پیشرفت (از جمله اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی) برآمده، با افزایش فرصت‌های این فناوری، خودبه‌خود از میزان تهدیدهای آن خواهد کاست.»^۲

البته باید یادآور شد به همان اندازه که باید از جنبهٔ افراط که همان نگاه سلبی صرف و تحریم کل و اصل فناوری است دوری نمود، از جنبهٔ تفریطی و رها نمودن جامعه برای ورود هرگونه فناوری و به هر شکل آن نیز باید اجتناب نمود. فناوری‌های مدرن حتی در جامعه مادی‌گرای غربی نیز به‌طور کامل آزاد نیستند و چنان نیست که افراد در هر سن و مکان و زمانی بتوانند از تمام ابزارهای فناوری نوین استفاده کنند و این یک گزاره بدیهی عقلی است.

بر همین اساس باید ضمن پذیرش لزوم وجود محدودیت‌هایی در این زمینه، دو رویکرد عمدۀ را در مقابلهٔ سلبی و منفی با فناوری‌هایی که نقش ابزاری صرف دارند مدنظر قرارداد: اول اینکه محدودیت‌ها در حد ضرورت باشد و از لحاظ کمّی و کیفی

۱. مصطفی امیری، نشریه پیام، «گفتمان بی‌مرز (چت، آسیب‌ها و کاربردها)»، ص ۱۸۶.

۲. صبا حسنوندی و مرتضی منطقی، همان، ص ۱۵۳-۱۵۲.

منجر به تعطیلی اصل فناوری ننشود (هرچند با توجه به شرایط خاص اجتماعی ایران در حال حاضر، شاید لازم باشد که گستره این محدودیتها اندکی فراتر از حالت عادی باشد ولی به هر حال باید به این سمت وسوپیش رفت که از شرایط خاص خارج شد؛ به طوری که با دارا بودن شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایده‌آل و محقق نمودن سبک زندگی اسلامی، فناوری را در فرهنگ متعالی خود هضم نموده و از آن برای پیشبرد اهداف خود استفاده نماییم نه اینکه فرهنگ و سبک زندگی کاربران ما و شرایط جامعه‌مان آن قدر نامتعادل باشد که با ورود هر فناوری هراس آن را داشته باشیم که داشته‌های فرهنگی به یغما بروود! دوم اینکه جنبه مکملی داشته باشد؛ بدین معنی که اصل طرح و برنامه باید متمرکز بر رویکرد ایجابی به مسئله و استفاده بهینه از فرصت‌های فناوری و ارتقای آن‌ها باشد؛ باید با فناوری مواجهه فعال داشت و قبل از هرچیز با بررسی تمام جوانب فناوری‌های جدید، فرصت‌ها و تهدیدهای آن را احسان نمود و آنگاه با فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترها محیطی و بومی سازی، فضای را برای استفاده بهینه ایجابی از ابزار جدید همچون شبکه‌های اجتماعی فراهم ساخت، آنگاه در جهت کاهش تهدیدها برنامه‌ریزی نمود و احیاناً با بخش‌هایی از فناوری که غیر از حذف راهکار دیگری برای آن‌ها متصور نیست، مواجهه لازم را انجام داد.

در همین راستا پیشنهاد می‌شود شبکه‌های اجتماعی ذیل در موضوع «کودک و نوجوان و نحوه ارتقا و تقویت ارتباط وی با مسجد»، توسط نهاد مسجد راهاندازی شود و با نظارت و جهت‌دهی به آن‌ها، استفاده بهینه لازم صورت پذیرد:

- شبکه اجتماعی کودکان و نوجوانان مسجدی
- شبکه اجتماعی امامان جماعت برای بهره‌گیری از تجارب همدیگر در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد
- شبکه اجتماعی نمازگزاران مسجدی و خصوصاً نمازگزاران دارای فرزند کودک و نوجوان
- شبکه اجتماعی فعالان فرهنگی مساجد در حوزه کودکان و نوجوانان
- شبکه اجتماعی معلمان دینی مدارس در راستای تقویت ارتباط مسجد و مدرسه



۲. توجه به سوابق پژوهشی موردنیاز

۳. فعال‌سازی نهادهای دینی در ارتباط با فناوری‌های ارتباطی پیشرفت‌هه:

نهادهای دینی همچون مسجد با امکانات و با توانایی‌هایی که دارند می‌توانند در بستر سازی فرهنگی، روشنگری و اطلاع‌رسانی لازم به کودکان و نوجوانان و خانواده‌هایشان نقش مثبت و مؤثری ایفا کنند. برخی از کلیساها و پیشوایان مذهبی در غرب، در صدد برخورد فعال با تبعات آسیب‌زای اینترنت برآمده‌اند و برخی از مؤسسات مشاوره‌ای مسیحی را جهت تأثیرگذاری مستقیم در این جهت طراحی کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد در پیش گفتن اقدام مشابهی از سوی روحانیون آشنا به جهان معاصر، در ایران نیز امکان‌پذیر باشد.

محتوای اطلاع‌رسانی پیش گفته، می‌تواند اولاً شامل گسترش فرصت‌ها (مانند معرفی سایت‌های مناسب و اتاق‌های گفت‌و‌گوی اینترنتی بالارزش) و ثانیاً آگاه‌سازی نسبت به تهدیدهای اینترنت باشد.^۱

۴. مطالبه از دولتمردان در جهت تولید نرم‌افزارهای بومی:

نهاد مسجد بهمنظور پیشبرد اهداف خود در بخش تعديل و ارتقای نقش شبکه‌های اجتماعی در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه کودکان و نوجوانان، باید حمایت دولتمردان از تولید نرم‌افزارهای مناسب مربوط به شبکه‌های اجتماعی را مطالبه نماید. این اقدام می‌تواند امری مهم برای ترویج شعائر اسلامی همچون مسجد باشد.

هم‌اکنون راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات از موضوعات بسیار مهم و کلیدی است که در صورت تحقق، بخش عمده‌ای از تهدیدات موجود در فضای مجازی اعم از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را بی‌اثر می‌گذارد و همچنین فرصت بسیار مناسبی را برای ترویج آموزه‌های مذهبی و نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از رفتارها و نمادهای دینی همچون نماز و مسجد مهیا می‌سازد. این در حالی است که بر اساس ماده

۱. همان.

۴۶ قانون برنامه پنجم توسعه، وزارت ارتباطات حداکثر یک سال فرصت داشت پس از تصویب این قانون، شبکه ملی اطلاعات را در کشور راهاندازی کند. ولی اکنون در سال آخر برنامه پنجم هنوز مدل مفهومی آن نیز ارائه نشده است.

با راهاندازی شبکه ملی اطلاعات، از اینترنت سالم، بسیار سریع و امن و ارزان بهره‌گیری می‌شود. فیلترینگ در حال حاضر در مورد یک بچه ۱۰ ساله و یک فرد ۵۰ ساله به‌طور یکسان اجرا می‌شود که این خود یک آسیب جدی است. با راهاندازی شبکه ملی اطلاعات شناسه ملی ایجاد می‌شود و سطح دسترسی‌ها به محتوا مشخص می‌گردد.^۱ مسجد می‌تواند و باید بخشی از مطالبه‌گران چنین نرم‌افزارهایی باشد.

۵. استفاده از مسجد مجازی در جهت جاذبه‌آفرینی:

لازم است مسجد، به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان نظام اسلامی و انقلاب، در دایرۀ نوآوری نوین، جایگاه خود را مشخص نماید و از این قافله عقب نماند؛ یکی از عمدۀ‌ترین راهکارهای تحول و امروزی کردن مسجد به منظور آشنایی هرچه بهتر و سریع تر کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد و تصویرآفرینی مثبت از مسجد در ذهن و روان آنان، راهکار گسترش «مساجد مجازی» است. با این توضیح که سازوکارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی به نمایش گذارده شود. همچنان که این کار در مورد معرفی مراکز گردشگری و سایر مکان‌های فرهنگی در دنیا صورت می‌گیرد. مسجد مجازی می‌تواند پاسخگوی نیازهای مخاطبان کودک و نوجوانش در هر زمان و مکانی باشد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن بر مکان و زمان فائق می‌آید و می‌تواند از هرجایی از کره خاکی و در هر زمان به مقصودش دست یابد.

در بعد بین‌المللی نیز جهان نیازمند دین‌شناسی و آشنایی با معنویت غنی اهل بیت علیہ السلام است که یکی از ابزارهای سهل‌الوصول و جذاب فناوری، قالب مسجد مجازی است. آگاهی از این مطلب حائز اهمیت است که خبرگزاری رویتر در ۲۸

۱. روح‌الله مؤمن نسب، درصد محتوای شبکه‌های اجتماعی موبایل غیراخلاقی‌اند، خبرگزاری میزان، ۱۳۹۳/۷/۱۵، کدخبر: ۹۴۱۹



دسامبر سال ۲۰۰۱ با چاپ گزارش مفصلی اعلام کرد که از هر ۴ کاربر آمریکایی، یک نفر برای مقاصد دینی به اینترنت رجوع می‌کند. همچنین ذکر شد که ۶۹ درصد از این افراد در صدد یافتن منابع مطالعاتی دینی و تحقیق درباره ادیان مختلف هستند. در این میان، ۲۱ درصد در جستجوی متون مقدس دینی و شرکت در اعمال و نیایش‌های آن هستند.^۱

از طریق مسجد مجازی کاربر وارد مسجد مجازی می‌شود و با توجه به نوع مخاطب و مناسب با زمان، اولاً اطلاعاتی در موضوعات دینی و خصوصاً نماز و مسجد به او ارائه می‌گردد؛ ثانیاً با ذکر مزايا و منافع دین داری و مسجدی شدن، در خصوص تعالیم دینی و نماز و مسجد، ارزش آفرینی می‌شود؛ در مرحله بعدی رفتارهای دینی و مسجدی را به نمایش گذاشته می‌شود و درنهایت، نمادهای دینی که از جمله مهم‌ترین آن‌ها مسجد است، به شکل مناسبی به مخاطبان عرضه شده و ضمن آشنایی، راهکارها و اقدامات عملی برای اسلامی شدن و مسجدی بودن، ارائه می‌گردد.

پیشینه مسجد مجازی: اولین نشانه‌های مسجد مجازی را باید در عبادتگاه‌های مجازی سایر ادیان جستجو نمود با این توضیح که در اوایل سال ۲۰۰۱، کلیسای ملی استرالیا در راستای جذب بیشتر مردم برای حضور در مراکز و محافل مذهبی، از ابزار نوظهوری به نام اینترنت بهره برد و افرادی که روزهای یکشنبه نمی‌توانستند به هر علتی در مراسم دعای کلیسا شرکت کنند، ساعاتی از اینترنت به طور رایگان استفاده می‌کردند. چیزی نگذشت که کلیساهای پروتستان آمریکا نیز اقدام به راهاندازی پایگاه‌هایی کردند که در آن به شکل همزمان افراد می‌توانستند با استفاده از اینترنت در دعاهای روز یکشنبه کلیسا شرکت کنند؛ بدون آن که نیاز به طی کردن مسافت و حضور فیزیکی در کلیسا داشته باشند.^۲

«اسقف کن کلسی»، یکی از نخستین کشیشان اینترنتی در مصحابه‌ای با آسوشیتدپرس در اوایل سال ۲۰۰۳ گفت: کلیسای اینترنتی جامعه‌ای جدید و به

۱. هادی اتابکی، ماهنامه تازه، «تگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت»، ص ۳۳.

۲. مژگان ایلانلو، مجله دین پژوهان، «کلیساهای مجازی در جهان واقعی»، ص ۴۱.

Bishop now calcitonin.

عبارتی، خلق سرزمینی جدید است. ما در کلیسای اینترنتی تمام کارهای جامعه دینی را نجام می‌دهیم؛ به طور مثال عبادت‌های روزانه، خواندن کتاب مقدس، حضور کشیش برای گفت‌و‌گو و تسکین و حتی ثبت اعترافات گناهکاران در این جامعه الکترونیکی تحقق یافته است.

دسترسی شبانه‌روزی به کشیش‌هایی که ساعتها با مراجعان چت می‌کنند، موسیقی‌های مذهبی که در تمام ساعات قابل شنیدن است، استفاده از کتابخانه‌ها و مقالات و تحقیقات دانشگاهی و علمی و همچنین شرکت در دعاهای دسته‌جمعی و خواندن کتاب مقدس، از جمله متداول‌ترین امور کلیساهای اینترنتی است.^۱

قابل توجه است که فاصله بین فعالیت‌های دیگر ادیان و تلاش مسلمانان در این زمینه بسیار مشهود است؛ چنانکه نتایج یک بررسی از دو موتور مشهور جستجوگر اینترنتی جهت یافتن تعداد معبد، کلیسا و مسجد مجازی و واژگان موجود در دو زبان فارسی و انگلیسی که به موضوع مورد بحث مربوط می‌شود، حاکی از این است که :

۱. فاصله زیادی بین فعالیت مسلمانان در دنیای مجازی و دیگر ادیان به‌ویژه مسیحیت، تنها در گستره زبانی فارسی و انگلیسی وجود دارد. حال اگر زبان‌های دیگر نیز جستجو شود، فاصله خیلی بیشتر از این خواهد بود.

۲. حتی در صورت تساوی در کمیت، در کیفیت نیز عملاً رقابتی با آن‌ها وجود ندارد؛ به‌طوری که حتی بهترین نمونه «مسجد» مجازی، با کمترین کلیسای مجازی از لحاظ تولید، کیفیت عرضه، تنوع، مخاطب محوری و انواع جذابیت‌ها قابل مقایسه نیست. مساجد مجازی، حتی در روزآمد شدن محتوا با کلیسای مجازی فرسنگ‌ها فاصله دارد و این وظيفة متولیان نهاد مسجد را صدچندان می‌کند.

۳. همین مساجد مجازی هم معمولاً از تولیدات کشورهای عربی و سنتی مذهب هستند؛ و جایگاه مکتب غنی اهل‌بیت علی‌الله در این عرضه مورد غفلت قرار گرفته است.

۴. نظر به این که مساجد مجازی گاهی توسط اشخاص به صورت خودجوش

۱. یحیی سهروردی و جهانگیری، ره‌آورد نور، «مسجد مجازی تحول و نوآوری در مسیر ایران در سال ۱۴۰۴»، ص ۵۵

راه اندازی شده است، به نظر می‌رسد که جهت تولیت این مساجد مجازی، مثل مساجد فیزیکی، باید مرکز رسیدگی به امور مساجد اقدام نماید و در موارد اصلاحی، به هدایت و در مواردی نیز به تشویق مبادرت ورزد. یا اینکه همچنان که مساجد فیزیکی بدون نظارت در ساخت‌وساز و مدیریت، از مطلوبیت کافی برخوردار نخواهد بود، باید مساجد مجازی نیز سامان‌دهی گردد و بر محتوای تولیدی آن‌ها نظارت شود و البته این امر در سایه آموزش محقق می‌گردد.^۱

مخالفان و موافقان معابد مجازی: در آیین مسیحیت عده‌ای که گرایش سنتی داشتند، با این پدیده به مخالفت پرداختند. این مسئله در موارد بسیاری موردانتقاد اسقف‌ها و کشیشانی قرار گرفت که معتقد بودند اینترنت مردم را از کلیسا دور کرده است و باعث کاهش حضور مؤمنان در کلیسا در روزهای یک‌شنبه می‌شود. به همین دلیل، طی اطلاعیه‌های مکرر اعلام کردند که هیچ جایگزینی برای حضور در کلیسا وجود ندارد و مسیحیان موظف هستند روزهای یک‌شنبه به کلیسا بیایند. سنت گرایان همچنان معتقدند که اینترنت عامل جدایی مؤمنان مسیحی از کلیسا و قطع رابطه آنان با سازمان کشیشان است.

کن کلسی، از بنیان گذاران کلیسای مجازی در پاسخ به این انتقاد می‌گوید: این مهم نیست که مسیحیان به کلیسا بروند یا از طریق اینترنت خود را در کلیسا حس کنند؛ این مهم است که رابطه آن‌ها با جهان مسیحیت و دنیا کلیسا قطع نشود. ما یا باید تصمیم بگیریم که رابطه را برای همیشه قطع کنیم و هر روز شاهد کاهش مؤمنان باشیم، یا اینکه بپذیریم این رابطه وجود داشته باشد؛ حتی به شکل مجازی.^۲

البته منظور این نیست که آشنایی با مسجد مجازی و حضور در آن، جای حضور در مسجد حقیقی را بگیرد و احياناً منجر به قطع ارتباط با مسجد شود؛ زیرا حضور فیزیکی در مسجد، فی نفسه موضوعیت دارد و برخلاف رویکرد کلیساهای مجازی، مقوله مساجد مجازی اولاً طریقیت دارند برای اینکه افراد درنهایت به مساجد

۱. همان، ص ۵۵-۵۶.

۲. مرگان ایلانلو، همان، ص ۴۱.

حقیقی متصل شوند و ثانیاً از آنجاکه برخی خدمات مسجدی نیاز به حضور فیزیکی ندارند و نیز برآورده کردن آن‌ها در توان مسجد حقیقی نیست، از طریق مسجد مجازی و با بهره‌گیری از ظرفیت بالای آن می‌توان این نیازها را برآورده کرد.

بنابراین مسجد مجازی یک آستانه است برای پر کشیدن به مسجد محله، یک عروج از مسجد مجازی به مسجد واقعی. ساخت مساجد مجازی به معنای دست کشیدن از مسجد سنتی نیست؛ بلکه در راستای تعالی ذکر خدا است. مگر نه آن است که می‌توان جوان آشفته در بازار دنیای دیجیتال را با همین ابزار جذب کرد و پس از زلال کردن فطرت گمشده‌اش، دست او را گرفت و در گوش‌های از مسجد سنتی نشاند تا این بار به طور واقعی و نه مجازی، به طور فیزیکی و نه فقط ذهنی، به استماع حقیقت و کرنش در برابر خدا بپردازد. خصوصاً با نگاه به این رسالت جهانی که باید جوان غربی‌ای نیز که اساساً اسم مسجد به گوش او نخورد و یا به جهت تبلیغات سوء استکبار، از مسجد مفهومی بد در ذهن دارد، با استفاده از تحولات جهانی، با حقیقت مسجد آشنا شود.^۱

در پایان قابل ذکر است که بحث مسجد مجازی به فضای مجازی و اینترنت مربوط است و چندان در مورد شبکه‌های اجتماعی مطرح نمی‌شود ولی از آنجاکه بخشی جداگانه برای فضای مجازی اینترنت در نظر گرفته نشده است، لذا بحث مسجد مجازی در ضمن راهکارهای این بخش که نزدیک‌ترین بخش به لحاظ محتوایی به بحث فضای مجازی است ذکر گردید.

۱. یحیی سهروردی و جهانگیری، همان، ص. ۵۹.



بخش نهم: شبکه‌های ماهواره‌ای

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

بدون تردید شبکه‌های ماهواره‌ای نقش بسزایی در نحوه شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های خانواده‌ها و فرزندانشان دارند که در چنین خانواده‌هایی و در موضوع مورد بحث این تحقیق، دو اتفاق عمده رخ می‌دهد: اول اینکه خود، از ارزش‌های دینی و مذهبی و نمادها و شعائر آن همچون مسجد و نماز جماعت فاصله گرفته و نسبت به آن‌ها ناآشنایی شوند و دوم، بی‌توجهی و حساسیت نداشتن آن‌ها نسبت به ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی‌ای است که فرزندانشان انتخاب می‌کنند. به طوری که بسیاری از خانواده‌هایی که از این وسیله استفاده می‌کنند، فرزندانشان نیز همراه آنان به تماشای فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره می‌پردازند و پدر و مادر نگرانی‌ای از این بابت ندارند.

همچنین در حالی که از لوازم اولیه شکل‌گیری ارتباط بین کودکان و نوجوانان با مسجد، وجود آرامش روحی و معنوی در نهاد خانواده است تا والدین انگیزه لازم را برای نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه فرزندان و نیز

انگیزه کافی را برای حضور خود در مسجد و به تبع آن، ارتباطدهی فرزندان خود با مسجد داشته باشند، تماسای صرف و غیرنقدانه برنامه‌های ماهواره‌ای و مقایسه منفی زندگی خود با شخصیت‌ها و داستان‌های این برنامه‌ها، می‌تواند خوراک لازم را برای ایجاد درگیری بین زن و شوهر فراهم نموده و آرامش معنوی را از خانواده زایل نماید؛ زیرا برنامه‌های ماهواره‌ای در فضا و جامعه دیگری ساخته شده و منطبق با هنجارها و ارزش‌های آن جامعه است که مقایسه‌های ذهنی نادرست، انتظارات نامعقول، توجیهات اشتباه، نارضایتی بی‌مورد، حسادت و روابط پنهانی در نقش‌های ارتباطی والدین، همگی می‌توانند ناشی از تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای باشد.^۱

۱. هانیه اخباریه، آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بر خانواده‌ها، پورتال موسسه فرهنگی تبیان، ۱۰/۲۷/۱۳۹۳.



۱. وضعیت دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای

به لحاظ فنی در ۱۵۹ مدار تلویزیونی در کل جهان، ۲۰۳ ماهواره تلویزیونی فعال است که از این تعداد مدار و یکصد ماهواره تلویزیونی- یعنی نیمی از ماهواره‌های جهان- در ایران قابل دریافت است. این تعداد ماهواره‌ها، امکان تماسای حدود ۱۸۰۰۰ شبکه تلویزیونی را در ایران فراهم می‌آورد. با رسیورها و دیش‌های معمولی می‌توان تا نزدیک به ۲۰۰۰ کانال ماهواره‌ای را در ایران با کیفیت بالا دریافت کرد.^۱

گفتنی است بر اساس آمار موجود تا سال ۱۳۸۸ آمار شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان که در ایران قابل دریافت بود ۷ شبکه بود در حالی که در سال ۱۳۹۳ تعداد ۱۶۲ شبکه فارسی‌زبان قابل دریافت است.^۲ که این مسئله نشان از روند افزایش شتابدار شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان دارد.

۲. وضعیت استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران

در پاسخ به اسن سؤال که میزان استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در کشور ایران چقدر است، آمارهای بسیار مختلف و با تفاوت زیادی در این زمینه ارائه شده است که نوعاً غیرمعتبر، غیرعلمی و غیررسمی هستند. به طوری که این آمارها از ۱۵ درصد تا ۷۰ درصد در نوسان است.

برخی آمارهای فraigir و جزئی در این زمینه منتشر شده‌اند که اعتبارشان فراوان است چنانکه بر حسب پیمایش ملی شورای فرهنگ عمومی کشور، وضعیت استفاده‌کنندگان از ماهواره در ایران به شرح ذیل است:^۳

۱. سعید غفاری، نشریه جام جم، «سایه روشن شبکه‌های ماهواره‌ای»، ص ۶.

۲. حسین امانلو، بشقاب‌های سمی: آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، ص ۵۲.

۳. شورای فرهنگ عمومی کشور، طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور در سال ۱۳۸۸.

		تحصیلات				جنسیت		محل سکونت	
کل کشور	بی سواد و کمتر از ابتدایی	بی سواد و کمتر از دیپلم	ابتدایی تا پیش از دیپلم	دیپلم	بالای دیپلم	مرد	زن	شهر	روستا
۲۵	۸	۲۲	۳۳	۳۹	۲۶	۲۴	۲۹	۱۸	

میزان درآمد				سن					
۰ تا ۱۰ هزار	۱۰ تا ۲۰ هزار	۲۰ تا ۳۰ هزار	۳۰ تا ۴۰ هزار	۴۰ تا ۵۰ هزار	۵۰ تا ۶۰ هزار	۶۰ تا ۷۰ هزار	۷۰ تا ۸۰ هزار	۸۰ تا ۹۰ هزار	۹۰ تا ۱۰۰ هزار
۱۴	۲۲	۲۹	۴۶	۳۳	۳۱	۲۳	۱۴		

بنابراین تحقیق، روند کاهش سن پاسخگویان رابطه معکوس با میزان تماشای برنامه‌های ماهواره دارد. بدین معنی که هر چه قدر میزان سن پاسخگویان کاهش یافته است، میزان زمان بیشتری را به تماشای برنامه‌های ماهواره اختصاص داده‌اند.

اخیراً نیز یکی از مراکز مهم نظرسنجی کشوری نتایج نظرسنجی خود را درباره برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای در ۳۱ شهر مرکز استان منتشر کرده است. بر پایه این گزارش ۴۲ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که بیننده برنامه‌های ماهواره‌ای هستند و در هر شبانه‌روز به طور متوسط حدود سه ساعت این برنامه‌ها را تماشا می‌کنند، در حالی که ۵۸ درصد دیگر، از بیننده‌گان این گونه شبکه‌ها نیستند.^۱

آنچه ذکرش در این مجال ضرورت دارد آن است که هر چند ماهواره یک ابزار است که به صورت بالقوه فرصت‌ها و تهدیدهایی را می‌تواند برای مخاطبانش رقم بزند، ولی واقعیت نشان می‌دهد که درصد کمی و کیفی فرصت‌ها و تهدیدها، باهم برابر نیست؛ خصوصاً برای مخاطبان ایرانی که میزان تهدیدهای ماهواره بر حسب تحقیقات صورت گرفته، به مرتب بیشتر از فرصت‌های آن است. به طوری که مطابق بررسی‌های اخیر، ۹۵ درصد استفاده‌ها از ماهواره در جنبه‌های منفی و صرف‌آمی در جنبه‌های مثبت علمی و پژوهشی است.^۲

۱. هادی خانیکی، روزنامه شرق، «چایی و چگونگی رویارویی با شبکه‌های ماهواره‌ای»، ضمیمه شماره ۱۳۲۹.

۲. اظهارات سردار محمد رضانقدی در دهمین همایش تخصصی مدیران کانون‌ها و مسئولان سازمان بسیج فرهنگیان کشور در



« جمع‌بندی:

آمار مشخصی از میزان استفاده کودکان و نوجوان از شبکه‌های ماهواره‌ای وجود ندارد، لیکن از آن جهت که کودکان و نوجوانان جزئی از افراد خانواده‌ها هستند و میزان گرایش خانواده‌ها به ماهواره در سال‌های اخیر افزایش یافته است، می‌توان به این نتیجه دست یافت که با احتمال زیاد، درصد بینندگان کودک و نوجوان ماهواره نیز در حال افزایش است و رقم چشمگیری را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای چنانکه اجمالاً گفته شد، محتوای ضد دینی و اسلامی است و مخالفت با هرگونه نماد و رفتار دینی مانند نماز و مسجد را دربردارد. لذا خروجی برنامه‌های ماهواره‌ای برای کودکان و نوجوانان استفاده کننده از آن، در بهترین حالت، ناشناختی با نماز و مسجد به عنوان آموزه‌ها و نمادها و شعائر دینی است و در گام بعدی که با احتمال زیاد در صورت عدم برنامه‌ریزی محقق می‌شود، ایجاد حس منفی و اشمئاز از نماز و مسجد و نمازخوان و افراد مسجدی در فکر و اندیشه کودک و نوجوان ماهواره‌بین است. در گام آخر نیز باید منتظر نتایج غیرمستقیم تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد بود؛ بدین معنی که در خانواده‌های ماهواره‌بین، ذهن و فکر پدر و مادر نیز - که عوامل ارتباط‌دهنده فیزیکی فرزندان با مسجد و نماز جماعت به شمار می‌روند و همچنین رفتارها و گفتارهای دینی آن‌ها در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی نماز و مسجد در کودکان و نوجوانان مؤثر است - تحت تأثیر قرار گرفته و به شکل غیرمستقیم، نگرش‌سازی، ارزش‌آفرینی و رفتار آموزی در حوزه نماز و مسجد به فرزندان را با ضعف عمدۀ مواجه می‌سازد.

« ج: راهکارها

ماهواره از جمله عواملی است که کنترل محتوای آن امکان‌پذیر نیست و دخل و تصرفی در آن نمی‌توان نمود مگر اینکه نهایتاً بتوان برخی از کانال‌های آن را را مسدود کرد. لذا راهکار عمدۀ در این خصوص، در دو بخش قابل ارائه خواهد بود؛ بخش اول راهکارهایی که ناظر بر منصرف نمودن مخاطبان ماهواره نسبت به استفاده از آن است که به راهکارهایی همچون تولیدات رسانه‌ای قوی در داخل و مانند آن اشاره دارد و راهکارهای بخش دوم به آگاهی‌دهی و بصیرت دادن به استفاده‌کنندگان توجه دارد تا ترفندهای رسانه‌ای شبکه‌های ماهواره‌ای را شناخته و تا حد امکان، کمتر در دام آن‌ها بیفتد. بر این اساس راهکارهای ذیل قابل ارائه هستند:

۱. تولید محصولات فاخر

ضروری‌ترین کار در برابر تهدیدات نرم رسانه‌ای از جمله ماهواره‌ای، سرمایه‌گذاری گسترده برای تولید محصولات فاخر است.^۱ پاسداری از ارزش‌های ملّی و دینی ما همچون نماز و مسجد، زمانی صورت واقعی به خود می‌گیرد که برای معرفی آن‌ها از ابزارهای نوین و بسیار کارآمد فناورانه استفاده نماییم. حال که رسانه‌های دیداری در کشور ما متنوع و متکثر می‌شوند، بهتر است که رویکرد خویش را به تولید و تهیه فیلم‌های مناسب به خصوص سریال‌های پرمعنی تغییر دهیم. سریال‌هایی که پرمحتو باشد و علاوه بر جذابیت، مخاطب را به سمت هویت [دینی و انقلابی] خویش سوق دهند.^۲ برای این کار «لازم است صدا و سیما در افزودن خصیصه تنوع، جذابیت و سرگرم‌کنندگی به برنامه‌ها کوشش نماید.»^۳

۲. ارائه سواد رسانه‌ای

هدف عملیاتی سواد رسانه‌ای عبارت است از پرورش بینندگانی که توانایی گزینش

۱. عبدالله بیچرانلو، مجله رسانه، «کارکردهای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در جنگ نرم»، ص ۱۲۰.

۲. معصومه محمدی سیف، فصلنامه رسانه و خانواده، «شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده»، ص ۸۸-۸۹.

۳. بنفشه‌افهمی و حمیدرضا آقامحمدیان، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به ماهواره و تأثیر آن بر باورهای رفتارهای دینی مردم مشهد»، ص ۷۴.



داشته باشند، به جستجوی برنامه‌ریزی کیفی و متمایز و ارزیابی آن بپردازند و نسبت به شکل، قالب و محتوا در رسانه‌های جمعی حس انتقادی داشته باشند.^۱

۳. توجه به مقوله اوقات فراغت

امروزه با تغییر سبک زندگی و گسترش فناوری، اوقات فراغت بخش قابل توجهی از مردم در حصار رسانه‌ها و از جمله برنامه‌های ماهواره‌ای قرار گرفته است. لذا در مقابل این سناریو که فقدان برنامه‌ریزی مناسب سبب روآوردن به امور ناسالم و از جمله دیدن شبکه‌های ماهواره‌ای می‌شود، باید مشغولیت‌های سالم و هدفمند برای افراد جامعه، فراهم شود. امروز پر کردن اوقات فراغت و خصوصاً از طریق رسانه‌های ملی، یک مسئله راهبردی است و مسئله ساده‌ای نیست که به راحتی از کنار آن بتوان گذشت، همچنان که مدیریت اوقات فراغت یک امتیاز در معادلات فرهنگی به شمار می‌آید.^۲

می‌توان جایگزین‌های فرهنگی و تفریحی بی‌شماری برای خانواده‌ها و فرزندان تعریف نمود که اوقات فراغتشان را بدون اینکه ضرری عایدشان شود، سپری نمایند. بهینه‌سازی اوقات فراغت مردم و خصوصاً جوانان یکی از مسائل مهمی است که در صورتی که نهادها و مسئولان فرهنگی کشور نسبت به آن غفلت داشته باشند، باید شاهد عواقب جبران ناپذیری باشیم.^۳

جالب اینکه نهاد مسجد با موقعیت جغرافیایی بی‌بدیلی که در کشور دارد و در همه جای آن تقریباً گسترده است، می‌تواند به عنوان یک ظرفیت فوق العاده و بالقوه در جهت ساماندهی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.

۱. نقل قول از: حسین مهرانی‌فر و محمد‌مهدی خلیل‌زاده، شبکه‌های ماهواره‌ای نگاهی به ابعاد فرهنگی و حقوقی، ص ۹۶-۹۷.

۲. اظهارات معاون اجتماعی ناجا سردار بهمن کارگر، تیر ۱۳۹۱.

۳. اظهارات کارشناس امور زنان، زهرا سجادی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳.

نتیجه فصل دوم

بررسی وضعیت نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی عوامل محیطی از نماز و مسجد در فکر و روان کودکان و نوجوانان حاکی از این است که:

۱. محتوای ترویجی معنوی از طریق آموزش و پرورش و کتب درسی در حوزه مسائل دینی و تصویرآفرینی مثبت از آن‌ها به لحاظ حجمی مطلوب است؛ لیکن محتوای موجود نیازمند بازنگری و ارتقا است. این امر در خصوص محتوای مربوط به مسجد و نماز، بیشتر مشهود است و چه بسا بسط حجمی نیز نیاز باشد. لیکن معلمان و مدیران آموزش و پرورش که نقش تأثیرگذارتری در این‌باره می‌توانند داشته باشند، به دلیل غلبه رویکرد آموزش محور در مدارس غیرانتفاعی - که روزبه روز نیز در حال افزایش عددی و حجمی هستند - و اولویت نداشتن تربیت دینی و مسجدمحور در آن‌ها، عملکرد مطلوبی در این خصوص ندارند.

۲. محتوای رسانه ملی یک محتوای متناقض است؛ این عامل محیطی مؤثر علی‌رغم اینکه محتوای ترویجی مناسبی برای کودکان و نوجوان در مورد نماز و مسجد و در فیلم‌ها و کارتون‌ها دارد، متقابلاً در استفاده از محتوای ضعیف و بعض‌اً معارض با تعالیم دینی خصوصاً در تبلیغات خود بی‌بهره نمانده است.

البته نباید فراموش کرد که در خصوص روش‌های ترویجی رسانه ملی از نماز و مسجد که نوعاً به‌طور مستقیم صورت می‌گیرد و فاقد خلاقیت هنری هستند، انتقادات زیادی وجود دارد.

۳. محتوای مهدکودک‌ها نه تنها خروجی مثبتی از حیث نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی برای نماز و مسجد ندارد، بلکه در موارد زیادی با تعالیم قابل تأمل همراه است. شرایط فعلی انسان را آرزومند می‌کند که در رسالت مهدکودک‌ها جایی برای تربیت نباشد و صرفاً فضایی باشند برای کسب سود مادی توسط اداره‌کنندگان در قبال نگهداشتن فرزندان افرادی که سرکار می‌روند؛ زیرا رویکرد فعلی مهدهای کودک، تربیت کودکان در شکل منفی آن و آشنانمودن آن‌ها با آموزه‌های غربی است که در تعارض با مسجد و تعالیم مسجدی هستند.

۴. عوامل اسباب‌بازی، نوشتافزار، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و بازی‌های رایانه‌ای



به دلایل متعددی، عملاً مروج فرهنگ غربی‌اند و در آن‌ها نه تنها از مسجد و نماز بلکه از اصل دین اثر ملموسی نیست؛ هرچند در یکی دو سال اخیر قدم‌های خوب و اثرگذاری در حوزه نوشت‌افزار و اندکی نیز در بازی‌های رایانه‌ای برداشته شده است.
۵. عامل خانواده با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی دست به گریبان است؛ لذا مانند گذشته توانایی چندانی در انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های مسجدی به فرزندان کودک و نوجوان خود از خویش نشان نمی‌دهد.

۶. عامل شبکه‌های ماهواره‌ای نیز جزء سایر عوامل ترویجی است که رویکردی منفی نسبت به نماز و مسجد دارد و بعضاً با برنامه‌ریزی و به شکل هدفمندی در جهت تخریب نمادهای نماز و مسجد گام بر می‌دارد.

قبل از بیان راهکارها توجه به این نکته لازم است که عوامل اثرگذار بر نگرش‌ها و ارزش‌های کودکان و نوجوانان در موضوع مسجد را که توضیحشان در این فصل آمد، به چند دسته می‌توان تقسیم کرد؛ دسته اول عواملی هستند که تحت نظرات هستند و نظام جمهوری اسلامی آن‌ها را اداره می‌کند؛ این عوامل عبارت‌اند از: نظام آموزش و پرورش، مهدهای کودک و رسانه‌ملی. دسته دوم آن‌هایی هستند که تحت کنترل‌اند لیکن مدیریت محتوای آن‌ها با نظام نیست و جمهوری اسلامی نیز صرفاً می‌تواند یکی از تولید‌کنندگان محتوا در آن‌ها باشد، مانند اسباب‌بازی، نوشت‌افزار و تا حدودی شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای. دسته سوم نیز عواملی هستند که نه تحت نظرات‌اند و نه طبیعتاً تحت مدیریت مانند شبکه‌های ماهواره‌ای.

بر این اساس لازم است نهاد مسجد در مواجهه با وضع موجود نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی توسط عوامل محیطی مختلف، چند راهکار عمدۀ را به تناسب مدنظر قرار دهد:

۱. همراهی با مطالبه‌گران:

بدون تردید بخش عمده‌ای از عملکرد عوامل محیطی مذکور عمومیت دارد و فارغ از موضوع نماز و مسجد شامل همه حوزه‌های مسائل دینی می‌شود، لذا نهاد مسجد لازم است با سایر نهادهای دولتی و مردمی که در اشکال مختلف، مطالبه‌گر ارتقای

محتوای دینی در عوامل محیطی مذکور هستند و بر طرف شدن نواقص و کمبودها را پیگیری می‌کنند، همراه و همگام باشد تا این مطالبه هر چه پرنگ‌تر و جدی‌تر به نظر آید.

مطالباتی همچون تقویت پشتوانه پژوهشی و ورود علمی و تخصصی به حوزه‌های مذکور، وضع قوانین حمایتی موردنیاز و بعضاً قوانین بازدارنده، بخشی از این مطالبات هستند.

۲. حمایت از اقدام‌کنندگان:

هم‌اکنون نهادهای مختلف و فراوانی هستند که در جهت بهبود وضعیت عوامل محیطی ذکر شده فعالیت می‌کنند؛ برخی در حوزه نوشت‌افزار، برخی در عرصه بازی‌های رایانه‌ای، برخی در مهدکودک‌ها و مدارس و برخی در رسانه ملی.

نهاد مسجد می‌تواند در کار عملی آن‌ها شریک شود و با ایجاد هم‌افزایی، سبب تسریع و بهبود نتیجه کار شود؛ زیرا نهاد مسجد ظرفیت‌ها و استعدادهایی دارد که اولابی‌بدیل هستند و در هیچ‌کدام از گروههای اقدام‌کننده وجود ندارد و ثانیاً نیاز مبرم و جدی به این نقاط قوت و ظرفیت‌ها دارند؛ بهنحوی که عوامل مذکور با وجود این‌ها، بسیار توانمند ظاهر می‌شوند. برای مثال شبکه فروش مساجد که هم خریدار خوب دارد و هم فاقد هزینه جا و مکان است، می‌تواند در اغلب عوامل محیطی مذکور تأثیرگذار باشد و امکان و جایگاه رقابتی بالایی را برای تولیدکنندگان اسباب‌بازی، بازی‌های رایانه‌ای و نوشت‌افزار که رویکرد فرهنگی و مسجدی دارند فراهم کند و روند بازار را به کلی متتحول سازد.

طرح‌هایی همچون مهدکودک مساجد نیز با استفاده از مکان‌های حوزه مسجد و بهره‌گیری از محتوای غنی آن، قابل بررسی هستند.

گفتنی است برخی محققان در این خصوص پیشنهادهایی عملی دیگری ارائه کرده‌اند که موارد عمدۀ آن چنین است:

۱-۲. در اختیار گذاشتن سالن مسجد برای نمایش آثار هنری هدفمند و جهت‌دار، در قالب‌های گرافیک، هنرهای دستی، عکس و خوش‌نویسی با



هدف جذب علاقهمندان به دین و آثار هنری در مسجد (زمینه‌سازی جهت ورود و آشنایی دیگر هنرمندان و دوستداران هنر به مساجد).

۲-۲. هماهنگی با مبادی ذیربط، جهت ساخت فیلم‌های هدفمندی که زمینه ارتقای معرفت دینی و شناخت نوجوانان و جوانان را نسبت به مفاهیم دینی و جایگاه مناسک و مراسم عبادی تبیین نماید و موجب ترویج فرهنگ مسجد و نماز جماعت شود.

۳-۲. اتخاذ سازوکاری مناسب، جهت ترغیب، تشویق و کمک مادی و معنوی به تهیه‌کنندگان، کارگردانان و فیلم‌نامه نویسان برای تهیه فیلم‌هایی که موضوع مسجد و نماز در آن از محوریت برخوردار است.^۱

۳. اقدام مستقل:

اینکه محتوای اسباب‌بازی‌ها مفید و مروج نماز و مسجد باشد، بعضًا نیازمند ورود تخصصی و مستقیم نهاد مسجد در این عرصه است و صرفاً همراهی مطالبه‌گرانه و یا حمایت مالی و غیرمالی از اقدام‌کنندگان، هدف را برآورده نمی‌سازد؛ لذا لازم است بخشی از نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و دل کودکان و نوجوانان، از طریق خود مسجد اتفاق بیفتند و تولیداتی در این خصوص هرچند اندک داشته باشد. تولیداتی که می‌تواند در بخش‌های مختلف از جمله عوامل محیطی مذکور مانند اسباب‌بازی و نوشت‌افزار باشد.

در این خصوص مسجد می‌تواند و باید برای کاهش هزینه‌های خود، از مجموع مخاطبان مسجدی خود که بی‌گمان در اکثر حوزه‌ها افراد متخصص و صاحب‌نظر هستند، استفاده نماید. این افراد، مسجدی هستند و وقتی دغدغه‌های فرهنگی نهاد مسجد را نیز ببینند، نوعاً بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی و یا با کمترین‌ها، با نهاد مسجد و در جهت کسب رضای خدا همکاری می‌کنند؛ مضاف بر اینکه بر حسب قانون خلقت، چنین کارهای خالصانه بدون محور قرار گرفتن سود و مادیات، بیشتر از محصولات رقیب، به هدف خود نائل می‌شوند.

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۲۸۲-۲۸۴.

چکیده فصل دوم

« نگرش سازی و ارزش آفرینی از مسجد »

بخش قابل توجهی از علل و عوامل ارتباط‌گیری افراد با مسجد و یا عدم آن، مربوط به وضعیت نگرشی و ارزشی آنان در موضوع مسجد است که از دوران کودکی و توسط عوامل مختلف، شروع به شکل‌گیری می‌کند. انسان با آن چیزی ارتباط برقرار می‌کند که قبل‌آن را شناخته و ارتباط‌گیری با آن را ارزشمند و مفید می‌داند.

در موضوع مسجد نیز لازمه و گام زمینه‌ساز ارتباط با آن، ابتدا شناخت‌یابی و آگاهی شدن از این نماد هویتساز و اثرگذار دینی است؛ اینکه واقعیت وجودی مسجد چیست؟ فلسفه پیدایش آن چیست؟ کارکردهای عمدۀ آن کدامند و جایگاه، فضیلت و احکام خاص ارتباط داشتن با مسجد از منظر متون دینی چیست؟ این‌ها و مواردی مانند آن، در نیل به نگرش، بینش و شناخت نسبت به مسجد اثرگذارند. پس از شناخت، لازم است شناخت و بینش به ارزش و احساس تبدیل شود؛ لذا با آموزش و آگاهی از مزايا و منافع ارتباط داشتن با مسجد و نیز مضرات و خسaran دنیوی و اخروی دوری‌گزینی از مسجد، خوب بودن ارتباط با مسجد حاصل می‌شود و ارزش داشتن ارتباط‌گیری با مسجد که چیزی جز همان خوب و مفید دانستن ارتباط با آن است حاصل می‌شود.

موضوع نگرش سازی و ارزش آفرینی از مقوله نماز و مسجد از موضوعات مهم و اساسی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد است. لازم است وضعیت موجود آن در جامعه فعلی سنجیده شده و مشخص شود که برونداد و خروجی عملکرد جامعه امروز از حیث نگرش سازی و ارزش آفرینی برای موضوع مسجد و نماز، بر حسب عوامل محیطی مختلفی که دارد و هر کدام در موضوع آموزش و تربیت نقش آفرینی می‌کند، چیست و چگونه است و اگر نهاد مسجد بخواهد در این خصوص اقدام مناسب و متناسب با داشته‌های خود انجام دهد، اولویت‌های همکاری و یا احیاناً مقابله‌اش کدام عوامل محیطی هستند و چه نحو از تعامل را باید در کوتاه‌مدت و بلندمدت در قبال آنان در پیش بگیرد.



شناخت انسان از مسائل، عمدتاً از طریق عوامل محیطی موجود در جامعه صورت می‌گیرد و خصوصاً در جامعه امروزی که عوامل رسانه‌ای با شدت و حدت بیشتری در این مقوله اثرگذاری می‌کنند، در چنین شرایطی، لازم است بدانیم شناخت کودکان و نوجوانان از مسجد و خوب یا بد بودن ارتباط‌گیری با آن چگونه رقم می‌خورد؟ آیا خروجی پرداختن عوامل محیطی به مسائل دینی و مسجد، سبب ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد می‌شود؟ یا اینکه نه از این حیث خنثی هستند و یا احياناً تعالیم و پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها، سبب کم‌ارزش تلقی شدن مسائل دینی و نماد مسجد و در مواردی در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان موجب شکل‌گیری تصویر ضدارزشی از این‌ها می‌شود؟ در این فصل عوامل محیطی زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

« مهدکودک »

در حال حاضر مهدکودک بیشتر از اینکه مکانی برای نگهداری کودکان در هنگام اشتغال والدین باشد، به یک نهاد آموزشی و پرورشی تبدیل شده‌اند. مهدکودک در واقع امروزه به مکانی برای آموزش مهارت‌های اولیه زندگی به کودکان تبدیل شده است.

در وضع موجود (با تأسیس بی‌حساب و کتاب مهدهای کودک، مریبان و محتوای آموزشی ضعیف و عدم نظارت لازم بر کادر و محتوای آن‌ها) استعداد بالقوه مهدهای کودک در تربیت ناسالم و غیر مسجدی، بیشتر از قابلیت آن‌ها در تربیت اخلاقی و مسجدمحور باشد.

برآیند وضع موجود محتوای تربیتی مهدهای کودک حاکی از این است که مهدهایی که دارای تربیت عالمنه دینی باشند و بتوانند کودکان را با نمادها و شعائر دینی همچون نماز و مسجد آشنا سازند (نگرش‌سازی) و مهم‌تر اینکه، مهدهایی که متولیان آن‌ها و مریبانشان با رفتار و کردارشان، تصویر‌آفرینی مثبت دینی و مسجدی در کودکان داشته باشند و از نماز و مسجد ارزش‌آفرینی کنند در اقلیت‌اند. بخش کثیری از مهدهای کودک، التقطات محتوایی دارند و بخش قابل توجهی نیز

محتوای غیردینی دارند.

از آنجاکه بخش عمدہ‌ای از مشکلات عدم تحقق آموزش مناسب، کمبودهای مالی و ضعف بودجه آموزش است، می‌توان روی نهاد مسجد و آموزش‌های مخلصانه و بی‌هزینه و نهایتاً کم‌هزینه آن، حساب کرد و از ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن در جهت آموزش محتوای دینی به مریبان مهدها بهره گرفت. بهویژه که نهاد مسجد با مجموعه‌ای از نهادهای دینی دیگر همچون حوزه‌های علمیه ارتباط دارد و مسئولان متولی آن می‌توانند نقش خوبی را به عنوان حلقه واصل، در جهت سریان و جریان یافتن معارف اصیل دینی از سوی حوزه‌ها به مهدها، ایفا نمایند.

«آموزش و پرورش»:

از سوی دیگر موضوع تربیت دینی دانش آموزان در مدارس و آشنا ساختن آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین اهداف نظام آموزشی است.

انجام رسالت تربیت دینی فرزندان و نیز آشنایی آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت، در کشور ما تا حد قابل توجهی به نهاد آموزش و پرورش واگذار شده است. در درون این نهاد نیز کتاب‌های درسی به عنوان یک سازوکار مؤثر مطرح هستند و محتوای این کتاب‌ها می‌توانند نقش مؤثری در هدایت و پرورش دینی و اسلامی دانش آموزان ایفا کنند.

از محتوای کتب درسی آموزش و پرورش انتظار می‌رود همچنان که مفید بودن برخی مهارت‌های زندگی را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد و با استدلال‌های عقلی و مناسب برایشان مسائل را تبیین و درونی‌سازی می‌کنند، در موضوعات دینی و از جمله اقامه نماز به شکل نماز جماعت و همچنین آشنایی با نمادهایی همچون مسجد و روحانیت نیز با شکلی مطلوب و جذاب، اقدام شود. در حال حاضر، هر چند محتوای آموزشی غیردینی و ضد دینی در آموزش و پرورش تقریباً وجود ندارد و به لحاظ حجمی، بخش زیادی به محتوای دینی اختصاص یافته است، لیکن خروجی



محتوای آموزش و پرورش در فراغیران آن، آشنایی مناسب، مستدل و الهامبخش با مسائل دینی و نمادهای آن همچون برپاداشتن نماز و برقراری ارتباط با مسجد نیست.

نگاه به وضع موجود گویای ناهمخوانی‌های قابل توجه و مشهود بین بایسته‌های مذکور با شرایط و ویژگی‌های معلمان موجود در مدارس است؛ خصوصاً از زمانی که نظام آموزش و پرورش صبغه مادی به خود گرفته و با سوق دادن تعلیم و تربیت دانشآموزن به سمت مدارس غیرانتفاعی، مقوله تربیت در شکل عام آن و تربیت دینی در شکل خاص آن، اصولاً از اولویت‌های نظام آموزش کشور خارج شده است؛ هرچند متقابلاً مدارسی نیز صرفاً با دغدغه‌های توجه به مسائل تربیتی شکل یافته‌اند، ولی تعداد آن‌ها بسیار کم و اندک است؛ لذا در حال حاضر یکی از مؤلفه‌های مهم که مانع تربیت صحیح دانشآموزان در حوزه دین می‌شود، وجود مربیان و معلمان ناکارآمد در حوزه تربیت دینی و مسجدی است.

زیرا حقیقت آن است که در اثر رسوخ فرهنگ آموزش محوری آن هم با نگاه سوداگرانه در برخی مدارس و خارج شدن مقوله پرورش و تربیت دینی از اولویت‌ها، نهاد مدرسه بیمار شده و بر پیکره آن آسیب‌های فراوان وارد شده است به طوری که عزم و اراده لازم را برای حرکت خودجوش به سمت مسجد ندارد و لازم است که نهاد مسجد پیش قدم شود و گام اول و ابتدایی ارتباط با مدرسه و دانشآموزان از طریق امام جماعت و هیئت‌امنای مسجد محل برداشته شود.

« خانواده:

در بخش خانواده، هرچند نهادهای دیگری نیز می‌توانند نقش تربیت و آموزش فرزندان را ایفا نمایند، ولی اغلب به سلامت و پاکی نهاد خانواده نمی‌توانند باشند. خانواده در انتقال ارزش‌های اخلاقی و مسجدی بهترین نقش را ایفا می‌کند. دلیل آن نیز عبارت است از دلسوزی عمیق و نیز عاشقانه و خالصانه بودن تربیت از طریق نهاد خانواده که در نهادهای هم‌عرض آن -غیر از مسجد- یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و صرفاً رویکرد مادی و سوداگری دارند و یا بسیار کمرنگ است.



با توجه به آنچه گفته شد بحسب تغییرات ارزشی و رفتاری عمیق که در خانواده ایرانی پدید آمده، دیگر نمی‌توان کارکردهای مناسبی را از خانواده امروزی و مانند گذشته انتظار داشت؛ در خانواده امروزی تفاهم بین والدین مانند گذشته مشاهده نمی‌شود. نگاهی به آمار بالای طلاق که روزبه روز نیز در حال افزایش است، گویای این امر است؛ مضاف بر اینکه بخش قابل توجهی از طلاق‌ها در آمار وجود ندارد و مشاهده نمی‌شوند؛ زیرا از نوع طلاق عاطفی هستند. همچنین خانواده امروزی الگوی رفتاری مطلوبی برای فرزندان به شمار نمی‌رود و چنان نیست که توجهش به امثال فضائل و دوری از ردایل، در حد الگوی خوبی برای فرزندان باشد؛ برای خانواده امروزی، نماز همچون گذشته، یک ارزش نیست و اهتمامی به حاضر شدن در نماز جماعت و مسجد حاضر شدن صورت نمی‌گیرد. خانواده امروزی تعامل عاطفی خوبی با فرزندان ندارد و ارتباط عاطفی آن با فرزندان کمتر از گذشته شده است؛ افزایش آمار کودک‌آزاری، کودکان خیابانی و رهاسده، خانوارهای تک والد و خصوصاً از نوع زن سرپرست که با مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی مواجهند گویای این است که خانواده‌های امروزی فرصتی برای امور عاطفی ندارند و نیز افزایش روابط فرازننشویی و خانوارهای بدسرپرست، همه و همه نشانه‌ها و قرائن دلالت‌کننده بر افول محبت و عاطفه در خانواده ایرانی هستند.

بی‌گمان بخش قابل توجهی از عوامل ایجاد این وضعیت، هم ناشی از فاصله گرفتن خانواده از تعالیم حیات‌بخش دینی و مراکز تربیت دینی همچون مساجد است و هم سبب فاصله گرفتن از تعالیم دینی و مراکز تربیتی همچون مساجد می‌شود.

«رسانه ملی»

در حال حاضر ظاهر ارتباط نظاممند و تعریف‌شده‌ای هم بین نهادهای متولی مسجد با رسانه ملی وجود ندارد؛ ارتباطی که در آن نحوه تعامل و همکاری برای تولید محتوای مسجدی به منظور آشناسازی کودکان و نوجوانان با نماز جماعت و مسجد مشخص باشد و نیز نحوه تبلیغ و ترویج کارکردهای مثبت مسجد به منظور تصویرآفرینی و ارزش‌سازی در کودکان و نوجوانان معین باشد. هرچند نباید از



رویکرد مثبت چند سال اخیر رسانه ملی در پخش اذان اول وقت در تمام شبکه‌ها و اقامه نماز جماعت چشم پوشید.

« اسباب بازی:

در خصوص اسباب بازی‌ها نیز باید گفت اکثریت قریب به اتفاق عروسک‌های چینی وارداتی تحت تأثیر فرهنگ غربی بوده و دارای شخصیت‌هایی غربی است. به عنوان مثال ساخت عروسک‌های باربی، شخصیت‌های کارتونی والت دیسنی مثل سیندرلا و حیوانات موجود در کارتون‌های هالیوودی (که همه در کشور چین تولید می‌شود) حاکی از پیشرو بودن فرهنگ غرب در مقیاس جهانی اسباب بازی است. برخی از انواع اسباب بازی‌ها هیچ‌گونه جهت‌گیری فرهنگی ندارند و یا اساساً اثرگذاری فرهنگی از آن‌ها انتظار نمی‌رود؛ اما اغلب آن‌ها امکان انتقال مفاهیم فرهنگی را دارند. ساختار برخی اسباب بازی‌ها ظرفیت بسیار بالایی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی را دارد؛ اما متأسفانه در این حوزه توجه زیادی به عوامل نهفته و زمینه‌ای موجود در حیطه فرهنگی تولید اسباب بازی‌ها صورت نگرفته است. نکته مهم‌تر اینکه شرکت‌های ایرانی تولید اسباب بازی نیز در مواردی به دلیل ضعف جدی در سامانه‌های بازاریابی و فروش و به منظور پوشش بخشی از این ضعف‌ها، در طراحی‌های خود گوی سبقت را از شرکت‌های چینی ربوده و از جاذبه‌های جنسی بهره جسته‌اند!

در اسباب بازی‌های موجود، به صورت مستقیم به موضوع نماز و مسجد، اهانت نشده و کار تبلیغاتی بر علیه‌شان صورت نگرفته است؛ لیکن در شکل غیرمستقیم کاملاً مورد هجمه قرار گرفته است؛ بدین صورت که تصاویر و شخصیت‌های رایج در بازار اسباب بازی، عمدها از شخصیت‌های کارتونی اخذ شده‌اند و این شخصیت‌ها علاوه بر پوشش نامتجانس خود، در دنیای کارتونی کاملاً ناشناشا رفتارها و نمادهایی همچون نماز و نماز جماعت و مسجد عمل می‌کنند و در حالی که به عنوان افراد موفق و پیروز در برنامه‌های کارتونی معرفی می‌شوند؛ ارتباط نهادی سازمان مساجد با اتحادیه اسباب بازی و انعقاد تفاهم‌نامه برای

بهره‌گیری از ظرفیت همیگر با هدف تولید اسباب بازی مناسب کودکان و نوجوانان با رویکرد ترویج غیرمستقیم نماز و مسجد، یکی از عمدۀ ترین کارهایی است که می‌تواند در این زمینه انجام شود.

در این خصوص، لازم است نهاد مسجد از تمام ظرفیتها و قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در جهت یاری اتحادیه اسباب بازی برای هدف پیش‌گفته کمک بگیرد.

« بازی‌های رایانه‌ای:

صرف‌نظر از مثبت یا منفی بودن بازی‌های رایانه‌ای، به لحاظ ارتباط عمیقی که کاربر یا بازیکن در این بازی‌ها با شخصیت اصلی و کل داستان برقرار می‌سازد، فرد بهشت از فضای حاکم بر بازی تأثیر می‌پذیرد و خود این مسئله این فرصت را برای سازندگان فراهم می‌سازد که اهداف فرهنگی خود را به مخاطب عرضه کنند ولذا با توجه به نیت سازندگان و اهداف پیدا و پنهان آنان، می‌توان از این بازی‌ها به عنوان یک شمشیر دو لبه نام برد که هم می‌تواند سازنده یک فرهنگ و هویت ملی باشد و هم القاگر فرهنگ بیگانه در ذهن مخاطب.

در حال حاضر ۲۰ میلیون بازیکن بازی‌های رایانه‌ای در کشور مواجه دارد. با این توصیف که هر کاربر در ایران به طور متوسط روزانه دو ساعت مشغول بازی رایانه‌ای است، روزانه ۴۰ میلیون ساعت در ایران صرف بازی‌های رایانه‌ای می‌شود. بازی‌های رایانه‌ای به لحاظ محتوایی وضعیت مطلوبی ندارند و چنانکه از وضعیت آماری تولید داخل و خارج و نیز از پیش‌دستی زمانی غرب در ورود به این عرصه پیداست، بخش اعظمی از محتوای موجود در بازی‌های رایانه‌ای، محتوای عاری از نشانگان دینی و مسجدی است و بخش قابل توجهی از همین قسم، محتوای از ضد دینی دارد. آن قسمتی هم که محتوای مناسب دارد و در داخل تولیدشده است، هنوز جذابیت‌های بصری و هنری لازم را به اندازه بازی‌های خارجی برای کودکان و نوجوانان ندارد؛ لذا در صد استفاده از بازی‌های داخلی از درصد حضور آن‌ها در میان تمام بازی‌ها کمتر است.



بازی‌های رایانه‌ای غربی علی‌رغم تأثیرگذاری فراوانی بر نسل کودک و نوجوان، محتوای ناسالمی دارند؛ محتوایی که هم اعتقدات، هم ارزش‌ها، هم رفتارها و هم نمادهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت (امام جماعت) را به چالش کشیده و مورد هجو و سخره قرار داده است.

نهاد مسجد با ایجاد گفتمان در این حوزه و نیز از طرق قانونی می‌تواند یکی از مطالبه‌گران عرفی و قانونی از نهادهای مسئول -که ذکر شدند- در خصوص ایفای وظایفشان در این حوزه و نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از موضوعات دینی و رفتارهای مطلوب همچون اقامه نماز و رفتن به مسجد توسط بازی‌های رایانه‌ای باشد. همچنان که نهاد مسجد به عنوان چشم بینای وضعیت فرهنگی جامعه می‌تواند مطالبه‌گر ساماندهی و کارآمدسازی نظام ارزیابی بازی‌های رایانه‌ای باشد.

امامان جماعت و کانون‌های فرهنگی مساجد باید ضمن آشنایی با موضوع بازی‌های رایانه‌ای و نیز به صورت موردنی با بازی‌های رایانه‌ای روز دنیا، خوب و بد آن را همراه با دلیل و تحلیل تشخیص دهند.

این شناخت دو ثمرة باید داشته باشد؛ اول آگاهی‌دهی لسانی و مكتوب و مانند آن به مخاطبان مسجدی خود و ارائه پیشنهاد برای بهره‌گیری از بازی‌های سالم رایانه‌ای؛ دوم اینکه مسئولان نهاد مسجد از طریق رسانه‌های موجود در کشور و سایر وسائل ارتباطی، سخن خود را به مسئولان مربوطه به شکل مستدل و منطقی برسانند و آن‌ها را بر لزوم اقدامات جدی -با پیشنهادهای عملی که ارائه می‌کنند- مجاب نمایند.

«نوشت‌افزار»:

یکی از عوامل اثرگذار در نگرش و تغییر رفتار دانش‌آموزان، نمادها و نشانه‌هایی هستند که در محیط زندگی و تحصیل آنان دائمًا در حال ارسال پیام‌اند. انبوه نوشت‌افزارهایی که برای جامعه بزرگ و کم‌نظیر و اثربخش دانش‌آموزی وارد کشور می‌شود و در طول سال تحصیلی همراه آنان است، هر کدام با تصاویری از شخصیت‌های عروسکی و نشانه‌های محصولات فرهنگی بیگانه، یادآور موضوع

فیلم‌ها و سریال‌ها و داستان‌ها و پیام‌های هدف‌گذاری شده‌ای هستند که با مخاطبان خود در خانه و مدرسه و کوچه و خیابان ارتباط برقرار می‌کنند. این نمادها و نشانه‌ها بهمثابه یک «رسانه» به تدریج تغییراتی را در نگرش، ذائقه، رفتار و کردار دانش‌آموزان و دوستان و اطرافیان آنان به وجود می‌آورند.

در حال حاضر محتوای فرهنگی نوشتابزار از نمادهای مسجدی تقریباً خالی است و تصاویری که نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد داشته باشد در حد صفر و یا بسیار پایین است.

اخیراً جریان فرهنگی انقلابی در این حوزه فعال شده و نمادها و تصاویر مناسب و ارزشی را در تولید نوشتابزارها وارد نموده که نوید آینده خوبی را می‌دهد و لازم است که این اقدام سازنده به‌طور فعال ادامه یابد.

نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد لزوماً از طریق چاپ و نشر تصاویر آن‌ها بر روی نوشتابزار حاصل نمی‌شود و انتظار هم نمی‌رود که این‌گونه شود؛ زیرا این روش، همان روش تبلیغ مستقیم است که کارایی چندانی ندارد؛ بلکه باید رفتارها و نمادهای مطلوب همچون نماز و مسجد را به شکل غیرمستقیم و از طریق نمادها و تصاویر مثبتی که آشنایی کودکان و نوجوانان هستند انتقال داد

در کنار شخصیت‌آفرینی در برنامه‌های رسانه‌ای و بازی‌های رایانه‌ای نباید از این واقعیت غفلت نمود که بخش زیادی از تولید کنندگان دنبال سود مادی هستند و مصرف کنندگان نیز همان نوشتابزاری را مصرف می‌کنند که در بازار هست و گرنه خودشان در صدد تولید کیف و دفترچه با نمادهای مورد علاقه و دلخواهشان نیستند. لذا اگر نهادهای فرهنگی و نظارتی مسئول، با هماهنگی هم‌دیگر، فارغ از بحث مادی و بازار گردش مالی تولید داخلی و خارجی، فروش هرگونه نوشتابزار را اعم از داخلی و خارجی، با نمادها و تصاویر نامناسب ممنوع نموده و در این خصوص مجازات قانونی بازدارنده وضع نمایند و ضمن بستن مبادی ورود قاچاق نوشتابزار، به صورت قاطعانه در صدد اجرای این قوانین باشند، تردیدی وجود ندارد که در کوتاه‌زمانی، همه نمادها و تصاویر نوشتابزار از معرض نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی فرهنگ غربی خلاص خواهد شد.



ناکافی بودن استفاده از نشانه‌های اسلامی- ایرانی در محصولات این صنعت، نبود الگوهای مناسب در صنایعی مانند پویانمایی یا بازی‌های رایانه‌ای برای تبدیل به فرم و محتوا در محصولات مختلف این صنعت و کم توجهی تولیدکنندگان به جذابیت محصولات داخلی بهویژه برای کودکان و نوجوانان، سبب ضعف ابعاد محتوایی در محصولات این حوزه شده است که نهاد مسجد می‌تواند یا خود از طریق برخی مخاطبان صاحب‌فن در این حوزه وارد کار شود و نوشت‌افزارهایی با نشانگان ایرانی و مسجدی تولید نماید، یا اینکه در قالب همکاری با نهادهای مسئول، ظرفیت‌های خود را در جهت تولید نوشت‌افزار مطلوب بسیج نماید.

مسجد وظيفة تعلیم علوم روز و تولید ابزارهای روز مانند اسباب‌بازی و نوشت‌افزار را ندارد و اگر می‌بینیم که در برخی کتب و در بیان ارائه راهکار، به بیان مواردی همچون آموزش ریاضی و زبان انگلیسی و فنون روز در مسجد اشاره شده و یا اینکه به ورود مسجد به حوزه عوامل محیطی در این کتاب اشاره می‌شود، به دلیل تلاقی این موضوعات و عوامل محیطی روز مانند اسباب‌بازی با وظیفه ذاتی و اولی مسجد - محل عبادت و نشر معارف اسلامی و تربیت دینی بودن - است. با این توضیح که علوم و فنون روز، ناگزیر در فضای «تربیتی» اجتماع که وضعیت خاص خود را دارد ارائه می‌شوند. علاوه بر این، ابزارهایی همچون اسباب‌بازی، نوشت‌افزار، کارتون‌ها و ابزارهای سرگرمی و مانند آن، نوعاً وارد فضای «تربیتی» می‌شوند و این گونه نیست که صرفاً مهارت‌های زندگی روز را آموزش دهند و یا جنبه سرگرمی صرف داشته باشند بلکه با دغدغه‌های فکری و یا حتی اقتصادی سوداگرانه وارد فضای تربیتی افراد می‌شوند؛ به‌طوری که خروجی کار آن‌ها (فراورده‌ها و محصولات تولیدشده) و آموزش‌های آن‌ها، در نحوه تربیت فرآگیران تأثیر تام و تمام می‌گذارد؛ اینجاست که مسجد به عنوان پشتیبان ارزش‌های اسلامی و مدافع تربیت دینی انسانی، احساس خطر می‌کند و با ارائه راهکارهای ذیل که به شکل طولی در تداوم همدیگر هستند وارد عرصه می‌شود.

در وهله اول به آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به مردم و خصوصاً مخاطبان خود نسبت به فضای تربیتی موجود در برخی آموزش‌ها و ابزارهای روز می‌پردازد.

در گام بعدی بانهادهای مسئول که با نهاد مسجد هم‌هدف هستند و در جهت اعتلای ارزش‌های اسلامی شکل گرفته‌اند، ارتباط برقرار نموده و ضمن هشدار برای اقدام در جهت کنترل مسائل تربیتی ناسالم، تولیدات فاخر و مناسب و نیز مدنظر قرار دادن مسائل تربیتی مفید را در کنار آموزش‌ها مطالبه می‌نماید؛ تولیدات و آموزش‌هایی که خروجی آن‌ها نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی مثبت و مطلوب از نمادها و رفتارهای دینی همچون مسجد و نماز جماعت باشد.

در گام سوم، خود نیز با آن نهادها همکاری می‌کند و ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود را جهت به ثمر نشستن تربیت سالم در کنار آموزش‌ها و نیز برای تولید ابزارهایی با نشانگان و فضای تربیتی سالم بسیج می‌نماید.

در گام آخر خود مستقل‌وارد کار می‌شود؛ بدین صورت که اسباب‌بازی مسجدی تولید می‌کند، نوشت‌افزار مذهبی منتشر می‌کند، کلاس‌های آموزش علوم روز را در فضای روحانی مسجد برقرار می‌کند و حتی اردوهای تفریحی سالم برگزار می‌کند. این کارها همچنین باعث می‌شود تا برخی افراد که چندان ارتباطی با این مکان مقدس ندارند، پایشان به این محیط مملواز معنویت باز شود و با فضای روحانی مسجد آشنا و نهایتاً جذب آن شوند.

رویکرد صحیح در مواجهه با فناوری‌ها و تغییرات و تحولات اخیر، رویکرد مواجهه فعل و جهت‌دهی صحیح به آن‌هاست؛ باید با بستر سازی و فراهم آوردن زمینه‌ها، فرصت‌هایی را فراهم ساخت تا ابزار موردنظر مثلاً شبکه‌های اجتماعی در آن جهت، مورد استفاده قرار گیرد و نیز زمینه‌ها و بسترهای استفاده منفی را و یا درواقع همان زمینه‌های تهدید را به حداقل رساند و در موقع معدودی نیز با حذف برخی بخش‌های آن، در برابر ش蔓ع ایجاد نمود؛ در همین راستا لازم است به رویکرد بومی‌سازی و البته با خلاقیت و نوآوری و جذابیت‌آفرینی و تنوع بخشی به امکانات نرم‌افزارهای هم‌عرض، توجه جدی مبذول شود و گزنه شانسی برای برنده شدن در این رقابت سهمگین وجود ندارد. البته این‌ها همه در کنار وظایف کلان و مسئولیت‌های عمده‌ای است که نظام در جهت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم و خصوصاً جوانان در حوزه سبک زندگی اسلامی دارد که در صورت



مرتفع شدن نسبی آن‌ها، شاهد گرایش «افراطی» مردم به چنین ابزارهایی و آن‌هم در جامعه دین‌مدار ایرانی نخواهیم بود.

« شبکه‌های اجتماعی:

از آنجاکه شبکه‌های اجتماعی محصول خارجی هستند و فناوری مربوط به آن‌ها در گام اول در خارج از کشور ساخته و پرداخته شده است، لذا جدا از مشکلات امنیتی که در بردارند، محتوای اولیه آن‌ها با فرهنگ بیگانه شکل گرفته است.

در محتوای فعلی شبکه‌های اجتماعی، نشانگان دینی و مذهبی اساساً کمرنگ است که در ضمن آن، موضوعات مربوط به رفتارها و نمادهای دینی همچون نماز و مسجد کمرنگ‌تر نمود دارد. این موضوع وقتی با قشر خاصی از جامعه و گروه سنی مشخصی مانند کودکان و نوجوانان ارتباط پیدا می‌کند، نقصان مضاعفی مشاهده می‌شود.

نهادهای دینی همچون مسجد با امکانات و با توانایی‌هایی که دارند می‌توانند در بستر سازی فرهنگی، روشنگری و اطلاع‌رسانی لازم به کودکان و نوجوانان و خانواده‌هایشان نقش مثبت و مؤثری ایفا کنند. برخی از کلیساها و پیشوایان مذهبی در غرب، در صدد برخورد فعال با تبعات آسیب‌زای اینترنت برآمده‌اند و برخی از مؤسسات مشاوره‌ای مسیحی را جهت تأثیرگذاری مستقیم در این جهت طراحی کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد در پیش گرفتن اقدام مشابهی از سوی روحانیون آشنا به جهان معاصر، در ایران نیز امکان‌پذیر باشد.

« مساجد مجازی:

یکی از عمده‌ترین راهکارهای تحول و امروزی کردن مسجد به منظور آشنایی هرچه‌بهتر و سریع‌تر کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد و تصویرآفرینی مثبت از مسجد در ذهن و روان آنان، راهکار گسترش «مساجد مجازی» است. با این توضیح که سازوکارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی به نمایش گذارده شود. همچنان که این کار در مورد معرفی مراکز گردشگری و سایر

مکان‌های فرهنگی در دنیا صورت می‌گیرد. مسجد مجازی می‌تواند پاسخگوی نیازهای مخاطبان کودک و نوجوانش در هر زمان و مکانی باشد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن بر مکان و زمان فائق می‌آید و می‌تواند از هرجایی از کره خاکی و در هر زمان به مقصدش دست یابد.

از طریق مسجد مجازی کاربر وارد مسجد مجازی می‌شود و با توجه به نوع مخاطب و متناسب با زمان، اولاً اطلاعاتی در موضوعات دینی و خصوصاً نماز و مسجد به او ارائه می‌گردد؛ ثانیاً با ذکر مزایا و منافع دین‌داری و مسجدی شدن، درخصوص تعالیم دینی و نماز و مسجد، ارزش‌آفرینی می‌شود؛ در مرحله بعدی رفتارهای دینی و مسجدی را به نمایش گذاشته می‌شود و درنهایت، نمادهای دینی که از جمله مهم‌ترین آن‌ها مسجد است، به شکل مناسبی به مخاطبان عرضه شده و ضمن آشنایی، راهکارها و اقدامات عملی برای اسلامی شدن و مسجدی بودن، ارائه می‌گردد.

« شبکه‌های ماهواره‌ای »

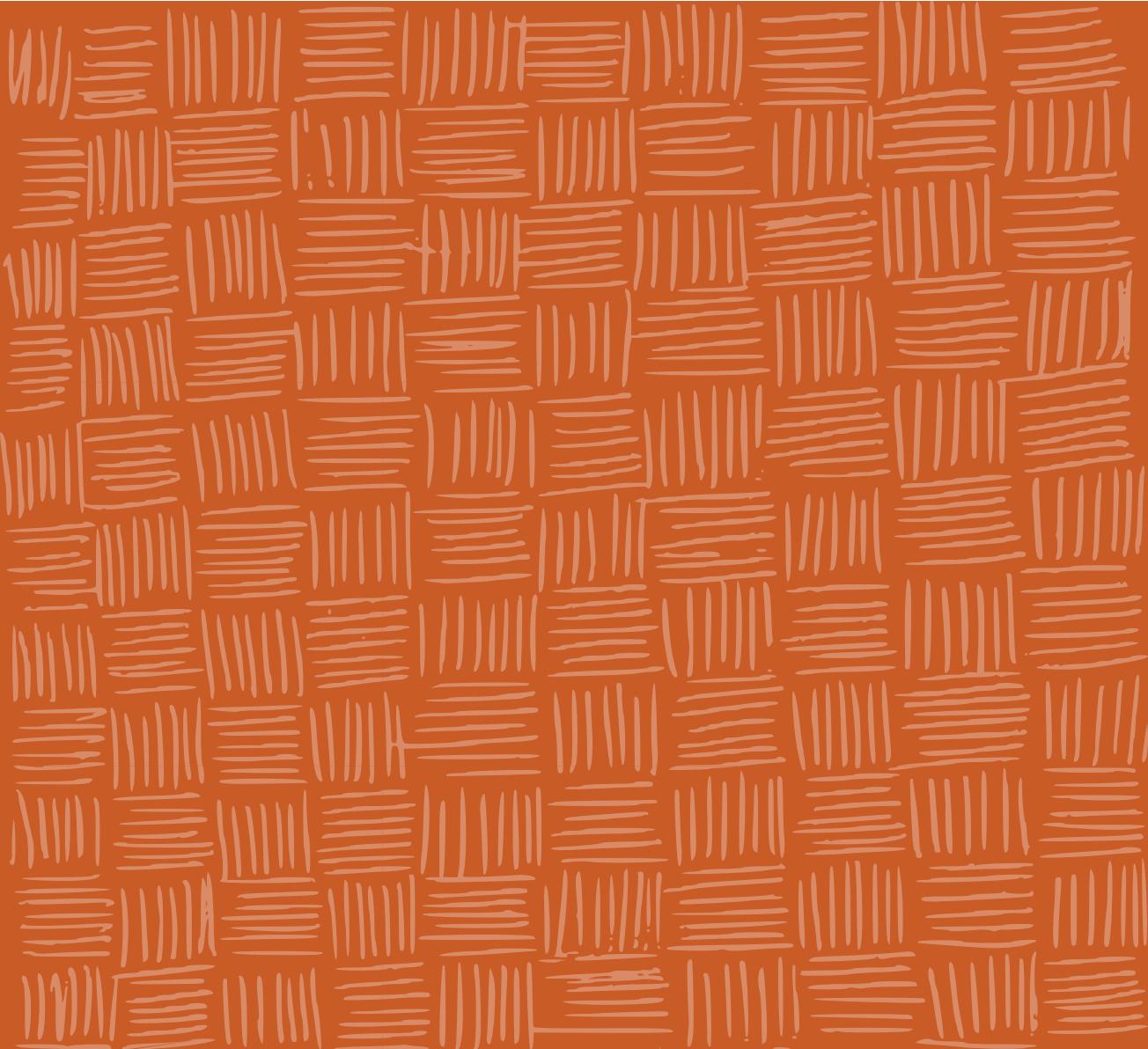
آمار مشخصی از میزان استفاده کودکان و نوجوان از شبکه‌های ماهواره‌ای وجود ندارد؛ لیکن از آن جهت که کودکان و نوجوانان جزئی از افراد خانواده‌ها هستند و میزان گرایش خانواده‌ها به ماهواره در سال‌های اخیر افزایش یافته است، می‌توان به این نتیجه دست یافت که به احتمال زیاد، درصد بینندگان کودک و نوجوان ماهواره نیز در حال افزایش است و رقم چشمگیری را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین محتواهای شبکه‌های ماهواره‌ای چنانکه اجمالاً گفته شد، محتواهای ضد دینی و اسلامی است و مخالفت با هرگونه نماد و رفتار دینی مانند نماز و مسجد را در بردارد. لذا خروجی برنامه‌های ماهواره‌ای برای کودکان و نوجوانان استفاده کننده از آن، در بهترین حالت، ناآشنایی با نماز و مسجد به عنوان آموذهای نمادها و شعائر دینی است و در گام بعدی که به احتمال زیاد در صورت عدم برنامه‌ریزی محقق می‌شود، ایجاد حس منفی و اشمئاز از نماز و مسجد و نماز خوان و افراد مسجدی در فکر و اندیشه کودک و نوجوان ماهواره‌بین است. در گام آخر نیز باید



منتظر نتایج غیرمستقیم تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد بود؛ بدین معنی که در خانواده‌های ماهواره‌بین، ذهن و فکر پدر و مادر نیز - که عوامل ارتباط‌دهنده فیزیکی فرزندان با مسجد و نماز جماعت به شمار می‌روند و همچنین رفتارها و گفتارهای دینی آن‌ها در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی نماز و مسجد در کودکان و نوجوانان مؤثر است - تحت تأثیر قرار گرفته و به شکل غیرمستقیم، نگرش‌سازی، ارزش‌آفرینی و رفتار‌آموزی در حوزه نماز و مسجد به فرزندان را با ضعف عمدۀ مواجه می‌سازد.

ضروری‌ترین کار در برابر تهدیدات نرم رسانه‌ای از جمله ماهواره‌ای، سرمایه‌گذاری گستردۀ برای تولید محصولات فاخر است. پاسداری از ارزش‌های ملّی و دینی ما همچون نماز و مسجد، زمانی صورت واقعی به خود می‌گیرد که برای معرفی آن‌ها از ابزارهای نوین و بسیار کارآمد فناورانه استفاده نماییم. حال که رسانه‌های دیداری در کشور ما متنوع و متکثر می‌شوند، بهتر است که رویکرد خویش را به تولید و تهییه فیلم‌های مناسب به خصوص سریال‌های پرمعنی تغییر دهیم. نهاد مسجد با موقعیت جغرافیایی بی‌بديلی که در کشور دارد و در همه جای آن تقریباً گستردۀ است، می‌تواند به عنوان یک ظرفیت فوق العاده و بالقوه در جهت ساماندهی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.





فصل سوم: ایجاد ارتباط با مسجد و تقویت آن

192



مقدمه

بعد از نگرش سازی و ارزش آفرینی، طبیعتاً آنچه اتفاق می‌افتد مرحله عملی ساختن نگرش‌ها و ارزش‌های است که در اینجا عبارت است از رفتن کودکان و نوجوانان به مسجد و ارتباط فیزیکی داشتن با آن. البته در مورد کودکان ملازمه علی و معلولی بین آن‌ها وجود ندارد؛ چون در تصمیمات رفتاری خودشان مستقل و با نظر خود عمل نمی‌کنند و چنان نیست که رفتن یا نرفتنشان به مسجد لزوماً ناشی از نگرش‌ها و ارزش‌هایشان باشد؛ لذا ممکن است کودک و نوجوان بر حسب آنچه از برخی عوامل محیطی ذکر شده در فصل دوم دریافت کرده، نگرش مثبتی نسبت به نماز و مسجد نداشته باشد؛ لیکن بر حسب آنکه بخشی از اختیار وی در دست پدر و مادر است، توسط آنان در مسجد حضور پیدا می‌کند. (هر چند در بسیاری از مواقع، علاقه و نظر خود کودک و نوجوان -که از نگرش‌ها و ارزش‌هایش ناشی می‌شود- در کلیت نظر والدین نیز مبنی بر آوردن یا نیاوردن آن‌ها به مسجد تأثیر می‌گذارد).

بنابراین آنچه در این فصل محل بحث و بررسی خواهد بود، فارغ از به وجود آمدن یا نیامدن انگیزش و تصور مثبت از مسجد و نماز در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان



است و صرفاً این بخش را موردنبررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که کدام عوامل در ارتباط‌گیری (به وجود آمدن ارتباط) و نیز تقویت ارتباط موجود مؤثر هستند؟ این عوامل وضعیت عملکردی شان در حال حاضر چگونه است؟ و راهکارهای ارتقای عملکرد آن‌ها برای نیل به وضعیت مطلوب چیست؟

براین اساس در این فصل به بررسی عوامل ارتباط کودک و نوجوان با مسجد در دو حوزه پرداخته می‌شود: حوزه خارج از مسجد که عوامل موجود در آن بیشتر در «یجاد» ارتباط نقش بازی می‌کنند و عبارت‌اند از خانواده، مدرسه و خود مسجد؛ و حوزه داخل مسجد که عوامل مربوط به آن، بیشتر در «تقویت» ارتباط، ایفای نقش می‌کنند؛ این عوامل عبارت‌اند از: امام جماعت، خادم مسجد، نمازگزاران، کانون فرهنگی مسجد، هیئت‌امنا و مدیریت کلان مسجد.

بخش اول: دسترسی به مسجد

الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

از جمله عناصر و عوامل عمده و پایه‌ای در برقراری ارتباط بین کودک و نوجوان با نهاد مسجد، وجود مسجد مجهر و آماده - از حیث امکانات موردنیاز برای جذب کودکان و نوجوانان- و البته در دسترس کودکان و نوجوانان است؛ به‌طوری که در صورت فراهم شدن زمینه‌های دیگر و رفع موانع فکری و عینی، خانواده و والدین کودک و نوجوان بتوانند از چنین مسجدی برای فرزند خود بهره ببرند و گرنه تمام عناصر و عوامل بعدی که در بخش‌های آتی ذکر خواهند شد، در صورت بی‌توجهی به این عامل، عقیم و ناقص خواهند بود؛ چون اگر بحث از امام جماعت مطلوب و آگاه نسبت به روحیات و روش زیست‌کودک و نوجوان می‌شود، صرفاً زمانی می‌تواند این مسئله نتیجه عملی داشته باشد که مسجدی وجود داشته باشد تا از این طریق، امام جماعت با کودک و نوجوان ارتباط برقرار نماید و درواقع تمام عناصر و عوامل از حیث مرتبه، بعد از این عامل قرار دارند؛ هرچند ممکن است برخی عوامل و عناصر همچون امام جماعت یا خادم از حیث ارزشی و میزان تأثیر



بر جذب و ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان، دارای تقدم رتبگی نسبت به مسجد باشند، ولی از حیث وجودی، بی‌گمان وجود مسجد مجهز در دسترس، مقدم بر تمام عوامل است. براین اساس عوامل دیگر همچون حضور و بهره‌گیری از هیئت‌امنای مدیر و مدرس و آشنا با تعاملات مدیریتی موردنیاز در حوزه کودک و نوجوان، خادم خوش‌رفتار و مذهبی که همراه و همدل با کودک و نوجوان باشد، نمازگزاران صبور و یاریگر والدین در برقراری ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و نیز نهادهای فرهنگی اقماری مسجد که به شکل نظری و عملی در خصوص جذب کودک و نوجوان به مسجد و تقویت ارتباط تلاش می‌کند، همه و همه در رتبه بعد از استقرار وجود مسجد مجهز قرار دارند. بنابراین در قدم اول و به‌منظور شکل‌دهی به ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، باید قبل از هر چیزی به فکر ایجاد مسجد با امکانات سخت‌افزاری موردنیاز کودک و نوجوان بود.

دونکته:

۱. آنچه از مسجد مجهز موردنظر است اولاً امام جماعت و خادم مناسب (که در بخش‌های بعدی به صورت مفصل و مجزا از آن‌ها بحث خواهد شد) نیست؛ بلکه اصل وجود مسجد و امکانات سخت‌افزاری موردنیاز آن مدنظر است. طوری که برای هر کودک و نوجوانی که در این کشور زندگی می‌کند، امکان دسترسی به مسجدی با چنین امکاناتی و در مناسب‌ترین زمان فراهم باشد. (البته به دلیل فقدان تحقیقات و پژوهش‌های جدی و حتی غیرجذی در این حوزه، زمان مطلوب دسترسی به مسجد به لحاظ علمی هنوز استخراج‌نشده است و لازم است این کار به شکل علمی مورد بررسی قرار گرفته و معین شود؛ ضمن اینکه به دلیل تغییرات محیطی و تغییر اقتضایات زمانی و مکانی، این حرکت باید تداوم داشته باشد و در سال‌های مختلف، زمان مناسب دسترسی به مسجد مشخص شود. لذا چنین نیست که یکبار و برای همیشه یک تحقیق و پژوهش میدانی صورت پذیرد و زمان مطلوب دسترسی به مسجد مشخص شود و دیگر نیازی به بررسی‌های مجدد نباشد؛ زیرا نهادهای رقیب و هم‌عرض مسجد، همواره در تلاش‌اند تا با

بهره‌گیری از عوامل محیطی مختلف، زمان دسترسی خود را به کودک و نوجوان کوتاه و کوتاه‌تر نمایند و چنان نیست که برفرض زمان دسترسی به کافینت و حتی از نوع سالم آن در ۱۰ سال قبل و حالا یکی باشد یا اینکه زمان دسترسی به بازی رایانه‌ای در گذر زمان تفاوتی نداشته باشد؛ بلکه با افزایش شعبات و یا با بهره‌گیری از عوامل محیطی همچون فضای مجازی، زمان دسترسی به آن‌ها با گذر زمان تغییر یافته است. در چنین فضایی که نهاد مسجد در نظر دارد با برخی از آن‌ها به مقابله بپردازد و با برخی دیگر رقابت نماید، ناگزیر از پایش و رصد وضعیت آن‌ها و تعیین وضعیت مطلوب برای خود بر حسب زمان‌های مختلف است که البته این موضوع و نسبی بودن زمان مطلوب دسترسی به مسجد از حیث مکانی نیز صادق است؛ بدین معنی که زمان مطلوب دسترسی به مسجد برای کودک و نوجوان در مکان‌های مختلف شهری و روستایی، کلان‌شهر و غیر کلان‌شهر، بالا شهر و پایین شهر و دیگر تقسیمات، یکسان نیست و هر کدام فرمول محاسبه مختص خود را خواهند داشت).

۲. در نگاه اول به نظر می‌رسد که این بحث اختصاص به دسترسی کودک و نوجوان به مسجد ندارد و همه افراد جامعه و خانواده و با هر سنی را شامل می‌شود؛ بدین معنی که اولین لازمه تقویت ارتباط با مسجد و برای هر فردی، وجود مسجدی در دسترس برای آن فرد است؛ لیکن آنچه در اینجا مدنظر است و رای این خواسته و لازمه است بدین معنی که ضمن صحیح بودن اصل لزوم وجود مسجد در دسترس برای همه اشاره جامعه، در اینجا چیزی فراتر از آن مسجد، مدنظر است؛ به طوری که شامل هر مسجدی نمی‌شود و مسجدی است با ویژگی‌ها و شرایط خاص که در ارتباط با کودک و نوجوان است. با این توضیح که کودکان و نوجوانان قشر خاصی از افراد جامعه هستند و طبیعتاً جذب و ارتباط‌گیری آن‌ها با مسجد نیازمند وجود امکانات خاص مناسب با آن‌ها در مسجد است و چنان نیست که مسجد مطلوب تعریف شده برای عموم مردم، بتواند نیازهای روحی و عاطفی و جسمانی کودک و نوجوان را نیز برآورده سازد؛ لذا برخی محققان در این بحث ورود نموده‌اند و از لوازم سخت افزاری خاصی سخن گفته‌اند که وجود آن‌ها در مسجد برای ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با آن ضروری و لازم



است، مواردی همچون محل نگهداری نونهالان خردسال در زمان اقامه نماز و مراسم‌ها در صورت لزوم، محل بازی و سرگرمی (از نوع مناسب و مطلوب) برای کودکان، در نظر گرفتن فضای لازم برای برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های مذهبی و اخلاقی برای کودکان و نوجوانان، جذابیت‌های بصری (ونه لزوماً پرهزینه) موردنیاز برای کودکان و نوجوانان، راهاندازی کتابخانه‌های تخصصی با کتاب و نرم‌افزار ویژه کودک و نوجوان، داشتن سالن و زمین ورزش مسجد برای نوجوانان و مواردی از این قبیل.

البته نگارنده اصرار خاصی بر وجود مصادیقی یادشده ندارد؛ بلکه بر آن است که این موارد نیز اولاً باید با انجام تحقیقات و پژوهش‌های اختصاصی و عملیاتی در این زمینه مشخص و احصا شوند و این مسئله نیاز به کار علمی دقیق دارد و ثانیاً همچون بحث زمان دسترسی به مسجد، از نسبیت برخوردار است و بر حسب مکان‌های مختلف، آیتم‌ها و موارد خاص خود را برای ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد نیاز دارد.

« ب: وضع موجود

در این قسمت به بررسی وضع موجود مساجد کشور از حیث میزان برآورده ساختن گزاره «دسترسی کودک و نوجوان به مسجد مجهر» پرداخته می‌شود که البته چنانکه گفته شد، به دلیل فقدان نظام و سامانه آماری ملی در این خصوص، اطلاعات موجود در این زمینه بسیار ناقص و محدود هستند و توالی داده‌ای و اطلاعاتی به شکل منسجم که گویای این جریان باشد، حتی در مورد وضعیت دسترسی عموم مردم به مسجد، به هیچ‌وجه مشاهده نمی‌شود؛ چه رسید به وجود داده‌هایی در خصوص وضعیت دسترسی کودک و نوجوان به مسجد مطلوب خود. بر این اساس آنچه از آمار و داده‌ها در دست هست، صرفاً داده‌هایی پراکنده با منابع آماری متفاوت را تشکیل می‌دهد که اولاً گویای وضعیت وجود خود مساجد در کشور هستند و به وضعیت دسترسی به آن‌ها به هیچ‌وجه اشاره‌ای نشده است؛ هرچند در قوانین مربوطه که پس از این ذکر خواهد شد، به مکان‌یابی مسجد پرداخته شده است تا بهترین شکل دسترسی را برای اکثریت افراد جامعه فراهم آورد و ثانیاً این آمارها و داده‌ها بسیار کلی هستند و برای تعیین میزان وجود مساجد برای تمام افراد جامعه و از هر قشری استخراج شده‌اند و از اینکه در میان مساجد موجود، چه تعداد از مساجد خواسته‌های سخت‌افزاری کودکان و نوجوان را برآورده می‌سازند و نیازهای ارتباطی آن‌ها را برطرف می‌سازند سخنی به میان نیامده و به آن توجهی نشده است؛ بنابراین در تبیین وضع موجود در واقع به بررسی تعداد مساجد موجود در جامعه برای همه اشاره‌آن پرداخته می‌شود، بر این اساس موارد زیر قابل ذکر است:

۱. وضع موجودی مساجد در کشور

همان‌طور که گفته شد آمارهای دقیقی به شکل تخصصی از میزان وجود انواع مساجد در کشور وجود ندارد و نیز از مساجدی که قابلیت و توانایی و امکانات لازم را برای جذب و برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان دارند آماری منتشر نشده است؛ ولی برخی آمارهای کلی که متأسفانه به‌روز و مربوط به سال‌های اخیر نیز



نیست، وجود دارند که از وضعیت تعداد مساجد کشور سخن می‌گویند. در شرایط فعلی که نهاد مسجد با نقصان شدید در حوزه آماری مواجه است، چاره‌ای جز تمسمک به این آمارهای هرچند کلی و غیرروزآمد نیست. بر این اساس اهم آمارها و داده‌های موجود در خصوص میزان موجودی مساجد در کشور و نحوه پراکندگی آن‌ها بدین شرح است:

۱-۱. بر اساس نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماكن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵ در سطح کل کشور در مجموع ۷۸۹۰۸ مکان عبادتی وجود دارد که ۵۷۶۳۵ مورد آن مسجد است که شامل ۷۳٪ کل اماكن مذهبی کشور می‌شود. با توجه به جمعیت ۶۰ میلیونی کشور در سال ۷۵ به ازای هر ۱۰۴۲ نفر یک مسجد در کشور وجود داشته است. پس از مسجد حسینیه با ۱۱/۱ بیشترین درصد اماكن مذهبی را دارا است؛ و اماكن مشابه حسینیه که عملکردی نظیر آن دارند و یا می‌توانند داشته باشند نظیر تکیه، فاطمیه و مهدیه، جمعاً شامل ۳/۳٪ اماكن مذهبی می‌شود.^۱

جدول وضعیت مساجد کشور در مقایسه با دیگر اماكن مذهبی

نام اماكن مذهبی	درصد	تعداد	نام اماكن های مذهبی	درصد	تعداد
مسجد	%۰/۲	۱۶۲	مهديه	%۷۳	۵۷۶۳۵
مصلأ	%۰/۵	۳۹۰	زنبيه، حيدريه، عباسيه، قاسميه	%۰/۲	۱۴۲
نمازخانه	%۷/۷	۶۰۴۸	زيارتگاه امام و امامزاده	%۰/۴	۳۱۱
حسينيه	%۱/۷	۱۳۳۴	زيارتگاه ساير بزرگان دين	%۱۱/۱	۸۷۵۲
تكيه ثابت	%۱/۵	۱۱۸۵	نظرگاه و قدمگاه	%۲/۳	۱۸۰۷
خانقه	%۱/۰	۸۰۳	ساير	%۰/۱	۱۲۰
فلطميه				%۰/۳	۲۱۹
جمع كل موارد	%۱۰۰	۷۸۹۰۸			

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماكن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

۱-۲. از حیث پراکندگی شهری و روستایی از ۵۷۶۳۵ مسجد موجود در کشور

۱. محمدرضا حشمتی، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه اماكن مذهبی کشور، ص ۱۱-۱۲.



تعداد ۱۸۳۱۸ باب مسجد یا $\frac{31}{8}$ % مساجد در شهرها و تعداد ۳۹۳۱۷ باب مسجد یا $\frac{68}{2}$ % مساجد در روستاهای کشور قرار دارد. درواقع به ازای هر مسجد شهری $\frac{2}{14}$ مسجد روستایی وجود دارد.

جدول تعداد مساجد ساخته شده در مناطق شهری بر اساس آمار موجود در دهه های قبل

شرح	۷۵-۶۵	۶۵-۵۵	۵۵-۴۵	۴۵-۳۵
تعداد مساجد ساخته شده	۱۵۹۵	۳۸۷۶	۲۳۷۳	۱۴۰۸
افزایش جمعیت شهری	۹/۹۷۳/۲۲۸	۱۰/۹۸۹/۸۸۱	۵/۹۶۰/۴۳۴	۳۸۴۰۶۸۳
تعداد نفر به مسجد ساخته شده در طول دوره	۶۲۵۳	۲۸۳۵	۲۵۱۲	۲۷۲۸
تعداد نفر به مسجد در مناطق روستایی کشور	۲۰۳۶	۱۶۲۸	۱۲۶۸	۹۵۶

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

توجه به جدول فوق نکات ذیل را آشکار می سازد:

تعداد نفر به مسجد در مناطق شهری در سه سرشماری های ۵۵ و ۶۵ و ۷۵ سیر صعودی را نشان می دهد. این امر حکایت از آن دارد که به دلیل افزایش شدید جمعیت در مناطق شهری، تعداد مساجد شهری افزایش یافته است؛ لیکن روند رشد جمعیت مناطق شهری از روند رشد تعداد مساجد جدیداً احداث بیشتر بوده است و لذا فضای مساجد موجود شهری عملاً نسبت به جمعیت بهره‌گیران کوچک‌تر شده است.

روند مسجدسازی در شهرها در دهه ۶۵ - ۷۵ نسبت به دهه ۵۵ - ۶۵ کاهش چشمگیری داشته است. در حالی که جمعیت مناطق شهری نزدیک ۱۰ میلیون نفر افزایش نشان می دهد، به ازای این افزایش جمعیت تنها ۱۵۹۵ مسجد ساخته شده است؛ یعنی به ازای هر ۶۲۵۳ نفر در این دوره یک مسجد ساخته شده است که از رقم متوسط نفر مسجد مساجد شهری در پایان دوره (سال ۷۵) بیش از سه برابر بیشتر است.

در دهه ۵۵ - ۶۵ نیز باوجود آنکه به لحاظ کمی تعداد مساجد ساخته شده نسبت به دوره ۴۵ - ۵۵ افزایش کمی ۱۵۰۳ باب مسجد را نشان می دهد، ولیکن به لحاظ



افزایش حدود ۱۱ میلیونی جمعیت در پایان این دوره (۶۵) نسبت به ۵۵ عمالاً نفر به مسجد سال ۶۵ (۲۸۳۵) به نفر مسجد سال ۵۵ (۲۵۱۲) افزایش نشان می‌دهد.^۱ به هر حال روند مسجدسازی در شهرها در مقایسه با تغییرات جمعیتی در بازه زمانی مذکور، یک روند منفی و رو به کاهش را نشان می‌دهد که اگر همین آمارگیری در سال‌های بعد نیز تکرار می‌شد، بی‌گمان روند نزولی شدیدتری نسبت به آنچه دیده می‌شود مشاهده می‌شد؛ زیرا روند مهاجرت به شهرها و شهرنشینی شدت بیشتری یافته است؛ به طوری که بر حسب داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ حدود ۷۲ درصد جمعیت را جمعیت شهری و تنها ۲۸ درصد را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. از طرفی با افزایش مشکلات اقتصادی و نیز عدم اقدام قابل ملاحظه در امر مسجدسازی، روند ساخت‌وساز نیز به نظر می‌رسد نزولی‌تر از قبل باشد. همچنین در خصوص مساجد روستایی داده‌های زیر موجود است:

جدول تعداد مساجد ساخته شده در مناطق روستایی بر اساس آمار موجود در دهه‌های قبل

۳۱-۴۰ ۴۵-۳۵	۲۱-۳۰ ۵۵-۴۵	۱۱-۲۰ ۶۵-۵۵	زیر ۱۰ سال ۷۵-۶۵	شرح
۳۲۹۲	۴۷۰۷	۷۵۹۳	۵۲۰۳	تعداد مساجد ساخته شده
۲/۹۹۳/۳۳۵	۱/۸۵۹/۵۸۸	۴/۴۹۵/۲۸۷	۶۷۶/۹۴۲	افزایش جمعیت روستایی
۹۰۹	۳۹۵	۵۹۲	۱۳۰	نفر به مسجد ساخته شده در طول دوره
۷۴۱	۶۷۹	۶۶۰	۵۸۹	نفر مسجد روستایی

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

توجه به جدول فوق نکات ذیل را آشکار می‌سازد:

نفر به مسجد در مناطق روستایی در سه سرشماری ۵۵ و ۶۵ و ۷۵ سیر نزولی را نشان می‌دهد. این امر حکایت از آن دارد که به دلیل کاهش شدید جمعیت در مناطق روستایی و با توجه به اینکه به جز رostaها کاملاً متروک، مساجد روستاهای مهاجر فرست کماکان فعل و به سرویس‌دهی خود ادامه می‌دهد، فضای مساجد موجود روستایی عمالاً نسبت به جمعیت بهره‌گیر آن بزرگ‌تر شده است. روند مسجدسازی در رostaها در دهه ۶۵-۷۵ بسیار بالا بوده است. در حالی که

۱. همان، ص ۵۴-۵۵.

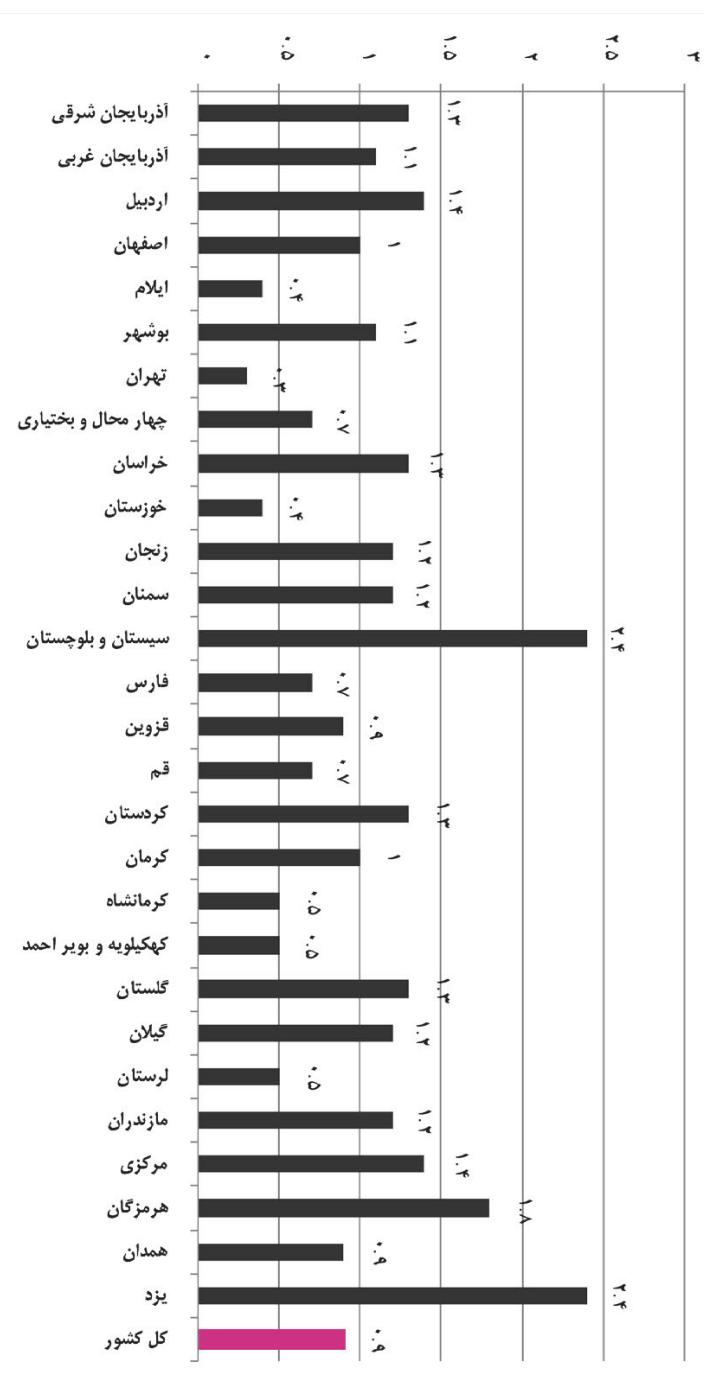
جمعیت روستایی افزایش بسیار اندکی یافته است. این روند در دوره ۵۵-۶۵ با معدل نفر مسجد کل مناطق روستایی کشور نسبتاً هماهنگ است. در دهه ۴۵-۵۵ روند مسجدهسازی نسبت به دوره ۵۵-۶۵ بسیار بهتر بوده است و رقم ۳۹۵ را نشان می‌دهد؛ اما با این حال رقم نفر مسجد در کل مناطق روستایی در سال ۵۵ عدد ۶۷۹ را نشان می‌دهد.^۱

بنابراین تحلیل ملی مساجد شهری و روستایی حکایت از آن دارد که در گذشته همگنی نفر به مسجد در مناطق شهری و روستایی بیشتر بود ولیکن با نزدیک تر شدن به زمان حال، فاصله بین نفر مسجد مناطق شهری و روستایی بیشتر شده است.

۳-۱. بررسی پراکندگی استانی و شهرستانی حاکی از کمبود مساجد در استان‌های پر جمعیت و نیز کلان‌شهرهای پر جمعیت به نسبت شهرها و استان‌های کم جمعیت است؛ چنانکه نمودار آماری زیر گویای تعداد کم مساجد در استان‌های با جمعیت بالا مانند تهران و خوزستان است.

۱. همان، ص ۵۵-۵۶

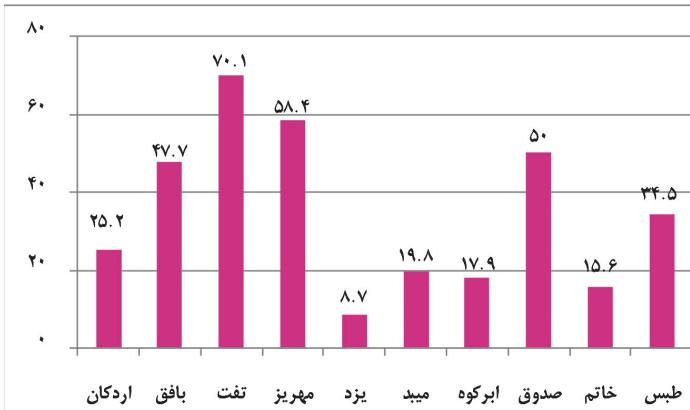




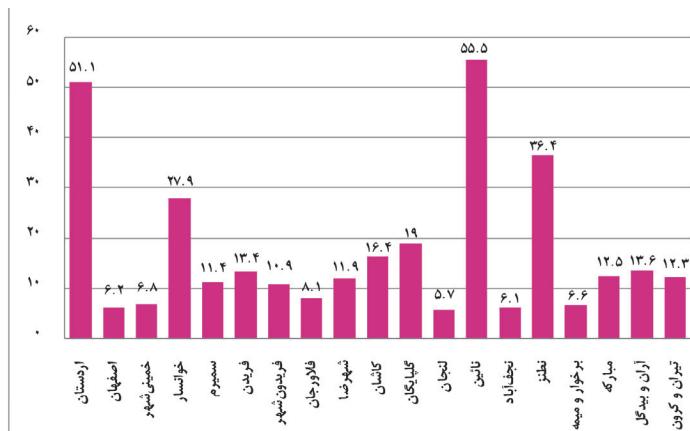
منبع: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی

هرچند طبق نمودار بالا برخی از استان‌های دارای جمعیت بالا، سرانه مسجد بیشتر و بهتری دارند، لیکن بانگاه جزئی به نحوه پراکندگی شهرستانی آن‌ها مشخص می‌شود که در اکثریت نزدیک به کل آن‌ها، تراکم مساجد در شهرستان‌های کم جمعیت آن استان و کمترین سرانه مربوط به مرکز استان است که بیشترین جمعیت را دارد. مواردی از آن در نمودارهای ذیل قابل ملاحظه است:

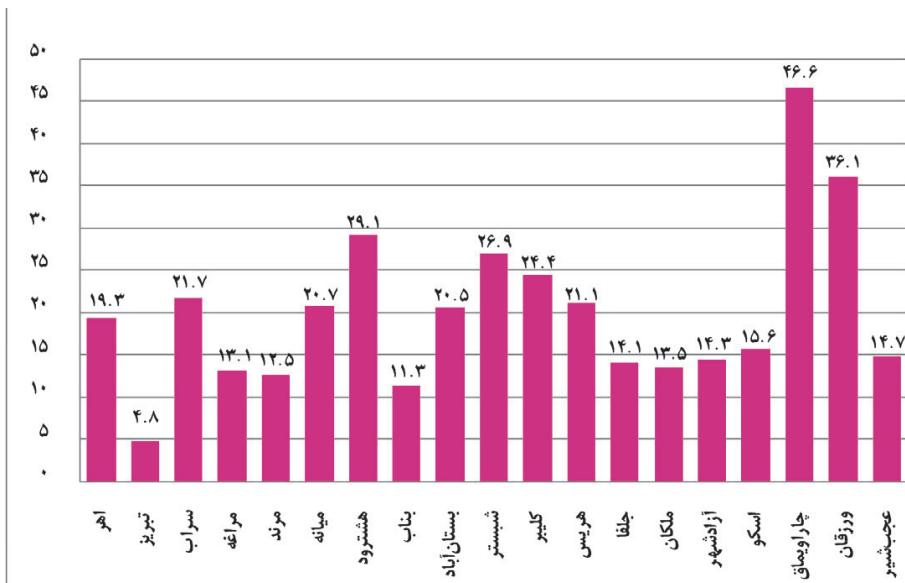
« میزان مساجد استان یزد به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ۵ هزار نفر) »



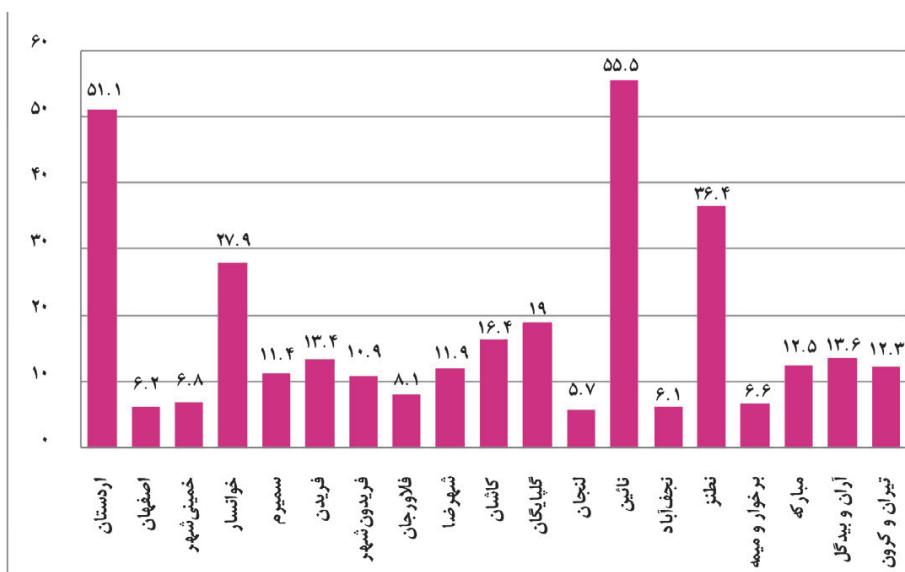
میزان مساجد استان اصفهان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ۵ هزار نفر) »



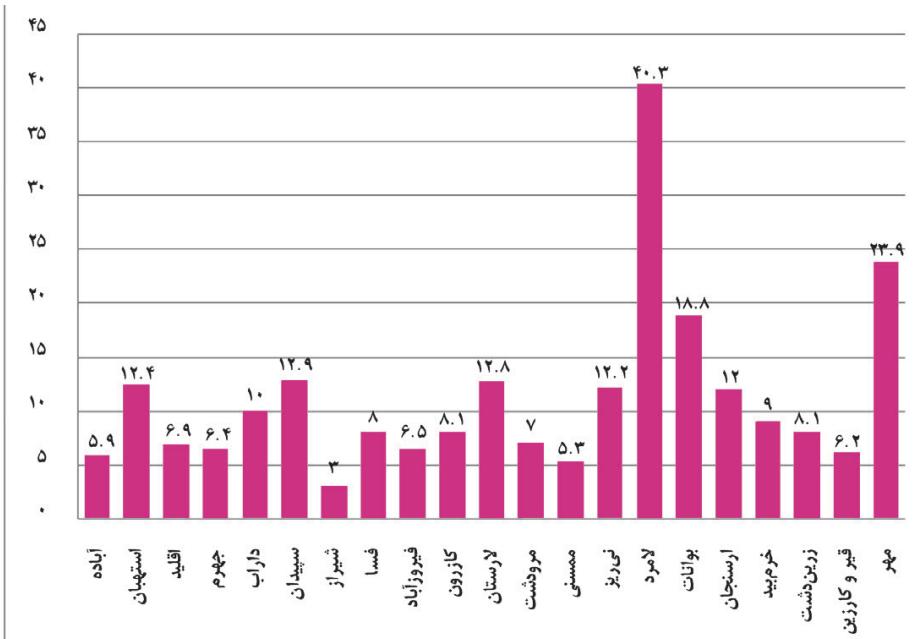
« میزان مساجد استان آذربایجان شرقی به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ۵ هزار نفر) »



« میزان مساجد استان سیستان و بلوچستان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ۵ هزار نفر) »



«میزان مساجد استان سیستان و بلوچستان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ده هزار نفر)



چنانکه ملاحظه می‌شود کمترین سرانه مسجد در استان‌های ذکر شده مربوط به مرکز استان است که همه این‌ها حاکی از ضعف‌های عملکردی از حیث عدم تطبیق افزایش جمعیت شهری با تعداد مساجد در آن‌هاست.

گفتنی است برحسب آخرین آمار موجود، در این حوزه شاهد کمبود شدید مسجد در شهر تهران به عنوان پر جمیعت‌ترین شهر کشور هستیم؛ به طوری که برحسب طرح آمایش فضاهای مذهبی استان تهران در سال ۱۳۹۳ این نتیجه حاصل شده است که شهر تهران با جمعیتی بالغ بر ۸ میلیون و ۱۷۷ هزار و ۱۰۷ نفر، فقط ۱۹۴۱ مسجد دارد؛ در حالی که بر اساس این آمایش، میزان مساجد موردنیاز برای شهر تهران، ۲۹۵۷ مسجد است که با این حساب ۱۰۱۶ مسجد کمتر از میزان موردنیاز موجود است. سرانه مساجد موجود در شهر تهران در حال حاضر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، ۲۴ است بدین معنی که برای هر ۴۲۱۳ نفر یک مسجد وجود دارد که در صورت تأمین مساجد موردنیاز این رقم به ۳۶۰ خواهد رسید.

بدين معنى که برای هر ۲۷۶۵ نفر يک مسجد وجود خواهد داشت. گفتنی است ميانگين سرانه مساجد به ازاي هر ۱۰۰۰ نفر در کل کشور ۰/۹ است که با اين حساب سرانه شهر تهران ۳/۷ برابر کمتر از سرانه ميانگين کشوری است.^۱ در همین راستا يکی از مسئولان مربوطه در مطالبی مهم در خصوص وضعیت دسترسی به مسجد در کشور و استان تهران، در اسفندماه ۱۳۹۳ می گويد: «متاسفانه تعداد مساجدمان خصوصاً در شهرهای بزرگ مکفی نیست و مسجد در دسترس نیست. در کل کشور بین ۷۰ تا ۸۰ هزار مسجد داریم. مثلاً در تهران حدود ۲۰۴۱ مسجد و در شهرستان‌های تهران ۱۲۵۷ مسجد داریم؛ یعنی جمعاً ۳۲۹۸ مسجد در استان تهران داریم.

تعداد قابل توجهی از اين آمار، مساجد بسيار کوچک محله‌ای است و اين نباید ما را در بررسی آمار به اشتباه بیندازد. در يک محاسبه اولیه به اين نتیجه رسیدم که اگر بخواهیم به نیازهای مسجدی در استان پاسخ بگوییم، باید آن آماری که در حال حاضر داریم ۷ برابر شود؛ به ازاي هر هزار نفر، تقریباً يک مسجد در کشور وجود دارد.

در تهران حداقل هزار مسجد جامع، نه مسجد محله، کم داریم. البته دقت داشته باشید مسجد جامع با مسجد محله، هم از لحاظ متراژ و هم به لحاظ بخش‌های پیرامونی تفاوت‌های اساسی دارند. اگر بخواهیم به نیاز جامعه پاسخ داده شود. حداقل ۴ هزار مسجد ديگر برای تهران نياز داریم.»^۲

۲. وضع دسترسی به مساجد موجود در کشور

پس از تعیین وضعیت آماری مساجد، آنچه اهمیت دارد این است که نحوه پراکندگی فواصل مساجد در شهرها و روستاهای چگونه است؟ آیا مساجد موجود به نحو متوازن و با فاصله مناسب از هم پخش شده‌اند و دسترسی برای همگان در بازه زمانی تقریباً يکسانی میسر است یا اینکه در نحوه دسترسی به مساجد تفاوت وجود دارد؟

۱. طرح آمایش فضاهای مذهبی استان تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال ۱۳۹۳.
۲. اظهارات محمدجواد حاج علی‌اکبری رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران، اسفند ۱۳۹۳.

« بررسی فواصل بین مساجد در شهر و روستا گویای داده‌های ذیل است:

مناطق روستایی		مناطق شهری		کل کشور		شرح
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۲۱۰۱	۵/۳۴	۲۲۸۲	۱۲/۴۶	۴۳۸۳	۷/۶۰	زیر ۱۰۰ متر
۲۸۲۳	۷/۱۸	۳۱۵۱	۱۷/۲۰	۵۹۷۴	۱۰/۳۷	۱۰۱-۲۰۰
۲۲۶۹	۶/۰۶	۲۷۲۹	۱۴/۹۰	۵۰۹۸	۸/۸۵	۲۰۱-۳۰۰
۱۱۰۱	۲/۸۰	۱۳۳۰	۷/۲۶	۲۴۳۱	۴/۲۱	۳۰۱-۴۰۰
۱۷۶۷	۷/۰۴	۳۶۱۴	۱۹/۷۳	۶۳۸۱	۱۱/۰۷	۴۰۱-۶۰۰
۸۷۷	۲/۲۳	۱۱۸۶	۶/۴۷	۲۰۶۳	۳/۵۸	۶۰۱-۸۰۰
۱۶۱۲	۴/۱۰	۱۳۲۱	۸/۸۵	۳۲۳۳	۵/۶۰	۸۰۱-۱۰۰۰
۱۴۵۸	۳/۷۱	۱۲۰۵	۶/۵۸	۲۶۶۳	۴/۶۲	بیشتر از ۱۰۰۰
۲۴۲۰۹	۶۱/۵۷	۱۲۰۰	۶/۵۵	۲۵۴۰۹	۴۴/۰۹	اظهار نشده
۳۹۳۱۷	۱۰۰	۱۸۳۱۸	۱۰۰	۵۷۶۳۵	۱۰۰	جمع کل

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

در تحلیل داده‌های این جدول گفته شده است:

«به دلیل آنکه بسیاری از روستاهای بیش از یک مسجد ندارند، این سؤال یعنی میزان فاصله مسجد از مساجد دیگر برای آن‌ها نامفهوم بوده و لذا ۶۱/۵۷ درصد به این سؤال پاسخی نداده‌اند. زیرا پاسخی وجود نداشته است. این مساجد چون در روستاهای کوچک و نسبتاً کوچک واقع هستند، عملاً دسترسی پیاده به این مساجد در فاصله استاندارد است.

۷۱/۵۵ درصد مساجد شهری فاصله‌شان با نزدیک‌ترین مسجد کمتر از ۶۰۰ متر است؛ یعنی شعاع دسترسی به این مساجد کمتر از ۳۰۰ متر است. اگر سرعت پیاده‌روی در داخل شهرها ۴۸۰۰ متر در ساعت باشد، یعنی هر نفر در هر دقیقه ۸۰ متر راه ببرود، به این اعتبار فاصله زمانی ۷۱/۵۵ درصد مساجد از محل زندگی نمازگزاران کمتر از ۴ دقیقه پیاده‌روی است. همچنین ۱۵/۳۲ درصد مساجد شهری فاصله‌شان با نزدیک‌ترین مسجد بین ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ متر است. به این اعتبار فاصله



زمانی ۱۵/۳۲ درصد مساجد از محل زندگی نمازگزاران با قدم پیاده بین ۴ تا ۶ دقیقه است. تنها فاصله ۶/۵۸ درصد مساجد شهری با تزدیک‌ترین مسجد بیشتر از ۱۰۰۰ متر است، یعنی شعاع دسترسی به این مساجد بیشتر از ۵۰۰ متر است. به این اعتبار فاصله زمانی دسترسی به این مساجد بیشتر از ۶ دقیقه است.

بنابراین وضعیت شعاع دسترسی به مساجد شهری درمجموع وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد که با استانداردهای شهرسازی مطابقت دارد. حدود ۱۰٪ مساجد شهری با دسترسی پیاده، وضعیتی نه‌چندان مطلوب دارند که در هرگونه ساخت‌وساز و احداث مساجد باید به آن توجه نمود. برای این کار لازم است وضعیت استقرار مکانی مساجد هر شهر روی نقشه پیاده شده و مناطقی که کمبود مسجد دارند مشخص گردند. ضمن آنکه به عامل تراکم جمعیتی نیز در کنار شعاع دسترسی باید توجه داشت.^۱

لیکن یک مطلب در این تحلیل جای تأمل دارد و آن میزان طی مسافت در دقیقه است که به نظر می‌رسد برای افراد جوان و تندرو بیشتر تناسب دارد تا سایر افراد که خصوصاً در این بحث، والدینی مدنظر قرار دارند که می‌خواهند همراه فرزندان خود در نماز حاضر شوند.

ضمن آنکه نباید از یاد برد که این داده‌ها مربوط به سال ۱۳۷۵ است؛ حال آنکه در سال‌های اخیر تحولات زیستی اجتماعی شگرفی در جامعه ایرانی رخداده و روستانشینان با هجوم شتابدار خود به حواشی شهرها، سبک‌های جدیدی از زندگی را در آن‌ها رقمزداند که به لحاظ دارا بودن نهادهای مذهبی همچون مسجد، تفاوت زیادی با شکل رایج ساختار شهری دارد. همچنین وضعیت کودکان و نوجوانان و مساجد برآورده کننده نیازهای آن‌ها در این پیمایش‌ها احصان شده و تمام مساجد با هرگونه امکانات، باهم موردمحاسبه قرار گرفته است.

۳. وضع فعالیتی مساجد در دسترس کشور

در این مرحله در نظر است تا پس از بررسی چگونگی دسترسی به مساجد موجود،

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۴۷-۴۸.



به وضعیت فعال بودن همین مساجد در دسترس پرداخته شود. با این مبنا که همین مساجدی هم که در دسترس هستند، زمانی می‌توانند یاریگر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد باشند که به شکل تمام وقت دایر و در دسترس باشند و با تعطیلی‌های شبانه‌روزی و طولانی‌مدت و باز بودنشان صرفاً در مراسم‌ها و ایام خاص و یا صرفاً برای یک وعده نماز جماعت مواجه نباشند.

در این خصوص گفتنی است مساجد در سال‌های قبل، اماکن مقدسی بودند که نمازگزاران می‌توانستند تا پاسی از شب در آن به عبادت پردازند؛ ولی امروزه هرچند تلاش شده تا از بار قداست این اماکن کم نشود، اما شرایط اجتماعی و امنیتی بر عملکرد و مدیریت این اماکن تأثیر گذاشته و درنتیجه، مساجد تنها در ساعات اذان ظهر و مغرب و البته برخی هم هنگام اذان صبح آماده پذیرایی از نمازگزارانند.

درواقع اگر قرار است که مسجد، محلی برای انجام تمام امور باشد نه فقط مخصوص نمازخواندن، چگونه می‌توان از مکانی که فقط ساعات محدودی از شبانه‌روز باز است چنین انتظاری داشت و چگونه چنین مکانی می‌تواند جاذب کودکان و نوجوانان پوشور و با تحرک باشد. از این‌رو شرط اول برای داشتن مساجدی فعال و جاذب برای کودکان و نوجوانان، باز بودن مساجد در تمام ساعات روز است.

در همین راستا بررسی‌های به عمل آمده حاکی از آن است که:

۱-۳. از تعداد ۵۷۶۳۵ باب مسجد، در سال ۱۳۷۵- که وضعیت کلی از حیث دایر بودن مساجد بهتر از آن بود- بیش از نیمی از آن‌ها فاقد فعالیت و تحرک لازم می‌باشند و برای حدود ۳۰ هزار مسجد، امام جماعت نیاز است.

۲-۳. مساجدی که نماز در آن‌ها در سه وقت صبح، ظهر و عصر و مغرب و عشا اقامه می‌شود، رقم آن حدوداً به سه هزار مسجد می‌رسد؛ یعنی، فقط در حدود ۶۴٪ از مساجد در سه وقت نماز اقامه می‌شود.

۳-۳. به جز مساجد معدودی که در سطح کشور فعال‌اند و در محیط خود تأثیرگذار هستند، بقیه مساجد به دلایل مختلف از جمله: بی‌نظمی، کثیفی، حضور هیئت‌امنا و خادم بداخل‌الاچ و وضعیت بد مالی فعالیت چندانی ندارد و تنها فعالیت آن‌ها اقامه



یک نوبت نماز است.

۴-۳. به دلیل مشکل اقتصادی، ائمه جماعات ترجیح می‌دهند در ادارات، سازمان‌ها، مراکز نظامی و انتظامی نماز اقامه کنند؛ لذا بیم آن می‌رود که نماز جماعت در مساجد به‌ویژه نماز ظهر تعطیل شود.

۴-۴. از جهت بهداشتی و نظافت ظاهری، مساجد هیچ جاذبه‌ای به‌ویژه برای جوان‌ها ندارند و با وجود مراکز فرهنگی هنری بسیار زیبا و تمیز کمتر کسی مایل است به این مکان‌ها را آورد.^۱

۴-۵. تنها ۱/۵٪ مساجد دارای سالن اجتماعات هستند؛ و تنها ۹٪ مساجد محل اختصاصی بانوان (شیستان زنانه) دارند و ۶/۵٪ دارای نمازخانه و ۹/۸٪ دارای اتاق اختصاصی خادم هستند. هیچ‌یک از این شاخص‌ها مطلوبیت خاصی نشان نمی‌دهد. در مورد سالن اجتماعات به دلیل تعریف نه‌چندان جاافتاده آن در شهرهای کوچک و روستاهای نمی‌توان به آمار ارائه شده استناد کرد.^۲ به نظر می‌رسد در چنین شرایطی که فضاهای اختصاصی برای زنان نیز با مشکل و نقصان مواجه است، سخن از فضاهای اختصاصی کودکان و نوجوان حرف کاملاً بیهوده‌ای باشد؛ بنابراین مساجد کشور از حیث دایر بودن و نیز داشتن فضاهای اختصاصی برای کودکان و نوجوان با کمبودها و نواقص زیاد مواجه‌اند که لازم است در راهکارها موردنوجه قرار گیرد. از حیث برخورداری مساجد از ظرافت‌ها و جذابیت‌های هنری و معماری برای نوجوانان نیز باید اذعان داشت که «بافت فیزیکی و ساختمن بیشتر مساجد مناسب با روحیه نوگرایی نوجوانان نیست و بر اساس معماری ۱۵۰ سال پیش یا پیش‌تر از آن است و در این مورد بسیار بسته عمل شده است در حالی که ادیان دیگر نوگرایی را در عین پایبندی به ارزش‌هایشان در عبادتگاه‌های خود به کار بسته‌اند. این در حالی است که جوان و نوجوان به مکان‌های پاکیزه، آرام، جذاب و دلپذیر بیشتر گرایش پیدا می‌کند و از مکان‌هایی که از پاکیزگی لازم برخوردار نیست دوری می‌کند. نظافت کلیه بخش‌های مسجد و به کار بردن خوشبوکننده‌های مناسب از

۱. محمد رضا حشمتی، مجله مبلغان، «مساجد، مشکلات و راهکارها»، ص ۸۱.

۲. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۵.

ضروریات یک مسجد مطلوب برای نوجوان است. استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش، مثل آبی و نیلی و فیروزه‌ای و بهره‌گیری از شیوه معماری مبتنی بر طبیعت و اشکال هندسی زیبا مانند هلالی و قوسی در بنای مساجد جلوه خاصی به ساختار ظاهری آن می‌بخشد. در این مورد باید از تخصص و خلاقیت مهندسان و معماران مساجد با عنایت به اصول روان‌شناسی مربوط کمک گرفت.»^۱

۱. اسلامپور کریمی، راهکارهای جذب کودک و نوجوان به مسجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران.



« ج: راهکارها »

بر اساس یک فرایند و پروسه علمی گام به گام و نیز با توجه به وضع موجود مشکلات و نواقص، طبیعتاً باید چند راهکار را برای برآوردن رفت از وضعیت فعلی و نیل به وضعیت مطلوب در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

۱. تقویت پشتوانهٔ پژوهشی و علمی

چنانکه در ابتدای این بخش توضیح داده شد، هم‌اکنون تحقیقات و پژوهش‌های وزینی در حوزهٔ کودک و نوجوان و مسجد به‌طوری که شرایط مسجد مطلوب و بهینه برای کودک و نوجوان را به لحاظ نظری و تئوریک، بررسی کنند وجود ندارد و یا بسیار اندک و تقریباً ضعیف هستند؛ خصوصاً که این‌گونه پژوهش‌ها به‌کلی گویی پرداخته‌اند و به صورت تفصیلی برای مکان‌های مختلف، این کار را انجام نداده‌اند.

بنابراین اولین راهکار این است که نهاد مسجد ضمن ایجاد گفتمان علمی در حوزه مسجد تراز و نمونه - هرچند، اخیراً مطالبی در این زمینه نوشته می‌شود، ولی با آنچه مدنظر این تحقیق است فاصله دارد - به صورت ویژه به گفتمان‌سازی در خصوص شرایط و ویژگی‌های مسجد مطلوب برای کودکان و نوجوانان بپردازد.

لازم است نهاد مسجد با زمینه‌سازی از طریق تفاهم‌نامه‌هایی که نهادهای علمی و پژوهشی منعقد می‌نمایند و نیز با بسترسازی قانونی از طریق ارتباط با نهادهای قانون‌گذار، شرایط را برای ورود علمی به این قضیه فراهم آورد. نهاد مسجد باید طوری برنامه‌ریزی نماید که تعدادی از محققان و دانش‌پژوهان به صورت تخصصی در موضوع مسجد و مسجدپردازی ورود نمایند و ضمن کسب مهارت‌های علمی و تجربی لازم در داخل و خارج از کشور در نهادهای علمی، به عنوان صاحب‌نظران تخصصی این حوزه به شمار آیند؛ نه اینکه از محققان و صاحب‌نظران حوزه‌های دیگر خواسته شود به شکل محدود و سفارشی در این وادی ورود کرده و نظریه‌پردازی نمایند.

درواقع باید مسئولان نهاد مسجد، به تخصصی و علمی بودن این امر ایمان و باور داشته و آنگاه اقدامات لازم در جهت پرورش نیروهای علمی موردنیاز را تدارک ببینند.

اقداماتی که آن‌ها را مرتبط با نهادهای مقنن برای تأسیس رشته‌های دانشگاهی و پژوهشگاهی مرتب و نیز نهادهای علمی بهمنظور تربیت دانشآموختگان توانمند و زبده در حوزه مسجد و کودک و نوجوان می‌سازد.

۲. ایجاد سامانه آماری مسجد

سامانه آماری مسجد از نیازهای اصلی و اجتناب‌ناپذیر برای انجام کارهای حساب‌شده در حوزه نماز و مسجد است؛ و گرنه وقتی وضع موجود مشخص نباشد، نقاط قوت و ضعف و خلأها و کمبودها و نیز رشدها و ارتقاها مشخص نباشد، چگونه می‌توان برای نیل به وضع مطلوب برنامه‌ریزی کرد؟! و آیا اقدام در چنین وضعیتی، مصدق تیر در تاریکی افکندن نخواهد بود؟

نواقص آماری در این حوزه آن قدر عمیق و زیادند که اصلاً بحث به نیازهای آماری کودک و نوجوان و مسجد نمی‌رسد؛ زیرا داده‌ها برای اولیات و ضروریات نیز کفايت نمی‌کند. در این حوزه آمارهای منسجم و متوالی به شکل معتبر و رسمی از وضعیت دسترسی به مسجد و میزان مساجد در دسترس برای عموم مردم (بنابراین این فرض که زمان مطلوب دسترسی به مسجد استخراج شده باشد) وجود ندارد و مشخص نیست که چه تعداد از مساجد نیازهای عموم مردم و نه اختصاصاً کودک و نوجوان را از حیث دسترسی به مسجد برآورده می‌سازند؛ بلکه یکسری آمارهای کلی و بعضًا متناقض، صرفاً از تعداد مساجد موجود در کشور و از طریق نهادهای مختلف منتشر شده که رقمی بین ۵۰ هزار تا ۹۰ هزار مسجد در آن‌ها قابل مشاهده است.

بنابراین لازم است اگر احیاناً نهادهای آماری متعددی در این خصوص وجود دارند تجمعی شوند و با لحاظ نیازهای هر کدام از نهادها، یک سامانه ملی آماری در حوزه مسجد و نماز طراحی و راهاندازی شود که تمام نیازهای موجود در این حوزه را پوشش دهد. این سامانه که ملی است و با رعایت ضوابط علمی و فنی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به صورت سالانه و یا در بازه‌های زمانی مشخص می‌پردازد، رسمی، معتبر و مبنای اقدام و عملکرد خواهد بود. همچنین با در کنار هم نهادن داده‌های چنین سامانه‌ای و مقایسه بازه‌های زمانی مختلف، وضعیت



صعود و نزول و قوتها و ضعفها کاملاً مشخص می‌شود؛ و نهایتاً با وجود چنین سامانه‌ای از اقدامات موازی، غیرضروری و هزینه‌های اضافی پرهیز خواهد شد. این سامانه حلقه واصل خروجی نظرات پژوهش گران و محققان با حلقه بعدی (که در ادامه توضیح داده می‌شود) خواهد بود. پژوهش گرانی که در قدم اول بدین منظور تربیت شده‌اند، اهمیت حضور چنین پژوهش گرانی آن است که مبنا و شاخص‌های جمع‌آوری داده در این سامانه، تحقیقات علمی و تخصصی صاحب‌نظران مذکور است.

نکته آخر در این خصوص آنکه این سامانه لزوماً مستقل و تک‌کارکرد در حوزه نماز و مسجد نیست و می‌توان با هماهنگی با سامانه‌های آماری ملی در حوزه فرهنگ-که در حال حاضر وجود ندارند ولی زمزمه‌هایی بر تشکیل آن‌ها هست-داده‌های موردنیاز را از آن طریق فراهم نمود؛ البته لازم است همکاری‌ها و هماهنگی‌ها با چنین سامانه‌ای چنان باشد که نیازهای واقعی نهاد مسجد را برآورده سازد و فعالیت‌های پراکنده و گسترده سامانه فرهنگی از اتقان داده‌های مسجدی نکاهد.

۳. وضع قوانین تسهیل کننده ایجاد مسجد

گام‌ها و راهکارهای اول و دوم وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، خروجی آن‌ها بر حسب مطالب این بخش، یک نقشه عملیاتی از مکان‌های نیازمند ساخت و یا تجهیز و ارتقای امکانات مسجد به منظور در دسترس ساختن مسجد مطلوب برای مردم و به‌ویژه کودک و نوجوان در این تحقیق است. لذا وقتی مکان‌های موردنیاز و تعداد آن‌ها مشخص شد، از حیث مسائل اجتماعی و به منظور بهره‌مندی از تسهیلات و مجوزهای لازم، نیازمند وجود برخی قوانین و مصوبات در این حوزه از طریق اقدام نهادهای مقنن است. لذا در این گام نهاد مسجد لازم است با ارتباط‌گیری با چنین نهادهایی و آگاهی‌بخشی کافی از وضع نیازهای سخت‌افزاری مسجد، آن‌ها را مجاب به وضع قوانین و مصوبات موردنیاز نماید.

در طول سال‌های پس از انقلاب قدم‌های مهم و تأثیرگذاری در این زمینه برداشته شده و قوانین تسهیل کننده زیادی و از طریق نهادهای مختلف وضع شده

است که بخشی از آن‌ها بدین شرح است:

در بندهایی از ماده ۱۶۳ قانون برنامه دوم توسعه، آمده است:

ب - وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها موظفاند در کلیه شهرک‌های جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه در اختیار متقاضیان احداث مساجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج قرار دهند و قیمت اراضی را در هزینه مربوط به آماده‌سازی اراضی منظور کنند.

ج - وزارت خانه‌های راه و ترابری و نفت موظفاند به منظور تسهیل دسترسی مسافران به اماکن مذهبی با انجام هماهنگی‌های لازم از محل اعتبارات عمرانی و جاری خود، نسبت به احداث مسجد و یا نمازخانه و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های موجود و جدیدالاحداث، در پایانه‌های مسافری و پمپ بنزین‌های بین‌شهری اقدام کنند.

د - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهای مذهبی را به عنوان هزینه قابل قبول منظور کند.

ه - شهرداری‌ها و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور موظفاند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارک‌های ملی و عمومی بر حسب مورد برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.

بندهایی از ماده ۵ قانون برنامه پنجم توسعه می‌گوید:

«الف- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک‌های جدیدالاحداث، اراضی مناسبی را برای احداث پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی و بدون دریافت هزینه در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند.

تبصره- تأیید مجتمع‌های تجاری و اداری، مستلزم پیش‌بینی محل مناسبی برای نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی خواهد بود.



ب- سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و شهرداری‌ها موظف‌اند نسبت به اختصاص فضای کافی و مناسب برای ایجاد مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بستان‌های شهری اقدام نمایند.

ج- کلیه دستگاه‌های اجرایی، مدارس، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی (اعم از دولتی و غیردولتی) موظف‌اند نسبت به اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی اقدام نمایند.

تا پایان برنامه پنجم (سال ۱۳۹۴) باید تعداد مساجد کشور به ۹۲ هزار مسجد در سطح کشور افزایش یابد.

آیین‌نامه ترویج و توسعه فرهنگ نماز، مصوب هیئت‌وزیران در سال ۱۳۷۵ می‌گوید:

« ماده ۷ بندت:

در کلیه مراکز آموزشی درمانی و بهداشتی و سایر واحدهای تابعه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، محل مناسب و پاکیزه‌ای با گنجایش کافی برای برگزاری نماز اختصاص یافته و برای اقامه نماز توسط بیماران نیز تسهیلات لازم فراهم شود.

ماده ۸ بند ج: در طرح‌های جدید ساختمانی مهманخانه‌ها (هتل‌ها)، مهمانسرها، مهمان‌پذیرها، مراکز ایرانگردی و جهانگردی، نمایشگاه‌ها و مراکز فرهنگی-هنری و گنجینه‌ها (موزه‌ها) فضای لازم برای مسجد یا نمازخانه به صورت شاخص پیش‌بینی شود.

ماده ۱۵ بند الف: در کلیه کارخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و واحدهای تابعه وزارت‌خانه‌های فوق الذکر، محل مناسب و پاکیزه برای اقامه نماز با گنجایش کافی متناسب با تعداد کارگران و کارکنان هر واحد، تعیین و تجهیز شود.

این قوانین علی‌رغم جامعیت و فراگیری که دارند، بر حسب موضوع این تحقیق از نواقصی نیز برخوردارند:

۱. چون گام‌های اول و دوم یعنی راهنمایی مراکز تحقیق و پژوهش تخصصی در حوزه مسجد و نیز ایجاد سامانه ملی آماری در حوزه مسجد، محقق نشده‌اند،

قوانين نیز کلی و اجمالی هستند و اولویتی در آن‌ها برای حمایت از موارد ضروری مشاهده نمی‌شود.

در همین راستا، هرچند به کمبودها و نواقص در برخی محیط‌ها همچون شهرک‌های تازه ساخته شده و جاده‌های بین‌راهنی و مانند آن توجه شده است، ولی به‌هرحال بدون شاخص‌های کمی هستند و قابلیت تفسیر به رأی در آن‌ها خیلی بالا است؛ به‌طوری که عباراتی همچون «فضای لازم»، « محل مناسب» و مانند آن‌ها کاملاً مبهم و کلی هستند و هرگز می‌توانند حتی با فرض بدون غرض ورزی، تفسیر ویژه‌ای از آن‌ها داشته باشد. چه برسد به اینکه پای منافع مادی در میان باشد و هتلدارها و مدیران بیمارستان‌ها و این قبیل مکان‌ها بخواهند با اختصاص کمترین فضا برای مسجد، از بقیه فضاهای بهره‌وری مادی داشته باشند.

بنابراین لازم است نهاد مسجد، قانون گذار را مجاب نماید تا به صورت شاخص‌بندی شده، عوامل محیطی و نهادهای اجتماعی را ملزم به در نظر گرفتن مکان مناسب برای مسجد نماید؛ به‌طوری که به عنوان مثال خیلی ناقص، بگوید: مراکز درمانی که مساحت‌شان «الف» مترمربع است و تعداد مراجعه‌کنندگانشان «ب» نفر در روز است، لازم است نمازخانه و مسجدی با متراز حداقلی «ج» داشته باشند. یا اینکه: جاده‌های بین‌راهنی که میزان تردد در آن‌ها «الف» مقدار است، لازم است در هر «ب» کیلومتر، مسجدی با متراز «ج» مترمربع داشته باشند.

۲. در بحث مکان‌یابی برای مسجد به کلی گویی پرداخته شده است. در حالی که این موضوع، از مباحث کاملاً جدی و مهم در امر احداث مسجد است؛ خصوصاً زمانی که با موضوع قشر ویژه‌ای از مخاطبان تحت عنوان کودک و نوجوان ارتباط پیدا می‌کند. اینکه گفته شده: «مسجد باید محور محله باشد، در جایابی مسجد باید با توجه به تمرکز جمعیت محله، دسترسی آسان به بخش‌های مسکونی، خدماتی و عمومی فراهم شود و انتخاب مکان مسجد مناسب باشد و این مسئله مدنظر قرار گیرد؛ وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظف‌اند ضوابط لازم جهت توسعه و گسترش شهرها و روستاهای را با منظور داشتن جایگاه محوری مسجد در هر شهر محله تعیین نموده و به همراه



آیین‌نامه چگونگی جایابی، آن را با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز رسیدگی به امور مساجد و وزارت کشور تهیه و پس از تأیید شورای عالی مساجد به تصویب مراجع قانونی برساند.^۱، صرفاً برآورده کردن حداقل‌های موردنیاز در این زمینه است و درواقع در قوانین مکان‌یابی موجود، صرفاً به این جهت پرداخته شده که محل احداث مسجد، در شان آن باشد و در جای پرت و طبقه زیرزمین و گوشه بیمارستان و مانند آن نباشد! زیرا اغلب چنین رفتار سخيفی با سجده‌گاه عزيز خداوند می‌شود و لذا هدف قانون اين بوده که اولاً شان مكانی مسجد لحاظ شود و ثانياً پاکيذه و تميز بودن آن مدنظر باشد که آن هم به دليل بي‌مهری‌هاي فراوان به مكان نماز و چندمنظوره نمودن آن برای خواب و انباري و سیگار کشیدن و مانند اين‌ها، در نهادهای مختلف است.

بر اين اساس در آيین‌نامه ترويج و توسعه فرهنگ نماز (تصوب هيئت‌وزيران، ۱۳۷۵) آمده است:

«ماده ۴ بند ب: محل مناسب و آراسته‌اي که گنجايش آن متناسب با تعداد کارکنان و مراجعه‌کنندگان باشد به عنوان نماز خانه پيش‌بینی شود.

ماده ۷ بند ت: در كلیه مراکز آموزشی درمانی و بهداشتی و سایر واحدهای تابعه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی محل مناسب و پاکيذه‌اي با گنجايش کافي برای برگزاری نماز اختصاص یافته و برای اقامه نماز توسط بیماران نيز تسهيلات لازم فراهم شود».

بنابراین به اصل بحث مكان‌یابی مسجد که با درنظر گرفتن ساخت شهری، مؤلفه‌های جمعیتی و فرهنگی باید باشد، به هیچ‌وجه توجه نشده است و شاخصی برای آن‌ها بيان نگردیده است. هرچند در يكى دو مورد از قوانین اجمالاً به محله محور بودن مسجد اشاره شده است؛ چنان‌که در مصوبه ضوابط و مقررات مكان‌یابی مساجد در طرح‌های توسعه شهری آمده است:

«در راستاي تحقق وظایيف محوله بر اساس بندهای الف و ب از ماده ۱۰۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعی و فرهنگی و بنا به پيشنهاد معاونت شهرسازی

۱. بروز فرهی بوزنجانی، چگونگی ساماندهی دستگاه‌های متولی نماز و مسجد، ص. ۱۰۲.



و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه مورخ ۸۷/۵/۷ ضوابط و مقررات مکان‌یابی مساجد در طرح‌های توسعه شهری را به شرح زیر تصویب نمود:

مکان‌یابی مساجد در بخش‌های توسعه شهری: با توجه به اینکه توسعه شهری دارای ساختار محله، کلان محله (ناحیه شهری) و شهری می‌باشد، دستگاه تهیه‌کننده طرح‌های توسعه شهری مکلف است در ساختار هر یک از مراکز محلات یک مسجد محله‌ای در کنار سایر کاربری‌ها و خدمات محله‌ای پیش‌بینی شده، مکان‌یابی و منظور نمایند. بدیهی است در چنین ساختاری، مرکز محله ارتباط مستقیم با ساختار کلان محله (ناحیه شهری) خواهد داشت. برای مراکز کلان محله‌ها (ناحیه‌های شهری) و مراکز مناطق نیز دستگاه تهیه‌کننده طرح‌های توسعه شهری مکلف به پیش‌بینی مکان احداث مساجد کلان محله‌ای (ناحیه شهری) و یا متناسب با ساختار سلسله مراتبی شهری خواهد بود.»^۱

علت این امر یعنی عدم توجه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مکان‌یابی مسجد کاملاً مشخص است؛ زیرا راهکار اول عملی نشده و هنوز به صورت علمی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مکان مناسب برای مسجد در سرزمین ایران و برای شهرها و روستاهای مختلف تدوین و استخراج نشده‌اند. در حال حاضر هیچ تعریفی از رابطه مطلوب و مناسب مکانی بین نهاد مسجد و مدرسه وجود ندارد و پژوهشی که بگوید مهدکودک‌ها و مدارس و مساجد به لحاظ جایابی، چه الزاماتی را باید مدنظر قرار دهند و بر اساس چه شاخص‌هایی تأسیس گردند، به چشم نمی‌خورد و این‌ها درواقع خلاهای قانونی اصلی در حوزه مکان‌یابی برای مسجد هستند.

نکته آخر در این راهکار اینکه رویکرد قوانین موجود چه در حوزه ساخت و چه در حوزه مکان‌یابی منفعانه است و صرفاً نظر به رفع آسیب‌ها و نواقص در این حوزه دارند؛ به طوری که با اندکی تعمق در قوانین موجود این برداشت حاصل می‌شود که اکثریت نزدیک به تمام قوانین برای شهرک‌های تازه تأسیس، مراکز درمانی، جاده‌های بین‌راهی و مانند آن است که موضوع نماز و مسجد را مورد کم‌لطفی

۱. همان، ص. ۱۰۲



قرار داده‌اند و فلسفه وضع این قوانین، ملزم ساختن آن‌ها و مسئولیت‌نیشان به در نظر گرفتن مکانی مناسب برای نمازخواندن است؛ و سخنی از محیط عام جامعه و مساجدی که در این‌ها هستند و فعالیت می‌کنند به میان نیامده است.

این بحث زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که مشخص شود تعداد زیادی از مساجد موجود از وضعیت استحکام و مکان‌یابی مناسبی برخوردار نیستند؛ خصوصاً با تحولات جمعیتی و مهاجرت‌های صورت گرفته و نیز تغییر سبک زندگی به آپارتمان‌نشینی تجمعی. لذا لازم است قانون گذاران نگاهی نیز به ارتقای مساجد موجود از منظر ساختی و مکان‌یابی داشته باشند. به عنوان حسن ختم این بحث، آماری که در خصوص عمر مساجد کشور البته در سال ۱۳۷۵ منتشرشده در اینجا ارائه می‌شود تا از قدیمی بودن بخش عمده‌ای از بنای‌های مساجد کشور پرده‌برداری شود.

جدول طبقه‌بندی عمر مساجد کشور

میزان نیاز به تغییر	تعداد تغییر برآورده	٪ تغییر برآورده	تعداد سال	٪ سال	تعداد کمتر از ۱۰ سال	٪ کمتر از ۱۰ سال	تعداد ۱۰-۲۰ سال	٪ ۱۰-۲۰ سال	تعداد ۲۰-۴۰ سال	٪ ۲۰-۴۰ سال	تعداد ۴۰-۶۰ سال	٪ ۴۰-۶۰ سال	تعداد ۶۰-۸۰ سال	٪ ۶۰-۸۰ سال	تعداد ۸۰-۱۰۰ سال	٪ ۸۰-۱۰۰ سال
			۵۷۶۳۵	۱۰۰	۶۷۹۸	۱۱/۸	۱۱۴۶۹	۱۹/۹	۷۰۸۱	۱۲/۳	۴۷۰۰	۴/۹	۲۸۲۹	۱۲/۴	۸۸۰۶	۱۵/۳
			تعداد													

بر اساس داده‌های جدول فوق بیشترین تعداد مسجد در طی سال‌های ۶۵-۵۵ ساخته شده است و این دهه نسبت به دهه قبل خود ۴۵-۴۵ و دهه بعد خود ۷۵-۶۵ از تفوق و برتری چشمگیری برخوردار است. همچنین آمار نشان می‌دهد جمعیت کشور در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۵ حدود ۲۱٪ افزایش یافته است؛ اما تعداد مساجد ساخته شده در این دوره نسبت به دوره قبلی ۴۰٪ کاهش نشان می‌دهد و در مجموع روند مسجدسازی نسبت به روند تغییرات جمعیتی ۶۱٪ کاهش داشته است. لذا بر عهده صاحب‌نظران است که دلایل چنین تحولی را بررسی کنند. چرا روند ۱۵٪ در دوره ۶۵-۵۵ به ۶۱٪ در دوره ۷۵-۶۵

تبديل شده است.^۱

در حال حاضر همه انواع مساجد به طور یکسان مورد حمایت قانونی قرار گرفته است و حال آنکه مساجد بر حسب جایگاه‌های مختلف، نیازهای سخت‌افزاری متفاوت دارند و درنتیجه به حمایت‌های قانونی کمتر و بیشتر نیازمندند. ضمن آنکه با توجه به موضوع این تحقیق، امکانات مسجد مطلوب برای کودکان و نوجوانان متفاوت با مسجد در شکل عام آن است که در این قوانین به حمایت‌های قانونی لازم برای مرتفع ساختن این نیازها در مساجد، توجهی نشده است.

یکی از محققان با توجه دادن به نقش مهم موقعیت جغرافیایی محل احداث مسجد می‌گوید: حضور مسجد در محل‌هایی که شاهراه مواصلاتی روستا یا شهر بوده و دسترسی به آن سهل‌الوصول باشد، زمینه‌ساز افزایش مخاطبان به مساجد خواهد شد. یکی از سنت‌های کهن ایرانیان احداث مساجد در مرکز روستاها و شهرها بوده است؛ به طوری که مسجد را محور قرار می‌دادند و بقیه مراکز خدماتی روستا یا شهر، نهایتاً به آن ختم می‌شوند. حتی در موقع زیادی مشاهده شده است که محل اتصال راه‌های ارتباطی و نقطه اتصال سایر راه‌ها در حیاط مسجد شکل می‌گرفت و اهالی مجبور بودند، خواسته یا ناخواسته، حداقل روزی یک یا چند بار به حیاط مسجد ورود داشته باشند که این امر، زمینه‌ساز انس و خوگرفتن آن‌ها با فضای معنوی مسجد بوده است. متولیان و بانیان ساخت مساجد، صرفاً نباید به دنبال مکان‌های بلااستفاده، یا رایگان باشند. از نکات مثبت دیگر، شکل‌گیری محل‌های برقراری ارتباط و دوستی گروه‌های همسالان، در این میدان‌ها و نقاط بالهمیت روستایی و شهری است که به خاطر نزدیکی این محل‌ها با مسجد، ناخواسته پیوند تنگاتنگی با آن، در طی زمان شکل می‌گیرد.^۲

همچنین باید در نظر داشت که برخی کشورهای اسلامی مانند عربستان، ترکیه، مالزی و اندونزی قدم‌های خوب و مناسبی را در موضوع مسجد و آنچه مدنظر این تحقیق است برداشته‌اند و خصوصاً در حوزه تقنیّی، پیشرفت‌هایی را داشته‌اند که

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۹-۱۸.

۲. محمدعلی موظف‌رسانی، همان، ص ۱۴۷-۱۴۸.



لازم است از تجربیات موفق این کشورها به صورت بهینه استفاده گردد.

۴. حمایت و تجهیز مالی

گام بعدی پس از رفع نیازهای قانونی، توجه به نیازهای مالی برای ساختوساز و یا احیاناً حمایت در جهت تجهیز و تعمیر مساجد است تا مساجد مطلوب، در دسترس مردم و برحسب این تحقیق در دسترس کودکان و نوجوانان قرار گیرد. برای این کار نیز در طول این سال‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های متعددی وضع شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۴- قانون برنامه سوم توسعه که در آن آمده است:

«ماده ۱۶۳: با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساختوساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی، دستگاه‌های اجرایی موضوع این ماده موظف‌اند طی سال‌های اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

تبصره: دولت موظف است در مناطق روستایی در صورت پنچاه‌درصد (۵۰٪) خودیاری مردم برای احداث مسجد پنچاه‌درصد (۵۰٪) باقیمانده را تأمین نماید.»

الف. برحسب مصوبه شماره ۱۳۴۰۲۰/۸/۵ هـ ۴۱۰۶۵ ت/۱۳۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۵ هـ هیئت‌وزیران در خصوص کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، مصلاه‌ها و مدارس علمیه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت صنایع و معادن، در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۳ بنابه پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۱۴۷) قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۶۶ - آمده است:

کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، مصلاه‌ها و مدارس علمیه به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور - پرویز داودی

ب. شماره ۱۳۸۸/۲/۳۱ هـ ۴۱۹۹۹ ت تصویب‌نامه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ هـ ۴۴۷۲۱ بنابه پیشنهاد شماره ۶۳۵۶۳ - ۱۱/۱۰/۴ مورخ ۱۳۸۷ سازمان اوقاف و امور خیریه و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران تصویب نمود:

در راستای تحقق روند اجرایی ماده ۱۰۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، - مصوب ۱۳۸۳ - سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی و مسئول پیگیری امور مربوط به ساماندهی ساخت و ساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای اسلامی

شهری و روستایی تعیین می‌شود. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

ج: مصوبه ۱۳۹۴/۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی درخصوص وظایف هیئت‌امنای مساجد می‌گوید: جلب کمک‌ها و مشارکت افراد حقیقی و حقوقی به منظور انجام

فعالیت‌ها، تجهیز مسجد به فناوری‌های جدید، متناسب با شئون مسجد.

حقیقت آن است که نه قوانین حمایت‌کننده در بخش مالی و نه کمک‌های مالی عینی صورت گرفته، در حد و اندازه نیازهای مالی در حوزه مسجد و مسجدسازی نیست و فاصله زیادی بین آن دو وجود دارد.

به گفته یکی از کارشناسان در دهه هشتاد، مجموع اعتباری را که نهادهای مسئول جهت مساجد جذب و هزینه می‌کردند، در مقام مقایسه، با ساخت یک فرهنگ‌سرا، یک بیمارستان کوچک، یک مجتمع آموزشی، یک پل کوچک و مانند آن برابری نمی‌کرد و اگر سخاوت مردم متدين نبود امروزه از مساجد جز مشتی سنگ و آجر باقی نمی‌ماند. حالا وضعیت بد اقتصادی مردم در سال‌های اخیر و عدم توجه وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها به مساجد وضعیت نگران‌کننده‌ای را به وجود آورده است که در صورت عدم رسیدگی جدی، بهزادی شاهد مساجدی خراب خواهیم بود. در برنامه اول و دوم توسعه که بخش‌های صنعت و کشاورزی، مسکن و آموزش و پرورش و بخش فرهنگ غیردینی از اعتبارات خوبی برخوردار شدند و با شتاب بی‌سابقه‌ای رشد و گسترش پیدا کردند و این مساجد بودند که نه سخنی از آن‌ها به میان آمد و نه از اعتباری برخوردار شدند. ده سال دولت، در همه زمینه‌ها سرمایه‌گذاری کرد و مساجد کشور ده سال و بلکه ده‌ها سال متوقف و ساکت ماندند. در این خصوص، یک فکر صحیح که هم در کلمات امام راحل و هم در بیانات رهبر معظم انقلاب به چشم می‌خورد وجود دارد که «مساجد مانند روحانیت نباید دولتی باشند» باعث



سوءبرداشت بسیاری از افراد بهویژه سازمان برنامه و بودجه، دولت، وزرا و استانداران شده است؛ زیرا با تمسک به این کلام از کمک کردن و رسیدگی به مساجد طفره می‌روند. لذا وضع به جایی رسیده است که کشورهای همسایه حتی کشور لائیک ترکیه از مساجدی آبادتر، تمیزتر، پر رونق‌تر برخوردار باشند. در چنین شرایطی، بانک‌ها حاضرند به سالن‌های سینما، ورزشگاه‌ها، تعاونی‌های مسکن یارانه و وام بدهند و از کمک به مساجد معدورند.^۱

به نظر می‌رسد اگر دولتهای جمهوری اسلامی به فکر تربیت اسلامی نسل کودک و نوجوان و ارتباط اخلاقی و عاطفی آن‌ها با نهاد مسجد هستند، باید قدم‌های بزرگ‌تر را در حمایت‌های مادی و معنوی از مساجد بردارند و در ساماندهی به مساجدی که امکانات جاذبه‌آفرین برای نسل کودک و نوجوان دارد و ارتباط وثيق با آن‌ها برقرار می‌نماید کوشش و فعل و پیگیر باشند و گرنه با صرف وضع قوانینی چند، آن هم ناقص و بدون پشتونه مالی، کار به جایی نخواهد رسید.

۵. ایجاد امکانات سخت‌افزاری لازم

مسجدی که جذب کودک و نوجوان و تقویت ارتباط با او را به عنوان بخشی از رسالت و هدف فعالیت‌های خویش قرار داده است، طبیعتاً باید امکانات سخت‌افزاری موردنیاز این ارتباط را هم فراهم نماید. در این خصوص برخی پیشنهادها ارائه شده که از باب نمونه بیان می‌شوند:

۱- اختصاص فضایی مخصوص کودکان:

بهترین روش برای ارضی غراییز کودکان بازی و تفریح است و نباید او را از بازی منع کرد؛ پس چه پسندیده است که ما از این روش در جهت مسجدی کردن کودکان بهره ببریم و آنان را بدین واسطه به سمت عادات معنوی سوق دهیم.

مهم‌ترین امر در این خصوص قرار دادن فضایی مختص به کودکان است که در اوقات مختلف کودکان در آنجا به بازی و سرگرمی می‌پردازند. مکانی که در هنگام اقامه نماز پذیرای کودکان مثلاً زیر ۵ سال بوده و در آن مربیانی که خود خادم افتخاری

۱. همان، ص. ۱۹۰-۱۹۲.

مسجد هستند، به خدمت رسانی و آموزش و سرگرم کردن کودکان می‌پردازند. فضایی که در غیر اوقات نماز پذیرای کودکان دیگر هم می‌تواند باشد و در آنجا می‌توان کلاس‌های مختلف آموزشی و تربیتی را برای کودکان به اجرا گذاشت. لذا شاید بتوان گفت که امروزه برای جلب و جذب کودکان و نوجوانان به مساجد از باب وجوب مقدمه واجب، باید ساخت مهدکودک، فضای سبز و مجتمع‌های ورزشی، تفریحی از سوی متولیان مساجد پیش‌بینی شود و با توجه به فرآگیری‌بودن امور فوق در زندگی روزمره کودکان و جوانان باید مساجد را توسعه داد و متحول کرد.

ما امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که در بافت شهری آن، دیگر از خانه با غذا به‌ویژه در طبقات پایین و متوسط جامعه - که طیف مسجدی را هم تشکیل می‌دهند - خبری نیست. کودک و جوان در محاصره آپارتمانی دور از تفریحات لازم محدود شده است. لذا شوق بازی در فضای سبز زیبا و دلپذیر و «گلگشت در کنار آب‌نماهای مسجد» می‌تواند با بلند شدن نغمه دلکش اذان از ماذنه مساجد، جذبه و اشتیاق آنان را نسبت به مسجدروی شعله‌ور کند. حتی چنین روشی، می‌تواند پدران و مادران را به‌سوی مسجد بکشاند که این خود از زمینه‌های «توفیق اجرایی» است و از راه‌های تحکیم پیوند خانه و مسجد به شمار می‌رود.^۱

۲-۵. تشكیل و تقویت کتابخانه‌های مناسب و مفید برای مساجد

که حاوی کتاب‌های متنوعی باشند، یکی دیگر از روش‌های جذب [کودکان و] نوجوانان به مسجد است. برای استفاده بیشتر از امکانات کتابخانه، می‌توان به برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی و قصه‌نویسی و خلاصه‌نویسی کتاب اقدام کرد.^۲ البته لازم است کتابخانه همراه با تحولات زمانه تغییر یابند و در زمان حال یعنی سال ۱۳۹۴، علاوه بر کتاب، از نرم‌افزارهای حاوی کتاب، بازی‌های رایانه‌ای مطلوب، فیلم‌های کارتونی و غیر کارتونی مناسب، در جلب کودکان و نوجوانان استفاده نمایند.

۱. ر. ک: حسن رهبری، کودک و مسجد، بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲، ش.

۲. محمدعلی موظف‌رسانی، همان، ص ۱۵۶-۱۵۷.



بخش دوم: امام جماعت

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

امام جماعت یا روحانی مسجد مهم‌ترین نقش را هم در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد و هم در جذب نوجوانان به مسجد دارد و درواقع در موضوع تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، هرچند وجود مسجد در دسترس، تقدم رتبه‌ای بر سایر عناصر و عوامل دارد، لیکن به لحاظ میزان تأثیر، عنصر و عامل امام جماعت، تقدم ارزشی و ماهوی بر سایر عناصر دارد و هیچ‌کدام از عناصر و عوامل دیگر مانند امام جماعت نمی‌توانند در به وجود آوردن ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و خصوصاً در تقویت آن تأثیرگذار باشند.

بر این اساس گفتنی است امام جماعت می‌تواند هم در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان با این کانون معنویت و هم در جذب آن‌ها به مسجد نقش ایفا کند؛ بدین صورت که عملکرد و رفتار مناسب امام جماعت با مأموریت که طبیعتاً بخشی از آن‌ها را والدین کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، سبب خواهد شد تا آن‌ها حضور پرنگی در مسجد داشته باشند که این وضعیت ناخودآگاه به حضور تبعی



کودکان و نوجوانان نیز منجر خواهد شد و این موضوع در مورد سایر عوامل و عناصر مسجد نیز مطرح است که عملکرد صحیح و رفتار مناسب آن‌ها با نمازگزاران و بزرگسالان و جذب آن‌ها به مسجد، به شکل غیرمستقیم، سبب تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد خواهد شد؛ زیرا کودکان و نوجوانان، خصوصاً در محیط‌های شهری، عمدتاً به شکل مستقیم و خودخواسته در مساجد حضور نمی‌یابند، بلکه حضورشان تبعی و باوسطه بزرگان و عمدتاً پدر و مادر است؛ بنابراین بدون اینکه بخواهیم این مطلب را در جاهای مختلف تحقیق تکرار نماییم در اینجا و به عنوان یک اصل تأثیرگذار بیان می‌کنیم که بحث اصل ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان تا حد زیادی تابع ارتباط والدین با مسجد است و هر آنچه از فرهنگ و سبک زندگی و اقتصاد و سیاست، بر حضور خود والدین در مسجد، تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد، همان نحو از تأثیر، به ارتباط فرزندان - کودکان و نوجوانان - با مسجد نیز منتقل می‌شود.

نقش اثرگذار دیگر امام جماعت، از حیث رفتاری با خود کودکان و نوجوانان حاضر در مسجد است که می‌تواند در جذب و دفع آن‌ها و چه بسا بر حسب جایگاهی که روحانیت دارد و نماد دین و دین‌داری به شمار می‌رود، در تصویرآفرینی مثبت و یا احیاناً منفی نسبت به اصل دین و دین‌داری تأثیرگذار باشد. بر این اساس انتظار می‌رود که به موازات فراهم نمودن مسجد در تمام نقاط کشور برای نمازگزاران، امامان جماعت مطلوب و مناسبی را نیز برای مساجد در نظر بگیرند. امامانی که ویژگی‌ها و شرایط لازم برای جذب کودکان و نوجوانان را هم داشته باشند.

در این قسمت لازم است به اختصار، قبل از بررسی وضعیت عملکرد و رفتار امامان جماعت در خصوص ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد و جذب آن‌ها، وظایف عام قانونی و رفتاری مورد انتظار از امام جماعت در خصوص کودکان و نوجوانان گفته شود تا بانیل به چارچوب اجمالی از آنچه امام جماعت باید باشد، به بررسی بهتر وضع موجود و راهکارها پرداخته شود.

بر این اساس گفتی است بر حسب تحقیقی که در این زمینه صورت گرفته و در آن از وظایف امام جماعت از نهادهای مسئول (سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز رسیدگی



به امور مساجد، سازمان بسیج مستضعفین، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد و سازمان اوقاف و امور خیریه) سؤال شده است این نتیجه حاصل گردید که وظایف امام جماعت عبارت‌اند از:

- ۱- اقامه منظم و به موقع نماز جماعت.
 - ۲- تبیین احکام، اخلاق، اعتقادات و معارف قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت (علیهم السلام) و پاسخگویی به سؤالات و مسائل شرعی نمازگزاران و مراجعان.
 - ۳- حضور فعال و هدایت هوشمندانه در فعالیت‌های عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مسجد.
 - ۴- ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه در مناسبت‌های مختلف برای مخاطبان مسجد.
 - ۵- برگزاری جلسات با شورای هماهنگی و سایر دست‌اندرکاران مسجد به صورت منظم، هفتگی و در صورت نیاز به صورت فوق العاده.
 - ۶- اداره جلسات هیئت‌امنا و پیگیری اجرای مصوبات آن.
 - ۷- نظارت بر حسن اجرای کلیه برنامه‌ها و سایر امور مسجد^۱.
- همچنین در بیان ویژگی‌های امام جماعت گفته شده است: امام جماعت محور فعالیت‌های عبادی و فرهنگی در مسجد است و مدیریت فعالیت‌های تمام عناصر، عوامل و بخش‌های موجود و دست‌اندرکار مسجد را بر عهده دارد؛ لذا برای ادامه این نقش مهم لازم است از خصایلی مثل علم، تقوا، حسن خلق، سعه‌صدر، عدم حرص به مواهب دنیوی و نیز از توانمندی‌ها و ویژگی‌های اعتقادی، فکری، علمی و ارتباطی و مردم‌داری متناسب با شرایط و مقتضیات محل برخوردار باشد. می‌توان ویژگی‌های مختلف امام جماعت مورد نظر را در نکات زیر ذکر کرد:

الف: علمی

- ۱- با معارف قرآن کریم و علوم مختلف آن به ویژه تفسیر آشنایی نسبی داشته باشد.
- ۲- باروایات و سخنان ائمه معصومین (علیهم السلام) آشنایی نسبی داشته باشد.

۱. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۸-۱۳۹.

- ۳- با علم کلام و شباهات جدید کلامی و در پاسخ به شباهات تسلط و توانایی نسبی داشته باشد.
- ۴- در تبیین مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی از تسلط لازم برخوردار باشد.
- ۵- حتی المقدور بر حسب مقتضیات محل، آشنایی با زبان و ادبیات معاصر و فن بیان داشته باشد.
- ۶- در تبیین مسائل شرعی و پاسخگویی به سؤالات فقهی مراجعان بر اساس رساله‌های علمیه مراجع عظام تقليد از توانایی لازم بهره‌مند باشد.
- ۷- با اصول مدیریت، مشاوره، روش‌های تعلیم و تربیت و روانشناسی اجتماعی آشنایی نسبی داشته باشد.

ب: ظاهری

- ۱- آراستگی ظاهری
- ۲- آراستگی در پوشش
- ۳- داشتن زی طلبگی

ج: گفتار

- ۱- از بیان هر گونه کلمات و گفتار ناپسند که دور از شأن امامت جماعت است خودداری نماید.
- ۲- در برخوردها، سن، موقعیت، معلومات و شئون مخاطب را رعایت نماید.
- ۳- در بیان مطالب از کلمات و عبارات غامض و نامتعارف و هر گونه اطاله کلام خودداری نماید.
- ۴- دارای روحیه جذاب باشد و مردم را به دین و نظام دینی و آینده امیدوار نماید.

د: در برخورد

- ۱- چهره‌ای بازو گشاده داشته باشد و خوش برخورد باشد.
- ۲- مردمدار، آسان‌گیر و دارای حسن معاشرت، صمیمیت و برخورد پدرانه باشد.



- ۳- دارای تحمل، سعه صدر، تواضع، فروتنی و حسن ظن باشد.
- ۴- شخصیت افراد را حفظ و به همگان احترام بگذارد.

هزرفتار

- ۱- وفای به عهد و قول داشته باشد.
- ۲- منظم و وقت شناس باشد.
- ۳- دارای وقار و ممتاز باشد.

پایسته‌های اختصاصی امام جماعت در مورد کودکان و نوجوانان:

مطلوبی که در خصوص ویژگی‌های امام جماعت گفته شد عمومیت داشت و وظایف و ویژگی‌هایی بود که او در قبال همه نمازگزاران بر عهده دارد؛ لیکن یکسری خصایص اختصاصی وجود دارد که امام جماعت از آن حیث که باید بین کودکان و نوجوانان با مسجد ارتباط برقرار کند و آن‌ها را جذب این کانون معنویت نماید، لازم است این ویژگی‌ها را داشته باشد. بر این اساس گفته شده است:

۱. امام جماعت باید با کودکان و نوجوانان برخوردي محبت‌آمیز و دوستانه داشته باشد. برخوردهای عاطفی در ایجاد ارتباط با کودکان و نوجوانان و آگاهی از نظریات آن‌ها بسیار مؤثر است؛ این گونه ارتباط، زمینه مساعدی را جهت جلب و تأثیر بر آنان به وجود می‌آورد.

اگر امام جماعت چند دقیقه‌ای مانده به اذان در مسجد حضور داشته باشد و گفت‌وگویی دوستانه، خیرخواهانه، پدرانه با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، در جذب آن‌ها و یا تداوم حضور آن‌ها بسیار مؤثر است.

گاهی لبخند روحانی به یک جوان، گاهی یک گفت‌وگوی دوستانه، گاهی یک دست به شانه نوجوان زدن، یکی دو قدم با او هم‌قدم شدن و صحبت‌های نوجوان را شنیدن، مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد.

اگر امام جماعت مسجد حلقه‌هایی از گروه‌های مختلف علمی و مذهبی را تشکیل

۱. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

دهد و ارتباط چهره به چهره را با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، بسیار در جذب آن‌ها مؤثر است.

۲. امام جماعت می‌باشد به رفتار، ارزش‌ها، گفتار و نظریات کودکان، نوجوانان و جوانان احترام بگذارد. این کار در جلب و جذب آنان به مسجد بسیار مؤثر است. وقتی کودک و نوجوان احساس کند، طرف مقابل در صدد این نیست که نظریات خودش را به او تحمیل کند و به نظریات او احترام می‌گذارد، احساس شخصیت می‌کند و از اینکه با چنین فردی آشنا شده، خوشحال می‌گردد. احترام امام جماعت به کودکان، نوجوانان و جوانان به معنای پذیرفتن تمام و تمام نظریات آن‌ها بدون دلیل نیست؛ بلکه به معنای شنیدن نظرها و مدارا با افراد و تعیین راهی حساب‌شده و مدبرانه جهت هدایت آن‌هاست.

ستایش خواهی و جلب توجه، دونوع از خواسته‌های این گروه‌های سنی در عرصه ذهن و عاطفه است؛ بنابراین بها دادن به آنان، عامل مهمی در راستای تأمین خواسته و جلب توجه آن‌ها به مسجد است.

۳. امام جماعت باید برای هر سلیقه و جمعیتی برنامه مناسب داشته باشد. مساجد باید برای کودکان، بزرگسالان، دانشجویان و جوانان، برنامه خاصی داشته باشند. برای آن‌ها که اهل دعا هستند برنامه دعا، برای آن‌ها که اهل کتاب و مطالعه هستند، کتابخانه و سالن مطالعه و برای کودکان و نوجوانان آنچه مناسب سلیقه آنان است، برنامه‌ریزی شود. امام جماعت می‌باشد بعد از مخاطب‌شناسی دقیق و آگاهی از نیازها و سلاطیق آنان، جلساتی را ویژه آن‌ها تشکیل دهد و مفاهیمی از دین اسلام را برایشان بیان کند که با سلاطیق، روحیات و نیازهای آنان متناسب باشد.^۱

۱. عسکری، اسلامپور و کریمی؛ بایسته‌های رفتار امام جماعت در مواجهه با کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۴۰۲/۱۲/۲۵.



« ب: وضع موجود »

لازم است بهمنظور رفع مشکلات و یا ارتقای نقاط قوت، تصویری دقیق و واقع‌بینانه از وضعیت آماری و عملکردی امامان جماعت در مساجد داشت؛ بر این اساس و در این مجال به بررسی وضع موجود امامان جماعت در مساجد از حیث برقرار ساختن ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد پرداخته می‌شود:

۱. وضعیت آماری

متأسفانه به دلیل فقدان نظام آماری این بخش نیز با کمبود شدید داده‌ها مواجه است و آمارهای جدید بسیار کلی و موردنی هستند چنانکه اشاره خواهد شد- لذا چاره‌ای جز بهره‌گیری از داده‌های پیمایش‌های ملی در سال‌های قبل در کنار آمارهای موردنی فعلی نیست. بر این اساس گفتنی است برحسب پیمایش سال ۱۳۷۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آمار کلی ائمه جماعات ۳۰۷۴۱ نفر تعیین شده است که این عدد نشانگ آن است که در کل کشور نزدیک به نیمی از مساجد کشور فاقد امام جماعت، حتی امام جماعت موقت هستند. ائمه جماعات ثابت مساجد در این سرشماری ۱۸۷۷۳ نفر و تعداد ائمه جماعات موقت جمعاً ۱۱۹۶۸ است. با این ارقام می‌توان نتیجه گرفت حدود یک‌سوم ائمه جماعات موقت هستند و یا نائب دیگر افراد می‌باشند که بر این اساس به نسبت تعداد مساجد تنها ۳۲٪ از مساجد کشور دارای امام جماعت ثابت است.^۱

همچنین رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران در خصوص ائمه جماعات استان تهران - به عنوان پرجمعیت‌ترین شهر کشور - در اسفند سال ۱۳۹۳ اظهار داشته است: شهر تهران در پوشش امام جماعت و برگزاری نماز جماعت جزو شهرهای ممتاز کشور است و در تهران پوشش نماز جماعت، پوشش تقریباً کاملی است و ۶۶ درصد مساجد در استان تهران امام جماعت دارند. ۱۴ درصد مساجد تهران که غالباً مساجدی بسیار کوچک هستند و امکان شکل‌گیری جماعت در آن نیست، فاقد امام جماعت هستند. در شهرستان‌های استان تهران ۴۱ درصد کمبود

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۹۸.

امام جماعت داریم؛ به این معنی که از ۱۲۵۷ مسجد امام جماعت دارد؛ اما در کل کشور در خوشبینانه ترین وضعیت ۳۵ درصد مساجد امام جماعت دارند.^۱

با در کنار هم نهادن آمارهای سال ۷۵ و نیز اظهارات اخیر مسئول مربوطه این نتیجه حاصل می‌شود که مساجد کشور در مورد یکی از اولی ترین و ضروری ترین نیازهای خود که داشتن امام جماعت به عنوان ستون خیمه مسجد است، مشکل اساسی دارند و حدود نیمی از آن‌ها فاقد امام جماعت‌اند! حالا اینکه مساجدی که امام جماعت دارند نماز جماعتشان ادواری است یا دائمی؟ یک وعده برگزار می‌شود یا بیشتر؟ و امام جماعتشان فعل هست یا نه؟ خود سوالات مهم دیگری هستند که با مشخص شدن جواب آن‌ها، بی‌گمان بخش دیگری از نواقص و ضعف‌ها در این خصوص مبرهن خواهد شد.

گفتنی است در این بخش، هیچ‌گونه آماری از وضعیت امامان جماعتی که در خصوص جذب و تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد توانایی‌های لازم را داشته باشند وجود ندارد.

۲. وضعیت محتوایی و عملکردی امامان جماعت

از اینکه عملکرد امامان جماعت چقدر برای عموم مردم و یا کودکان و نوجوانان مفید است و چه میزان از امامان جماعت قابلیت‌های لازم را در این خصوص دارا هستند؟ آماری وجود ندارد و ظاهراً کاری در این حوزه صورت نگرفته است؛ لیکن پرسه و فرایندی که خروجی آن، منصوب شدن امام جماعت برای مسجد است تا حدودی قابلیت ارزیابی را دارد که از باب «تمسک به اصل با فقد اماره» مراحل مختلف این فرایند وضعیت‌سنجی می‌شود:

۱-۲. وضعیت آموزش‌های امامان جماعت:

در حال حاضر، نمازگزاران، هیئت‌امنا و یا بانی مسجد، واقف، خیر یا اهالی محل، روحانی شناخته شده و یا مشخصی را برای مسئولیت امامت جماعت جهت سیر

۱. اظهارات محمدجواد حاج علی‌اکبری، همان.



مراحل اداری به اداره اوقاف و امور خیریه محل پیشنهاد می‌نمایند. اداره مزبور، با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی محل از طریق مراجع ذیصلاح، صلاحیت‌ها و توانایی‌های وی را برابر بند ۱ فصل پنجم بررسی و منطبق سازی نموده و پس از طی مراحل اداری با تأیید امام جمعه محل حکم وی توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه استان صادر می‌شود.^۱ حالا این شخص چقدر برای قرار گرفتن در منصب امام جماعت آموزش دیده باشد و مناسب باشد، مشخص نیست. به دلیل آنکه نهادی و سازمان مشخصی برای این کار وارثه آموزش‌های لازم وجود ندارد. نهادی و سازمانی که به صورت مستقل و یا بخشی از حوزه‌های علمیه وظیفه تربیت افرادی را برای امام جماعت شدن تولیت نماید و آموزش‌های لازم را بدان‌ها در کمترین فرصت (نه مطول) ارائه نماید.

جالب است در این خصوص به این آمار توجه شود که در بین استان‌ها، استان‌های سیستان و بلوچستان با 83% و آذربایجان غربی با 82% بیشترین درصد امام جماعت را نسبت به مساجد موجود دارند و کمترین درصد ائمه جماعات به استان‌های کرمان با 14% ، ایلام 17% و مرکزی 18% اختصاص یافته است. این آمار نشان می‌دهد که حوزه‌های شهرهای اهل سنت در ایران خود به اندازه حوزه‌های بزرگی نظیر یزد و شیراز و تبریز، امام جماعت تربیت می‌کنند. برای نمونه تنها از حوزه «گشت سراوان» در نزدیکی پاکستان که از حوزه‌های پر رونق منطقه بلوچستان است 347 امام جماعت فارغ‌التحصیل شده‌اند. حوزه‌های علمیه در شهرهای ری، کرمان، نجف‌آباد، نیشابور، اراک، بروجرد، اهواز و قزوین از جهت تربیت ائمه جماعات بعد از شهرهای سردشت، مهاباد، بانه، سقر، سندج، پیرانشهر و گنبد قرار دارند.^۲ حوزه‌هایی که روزگاری رونق فراوانی داشته و نیاز اولیه مردم را پاسخ‌گو بودند، همچنان در سرشماری سال 75 از محل تحصیل و تربیت ائمه جماعات سؤال شده بود. بر این اساس درصد فارغ‌التحصیلی ائمه جماعات از شهرهای مختلف داخل و خارج کشور به قرار زیر است:

۱. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص $۱۳۸-۱۳۹$.

۲. محمد رضا حشمتی، همان، ص $۱۹۸-۲۰۱$.

شهر/کشور	قم	مشهد	اصفهان	عراق	پاکستان	سران	شیراز	یزد	گشت
تعداد	۱۰۹۴۲	۲۱۲۵	۱۰۵۴	۶۴۹	۵۸۶	۴۶۸	۴۳۲	۴۱۳	۳۴۷
درصد	%۳۵	%۷	%۳/۵	%۲	%۱/۹	%۱/۵	%۱/۴	%۱/۳	%۱/۱

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماكن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

این آمار نشان می‌دهد که حوزه علمیه قم به تنها‌ی با تربیت یک‌سوم از ائمه جماعات بیشترین سهم و حوزه‌های سایر شهرستان‌ها پس از مشهد و اصفهان با کمتر از ۲٪ در مجموع فقط نیمی از ائمه جماعات را تربیت و اعزام می‌کنند. در حالی که تصور این‌گونه است که تربیت، آموزش و اعزام امام جماعت در محدوده وظایف حوزه‌های علمیه شهرستانی است و صرفاً افراد برجسته‌ای که تمایل به تحصیل در دوره‌های عالی فقه و اصول داشته باشند باید به حوزه‌های بالاتر راه پیدا کنند.^۱

۲-۲. چندشغله بودن:

چندشغله بودن جمع کثیری از روحانیون باعث شده که کارکرد روحانیون رویه‌ای منفی به خود بگیرد و بعضًا مردم ترجیح دهند از افراد غیرروحانی برای نیازهای مذهبی خود در مساجد بهره بگیرند. در حالی که کسی که مسئولیت کاری را بر عهده می‌گیرد، باید فرصت و دقت لازم را داشته باشد؛ و چه مسئولیتی بالاتر از امام جماعتی که خواهناخواه مسئولیت هدایت مردم را عهده‌دار است.

هرگاه مسجد بخواهد نقش خود را به خوبی ایفا کند نیازمند آن است که امام جماعت از نظر وقت و برنامه‌ریزی بهاندازه کافی سرمایه‌گذاری کند و اهتمام جدی به مسجد و برنامه‌های آن داشته باشد. امام جماعت باید در حد امکان در اختیار مسجد باشد؛ یا اینکه حداقل چندشغله نباشد.

امروزه برخی با وجود حجم کاری و اشتغالات فراوان در مناصب مختلف عهده‌دار اقامه نماز در مساجد می‌شوند. بدیهی است این شخص توانایی انجام این رسالت

۱. همان، ص. ۲۰۰



عظیم را به شکل مطلوبی نخواهد داشت و تنها به اقامه نماز اکتفا خواهد کرد. از دیگر سو این تراکم کاری علاوه بر خستگی جسم، سبب کسالت و افسردگی روحی نیز می‌شود. در حالی که رفتن به مسجد نیاز به امنیت روحی و آمادگی جسمی و روحی دارد.^۱

.....
۱. امام جماعت، عامل پیشرفت مساجد، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۳/۸/۲۴.

۱. تقویت پشتوانه پژوهشی

مانند سایر عناصر مرتبط با موضوع کودک و نوجوان و مسجد، عنصر کلیدی امام جماعت نیز از چند حیث نیاز به تحقیقات عمده و زیربنایی دارد؛ تحقیقاتی که برآمده از اندیشه صاحبنظرانی باشند که با طی آموزش‌های لازم در مراکز علمی و پژوهشی، به طور تخصصی در موضوع مسجد کارکرده باشند و صاحبنظران این حوزه به شکل اختصاصی باشند. این تحقیقات لازم است بر حسب تغییرات محیطی، به شکل مداوم در جریان باشند و خود را با تازه‌ترین تغییرات محیطی و فرهنگی انطباق دهند. در این تحقیقات لازم است مشخص شود:

- اندوخته‌های لازم علوم اعتقادی موردنیاز بر حسب سطوح و مخاطبان مختلف مساجد برای ائمه جماعات چیست؟
- اندوخته‌های لازم فقهی موردنیاز بر حسب سطوح مختلف مساجد برای ائمه جماعات چیست؟
- اندوخته‌های لازم اخلاقی (نظری و عملی) موردنیاز بر حسب سطوح مختلف مساجد برای ائمه جماعات چیست؟
- اندوخته‌های لازم در زمینه علوم روز و حوزه‌های مختلف آن، برای افرادی که امام جماعت می‌شوند، در سطوح مختلف مساجد چیست؟
- بهترین و مناسب‌ترین روش‌های سخنوری و بیان مطلب برای افراد مختلف در مناسبت‌ها و موضوعات مختلف چیست؟
- راهکارهای مواجهه با مشکلات و موانع تبلیغی و ترویجی چیست؟

۲. تقویت پشتوانه تقنینی

نیازهای برقراری ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، صرفاً مباحث نظری نیست که تحقیقاتی صرفاً تئوریک در این زمینه صورت گیرد و به موازات آن، قوانینی هم برای



کلیت مسجد وضع گردد؛ بلکه هم موضوع مسجد و هم کودک و نوجوان، بر حسب شرایط مختلف، وضعیت‌های کاملاً متفاوتی پیدا می‌کنند که نیازهای تقنینی آن‌ها در شرایط مختلف کاملاً متفاوت می‌شود؛ به عنوان نمونه نیازهای تقنینی در جهت ارتباط دادن کودکان مهدکودکی با مسجد جامع در کلان‌شهرها کاملاً متفاوت از نیازهای تقنینی برای ارتباط برقرار دادن دانش‌آموزان دختر راهنمایی -که کاملاً به سن تکلیف رسیده‌اند- با مسجد محله در روستاهاست. در حال حاضر حتی قوانین کلی نیز در خصوص ارتباط برقرار دادن کودکان و نوجوانان با مسجد -بر حسب استقراری نگارنده- وجود ندارد.

البته توجه به این نکته فراموش نشود که نباید خود را و ظرفیت تحقیقات را در تبیین شرایط موردنیاز بر حسب دسته‌بندی‌های مختلف و بعض‌ای فایده هدر داد و نظر نگارنده نیز براین نیست؛ لیکن بدون تردید با تفکیک گروه‌ها و سطوح، مواردی که دارای اولویت برای اقدام هستند شناخته شده و آنگاه برنامه و راهکار دقیق اجرایی برای آن در نظر گرفته می‌شود؛ لذا ممکن است با جزء جزء کردن مخاطبان از کودک و نوجوان این نتیجه حاصل شود که آن دسته از نوجوانان دوره راهنمایی و دبیرستان که در مناطق شهری و مدارس غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند، علاوه بر اینکه فراوانی بالایی دارند و روزبه روز نیز زیاد می‌شوند، بیش از سایر گروه‌های معرض خطر جدایی از مسجد بوده و بیش از بقیه نیازمند کمک و تقویت ارتباط هستند و درنتیجه لازم است کمک‌های تقنینی، حمایت‌های مالی و غیرمالی و اینکه امامان جماعت به چه اندوخته علمی نیاز دارند، برای این گروه مورد بررسی قرار گیرد. این مطلب در تمامی راهکارهای گفته شده در این تحقیق ساری و جاری است.

۳. توجه به نظاممندوسازمانی بودن آموزش‌ها

موفقیت امامان جماعت در ارتباط دادن مردم و کودکان و نوجوانان با مسجد، در نگاه کلان، نیازمند آموزش برنامه‌ریزی شده و نظاممند آن‌هاست و گرن‌هه در صورتی که به همت خود اشخاص و امامان جماعت واگذار گردد، همان خواهد شد که هست؛

طوری که در حال حاضر، هر امام جماعتی در صورتی که تعهد اخلاقی و وجودان کاری لازم را داشته باشد، در بهترین حالت- فراخور ادراک و استنباط خود، آن محتوا و منبع آموزشی را که صلاح و مفید می‌داند، فرامی‌گیرد و حال آنکه این محتوا چقدر مفید است و چقدر مناسب با مخاطبان مسجد مورد نظر است؟ اصلاً معلوم نیست. لذا نیاز به مرکز و نهادی هست که او لاً سیر مطالعاتی و محتوای آموزشی موردنیاز برای هر سطح از امامان جماعت را برای ارتباط دادن مردم و کودکان و نوجوانان با مسجد، به شکلی استاندارد و با استفاده از طرق علمی، استخراج و مشخص نماید و ثانیاً از طریق اساتید مدرس و کارآزموده اقدام به آموزش آن‌ها نماید.

یکی از مسئولان در این خصوص می‌گوید: ما در کشور جهت هر تخصص آموزشگاه‌هایی احداث کرده‌ایم که تکنیکی و متخصص آن رشته را به نسبت نیاز آموزش داده و تربیت می‌کند. بر این اساس نیاز آموزشی ما از مدرک سوم راهنمایی، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری تا دوره‌های تخصصی منظم و تعریف شده‌اند. بدیهی است جهت تربیت تکنیکی بیهوشی دکتر متخصص بیهوشی تربیت نمی‌شود و جهت تدریس در مهد کودک از اساتید دانشگاه استفاده نمی‌کنند. صرفه‌جویی در منابع نیروی انسانی، وقت و امکانات آموزشی اقتضا می‌کند که برای هر شغلی واحدهای تخصصی همان رده تدریس شود. این تدبیر در خصوص تربیت امام جماعت نیز باید اتخاذ گردد. باید تعیین شود امام جماعت و روحانی مسجد چه تعریفی دارد و چه موادی را باید بیاموزد. قطعاً احکام، قرآن، ادبیات عرب، مسائل سیاسی و اجتماعی مهم‌ترین مسائلی است که یک امام جماعت خوب باید بر آن‌ها مسلط باشد. واقعاً امام جماعت یک بخش، روستا و شهرستان چه نیازی دارد که دوره‌های طولانی فقه و اصول را تارده اتمام سطح بگذراند و سپس جهت امامت جماعت تعدادی محدود از افراد، به منطقه‌ای اعزام شود. از این‌رو تصمیم‌گیری سریع و قاطع در خصوص تربیت نیروی مناسب با هر منطقه ایجاب می‌کند که دستگاه مسئول و حوزه‌های علمیه نظام ویژه‌ای را بدین



منظور راهاندازی کنند.^۱

هرچند در حال حاضر چنین آموزش‌هایی وجود خارجی ندارند. اگر هم باشند بسیار کمنگ و فاقد تأثیر لازم هستند؛ ولی در این خصوص قواعد چندی وجود دارد که برخی از آن‌ها بدین شرح است:

۱. لازم است امام جماعت منتخب قبل از تصدی امامت جماعت، تبلیغ و هدایت مردم در مسجد حداقل به مدت ۴۰ ساعت آموزش‌های لازم در زمینه مدیریت فرهنگی، روش‌های نوین تبلیغ و اقنان و آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و نحوه ارتباط با اهالی محل، خاصه با نسل جوان را بگذراند. نیز از آنجاکه امامت جماعت در هدایت و رهبری باید همواره نقش مؤثر خود را به درستی و به روز ایفانماید نیاز دائمی و مستمر به کسب اطلاعات به صورت نیمه حضوری و بعض‌اً حضوری دارد.^۲

۲. در تبیین سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی مصوبه ۴۵۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی به یکی از مواردی اشاره شده عبارت است از: «ماده ۵ بند ۵-۳-۳- تربیت امام جماعت عالم و آشنا به مسائل روز و جوانگرا»

در پایان این راهکار گفتندی است که این آموزش‌ها باید علاوه بر بدو خدمت در ضمن خدمت نیز باشد و همواره برحسب نیازسنجی‌های دقیق، مهم‌ترین آموزش‌های موردنیاز، در اولین فرصت برای امامان جماعت عرضه گردد. (مانند فراغیری جدیدترین و تأثیرگذارترین روش‌های تبلیغی، آموزش مقابله با جدیدترین شباهات دینی، روش‌های مقابله با آسیب‌های اجتماعی نوپدید و متقابلاً روش‌های تبلیغ، ترویج و بالنده نمودن جدیدترین رویش‌های نگرشی، ارزشی، رفتاری و نمادی اسلام و انقلاب) ضمن اینکه در کنار آموزش‌های رسمی، ارتباط با اساتید آموزش‌دهنده، ارتباط امامان جماعت با همدیگر و در میان گذاردن تجربیاتشان

۱. محمد رضا حاشمتی، همان، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۲. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۹.

بسیار می‌تواند راهگشا باشد و لازم است نهادهای مسئول در این مورد، خصوصاً با توجه به فراغیر و سهل‌الوصول شدن ابزارهای ارتباطی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقدام لازم را انجام دهند.

در واقع لازم است با استقرار نظام اطلاع‌رسانی و آموزشی جامع برای همه مساجد در سطح کشور و ایجاد شبکه مساجد کشور، ائمه جماعات، با اطلاعات روز و مهارت‌های لازم آشنا شوند تا بتوانند نیازهای مخاطبان خود و بهویژه کودکان و نوجوانان را برطرف سازند. گفتنی است چگونگی این موضوع یعنی برقراری نظام اطلاع‌رسانی جامع برای مساجد، از نهادهای مسئول سؤال شده است که جمع‌بندی نظرات آن‌ها چنین است:

«استقرار نظام جامع اطلاع‌رسانی مساجد در سطح کشور با راهاندازی شبکه پورتال مساجد شدنی است. برای تحقق این امر وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف به ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری آن از طریق راهاندازی فیبر نوری در بین شبکه مساجد است.»^۱

ذکر این مطلب نیز خالی از وجه نیست که وقتی بحث از ارتباط‌دهی کودک و نوجوان با مسجد می‌شود، این آموزش‌ها تخصصی نیز می‌شود و لازم است آموزش‌ها و مهارت‌های علمی و ارتباطی به صورت تخصصی‌تر ارائه شود. لیکن آمارها ظاهراً نشان می‌دهد که ممکن است ائمه جماعات چندان قابلیت و توانایی در جهت کسب چنین مهارت‌هایی نداشته باشند زیرا «در سرشماری امامان جماعت در سال ۱۳۷۵ متوسط سن امام جماعت در هر استان تعیین شده است که این آمار متوسط سن ائمه جماعات را در مجموع در استان‌های پرجمعیت که اکثریت مساجد در آنجا هستند بسیار بالا نشان می‌دهد. در این خصوص میانگین سنی ائمه جماعات ده استان با سن بالاتر از ۴۷ سال ۴۹ شده است که اگر با نگاهی مثبت به این آمار نگاه کنیم ائمه جماعات مجبوب و مسن با قریب ۵۰ سال سن، امروزه در اکثر مساجد کشور مشغول خدمت هستند؛ اما با بررسی دقیق و موشکافانه‌تر، این سوالات به ذهن متبار می‌شود که:

۱. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۵۴.



الف - امام جماعت با سن ۵۰ سال تا چه حد امکان ارتباط و تخاطب با کودک و نوجوان و جوان را خواهد داشت؟

ب - در این صورت آیا از تحرک و سلامت جسمانی لازم برای اداره مسجد برخوردار است؟^۱ و آیا آمادگی جسمی و روحی لازم برای فراغیری آموزش‌های موردنیاز را دارد؟

۴. تأمین امام جماعت بومی بدون سختگیری در فروع

حقیقت آن است که در حال حاضر در اصل وجود امام جماعت در مساجد مشکل اساسی وجود دارد و لذا در موارد فقدان امام جماعت، اصلاً جای این موارد نباید باشد که امام جماعت لابد باید فلان شرایط و ویژگی‌ها را داشته باشد تا بتواند به عنوان امام جماعت منصوب شود! آری؛ یکسری شرایط هستند که اصل هستند که در رساله‌های احکام نیز بدان‌ها اشاره شده است؛ مانند باتقوا بودن، مرتكب گناه کبیره نشدن و امثال این‌ها. این موارد لازم است مورد توجه باشد؛ لیکن بحث از اندوخته‌های علمی و فرهنگی و مانند آن، الزامات عارضی هستند؛ بدین معنی که وظیفه اولیه و بالذات امام جماعت این است که ضمن رعایت تقواو اخلاق، نماز جماعت را اقامه نماید و نگذارد این امر خطیر که واجد برکات و مزایای مستقیم و غیرمستقیم فراوان است تعطیل شود و از طریق برپایی نماز جماعت، سبب شود تا بخشی ولو اندر از زمان و اوقات فراغت خانواده‌ها و کودکان و نوجوان در کانون آرامش و معنویت یعنی مسجد سپری شود.

درواقع اینکه امام جماعت باید احکام نیز به مردم یاد بدهد و اعتقادات بیاموزد، وظایف عارضی وی هستند که به دلیل نیازهای موجود در این حوزه‌ها و برآورده نشدن آن‌ها در اشکال و طرق دیگر، متولیان بر آن شده‌اند تا از این طریق این کمبودها را مرفوع نمایند. ضمن اینکه سختگیری بیش از حد در مورد شرایط فرعی و سخن فراوان در این خصوص، عملأ کار را به سمت تقلیل کمی نماز جماعت سوق

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص. ۲۰۲

می‌دهد؛ خصوصاً در شرایطی که بخشی هر چند بسیار اندک از امامان جماعتی که این مشکلات فرعی را ندارند، با مشکلات دیگری که بعضاً اساسی و اصولی است مواجهند؛ به طوری که برخی از آن‌ها به منصب معنوی امامت جماعت بودن نگاه مادی دارند و در مورد کم و زیاد شدن اجرت‌شان به چانه‌زنی می‌پردازند، برخی دیگر نیز چندشغله هستند و نماز جماعت را صرفاً با حضور فیزیکی چند دقیقه‌ای فیصله می‌دهند بدون اینکه قبل و بعد از نماز حتی برفرض داشتن شرایط علمی، بتوان از ایشان استفاده‌ای نمود.

البته سخن از اجرت ایاب و ذهاب، لزوماً امر ناپسندی نیست ولی عقیده نگارنده این است که چرا این همه در انتخاب امام جماعت سخت‌گیری شود تا نتوان از افراد موجود در مجموعه استفاده نمود و به اجبار شخصی از بیرون و با تعیین حقوق ماهانه برای امامت جماعت در نظر گرفته شود؟!

نهاد سازمان دهنده امامان جماعت می‌تواند با شناسایی افراد سالم، مذهبی، انقلابی و با قرائت صحیح در هر مجموعه که بعضاً تعداد این مجموعه‌ها به صدها نفر می‌رسد، نه یک نفر بلکه چندین نفر را به عنوان امام جماعت اختصاصی و روحانی با اختیارات محدود آن سازمان و اداره و حتی محله و روستا انتخاب نمایند و در مرحله بعدی نیز ضمن استمرار ارتباط با وی، آموزش‌های لازم را به وی عرضه نمایند.

البته این مشکل، اساسی است و ظاهراً در خود حوزه‌های علمیه نیز با مشکل تربیت و آموزش سریع امامان جماعت مواجه هستند. این مطلب با توجه نمودن به این واقعیت بیشتر به چشم می‌آید که «آمارها نشان می‌دهد استان‌هایی که جمعیت اهل سنت در آن بیشتر است، کمتر مشکل کمبود امام جماعت دارند؛ زیرا روش‌های تربیت ائمه جماعات و نظام تربیت مبلغ در حوزه‌های علمیه اهل سنت، مشکل تأمین امام جماعت را تقریباً حل کرده است. حوزه‌های اهل سنت تا عمق روستاهای بخش‌ها و شهرهای کوچک هنوز جریان دارند و هر حوزه‌ای به عنوان اولین وظیفه، امام جماعت تربیت می‌کند. ایرانیانی که در مناطق اهل سنت زندگی می‌کنند، همچون سایر مسلمانان در دیگر نقاط جهان نسبت به نماز جماعت



اهتمام ویژه‌ای دارند تا جایی که گاهی اوقات برای دیگران وجوب جماعت تداعی می‌شود. تساهل و تسامح در انتخاب امام جماعت و اعتماد به یکی از افراد حاضر، باعث شده تا کمتر منطقه‌ای در مساجد روستاهای و شهرهای آن مناطق فاقد امام جماعت باشد. در نگاه اهل سنت ایران، امام جماعت یعنی کسی که نماز را درست بخواند و گناه کبیرهای از او سرنزند. با این نگرش، اکثر طلابی که در حوزه‌های اهل سنت مشغول تحصیل می‌شوند پس از دو یا سه سال عملاً امامت مسجدی را به عهده می‌گیرند. متأسفانه با سخت‌گیری‌هایی که در مناطق دیگر ایران درخصوص انتخاب امام جماعت صورت می‌پذیرد، گاهی اوقات علیرغم حضور چندین روحانی در یک مسجد به دلیل مسائل مختلف باز هم جماعت منعقد نمی‌شود و باعث کم رونق بودن مساجد گردیده است. در بعضی مساجد، دهها طلبه جوان به صرف ملبس نشدن جماعت را ترک می‌کنند.^۱

بنابراین لازم است در مساجدی که بدون امام جماعت مانده‌اند، در مرحله اول اهتمام بر برقراری نماز جماعت با سهل‌گیری در شرایط امام جماعت و از طریق انتخاب بومی باشد مانند انتخاب یک یا چند نفر از افرادی که در یک برج ۵۰۰ واحدی -که نمازخانه هم دارد- شرایط اولیه امام جماعت شدن را دارند. در قدم بعد باید به طور حتم و جدی، در فکر ارتقای معرفتی و مهارتی امامان جماعت با آموزش‌های بدو و ضمن خدمت بود.

۵. نظارت بر عملکردها

بدون تردید باید از رها بودن نهاد مسجد و واگذار نمودن کل اداره آن به مردم اجتناب نمود؛ دولت اسلامی باید با نظارت و رصد دور ادور و بعضاً نزدیک، هدایت جریان فرهنگ و این حوزه مهم از فرهنگ را در دست بگیرد و از ضعف‌ها و خطاهای مصون نگه دارد. دولت اسلامی باید برای رفع موانع که بخشی از آن در حوزه مسجد، مربوط به ارتقای مهارت‌های امامان جماعت و یا احیاناً جایگزین ساختن امامان جماعت قوی به جای افراد ضعیف است اقدام نماید. هم‌اکنون فقدان نظارت

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۹۹-۲۰۰.

بر عملکرد امامان جماعت هم از ناحیه مردم و هم از ناحیه دستگاههای نظارتی بر روحانیون همچون حوزه‌های علمیه، علمای شاخص شهر، نماینده مقام معظم رهبری، سازمان اوقاف و امور خیریه و سازمان تبلیغات اسلامی از مهم‌ترین دلایل ضعف عملکرد روحانیون پیش‌نمایز است.

برخی از مساجد و امامان جماعت هرچند تعدادشان اندک است ولی عملکردشان، رنگ و بویی از مسجد تراز اسلامی ندارد و مسجد زیرنظرشان به مسجد ضرار بیشتر شبیه است تا مسجد عروج‌دهنده انسان‌ها به مقام قرب الهی. نگارنده از یاد نمی‌برد مسجدی را که امام جماعت آن در زمانی که در حرم رضوی علیه السلام بمبگذاری شده بود، حاضر نشد حتی یک ابراز تأسفی از این قضیه بنماید. به این بهانه که ما وارد مسائل سیاسی نمی‌شویم! بگذریم از اینکه گزاره نادرستی در این خصوص جافتاده که مساجد و امامان جماعت برای اینکه مردم را از دست ندهند نباید اصلاً وارد مسائل سیاسی شوند! که حتی برخی مؤمنان نیز متأسفانه این اندیشه غلط را بازگو می‌کنند!

به‌هرحال این سؤال جدی همواره وجود دارد که مسجدی که راه دین‌داری را و راه شناخت دوست و دشمن دین و بصیرت لازم جهت پیمودن راه هدایت در زمانه خود را به مأموریین و کودکان و نوجوانان ننمایاند، به چه دردی می‌خورد و آیا واقعاً مصدقی از «مرده‌ی به‌ظاهر زنده» که در قرآن و احادیث آمده نیست؟!



بخش سوم: خادم مسجد

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

یکی از نقش‌های مهم و تأثیرگذار برای جذب و تداوم حضور کودکان و نوجوان در مسجد نقش خادم مسجد است؛ شاید این نقش خیلی وقت‌ها به چشم‌ها نیامده و نمی‌آید؛ اما اگر کمی با دقت به این جایگاه نظر کنیم درخواهیم یافت که چقدر می‌تواند در جذب و ماندگاری آینده‌سازان مسجد تأثیرگذار باشد.

فرد زحمت کشی که مدت حضورش در مسجد در شب‌انه روز، حتی از امام جماعت و یا حتی از اعضای هیئت‌ال Mana هم بیشتر است؛ او می‌تواند همان‌گونه که به طراوت و پاکیزگی مسجد رسیدگی می‌کند، به نشاط و شادابی معنوی و پرورش گل‌های بهشتی همت بگمارد.

خادم یا خادمه با ذوق، با رعایت نظافت و پاکیزگی مسجد، آراستگی ظاهر، زیبایی و خوشبویی، پیش‌دستی در سلام، خوش‌رویی و گشادگی چهره، مهربانی، رعایت احترام و ادب نسبت به نمازگزاران به خصوص کودکان، حوصله و صبر، پرکاری، خوش‌برخورده و خوش‌صدایی، زمینه جذب کودکان و نوجوانان را به مسجد

می تواند فراهم سازد.

خادم و خادمه مسجد باید مطمئن ترین فرد در مسجد باشد که اولیای برای فرستادن کودکانشان به مسجد هیچ خطری را احساس نکنند و همچنین او باید تحصیل کرده و اهل دانایی باشد تا در کنار تزکیه فرزندان به تعلیم هم بپردازد. خادم مسجد می تواند با هدایت امام جماعت و بزرگان فرهنگی مسجد، تمہیداتی را برای حضور کودکان در مسجد فراهم سازد از جمله در هنگام حضور کودکان در مسجد برای آنان هدایای ارزان اما جذاب و خوراکی های کوچک مثل نقل و آبنبات تهیه کند تا بدین واسطه کودکان را با مهربانی به نماز و مسجد علاقه مند سازد. او می تواند در کارهای مسجد از کودکان استفاده کند و با مسئولیت دهی به آنان موجبات افزایش اشتیاقشان را به حضور در مسجد فراهم سازد.

خادم مسجد نه تنها مانع حضور کودکان به مسجد نمی شود بلکه غرایز آنان را با مهربانی هدایت می سازد تا هم دیگران به راحتی بتوانند به عبادت خود بپردازند و هم کودکان از مسجد گریزان نشوند.

خادم و خادمه مسجد باید سخت گیر باشد و با آسان گیری خود، کودکان را در مسجدی شدن یاری نماید و اشتباهات و شیطنت های بچه ها را نادیده بگیرد و در کارها از خود انعطاف به خرج دهد و با این کار زمینه هدایت آنان را فراهم سازد. البته نباید فراموش کرد که دیگر نمازگزاران نیز باید در امر خادمی به خادم مسجد یاری دهند تا در این میان او خسته و ناتوان نگردد و بتواند به راحتی از پس کارها برآید؛ به عنوان مثال در کارهای سخت افزاری مثل نظافت، اهالی مسجد می توانند یک روز تعطیل در هفته مثل پنجشنبه یا جمعه را به صورت گروهی به نظافت مسجد اختصاص دهند، زیرا به نقل از رسول اعظم ﷺ این کار سبب آمرزش گناهان است، مَنْ كَنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ - وَلَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يُذَرُّ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ؛ هر کس در روز پنجشنبه و شب جمعه، مسجد را جاروب کند و به اندازه سرمهای که در چشم کشیده می شود،



خاک آن را بیرون برد، خداوند او را می‌آمرزد.^۱ و این یاری مصدق بارز همکاری در کارهای خیر است که قرآن کریم می‌فرماید: «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۲ و مگر غیر از این است که حضرت فاطمه کارهای منزل را بین خود و خادمه‌اش فضه به شکلی روزانه تقسیم کرده بودند.

بایدهای خادم مسجد:

قبل از بررسی وضعیت هستها، بهتر است به بحث بایدهای مربوط به امام جماعت پرداخته شود. سورای عالی انقلاب فرهنگی در این رابطه تحقیقی نجام داده است. در آن تحقیق از شرایط خادم مسجد از برخی نهادهای مسئول سؤال شده که بحسب پاسخ آن‌ها این نتایج حاصل شده است:

الف: شرایط ویژگی‌های خادم

- ۱- دارابودن سلامت جسمی، روحی و روانی و برخوردار از توانایی لازم برای انجام امور محوله در زمینه‌های خدمت، پاکیزگی و حفاظت از مسجد.
- ۲- حتی المقدور از سواد لازم (سیکل) برخوردار باشد.
- ۳- عدم استعمال و اعتیاد به مواد مخدر و دخانیات.
- ۴- حتی المقدور جوان باشد.
- ۵- متأهل باشد.
- ۶- عدم سوء پیشینه.
- ۷- دارای روحیه لازم و علاقه مند به خدمت در مسجد و نمازگزاران باشد.
- ۸- دارای تحمل، حسن خلق و برخورد نیکو و سعده صدر باشد.
- ۹- دارابودن التزام عملی به انجام فرایض دینی و نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل مترقبی ولایت فقهی.
- ۱۰- مقید به آراستگی ظاهری، پاکیزگی فردی و رعایت اصول بهداشتی.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج.۵، ص.۲۳۸

۲. مائده/۲

ب: نحوه انتخاب و به کارگیری خادم

هیئت‌امنا، بانی، خیر و واقف، شخص خادم را با ویژگی‌های فوق شناسایی می‌کنند و سپس جهت سیر مراحل جذب او توسط اداره اوقاف و امور خیریه اقدام می‌شود.

ج: وظایف خادم

- ۱- پخش اذان در اوقات شرعی به صورت منظم و مطلوب.
- ۲- مراقبت، حفظ و نگهداری از کلیه اموال منقول و غیر منقول مسجد.
- ۳- بازنمودن درب مسجد (حداقل نیم ساعت قبل از اوقات شرعی) جهت اقامه نمازو سایر برنامه‌های مسجد.
- ۴- رعایت احترام و ادب نسبت به مراجعان و نمازگزاران مسجد.
- ۵- همکاری لازم با برگزار کنندگان مراسم و مجالس و سایر فعالیت‌هادر مسجد.
- ۶- نظافت کلیه فضاهای اصلی مسجد (وسایل، دستشویی‌ها، وضو خانه، راهروها، حیاط، صحن، شبستان) به طور مستمر و منظم.
- ۷- انجام سایر امور محوله که از طریق هیئت‌امنا و یا امام جماعت مسجد اعلام می‌شود.^۱

د: آموزش خادم

از آنجاکه امر آموزش خادم بسیار مهم و اثرگذار است، لذا در سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی مصوبه ۴۵۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی به این مسئله توجه شده است. در بخشی از این مصوبه آمده است: «ماده ۵ بندهای ۳-۵- تربیت امام جماعت عالم و آشنا به مسائل روز و جوانگر: ۱۳-۵- ترمیم، اصلاح و آموزش خادمان مسجد، هیئت‌امنا و عوامل دیگر» همچنین در پرسش از نهادهای مسئول از وضعیت آموزش خادمان مطالب زیر عنوان گردیده است:

- ۱- بدو خدمت: لازم است برای خادم و یا کلیه اشخاصی که برای خدمت در مسجد پذیرفته

۱. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۴۰-۱۴۱.



می‌شوند، دوره‌های آموزشی لازم برگزار شود و در پایان دوره از آنان امتحان به عمل آید و گواهی نامه مربوطه صادر شود.

● ۲- ضمن خدمت: با توجه به جایگاه خادم در مسجد لازم است به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده دوره‌های حضوری و نیمه‌حضوری شامل مواد و مطالب مورد نیاز به خدام آموزش داده شود و از آنان نیز امتحان به عمل آید.^۱

چنانکه ملاحظه می‌شود در تمام بایدهای نظری گفته شده در خصوص وضعیت خادم مسجد، در خصوص کودکان و نوجوانان به عنوان بخشی از مخاطبان مسجد و خادم، توجهی نشده است و مثل سایر بایدها و چارچوب‌ها، در اینجا نیز کلیت نمازگزاران مسجد در نظر گرفته شده است.

۱. همان، ص. ۱۴۰-۱۴۱.

« ب: وضع موجود

به نظر می‌رسد تمام ضعف‌هایی که در مورد سایر عناصر کلیدی مسجد وجود دارد باید شکل مضاعف آن را در مورد خادمان تصور نماییم؛ به دلیل آنکه سایر عناصر اولاً جایگاه اجتماعی و مسجدی بالاتری -در نگاه مردم و مسئولان- نسبت به خادمان دارند و همین هم سبب شده که حمایت‌های مادی و تقنیی و معنوی از آن‌ها به مراتب بیشتر و بهتر از خادمان مساجد باشد.

در واقع تا همین چند سال اخیر کسی نهاد مسئول و محققی -به موضوع خادم مسجد، به عنوان کسی که نقش کلیدی در مسجد دارد اصلاً نگاه علمی نداشت. درنتیجه این مسئله کاملاً به حال خود رها شده بود و در اندک آمارگیری‌های موجود نیز اغلب توجهی به بود و نبود آن نشده است. لذا در هر مسجدی فردی را که در آن اطراف می‌شناختند که ظاهر الصلاح باشد و بتواند از عهده کارهای فیزیکی مسجد برآید به عنوان خادم انتخاب می‌نمودند و اصولاً توجهی به مهارت‌های موجود وی در زمینه‌های تربیتی و نیز وضعیت روابط عمومی وی -به اندازه‌ای که موردنیاز است- نمی‌شد. اینکه خادم مسجد چقدر می‌تواند با کودکان و نوجوانان ارتباط بهتر و جذب‌کننده‌تری داشته باشد، محلی از اعراب نداشت که البته الان هم تقریباً ندارد.

تازه این‌ها در مورد مساجدی است که خادم مشخص و تمام وقتی دارند؛ چون بخش قابل توجهی از مساجد، شاید حدود نیمی از آن‌ها، اساساً خادم به معنی واقعی کلمه ندارند.



۱. نگاه علمی به مسئله و نهادینه ساختن آن

شاید عمدترين مشكل در اين زمينه، فقدان فرهنگ نگاه مناسب به موضوع خادمی مسجد باشد. نگاهی که برای همه واضح است و نيازی به تبيين آن نیست. باید با تغيير نگرشها در اين خصوص، برای جايگاه ارزشمند خادمی مساجد ارزش آفريني نمود. باید مسئولين مربوطه و هيئت امناي مساجد به عنوان الگوهای رفتاري در اين زمينه، رفتاري ارزش آفرين با خدام مساجد داشته باشند.

اما اين تمام راه حل در اين محور نیست؛ بلکه بخش بعدی آن، نگاه علمی و سیستماتيك داشتن به اين موضوع است. برای اين کار لازم است عملاً موضوع خادم مسجد به عنوان يکی از موضوعات راهبردي ارتقای مساجد در نظر گرفته شود و با مواجهه کاملاً علمی و تخصصی با مسئله خصوصاً از حيث ارتباط خادم با کودکان و نوجوانان، به رفع موافع و فراهم سازی اقتضائيات و زمينه های لازم، به منظور ارتقای نقش خادم مسجد به جايگاه شايسته و بايسته اش، اقدام شود.

۲. حمایت مادي از جايگاه شغلی خادمان

هرچند در اين خصوص حمایت هايي صورت گرفته و قوانيني تدوين شده است، ليكن هزاران فرسخ با عمل و آنچه اتفاق مى افتد فاصله دارد؛ خصوصاً که خادمان مساجد به دليل جايگاه شغلی پايين خود و شأن اجتماعي پايين، حامي و پشتيباني در خصوص دفاع از حقوق و مزاياي مادي خود ندارند.

درواقع افرادي که با سیستم اداري کشورمان آشنايي دارند بهتر مى دانند که به دلایل متعدد، افرادي که جايگاه شغلی پاييني در نظام اداري دارند، على رغم انجام بيشترین کارها، از کمترین حقوق، مزايا، پاداشها و... به نسبت بقيه برخوردارند؛ حالا با اينکه در نظام اداري و با اين همه قوانين حمایت کننده از کارمندان وضعیت اين گونه است، نباید تصور شود که تنها در نهاد مسجد چنین قوانين و نظارت هاي قانوني برای حمایت از حقوق کارگران و خادمان وجود ندارد.

البته منظور، اجحاف سازمان دهی شده در مسجد و از طریق نهادهای مسجدی نیست؛ بلکه صحبت از خروجی سیستم و قوانین حمایت کنندهای است که با ضعفهای اساسی مواجهند و پیامد و نتایج آنها جز این نمی‌تواند باشد. بنابراین لازم است حمایت‌های مادی از این قضیه به صورت جدی، پیگیر و مبتنی بر یک نگرش سیستمی صورت گیرد. حمایت‌هایی که حتی جلو برخی سوءاستفاده‌های برخی خادمان را نیز بگیرد.

برخی از قوانین موجود در این خصوص که بسیار ناقص و کلی هستند بدین شرح‌اند:

در بیان حمایت‌های حقوقی واستخدامی مربوط به خادمان و نیروهای اداری-خدماتی مساجد در آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور آمده است:

● **ماده ۲ بند ۴**- «تلاش برای تثبیت موقیت حقوقی مساجد، متولیان،

هیئت‌امنا، ائمه جماعات، خادمان و دست‌اندرکاران امور مساجد» آیین‌نامه مستثنای خدمات و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شامل موادی از قانون کار ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ - ۱۳۷۳/۱۱/۳۰ ت ۷۲۰۵۲ - ۴۴۳ کار وزارت کار و امور اجتماعی:

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵۴۳ مورخ ۱۳۷۳/۵/۲۶ وزارت کار و امور اجتماعی، به استناد ماده ۱۹۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۹ - آیین‌نامه مستثنای خدمات و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیر تولیدی از شامل موادی از قانون کار را تصویب نمود.

آیین‌نامه ساماندهی، بهسازی و عمران مساجد کشور:

● **ماده ۱۲**- سازمان تبلیغات اسلامی (صندوق عمران مساجد) موظف است با همکاری سازمان تأمین اجتماعی نسبت به تهیه طرح تأمین اجتماعی خادمان مساجد اقدام و برای بررسی‌های بعدی به دولت ارائه کند.



چنانکه ملاحظه می‌شود در این قوانین صرفاً به برداشتن برخی کسری‌های قانونی از حقوق خادمان بسنده شده است و دیگر از میزان حقوق آن‌ها و اینکه از کدام ردیف بودجه مسجد یا کشور تأمین شود حرفی به میان نیامده است.

۳. گزینش هدفمند به همراه آموزش‌های بدو و ضمن خدمت

پس از آشنایی مسئولان و هیئت‌امنای مساجد با نقش تأثیرگذار خادم و جایگاه ویژه‌وی در تقویت ارتباط مأموریین و خصوصاً کودکان و نوجوانان با مسجد، لازم است سه اقدام ویژه را در این خصوص انجام دهنند:

الف: اول این که در انتخاب و گزینش خادم مسجد، ملاک‌های فرهنگی و تربیتی و مهارت‌های ارتباطی شخص را کاملاً مدنظر قرار دهند و صرفاً ملاک‌های سنتی را که بیشتر ناظر به ویژگی‌های فیزیکی خادم مسجد است لحاظ ننمایند.

ب: دوم این که صرفاً به اندوخته‌ها و داشته‌های قبلی خادمان مساجد اکتفا ننمایند و بلکه قبل از اینکه خادم وارد کار شود، وی را به فرآگیری آموزش‌های تخصصی لازم‌به شرطی که به شکل استاندارد و مشخص وجود داشته باشد و نهاد ارائه‌کننده آن موجود باشد- الزام نمایند. آموزش‌هایی همچون نحوه مواجهه با شلوغی‌ها و خرابکاری‌های کودکان و نوجوانان و مهارت دوست شدن با کودک و نوجوان و تقویت ارتباط آنان با مسجد و معارف مسجدی.

ج: سوم این که به دوره‌های آموزشی بدو خدمت نیز اکتفا نشود؛ بلکه در بازه‌های زمانی مشخص و بالحظ نمودن شأن والای خادمان، دوره‌های آموزشی حضوری و غیرحضوری برایشان در نظر گرفته شود.

شایان ذکر است که توجه به آموزش حرفه‌ای خادمان، بخشی از بحث مذکور فرهنگ‌سازی مثبت در خصوص شأن و جایگاه والای خادمان را در پس زمینه ذهنی اجتماع برآورده می‌سازد.

بخش چهارم: نمازگزاران

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن»

نمازگزاران و مأمورمیں، نقش بسزایی در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد دارند؛ نمازگزاران و مأمورمیں با عملکرد مناسبشان، هم می‌توانند مانع حضور و ارتباط نباشند و هم اینکه مشوق باشند. با این توضیح که بخشی از عملکرد مثبت نمازگزاران و مأمورمیں مربوط به صبر و خویشندهای شان در برابر آزار و اذیت‌های ناشی از حضور کودکان و نوجوانان در مسجد است که در صورت بی‌صبری و اعتراض‌های زیاد، بی‌تردید در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان و نیز ارتباط‌دهی کودکان و نوجوانان توسط والدین با مسجد، تأثیر منفی خواهد گذارد؛ اما بخش دوم رفتارها که متعالی‌تر از بخش اول است رفتارهایی است که ضمن صبر نشان دادن، متنضم تشویق و ترغیب به حضور کودکان و نوجوانان از طریق گشاده‌رویی و رفتارهایی مانند آن است. این اخلاق پیامبر گونه از نمازگزاران و مأمورمیں، سبب می‌شود تا تصویر جذاب و مناسبی از مسجد در ذهن و دل کودک نوجوان نقش بیندد و نسبت به حضور در مسجد و تقویت ارتباط خود با آن، رغبت بیشتری پیدا



کند؛ همچنین والدین نیز رغبت بیشتری به ارتباط دادن و فراهم آوردن زمینه‌های حضور فرزندان در مسجد، پیدا می‌کنند.

«ب: وضع موجود»

شاید مهم‌ترین عاملی که سبب پر شور و نشاط شدن محیط مسجد از حضور کودکان و نوجوانان می‌شود، شیوه برخورد اهل مسجد و نمازگزاران است. در این برخوردها باید علاوه بر رعایت احترام اجتماعی، طراوت و سرزندگی وجود داشته باشد و در قالب برخوردهای خشک، مقدس‌نما و تعصباً گرا خلاصه نشود. نوجوان از طریق این برخوردها درباره حضور یا عدم حضور در مسجد تصمیم می‌گیرد. اجازه ندادن به نوجوانان برای ایستادن در صفا و کمک نکردن به آنان برای انجام دادن فعالیت‌های مسجد، نمونه‌ای از این بذرفتاری‌هاست. استاد مطهری داستانی را نقل می‌کند که گویای این حقیقت است. وی می‌گوید: «شخصی که به مسجد می‌آمد و نماز جماعتیش ترک نمی‌شد، توسط یکی از مقدسین مورد عتاب قرار می‌گیرد که اگر مسلمانی چرا ریشت را این‌طور کرده‌ای؟ او از همان‌جا سجاده را بر می‌دارد و می‌گوید این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان. رفت که رفت.»^۱

آنان که منادیان و ناشران فرهنگ نمازنده، باید راه‌های ارتباط با نوجوان و جوان را شناسایی کنند و از روش‌های کارآمد استفاده نمایند و خود را جای نوجوان و جوان بگذارند و توقع بیش از حد از اونداشته باشند. خوشبختانه دین واقع‌بین اسلام به نکات دقیقی پرداخته که بسیار کارگشا است. وقتی امام علی (علی‌الله‌ السلام) با خدمتکارش قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دو درهمی و سه درهمی خردباری نمودند، حضرت علی (علی‌الله‌ السلام) پیراهن سه درهمی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارتی چون شما بالای منبر می‌روی و خطبه می‌خوانی، امام (علی‌الله‌ السلام) در پاسخ فرمود: «أَنَّ شَابَ وَلَكَ شَرَّهُ الشَّبَابِ؛ تَوْ جَوَانَ هَسْتَى وَمَيْلَ جَوَانَى دَارِي»^۲ در

۱. مرتضی مطهری، داستان راستان، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰۰، ص ۹۳.

حدیث فوق امام علی علیه السلام این درس را به همگان داده است که جوان را در کنند و روحیه او را در نظر گیرند. گاهی برخورد نامناسب افراد مذهبی حتی در خارج از مسجد، سبب پیدایش این تصور می‌شود که افراد مذهبی شخصیت اجتماعی و انسانی مناسبی ندارند و درنتیجه نسبت به دین و مکان‌های دینی دلسرب و واژده می‌شوند. این افراد، دین را از رفتار دیان داران می‌آموزند و بدرفتاری آنان سبب دین‌گریزی می‌شود که نتیجه و نمود عملی آن حاضر نشدن در مسجد است.^۱

البته به لحاظ آماری، در خصوص اینکه رفتار نمازگزاران و مأمورین با کودکان و نوجوانان و نیز والدینشان در مساجد کشور به چه صورتی است؟ غیر از شنیده‌ها و دیده‌های محدود و شخصی که بخشی از آن‌ها گفته شد، چیزی در دست نیست و لذا هیچ مطلب قابل ارائه از نظر آماری موجود نیست و کسی نمی‌داند که: چه میزان از نمازگزاران و چقدر با وظایف خود در خصوص نحوه مواجهه با کودکان و نوجوانان آشنا هستند و نسبت به این مهارت‌های اخلاقی و رفتاری آگاهی دارند؟ چه میزان از نمازگزاران و چقدر رفتار مناسبی با کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها در مساجد دارند؟

همچنین در این خصوص حسب استقراری که نگارنده داشته، هیچ‌گونه حمایت قانونی چه به شکل مادی و چه معنوی وجود ندارد و هیچ زمینه‌سازی صورت نگرفته است.

به لحاظ علمی نیز غیر از چند مقاله مختصر نه چندان عمیق چیزی یافت نمی‌شود. نتیجه اینکه در همه حوزه‌های مربوط به موضوع «نقش نمازگزاران و مأمورین در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد»، با کمبود و نقص شدید اطلاعات و آمار متقن مواجه هستیم که لازم است به صورت جدی نسبت به رفع و اصلاح آن‌ها اقدام شود.

۱. جذب جوانان با شیوه‌های نو، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۱۰/۱.



« ج: راهکارها »

چند راهکار عمدۀ در این زمینه وجود دارد:

۱. استخراج

اولین قدم در موضوع نمازگزاران، تولید علم در این زمینه و البته به شکل کاملاً تخصصی است؛ بدین معنی که لازم است با سوق دادن بخشی از تحقیقات و پژوهش‌های مسجد به موضوع تأثیر نمازگزاران در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد، اقدامات عملکردی موردنیاز، تبیین و مشخص شوند. باید مشخص شود که کدام رویکردهای رفتاری و گفتاری نمازگزاران چه نقش مثبت و منفی را در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان به جا می‌گذارد؛ همچنین باید به لحاظ علمی نحوه مواجهه مناسب نمازگزاران با رفتارهای کودکانه و اشتباہ کودکان و نوجوانان مشخص شود؛ حتی راهکارهای تصحیح و تلطیف اقدامات تذکرگونه و منع برخی رفتارهای کودکان و نوجوانان تبیین شود.

در این مسیر علاوه بر متون غنی و گهربار احادیث موجود که میراث گران قدر شیعه از امامان معصوم خویش است، بهره‌گیری از علوم روز همچون روان‌شناسی رشد و تربیت کودک، یک ضرورت است.

۲. تقنین

به منظور به ثمر رسیدن یافته‌های علمی، بهتر است فرآگیری و آموزش آن‌ها را با پشتوانه قوى قانونى و حمایت‌های قانونى همراه سازیم، قوانینی که:
الف: نقش و جایگاه عوامل محیطی مانند رسانه ملی، نهاد یا سازمان مسئول و نیز مجریان حقیقی را مشخص سازد.

ب: حمایت‌های مادی و معنوی مورد نیاز را در نظر گیرد.

ج: در جهت رفع و یا کنترل موانع احتمالی مانند برخی از اعضای هیئت‌امنای مساجد، برنامه داشته باشد.

لازم است ماحصل تحقیقات علمی صورت گرفته در راهکار اول، در این گام و از طرق مختلف به نمازگزاران ارائه شود و آن‌ها را تحت آموزش محتوایی قرار دهد. چنانکه گفته شد فعلاً محتوای غنی و قوی‌ای در این خصوص وجود ندارد؛ لذا بر حسب آنچه در حال حاضر در دسترس است، برخی از محورهای عمدۀ آموزش به نمازگزاران به شرح ذیل ارائه می‌گردد:^۱

«۱. تکریم کودک باسلام»

یکی از طرق احترام به شخصیت دیگران، سلام گفتن است که نشان درود و تحیت است. هنگامی که نمازگزاران مسجد ابتدا به کودکان با خوش‌روی سلام کنند، این امر سبب می‌شود تا کودک درون خود احساس بزرگی و ارزش کند و از نمازگزاران مسجد احساس رضایت کند. این عاملی خواهد شد تا کودک همواره در مسجد حضور پیدا کند. در احادیث در باب شیوه رفتاری نبی مکرم اسلام ﷺ آمده است: «أَنَّهُ كَانَ يُسَلِّمُ عَلَى الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ»^۲ از صفات پسندیده پیامبر ﷺ این بود که به تمام مردم از کوچک و بزرگ، سلام می‌کرد و تأکید می‌فرمود که خواستار رواج سنت سلام کردن به کودکان، میان مسلمانان و تداوم آن پس از خود نیز هست.^۳

«۲. چشم‌پوشی از خطای کودکان»

خالق مهربانی‌ها به ما آموخته است تا پوشاننده خطای باشیم و خود او بهترین خطای‌پوش و چشم‌پوش است، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَ مَنْ يَعْفُرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ، لَا كَفَرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ^۴، نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغُفُورُ الرَّحِيمُ^۵ چه زیباست که اگر در مسجد خطای اشتباہی از کودکان سرزند، با دید مهربانی و اغماس

۱. ر. ک: سید مهدی بهشتی، کودک، مسجد، نمازگزاران ۱ و ۲ و ۳ پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۱۰/۷؛ سید مهدی بهشتی، تأثیر مسجد در تربیت کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۹/۲۳.

۲. حسین بن محمد نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۶۴.

۳. محمد بن علی بن بابویه، الامالی، ص ۷۲.

۴. آل عمران: ۱۳۵.

۵. آل عمران: ۱۹۵.

۶. حجر: ۴۹.



با آن برخورد کنیم و آن برخورد را به بهترین نحو به سویی که نه او آزده شود و نه دیگران، به سوی دلخواه صورت دهیم. امیر مؤمنان علی علیہ السلام در این رابطه فرموده‌اند: در برخورد با دیگران با مسامحه باشید تا بهرمند شوید.^۱

« ۳. عدم سخت‌گیری در برخورد با کودکان:

اهالی مسجد باید محیطی را برای کودک فراهم سازند تا او در آن احساس آرامش کند و از اعمالی که موجب خستگی و دل‌زدگی او می‌شود، پرهیز کنند. یکی از عواملی که سبب دور شدن کودکان از مسجد می‌شود، سخت‌گیری‌های بیجای عده‌ای از نمازگزاران است. در حالی که وقتی به سیره نبوی و حضرات معصومین علیهم السلام نگریم، در می‌یابیم که این سخت‌گیری‌ها هیچ‌گاه از معصومین سر نزدی است؛ بلکه با صبر و تحمل بسیار به هر نحو قصد داشتند تا کودک از این خانه مهربانی‌ها دور نشود و خاطرات کودکی اش همراه با مسجد ماندگار شود. داستان شنیدن گریه کودک در نماز جماعت پیامبر نمونه‌ای نمایان از آسان‌گیری‌های پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آمين بر کودکان در هنگام نماز و در مسجد است.

در همین زمینه پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آمين فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعْلَمَ وَلَدَهُ عَلَىٰ بِرَّهٖ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَىٰ بِرَّهٖ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَ يَتَجَاوِزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ خَدَائِي رَحْمَتَ كَنْدَ كَسَى رَاكَهُ در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند، به طوری که آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است، از او قبول کند و آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت‌فرسا است از او نخواهد و به او ستم نکند و با او رفتارش خشونت‌آمیز نباشد.»^۲

« ۴. شاد کردن کودکان:

خوش‌خلقی و شاد کردن دیگران سنت انبیا و اولیای گرامی است. در روایات اسلامی شاد کردن دیگران عبادت شمرده شده است و بر این اساس هر کس کودکی

۱. عبد‌الوهاب تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الكلم، ص ۴۴۵.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۸۱.

را خرسند کند، شادی روز قیامت را برای او در پی خواهد داشت (من فرجه فرجه اللہ یوم القيامۃ)^۱ پیامبر خدا فرمود: خانه‌ای در بهشت است که به آن، خانه شادی گفته می‌شود. جز کسی که کودکان را شاد کرده باشد، وارد آن نمی‌شود.^۲

«۵. خوش رویی:

اگر اهل مسجد همیشه لبخند بر لب داشته باشند و خوش رو و متبسم باشند و در برخورد با کودکان با همین روش برخورد کنند، قطعاً کودکان در کنار اهل مسجد احساس آرامش و لذت خواهند کرد.

«۶. نوازش کودکان:

نوازش یکی از راههای برقراری ارتباط عاطفی با کودکان است؛ زیرا کودک از این کار شادمان می‌گردد و موجب برقراری ارتباط عاطفی عمیقی بین آن فرد و کودک می‌شود. به طبع او را الگوی خود قرار خواهد داد و کلام او را به خوبی خواهد پذیرفت. در سیره رفتاری پیامبر اکرم ﷺ آورده‌اند که ایشان هر روز صبح دستان مبارک خویش را بر سر کودکان به نشان نوازش می‌کشید.^۳

«۷. دوست داشتن کودکان و محبت به آن‌ها:

در سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ نمایان است که ایشان بسیار به کودکان علاقه داشتند و همیشه در پی شادکردن کودکان و جلب توجه ایشان بودند. لذا پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَ أَرْحَمُوهُمْ بهترین کار این است که بچه‌ها را دوست داشته باشی.

روزی حضرت موسی ﷺ فرمود: خدا یا بهترین کارها چیست؟ خداوند متعال فرمود: دوست داشتن کودکان که من آنان را بر فطرت توحید آفریدم و اگر جان ایشان را

۱. همان، ص ۴۷۵.

۲. علی بن حسام متنقی هندی، کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳. احمد بن محمد ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۸۹

۴. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۸۳.



بستانم، آنان به بهشت خواهند رفت.^۱

نمازگزاران باید دقیق باشند که هنگام برخورد با کودکان باید کمال مراقبت را داشته باشند تا کودک را روحیه لطیفی که دارد، مبادا با ناراحتی و بی مهری مواجه شود که مولای متقيان علیه السلام بر بزرگ سالان محبت و مهربانی به کودکان را واجب کرد و فرمود: وَلِيَرْأَفْ كَبِيرُكُمْ بِصَغِيرِكُمْ وَنِيزْ رَسُولُ مَهْرَبَانِيْ هَا عليهم السلام فرمود: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا.^۲

«۸. یاری در تربیت نیک:

والدین باید تمام تلاش و همت خود را به کار گیرند تا به بهترین نحو کودک خود را بـه رشدی کـه مورد رضایت پروردگار است بـرسانند؛ اما از آنجـاکـه شـایـد در برخـی زمانـها والـدـین توـانـایـی یـا فـرـصـتـ بـرـخـی اـزـ کـارـهـایـ تـرـبـیـتـیـ رـاـ نـداـشـتـهـ باـشـنـدـ،ـ برـ نـماـزـگـزارـانـ اـسـتـ تـاـ درـ اـیـنـ زـمـینـهـ والـدـینـ رـاـ یـارـیـ دـهـنـدـ یـاـ درـ غـیـابـ والـدـینـ هـمـتـ بـهـ تـرـبـیـتـ کـوـدـکـ گـمـارـنـدـ وـ درـ اـیـنـ زـمـینـهـ اـزـ هـیـچـ سـعـیـ وـ تـلـاشـیـ فـرـوـگـذـارـ نـکـنـنـدـ؛ـ مـگـرـ نـهـ اـیـنـ اـسـتـ کـهـ یـارـیـ درـ تـرـبـیـتـ کـوـدـکـ مـسـجـدـیـ مـعـاـونـتـ وـ هـمـکـارـیـ باـ والـدـینـ درـ اـیـنـ اـمـرـ خـطـیـرـ اـسـتـ کـهـ بـهـ دـسـتـورـ قـرـآنـ کـرـیـمـ،ـ تـعـاـوـنـ وـ عـالـیـ الـبـرـ وـ الـتـقـوـیـ.^۳ـ هـمـهـ مـؤـمنـینـ موـظـفـانـدـ تـاـ درـ کـارـهـایـ نـیـکـ هـمـدـیـگـرـ رـاـ یـارـیـ کـنـنـدـ.

«۹. تـشوـيقـ وـ تـحسـينـ کـوـدـکـانـ:

از آنجـاـکـهـ کـوـدـکـ اـزـ روـحـیـ لـطـیـفـ بـرـخـورـدـارـ اـسـتـ،ـ تـشـوـيقـ وـ تـحسـینـ بـرـرـشـدـ دـینـیـ اوـ تـأـثـیرـ فـرـاوـانـیـ خـواـهـدـ دـاشـتـ.

تشـوـيقـ بـاـیـدـ هـمـ بـهـ صـورـتـ زـبـانـیـ وـ هـمـ عـمـلـیـ اـنـجـامـ گـیرـدـ.ـ تـشـوـيقـ عـمـلـیـ هـمـ مـیـ توـانـدـ درـ قـالـبـ هـدـیـهـ دـادـنـ باـشـدـ وـ هـمـ اـحـتـرـامـ وـ بـزـرـگـداـشـتـ؛ـ چـهـ پـسـنـدـیدـهـ اـسـتـ کـهـ اـیـنـ تـحسـینـ وـ تـشـوـيقـ بـهـ صـورـتـ عـلـنـیـ اـنـجـامـ پـذـيرـدـ.ـ بـهـ طـورـیـ کـهـ کـوـدـکـ وـ دـیـگـرـانـ مـتـوجـهـ

۱. احمد بن محمد برقي، المحسن، ج ۱، ص ۲۹۳

۲. سيد رضي، همان، ۱۶۷

۳. محمد بن محمد مفيض، همان، ص ۱۸

۴. مائده: ۲

شوند که این تشویق و احترام به خاطر کارهای نیک او است. چه زیباست هنگامی که کودکی جرئت می‌کند تا اذان‌گو یا مکبر نماز شود، نمازگزاران با تحسین و تشویق او موجب ترغیب بیشتر او به آمدن به مسجد شوند. در روایت است که وقتی مؤذن ندای اذان سر می‌دهد، اگر کسی او را تحسین کند، خداوند هزاران هزار گناه را از او می‌زداید و هزاران هزار حسن برای او جایگزین می‌کند و هزاران هزار ترفیع درجه به او اعطای شود.^۱

هنگامی که کودکی در مسجد به نماز می‌ایستد حتی اگر نماز را باشتباه می‌خواند و یا حرکات نماز را اجرا می‌کند، باید او را ستود و از او تقدیر کرد تا موجب ترغیب او به نماز و اعمال عبادی شود و او به عبادت اشتیاق پیدا کند؛ البته باید به تدریج و با مهربانی روش صحیح نماز و عبادت را به او آموخت. پیامبر اعظم ﷺ شخصی را در حال نماز دیدند که با خدا با جملات بسیار زیبا و پرمغزی راز و نیاز می‌کند. فرمودند: نمازش که تمام شد نزد من بیاوریدش. وقتی به حضور حضرت رسید، حضرت قطعه طلایی به او هدیه دادند و فرمودند: وَهَبْتُ لِكَ الْذَّهَبَ لِحُسْنِ ثَنَائِكَ عَلَى اللَّهِ؛ چون حال خوشی داشتی و خدا را به نیکویی حمد و سپاس می‌کردی این سکه را به تو بخشیدم.^۲

«۱۰. جلوگیری از سرزنش و تحقیر»

یکی از علل دوری کودکان و نوجوان از مسجد برخوردهای عتاب‌انگیز عده‌ای از نمازگزاران است. تحقیر و توهین علاوه بر اینکه از منظر شریعت ناپسند و مذموم تلقی می‌شود، سبب ایجاد شکاف میان مسجد و کودک خواهد شد. باید توجه داشت که در صورت حضور کودکان در مسجد، نمازگزاران باید آنان را به خاطر برخی اعمال و حرکات که ناشی از مقتضای سنشان است، مورد تحقیر و یا توهین و یا سرزنش قرار دهند؛ تا این کار عاملی بر دور ساختن کودکان از مسجد نشود.

۱. علی بن حسام متنقی هندی، همان، ج ۷، ص ۷۰۵

۲. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۷۲



پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ) هیچ گونه توهین و بدگویی نسبت به فرزندان را نمی پسندیدند و در مقابل مردی که فرزند خود را نکوش کرده و عیب جویی نموده بود، فرمودند: فرزند او پشتیبان و یاور اوست و دارای شخصیت است و نباید او را تحقیر کرد؛ بلکه باید فرزند را مورد لطف و محبت قرارداد و احترام کرد.^۱ اگر در مسجد از کودکان کار اشتباهی سرزد یا با شیطنت‌های بچه‌گانه خود، دیگران را مورد آزار قراردادند، می‌توان به زیبایی آنان را هدایت کرد و به کار دیگری سرگرم ساخت. زیرا به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام در تربیت کودکان باید کمتر به آنان غصب نمود و فرمود: در غیر مورد گناه زیاد عتاب نکن.^۲

« ۱۱. میدان دادن به کودکان:

تعیین نقش برای کودکان در مسجد یکی دیگر از عوامل ماندگاری آنان در محیط مسجد است که سبب می‌شود تا با این فضای معنوی آشنایی بیشتری پیدا کنند. بر این اساس اهل مسجد می‌توانند برای سرگرم کردن کودکان؛ با اعطای نمودن نقش‌هایی چون مکبّری، پهنه کردن سجاده نماز، پخش مهر و تسبیح، توزیع مصحف‌های شریف بین نمازگزاران، چکاندن گلاب بر دستان نمازگزاران، آنان را به مسجد وابسته کنند و در ضمن این وابستگی به آنان آموزه‌های دینی را آموزش داده تا آنان نیز یکی از اهل مسجد شوند.

« ۱۲. احترام کودک:

نمازگزارانی که به کودکان در مسجد احترام می‌گذارند و وجودشان را در مسجد گرامی می‌دارند، هم به حفظ شخصیت کودک کمک می‌کنند و او را بزرگوار و با شخصیت بار می‌آورند و هم علاقه او را به مسجد و مسجدی دوچندان خواهند کرد. همچنین با این احترام، کودک تا میزانی خودنگهدار می‌شود و از او کمتر حرکات بچه‌گانه در مسجد سر خواهد زد.

۱. علی بن حسام متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۵۸۴.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرائی، تحف العقول، ص ۸۷.

بخش پنجم: کانون مسجد

«الف: تبیین موضوع و ضرورت آن»

وجود مراکز فرهنگی و امکانات جانبی -که برای جوانان و نوجوانان جذابیت خاصی دارند- در کنار مساجد، یکی دیگر از روش‌های جذب آن‌ها به مسجد و آشنا کردن‌شان با محیط مسجد و اهل مسجد است.^۱

کانون‌های مساجد درواقع هسته مرکزی فرهنگی و بخش فعال و پویای فرهنگی مساجد هستند که عمدتاً جوان محورند و با همت قشر جوان تأسیس می‌شوند و با همکاری و هماهنگی با امام جماعت و هیئت‌امنا می‌توانند در فعال کردن مسجد و توسعه و پویایی همه‌جانبه آن نقشی بی‌بديل ایفا کنند. چنانکه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) خطاب به روحانیون فرمودند: «من سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد را فراموش نکنید؛ البته با همکاری بسیج. بد است که بین روحانی مسجد و بسیج مسجد، اختلاف به وجود بیاید. با همکاری بسیج، این کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد را مؤثر کنید، برایش کار کنید».^۲

۱. بیانات در دیدار علماء و روحانیون استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹.

۲. ر.ک: سید مهدی بهشتی، همان.



در مصوبه ۳۰۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مأموریت‌های مختلفی به ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد سپرده شده است؛ از جمله موضوع راهاندازی کانون‌های فرهنگی هنری، تجهیز کتابخانه‌ها و آموزش نیروهای مستعد و جوان که به مساجد رفت‌وآمد دارند و علاقه‌مند هستند در دوره‌های مختلف حضور پیدا کنند. بر همین اساس راهاندازی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد از سال ۱۳۷۱ کلید خورد و اولین کانون فرهنگی هنری با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت (دکتر لاریجانی) و مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (ره) افتتاح شد.

همچنین بر اساس مصوبه ۳۰۲ مورخ ۱۴/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی و تصویب شورای فرهنگ عمومی در مهرماه ۱۳۷۲ اهداف کلی کانون در راستای تحقق ارزش‌ها و اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

- تبلیغ، گسترش و تعمیق فرهنگ روح‌بخش اسلام و تأکید بر آرمان‌ها و ارزش‌های معنوی و فرهنگ اسلامی.
- گسترش زمینه مشارکت و مبادرت مردم در امور فرهنگی، هنری، اجتماعی، علمی.
- همگانی و عمومی نمودن تمامی عرصه‌های فرهنگی و هنری و تحقق آزادی مناسبات‌های فرهنگی مردمی.
- زمینه‌سازی برای حضور فعال جوانان و نیروهای متعهد در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و شناسایی و تربیت استعدادهای درخشان و استفاده از اوقات فراغت جوانان و حفظ و ترویج فرهنگ بسیجی.
- ارائه و عرضه فعالیت‌های فرهنگی، هنری بر اساس موازین و ضوابط اسلامی و ایجاد جاذبه‌های فرهنگی هنری و کانون‌های پر تحرک و فعال مذهبی، اجتماعی و مردمی در مقابله با تهاجم فرهنگی مبتذل استکبار و کفر جهانی.

کیفی‌سازی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد با محوریت ائمه جماعات مساجد کشور همواره در دستور کار بوده است و این حرکت کمی با کیفیت نسبی همراه

بوده است و روزبه روز به هر دو جنبه آن به شکل جدی توجه می‌شود. فعالیت‌های متنوع قرآنی، برگزاری دوره‌های هدفمند آموزشی، تخصصی شدن کانون‌ها، حضور در مساجد دانشگاه‌ها، راهاندازی مراکز دیجیتال، تجهیز کتابخانه‌های مساجد به کتاب‌های مفید و مواردی از این قبیل همه حاکی از توجه به موضوع کیفی‌سازی فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی هنری مساجد است. کانون در کنار فعالیت‌های مسجد با حضور جدی و فعال خود موجب هم‌افزایی نیروها و تسريع عملکرد و عوامل وارکان مؤثر در مسجد می‌شود.



« ب: وضع موجود »

تعداد کانون‌ها بر حسب آنچه اعلام شده در حد مطلوبی است؛ بدین معنی که به اهداف چشم‌انداز کوتاه‌مدت خود که نیل به پوشش ۲۵ درصدی مساجد (حدود ۲۰ هزار مسجد) از کانون‌ها در پایان برنامه پنجم بوده، تقریباً نائل شده و بر حسب آمار منتشر شده از جانب نهادهای رسمی به رقم ۱۹ هزار کانون در اسفند ۱۳۹۳ رسیده است.^۱ البته هنوز موفق نشده به هدف نهايی و بلندمدت‌ش که پوشش سراسری مساجد از کانون‌هاست برسد و مساجد زیادی (تقریباً سه‌چهارم از آن‌ها) بدون کانون هستند.

در نگاه آماری تفصیلی، آمارهای موجود در زمینه کانون‌ها، منسجم و به روز نیستند؛ بخشی از آمارهای موجود در این زمینه به شکل زیر است:

۱. فراوانی کانون‌ها

توزيع فراوانی کانون‌ها و اعضای تحت پوشش در سال‌های ۱۳۷۲ – ۱۳۸۱

جمع	سال‌های موربدبرسی					سال پایه ۱۳۷۲	واحد متعارف	عنوانی شاخص
	۱۳۷۴	۱۳۷۶	۱۳۷۸	۱۳۸۰	۱۳۸۱			
---	۴۰۴	۷۴۰	۱۰۱۴	۱۲۱۴	۱۳۳۵	۱۴	باب	تعداد کانون
۱۹۵۸۷۸۶	۷۲۷۲۰	۱۷۷۶۰۰	۲۷۳۷۸۰	۳۴۹۵۶۲	۳۹۵۰۰۵	۱۴۸۰	نفر	تعداد افراد تحت پوشش

منبع: گزارش ده‌ساله ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ – ۱۳۸۲

چنانکه مشاهده می‌شود از ابتدای کار تأسیس کانون‌ها، تعداد آن‌ها به نحو شتابنده‌ای در افزایش بوده است؛ به طوری که در آمار جدول بالا این موضوع تا سال ۱۳۸۱ قابل مشاهده است. پس از آن نیز این روند ادامه داشته است؛ به طوری که تعداد ۵۰۶۷ کانون فرهنگی در مساجد در سال ۱۳۸۷ وجود داشته است؛ در اسفند ۱۳۹۳ از وجود ۱۹ هزار کانون در سطح کشور خبر داده شد.

۱. اظهارات مسئولان سازمان امور مساجد کشور در اسفند ۱۳۹۳.



البته این نکته قابل ذکر است که عبارت «تحت پوشش» در جدول، مبهم و اجمالی است و معلوم نیست که منظور از آن در چه حدی از ارتباطگیری فرهنگی با افراد است؟ آیا صرفاً ثبتنام برای تحت پوشش قرار گرفتن کفایت می کند؟ آیا حضور در نماز به منزله تحت پوشش قرار گرفتن است؟ یا اینکه با شرکت افراد در فعالیت‌های کانون و در حد معینی حاصل می شود؟ خصوصاً که میانگین ۲۹۵ نفر عضو برای هر کانون در سال ۱۳۸۱ شمارش شده است که اندکی محل تأمل است؛ به ویژه با این توصیف که حدود نصف بیشتر کانون‌ها در روستاها است.

۲. پراکندگی جغرافیایی کانون‌ها

برحسب سیاست‌گذاری صورت گرفته در برنامه پنجم توسعه، تصمیم بر آن بود که ۶۰ درصد کانون‌ها در روستاها که امکانات کمتری دارند برپا شود، این امر تا حدود زیادی محقق شده است؛ چنانکه توجه به داده‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برخی استان‌ها در اسفند ۱۳۹۳ که در ذیل آمده حاکی از آن است که:

- ۶۱ درصد کانون‌های مساجد خراسان شمالی در روستاها هستند.
- ۶۰ درصد کانون‌های مساجد استان خراسان رضوی روستایی هستند.
- ۶۸ درصد از کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان زنجان روستایی هستند.
- ۴۰ درصد کانون‌های فرهنگی مساجد آذربایجان غربی روستایی و عشايری هستند.
- ۶۰ درصد کانون‌های مساجد خراسان جنوبی روستایی هستند.
- ۶۸ درصد کانون‌های مساجد در گیلان در روستاها هستند.

برحسب آمار چند سال پیش (حدود ۱۳۸۷) از مجموع کانون‌های فرهنگی و هنری سطح کشور ۴۵ درصد در سطح مناطق روستایی و ۵۵ درصد در مناطق شهری فعال بودند و در انتهای سال ۱۳۹۳ از مجموع حدود ۲۰ هزار کانون در کشور، حدود ۸ هزار و ۸۰۰ کانون در روستاهاست.

درخصوص اینکه فلسفه چنین سیاست‌گذاری چه بوده جایی ذکر نشده و صرفاً همان است که گفته شد؛ ولی به نظر می‌رسد بی توجهی به کانون‌های مساجد شهری



چندان به صواب نباشد؛ زیرا اولاً نیازهای فرهنگی کودکان و نوجوانان و جوانان شهری به مراتب بیشتر از امثال آن‌ها در روستاهاست؛ ثانیاً سیر مهاجرت‌ها به شکل شتابانی از روستاهای شهری است؛ به طوری که هر روزه مخاطبان و یا افرادی که در حوزه جغرافیایی مساجد هستند در روستاهای کاهش و در شهرها افزایش پیدا می‌کنند. جالب است که بدانیم بر حسب آمار اخیر وزارت کشور ۳۴ هزار روستای کشور خالی از سکنه شده‌اند. این موضوع علاوه بر تأسف شدید در حوزه سبک زندگی، از حیث موضوع مسجد و مسجدپردازی نیز حائز اهمیت است و لازم است نهادهای متولی مسجد سیاست‌ها و رویکردهای خود را با توجه به این واقعیت‌ها طراحی کنند و پیش ببرند.

۳. رتبه‌فعالیتی کانون‌ها

جدول کمی کانون‌ها بر اساس درجه و صدور مجوز در کل کشور در سال ۱۳۸۱

تعداد بر مبنای مجوز صادر شده					تعداد کانون بر مبنای درجه						
جمع	در حال درجه بندی	۵	۴	۳	۲	۱	جمع	در حال صدور مجوز	ستاد عالی	هیئت	تعداد بر مبنای مجوز صادر شده
۱۲۱۴	-	۳۱۳	۵۹۸	۲۵۴	۵۰	۱	۱۲۱۴	۴۲۱	۱۸۷	۶۰۶	

منبع: گزارش ده ساله ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲-۱۳۸۲

چنانکه مشاهده می‌شود تعداد اندکی از کانون‌ها دارای فعالیت رتبه ۱ و ۲ هستند و بخش قابل توجهی از آن‌ها در رتبه‌های پایین فعالیتی قرار دارند. این موضوع زمانی حائز اهمیت می‌شود که متوجه شویم بر حسب اظهارات مسئولان، حتی همه کانون‌های دایر شده فعال نیستند و بلکه برخی از آن‌ها که آمار دقیقشان در دست نیست، نیمه فعال و یا راکد هستند؛ به‌حال امیدواریم هدف و اولویت، نام‌گذاری محلی در مساجد تحت عنوان کانون به منظور نیل به چشم‌انداز رقمی اعلام شده، بدون توجه به کیفیت و محتوا فعالیت کانون‌ها نباشد.

یکی از محققان در این زمینه می‌گوید: از تعداد حدود ۵۸۰۰ مسجدی که در سطح کشور اعلام شده است، تنها نیمی از آن‌ها مشغول به فعالیت هستند و رقمی کمتر

از ۱۰ درصد آن‌ها دارای کانون فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی منسجم هستند، ضمن اینکه غالباً مساجدی هم که دارای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی هستند، از داشتن استراتژی مشخص درزمنینه این‌گونه فعالیت‌ها محروم هستند.^۱

همچنین گفته شده است که تعداد ۱۸۰۰ کتابخانه در مساجد کل کشور در سال ۸۷ وجود داشته است که شامل ۱۰۱۶۴ هزار نسخه کتاب بوده است.^۲ این موضوع نیز باید بررسی شود که سطح فعالیت کتابخانه در چه حدی است و چقدر از نیازهای کودکان و نوجوانان را می‌توانند پوشش دهند؛ علاوه بر اینکه رسانه‌های آموزشی به نحو چشمگیری از رسانه‌های مکتوب به سمت رسانه‌های صوتی و تصویری پیش‌رفته است؛ لذا باید از این قافله عقب ماند و همچنان بر روش‌های سنتی اصرار نمود که اختصاص به زمان خود داشتن.

جالب اینکه در برخی قوانین نیز به این موضوع اشاره شده است؛ چنانکه در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آمده است:

- ماده ۱۰۶: دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ، معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:
 - ط - به کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی.

۱. امید عبدالهی شتر خفت، وضعیت مساجد کشور، کتاب مجموعه گزارشات رصدی حوزه دین، ص ۷۸.
۲. همان.



۱. راهکارهای بلندمدت

۱-۱. تقویت پشتوانه پژوهشی و آماری:

تحقیقاتی که در حوزه کانون‌های مساجد صورت می‌گیرد، بسیار ضعیف و غیرواقع‌نمای است؛ تحقیقاتی هستند که علاوه بر رنج بردن از وضعیت کمی، ضعف محتوای کیفی نیز دارند.

این تحقیقات توسط افرادی که صاحب‌نظر در حوزه مسجد و فرهنگ باشند و تحصیلات دانشگاهی خود را به‌طور تخصصی در این رشته‌ها گذرانده باشند نوشته‌نشده است؛ بلکه صرفاً توسط افراد دغدغه‌مندی که البته با کلیت حوزه فرهنگ و مسجد نیز آشنایی دارند به نگارش درآمده‌اند؛ لذا خروجی کار آن‌ها نظاممند و برآمده از تحقیقات مبنایی و وضعیت‌سنجی‌های دقیق و علمی نیست و حاصل بارش فکری نویسندگان در این زمینه است.

برای رفع این مشکل مانند سایر عناصر کلیدی مسجد، لازم است توجه جدی به ساختارسازی‌های علمی و تعریف رشته‌های تخصصی- علمی در موضوع مسجد مبذول شود. به‌طوری که موضوعی همچون نقش بایدی و هستی کانون‌ها در ارتباط‌دهی نسل کودک و نوجوان با مسجد، به شکل تخصصی و توسط صاحب‌نظران مورد بحث و بررسی جدی و پیگیری قرار گیرد؛ و گرنه در حالت عادی نباید از تحقیقات دفعی و یا پژوهش‌های دوره‌ای -مثلًا در سالی که نهاد مسجد روی موضوع کودک و نوجوان تمرکز پیداکرده است صورت می‌گیرند- انتظار بروندادهای علمی عمیق و درخور را داشت.

اگر پشتوانه پژوهشی این موضوع چنانکه گفته شد، تقویت شود، آنگاه می‌توان امیدوار بود تا در دو مورد ذیل به نتایج کلیدی و اساسی دست پیدا کرد؛ این دو مورد عبارت‌اند از:

۱. تعیین اولویت‌های فعالیت کانون‌ها بر حسب مکان‌های مختلف: یکی از نیازهای پژوهشی عمده و اولویت‌دار در بحث کانون‌های مساجد، تعیین اولویت‌های فعالیت

کانون‌ها بر حسب اقتضایات زمانی و مکانی مختلف است.

خروجی کارهای پژوهشی در این حوزه که لازم است به شکل مستمر ادامه داشته و به روزرسانی و اصلاح شوند، آگاهی از فعالیت‌های اولویت‌دار کانون‌ها در شکل عمومی و اختصاصی است؛ با این توضیح که نهادهای متولی مساجد و کانون‌های مساجد باید طی یک فرایند علمی، به صورت سالانه مشخص نمایند که فعالیت‌های عمومی اولویت‌داری که لازم است تمام کانون‌ها آن‌ها را مدنظر قرار دهند چیست؟ و در گام بعدی بر حسب وضعیت استقرار مسجد (شهری یا روستایی، محله‌ای یا جامع، بانماز جماعت یک و عده‌ای یا بیشتر، با میزان مخاطب الف یا بیشتر و کمتر و ...)، اولویت‌های فعالیت‌های اختصاصی هر کدام از گروه‌های مساجد را مشخص نمایند.

۲. تعیین اولویت‌های مساجد در تأسیس کانون: نیاز عمدۀ دیگر در خروجی پژوهش‌های این حوزه، تعیین مساجد اولویت‌دار درخصوص تأسیس کانون در آن مساجد است. در حال حاضر همه مساجد بنابر فرض فعال بودن همه کانون‌ها، واجد کانون نیستند و صرفاً ۲۵ درصد آن‌ها -چنانکه آمار آن بیان شد- دارای کانون هستند و از طرفی وضعیت ۷۵ درصد مساجد باقی‌مانده یکسان نیست؛ این مساجد نه نیازهای فعالیتی یکسانی دارند و نه امکانات تأسیس و اداره کانون یکسان. بلکه هر کدام بر حسب عوامل و شرایط مختلفی که با آن مواجه است، از وضعیت متفاوتی برخوردارند که لازم است با اطلاع از این‌ها، مساجد اولویت‌دار در تأسیس کانون شناسایی شوند.

ضمناً توجه به این بُعد از مسئله نیز در پژوهش‌های کانونی خالی از وجه نیست که لازم است ساختار کانون‌ها و امکانات موردنیاز آن‌ها مورد بررسی علمی قرار گیرد و چنان نباشد که فقط یک تعریف سخت‌افزاری از امکانات کانون‌ها و برای همه مساجد کشور با تمام تفاوت‌هایی که دارند داشته باشیم.

در انتهای لازم به ذکر است که بر حسب تحقیقی که در موضوع مسجد اخیراً صورت گرفته از برخی نهادهای متولی مسجد از امکانات و فعالیت‌های کانون‌ها سؤال شده که متن سؤال و جمع‌بندی جواب‌های ارائه شده به شرح ذیل است:



● **سؤال:** آیا برای هر مسجد لازم است یک کانون فرهنگی- هنری و یک سایت و یک نشریه منظور شود؟ کدام دسته مساجد باید چنین واحدهایی داشته باشند؟

● **جواب:** با توجه به اینکه برخورداری از ارتباط مجازی در فضای مجازی برای مساجد یک ضرورت است و وجود سایت برای این منظور لازم و ضروری است، لذا مرکز رسیدگی به امور مساجد موظف است سازوکار لازم همراه با برنامه زمان بندی تحقق این امر را طرف ۶ماه آینده برآورد نموده و جهت تحقق آن، الزامات قانونی موردنیاز را از مراجع قانونی کسب نماید.

برنامه ریزی عملیاتی جهت برخورداری ۳۰ درصد مساجد از کانون فرهنگی هنری مساجد تا پایان برنامه پنجم توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ظرف مدت ۴ ماه انجام خواهد شد.

مساجد جامع مناطق شهری که عهدهدار حمایت و هماهنگی و رسیدگی به امور مساجد محلی (۵-۷مسجد) هستند، لازم است دارای کانون فرهنگی- هنری، سایت و یک نشریه باشند. مرکز رسیدگی به امور مساجد با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه دارد آین نامه لازم را تهیه و به تصویب شورای عالی مساجد برساند.^۱

در تحلیل این جواب گفتني است این پاسخ‌ها ضمن روشن نمودن بارقه‌های اميد مبني بر توجه به رویکردهای مذکور، نشان از نگاه کلى و اجمالى در اين زمينه دارد و از جزئيات و تفصيل‌های مورد شرح فاصله دارد.

۱-۲. تقویت پشتونه قانونی:

گام بعد از پژوهش، فراهم ساختن بسترهاي حمایتی قانونی و دستورالعملی از مجازی رسمي است که در این خصوص نیز لازم است نهادهای متولی فعال تر ظاهر شوند؛ به طوری که در حال حاضر قوانین اندکی که در این خصوص وجود دارند، صرفاً به دستور تأسیس کانون در مساجد توجه دارند و دیگر اینکه این تأسیس و راهاندازی،

۱. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۰۷.

با کدام سازوکار حمایتی مادی و معنوی باید باشد، تقریباً همه آن‌ها ساکت هستند و حال آنکه قسمت اصلی کار و سختی ملموس در بحث ایجاد کانون همین بخش است و گرنه اینکه گفته شود فلان نهاد تا پایان فلان برنامه لازم است این تعداد کانون را فعال نماید، چندان کار بزرگی به نظر نمی‌رسد!

- بر همین اساس در قانون برنامه دوم توسعه تبصره ۶۰ بند ل آمده است:
- «تبصره ۶۰ - به منظور پربار کردن اوقات فراغت دانش آموزان و بالندگی نسل جوان کشور، دولت موظف است امکانات ذیل را فراهم نماید:

« ل - توسعه و تجهیز کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد. »

بنابراین برای این امر که به منزله تقویت یکی از ستون‌های فرهنگی نظام است، کانون فرهنگی - هنری که در حکم روح و جان مساجد است، مساجدی که سنگرهای نظام و انقلاب بودند و هستند و در موقع حساس و خطر، خط مقدم جبهه مبارزه با دشمن را تشکیل می‌دهند و زودتر از سایر افراد و نهادها به یاری آرمان‌های نظام می‌شتابند، لازم است بودجه درخور و با سرفصل مشخص و معین بدان‌ها اختصاص یابد؛ بودجه‌ای که در شأن یک نظام و حکومت فرهنگی و فرهنگ محور باشد.

لازم به ذکر است که پس از گذشت حدود چهار دهه از انقلاب و با افزایش متوالی بودجه‌های فرهنگی به طور سالانه از اول انقلاب، در حال حاضر، سهم بودجه بخش فرهنگ از کل بودجه، صرفاً نیم درصد است!

۱-۳. توجه به حمایت‌های مادی ثانویه و لوازم سخت افزاری فعالیت‌های کانون‌ها:

در بررسی پیشنهادهای عملی برای فعال‌سازی مساجد به منظور جذب کودکان و نوجوانان و تقویت ارتباط با آن‌ها، با بخشی مواجه می‌شویم که با فعالیت کانون‌های مساجد و وظایف آن‌ها بیشتر همخوانی دارد؛ مثل این مورد که: مساجد فعال، با هدف تشویق و ترغیب نمازگزاران نوجوان و جوان لازم است اردگاه‌ها و مکان‌های تفریحی را برای آنان مهیا نمایند تا در زمان فراغت بتوانند با برنامه‌ریزی منسجم و منظم، زمینه ترغیب نوجوانان و جوانان را برای افزایش



اقبال و حضور، در مساجد فراهم سازند.^۱ مسجد برای جذب کودکان نوجوانان، باید فعالیت‌های گوناگونی انجام دهد تا هر گروه از کودکان و نوجوانان را با یک شیوه به‌سوی خود بکشاند.

حال آنچه در این راهکار مدنظر است و باید موردتوجه باشد، آن است که حمایت‌های مالی صرفاً در مرحله تأسیس و راهاندازی کانون‌ها تعریف نمی‌شود بلکه این تازه قدم اول راهی است که قسمت عمده هزینه‌هایش هنوز شروع نشده و نیازمند حمایت‌های بمراتب بیشتر در گام‌های بعدی است؛ بدین معنی که در گام بعدی که کانون شروع به فعالیت نمود، فعالیت‌های فرهنگی آن نوعاً نیازمند صرف هزینه‌های مادی است و به قول معروف «بی‌مایه فتیرند»؛ لذا هرچند اعتقاد و نگرش نگارنده بر وابسته بودن و لازم و ملزوم بودن کار فرهنگی با امکانات موردنیاز و حمایت‌های مالی نیست و این عقیده را ندارد که در غیاب امکانات، امکان فعالیت فرهنگی وجود ندارد و بلکه بر عقیده حرف بزرگ‌مرد عرصه قلم و رشادت، یعنی شهید بزرگوار آوینی است که فرمود: «هر جا امکانات هست کار نیست و هر جا کار هست امکانات نیست»^۲ و چنان نیز نمی‌اندیشد که با فراهم شدن حتی تمام امکانات موردنیاز، معجزه فرهنگی رخ می‌دهد؛ اگر نگوییم ورود بی‌رویه امکانات و مواجهه دست‌اندرکاران با درهم و دینار دنیا، خود خطری جداگانه دارد، لیکن با تمام این حرف‌ها، بر این عقیده است که وجود حداقل‌هایی از امکانات مادی، برای شکل‌گرفتن فعالیت‌ها غیرقابل‌کتمان است و نوعاً نمی‌توان بدون داشتن هیچ‌چیز، دست به کارهای اثرگذار زد و انتظار کانون‌های فعال داشت؛ چنانکه اگر شهیدآوینی امکاناتی چون دوربین و امکانات چاپ مکتباتش فراهم نبود، نمی‌توانست فعالیت نماید و اثرگذار باشد! و بهبیان دیگر با توجه به اهمیت گستردگی فعالیت‌های مسجد و ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی، امروزه مساجد بدون داشتن برخی از امکانات مادی و سخت‌افزاری اولیه نمی‌توانند با نهادهای بهظاهر فرهنگی رقیب رقابت کنند.

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۵۶.

۲. اظهارات مسعود دهنمکی در مراسم بزرگداشت خود در افتتاحیه جشنواره فیلم عمار ۱۳۹۳ به نقل از شهید آوینی.

۱-۴. توجه به ابزارهای نوین و حرکت بر مدار تغییر:

رویکرد فعالیتهای کانون‌ها خصوصاً در بحث جذب کودکان و نوجوانان، ناگزیر باید بر مدار استفاده از ابزارهای جدید و فناوری‌های مدرن در حد نیاز باشد؛ و گرنه توقف در ابزارهای سنتی و صرفاً خوشایند افراد سالخورده، امیدهای مسجدی شدن کودکان و نوجوانان را به کلی از بین خواهد برد.

یکی از محققان در تبیین جزئیات این محور پیشنهادهایی چند دارد که بدین شرح‌اند:

۱. بهره‌گیری از فتاوری نوین ارتباطی (ICT، اینترنت و اینترانت). می‌تواند گذر مساجد را از مرحله سنتی به مرحله مدرن و استفاده از فناوری ارتباطی تسهیل سازد. در این میان، استفاده از نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به امور ارتباطی و شبکه‌ای و به کارگیری آنان در فعالیتهای مسجد، ضمن بهره‌مندی از این فن روز، مشارکت فعال آنان را نیز در مساجد فراهم خواهد نمود.

۲. راهاندازی سایت اینترنتی برای مخاطبان مسجد، (طراحی، مدیریت و بهروز کردن سایت ویژه مسجد محل که به نمازگزاران همان مسجد، به ویژه نوجوانان و جوانان سپرده شود) و معرفی سایتهاي علمي و آموزشی با هدف بهره‌گیری از محیط علمی و آموزشی هدفمند و جهت‌دار سایت.^۱

۳. بهره‌گیری از متدهای نوین علوم مرتبط (علم روان‌شناسی و تربیتی روز) در ایجاد تغییر رفتار و نگرش در شیوه صحیح ارضای نیازهای نوجوانان و جوانان مؤثر است. این کار می‌تواند همچنین با هدف ایجاد تعادل در نیازهای روحی، روانی و فرهنگی اقسام جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان صورت گیرد که از این طریق و با تقویت نیازهای متعالی، زمینه نفوذ و گسترش فرهنگ مهاجم و مادی از میان برداشته می‌شود.^۲

طبعاً این پیشنهادها بخشی کوتاه از پیشنهادهای لازم آن هم مربوط به حدود یک دهه پیش هستند ولذا با گذر زمان خصوصاً در عصر فعلی که با تغییر و

۱. محمدعلی موظف رسمی، همان، ص ۲۶۷-۲۷۸، ۲۷۹-۲۸۰.

۲. همان، ص ۱۹۷-۱۹۸.



تحولات سریع همراه است، باید این پیشنهادها نیز به روزرسانی و اصلاح شوند؛ به طوری که در حال حاضر یعنی سال ۱۳۹۴ و آن هم در ابتدای سال، توجه به ابزار شبکه‌های اجتماعی موبایلی و اینترنتی یا اپلیکیشن‌هایی همچون اینستاگرام، می‌تواند مورد توجه باشد.

۲. راهکارهایی برای اقدامات پیش رو

آنچه تابه‌حال گفته شد، راهکارهای مبنایی و از نوع آموزش ماهی‌گیری بود؛ ولی لازم است بحسب شرایط موجود و با وضع فعلی فعالیت‌های کانون‌ها نیز پیشنهادهایی هرچند غیرساختاری ارائه شود؛ راهکارهایی که به قول معروف دم‌دستی هستند و با اشاره مستقیم به خود فعالیت‌ها، از نوع دادن ماهی به شمار می‌روند.

این راهکارها که با رویکرد جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و تقویت ارتباط آن‌ها با این کانون معنویت، برای خود کانون‌ها عرضه می‌شود عبارت‌اند از:

۱-۲. برگزاری مسابقه‌ها:

برگزاری مسابقه‌ها یکی از فعالیت‌های پردامنه و کم‌هزینه مسجد است که در صورت مدیریت صحیح، درآمدزا نیز خواهد بود. کودکان و نوجوانان روحیات گوناگونی دارند. برخی به ورزش، برخی به هنر و برخی به فعالیت‌های دیگر علاقه‌مند هستند. برگزاری مسابقه‌های قرآن، خطاطی، نقاشی، نویسنده‌گی، خاطره‌نویسی، عکاسی و طراحی، در موضوعی متناسب با مناسبت‌های مذهبی در رده‌های سنی گوناگون، فعالیتی مؤثر و مفید است. حضور امام جماعت در هنگام برگزاری مسابقه‌ها یا اعلام نتایج در ایجاد و گسترش ارتباط او با کودکان و نوجوانان مؤثر است. همچنین مسابقه‌های حضوری به صورت پرسش و پاسخ در مسجد، هنگام مراسمی که در مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود، همراه با اهدای جوایز می‌تواند قابل توجه باشد.



۲-۲. سفرهای زیارتی و سیاحتی:

کودکان و نوجوانان، روحیه پرشور و بانشاطی دارند که در راه هدایت آنان باید از این روحیه استفاده کرد. مسافرت ابزار مناسبی در این راستا به شمار می‌رود. مسافرت علاوه بر اینکه سبب شادابی روح و روان می‌شود، ابزار فرهنگی و تبلیغاتی مناسبی است که اگر مسئولان اردو به آن توجه کنند، بسیار مفید خواهد بود. اردو و مسافرت‌های دسته‌جمعی از سوی مسجد که با حضور امام جماعت، برخی از اعضای هیئت‌امنا و افراد متعدد مسجدی برگزار می‌شود از راهکارهای جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و تقویت ارتباط آن‌ها است.

۳-۲. برگزاری کلاس‌های آموزشی:

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مسجد، مسائل آموزشی است. هرچند بسیاری از نوجوانان از درس و کلاس گریزان هستند، ولی برگزاری برخی کلاس‌های آموزشی مورد علاقه آنان در جذب‌شان مؤثر است. کلاس‌های آموزشی ورزشی و هنری علاوه بر اینکه به امکانات زیادی احتیاج ندارد، مورد علاقه و اشتیاق نوجوانان نیز هست. این کلاس‌ها در رشته‌های خیاطی، گلدوزی، گل‌سازی، هنرهای دستی، خطاطی، نقاشی و طراحی، عکاسی و فیلمبرداری، ورزش‌های رزمی و شنا برای خانم‌ها و آقایان، قابل برگزاری است. برای افزایش سطح کمی و کیفی کلاس‌ها، هیئت‌امنا باید با بخش آموزشی‌های فنی و حرفه‌ای وزارت آموزشی و پرورش هماهنگی کند. برگزاری برخی کلاس‌های کمکدرسی، آموزش زبان و کامپیوتر در داخل مسجد یا خارج از مسجد، با برنامه‌ریزی و هماهنگی مسجد ممکن است.^۱

۴-۲. حضور شخصیت‌های موجه و محبوب نوجوانان در مسجد:

انسان در مراحل گوناگون زندگی خویش به الگو نیاز دارد؛ زیرا با افزایش سن و تجربه‌های ذهنی، تقلید به صورت آگاهانه صورت می‌گیرد و با اراده انجام می‌شود در این حال، فرد می‌کوشد خود را با شخص یا اشخاصی که افرادی قابل قبول هستند همسان کند و نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص

۱. عسکری اسلامپور کریمی، همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵



را برای خود سرمشق قرار دهد.

یکی از خواسته‌های اجتماعی نوجوانان الگوپذیری است. او در جامعه، خواستار کسانی است که در رفتار و گفتار برای او الگو باشند. هیئت‌امنا باید شخصیت‌های محبوب نوجوانان را در سطح شهر و محل شناسایی کرده و آنان را به مسجد دعوت کند تا در جمع نمازگزاران حاضر شوند یا اینکه اگر شخصیت بر جسته و توانایی است، مراسم سخنرانی برای او تشکیل دهند.

این کار با مشورت و همکاری خود نوجوانان امکان‌پذیر است. دعوت از هنرمندان، ورزشکاران و دیگر شخصیت‌های محبوب نوجوانان، برای حضور در میان نمازگزاران، حرکت مثبتی است که چگونگی آن را موقعیت جغرافیایی مسجد و سطح فرهنگی محل تعیین می‌کند.^۱

۵-۲. مسئولیت‌دهی به کودکان و نوجوانان در مسجد:

بسیاری از کودکان و نوجوانان به علت ضعف در انجام برخی امور و یا عدم تصمیم‌گیری درست، از جانب والدین و اطرافیان موردانتقاد واقع شده و یا به راحتی اجازه انجام برخی از فعالیتها به آن‌ها داده نمی‌شود؛ بنابراین یکی مشکلات فرزندان در هر گروه سنی، عدم توجه به توانایی‌ها و استعدادهای ایشان از طرف والدین و مربیان است. در حالی که کودکان و نوجوانان از همان سنین پایین علاقه‌مندند تا خود را به بزرگترها ثابت کنند؛ به همین خاطر است که وقتی ایشان، کاری را به تنها‌یابی انجام می‌دهند و یا حتی در کار مهمی مشارکت می‌کنند، سعی دارند آن کار را برای دیگران بازگو کرده و حتی منتظر تشویق و تصدیق دیگران هستند. همچنین عموماً فرزندان از محدودیت‌هایی که در دوران کودکی برایشان ایجاد می‌شود، به شدت گریزان هستند. محدودیت‌هایی مثل اینکه برخی از وسائل منزل در اختیارشان قرار نمی‌گیرد، اجازه تماشای بعضی از برنامه‌ها را ندارند، اجازه مصرف هر خوراکی را ندارند و حتی هر زمانی که اراده کنند نمی‌توانند مشغول بازی شوند. وجود این محدودیت‌ها، یکی از انگیزه‌هایی است که باعث شده اکثر

۱. لیلامحمدخانی شهری، بررسی عوامل ایجاد پیوند و موانع جذب میان مسجد و جوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۹/۹/۱۱

کودکان و نوجوانان در آرزوی بزرگ شدن و رسیدن به سنین بالاتر باشند، تا جایی که به محض ایجاد استقلال در یکی از فعالیت‌های مورد علاقه خود، بسیار اظهار خوشحال می‌کنند. بر این اساس اصولاً یکی از روش‌های کمک به استقلال و رشد مناسب کودکان نیز مسئولیت دهی متناسب با سلیقه و توان آن‌ها است که مسجد با وجود انواع و اقسام کارهای فرهنگی و تربیتی، فضای خوبی برای مسئولیت‌پذیری کودکان و نوجوانان است و می‌توان با یک برنامه منظم و نیز شناخت نسبی از افراد، این کارسپاری را، با توجه به نکات گفته شده به مرحله عمل درآورد. تجربه نشان داده است که کودکان و نوجوانان در فضای مسجد شدیداً تمایل به انجام کار، بهویژه در حوزه توان و علاقه‌مندی خود دارند. بسیج مسجد، از جمله امور قابل تأمل در خصوص کارسپاری است و کودکان و نوجوانان نیز با علاقه در برنامه‌های آن شرکت کرده و با انگیزه و علاقه بسیاری از انجام فعالیت‌های آن مرکز استقبال می‌کنند.^۱

اهم مسئولیت‌هایی که می‌توان به کودکان، نوجوانان و جوانان داد شامل موارد زیر است:

مسئولیت کتابخانه، اذان، اقامه، قرائت قرآن، دعا پس از نماز، کفسداری، پهن کردن سجاده‌ها، سیستم صوتی، برنامه‌ریزی و اجرای مناسبت‌ها، تزئینات و تبلیغات و زیباسازی مساجد، مسئولیت فنی مسجد (با توجه به تخصص دانش‌آموزان به خصوص رشته‌های فنی).

گفتی است در بسیاری از مساجد کشورمان رسم است که کودکان و نوجوانان یک هیئت مخصوص به خود دارند که معمولاً نام یک شخصیت مذهبی در همین سنین را زینت کار خود قرار می‌دهند؛ مانند هیئت قاسم بن الحسن، هیئت حضرت رقیه و هیئت حضرت علی اصغر. کودکان و نوجوانان معمولاً در هیئت‌های جوانان و بزرگترها در حاشیه قرار می‌گیرند؛ اما تجربه نشان داده وقتی هیئتی مخصوص خود داشته باشند، همسالان را در کنار خود برای یک کار مشترک می‌بینند و جنب و جوش خارق العاده‌ای از خود نشان می‌دهند و در

۱. داریوش عشقی، مسجد، کودک و مسئولیت دهی، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۰۲/۲۱.



درازمدت وابستگی عمیقی با هیئت، حسینیه و مسجد پیدا می‌کند؛ وابستگی‌ای که معمولاً تا سالین میان سالی و پیری نیز ادامه می‌یابد. در چنین فضایی است که با مشارکت منظم ایشان و حضور فعالشان، انس با اهل بیت علیهم السلام در وجودشان نهادینه می‌شود. محبتی که سرمایه زندگی دنیوی و اخروی ما شیعیان است.^۱

۶-۲. کمک‌گیری در برگزاری نمایشگاه:

به عنوان مصدقی از کمک‌گیری از کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های فرهنگی که در محور قبلی ذکر شد، می‌توان به کمک گرفتن از کودکان و نوجوانان در برگزاری نمایشگاه‌های متعدد و گوناگون فرهنگی اشاره کرد.

به عنوان نمونه برگزاری نمایشگاه‌های کوچک از واقعه عاشورا توسط کودکان و مسابقات پیرامون این موضوع در مساجد، ارتباط کودک و نوجوان را با مسجد بیشتر نموده و در بالا بردن معرفت آن‌ها نسبت به امام حسین علیهم السلام کمک زیادی می‌کند. نمایشگاه‌هایی که با کاردستی و هنر کودک و نوجوان شکل بگیرد و وقتی کودک و یا نوجوانی برای یکی از صحنه‌های کربلا یک ماکت درست کند و یا با کشیدن تصویر بخشی از کربلا، با واقعه عاشورا ارتباط برقرار کند، این موضوع باعث ماندگاری مطلب در ذهن و خاطر آن کودک می‌شود.

بهترین مکان برای برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی مسجد است که فضایی را در محوطه مسجد به این امر اختصاص بدهند و آثار کودکان با موضوع عاشورا و کربلا را برای تماشای عموم به نمایش بگذارند، این آثار باید مورد حمایت امام جماعت مسجد و با تشویق وی صورت پذیرد تا کودکان و نوجوانان به شرکت در چنین نمایشگاهی تشویق شوند.

در این امور (مسابقات) پدر و مادر کودک و نوجوان نیز درگیر شده و آن‌ها هم نیازمند سؤال و مطالعه می‌شوند و این امر باعث بالا رفتن سطح معرفتی خانواده‌ها نسبت به جریان کربلا می‌شود.^۲

۱. علی مرادزاده، آموزشگاه مسجد بادرس‌های معنوی برای کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۲/۸.

۲. داریوش عشقی، همان.

۷-۲. برگزاری برنامه‌های مراسم عزاداری و میلادها:

ذکر مصیبت اهل بیت علیہ السلام منشأ خیرات و برکات فراوانی در زندگی ما شیعیان است؛ چنانکه مرحوم امام قمی فرمودند: این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگهداشته است.

از طرفی اگر قرار است مطلب و مسلکی در دل و جان افراد بنشیند و با پوست و خونشان انس بگیرد، باید از دوران کودکی به آن مسلک پرداخته شود که این آشنا شدن با عظمت و کسب معارف بلند نسبت به اهل بیت علیہ السلام با شرکت در مجالس روضه شروع می‌شود.

مسجد به عنوان پایگاه نشر معارف دینی، مکانی مهم در برگزاری روضه‌های مناسبتی برای اهل بیت علیہ السلام است. درست است که روضه در مکان‌های دیگر مانند مدرسه، خانه و یا تکایا برگزار می‌گردد، اما نباید فراموش شود که مسجد محور این مجالس است و در زنده نگهداشتن این موضوعات نقش اساسی دارد؛ در واقع مجلس روضه، کودکان را در برابر فتنه‌ها و آسیب‌های اعتقادی، بیمه می‌کند.

برپایی مجالس روضه مختص کودکان و نوجوانان در کنار مجالس عمومی مسجد، می‌تواند نقش بسزایی در جذب آن‌ها به مسجد و روضه داشته باشد. مجالسی که تا حد امکان از خود بچه‌ها برای روضه‌خوانی و مداعی استفاده گردد تا بتوانند انس و الفت بهتری بگیرند.^۱

۸-۲. تهیه مجله الکترونیک محلی:

نوجوانان توانمندی‌ها و استعدادهای فراوانی دارند که استفاده شکوفاسازی و بهینه از آن‌ها در ایجاد اعتمادبه نفس و مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است. یکی از این امور که در پرکردن اوقات فراغت و رشد علمی و اجتماعی جوانان بسیار مؤثر است، راهاندازی مجله محلی در مسجد است. بهتر است مطالب این مجله با نظارت هیئت‌امنا و امام جماعت در موضوع‌های اجتماعی و دینی و محلی چاپ و در خانه‌های محل، تولید شود. هر یک از نوجوانان با توجه به توانمندی‌ها و علاقه‌اش، قسمتی از کار را بر عهده می‌گیرد. بهتر است برخی مطالب به وسیله امام جماعت

۱. همان.



و هیئت‌امنا تهیه شود. احکام فقهی، مسائل عقیدتی، تفسیر قرآن و روایت‌هایی به صورت گذرا و جالب، شخصیت‌شناسی شخصیت‌های بزرگ دینی و ملی، مطالب مورد علاقه جوانان با عنوان‌های گوناگون، همچون پسرها نخوانند، دخترها بدانند و مصحابه با اعضای محل در رده‌های سنی و اجتماعی مختلف می‌توانند از مطالب این مجله الکترونیکی باشد.^۱

۱. رک: عسکری، اسلامپور و کریمی، همان.

بخش ششم: هیئت‌امنا

«الف: تبیین موضوع و ضرورت آن»

هیئت‌امنای مسجد نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود روابط کودک و نوجوان با مسجد و یا احياناً تضعیف آن دارد. هیئت‌امنا از چند طریق می‌تواند در این روند تأثیرگذار باشد:

اول از این حیث که متولی مسجد و بهنوعی صاحب خانهٔ نیابتی است و لذا نوع رفتار و مواجهه‌اش با مهمانان که همان نمازگزاران‌اند بسیار تعیین‌کننده است؛ خصوصاً اگر مهمان از نوع کودک و نوجوان باشد و چندان نتواند تمایز قائل شود بین رفتار هیئت‌امنا با خوب یا بد بودن اصل مسجد که در چنین حالتی رفتارهای تشویق‌کننده و مثبت هیئت‌امنا سبب ایجاد تصویر مثبت از دین و نهاد مسجد در اذهان کودکان و نوجوانان خواهد شد و احیاناً رفتارهای منفی و بازدارنده سبب گریز کودک و نوجوان از مسجد و مسجدی خواهد شد.

دوم اینکه نوع رفتار هیئت‌امنا با کودکان و نوجوانان، در جهت‌گیری رفتاری والدین آن‌ها نیز تعیین‌کننده است؛ رفتار با متناسب و صبورانه هیئت‌امنا سبب دلگرمی والدین نسبت به حضور خود همراه با فرزندان در نماز جماعت و سایر



فعالیت‌های مسجد خواهد شد و متقابلاً مواجهه نامناسب با فرزندان، به شکل غیرمستقیم در حضور والدین و نیز فرزندانشان تأثیرگذار خواهد بود؛ زیرا چه بسا فرزند در سنی باشد که رفتار نامناسب هیئت‌امنا را چندان متوجه نشود و درک نکند ولی بی‌تردید رفتارهای دور از شأن دیگران را والدین کودک به خوبی درک می‌کنند؛

اما وجه سوم با وجوده اول و دوم که مربوط به عملکرد اخلاقی هیئت‌امنا بود فرق دارد و به عملکرد مدیریتی آن‌ها مرتبط است؛ احصای هیئت‌امنا چنانکه در تبیین وظایفشان گفته خواهد شد، بیشترین نقششان از حیث مدیریت امور مسجد و تأثیر غیرمستقیم بر فرایندهاست و چنان نیست که هیئت‌امنا مطلوب، خود به صورت مستقیم در فعالیت‌ها ورود پیدا کنند؛ هیئت‌امنا نه برای مردم نماز جماعت می‌خواند، نه کار فرهنگی انجام می‌دهد و نه برای کودک و نوجوان برنامه‌های جذاب اجرامی کند؛ بلکه با إعمال مدیریت در انتخاب امام جماعت و فعال نمودن کانون‌های هنری و فرهنگی مساجد و در نظر گرفتن فضاهای سخت‌افزاری لازم برای کودکان و نوجوانان، اهداف و رسالت‌های مسجد را به شکل غیرمستقیم به سرانجام می‌رساند و لذا نقش دیگر هیئت‌امنا نقش مدیریتی بر تمام ارکان مسجد و نظارت بر نحوه عملکرد آن‌ها و احیاناً إعمال تغییرات و اصلاحات در روندها و عملکردهاست که نقشی بسیار عمدۀ در منظومه نقش‌ها و عملکردهای نهاد مسجد است.

یکی از محققان در تبیین این وجه از عملکرد هیئت‌امنا می‌گوید: ویژگی‌هایی از جمله آشنایی با دانش مدیریت، ثابت بودن، توانایی تهییه امکانات مالی برای اداره امور مسجد و تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات، حفظ آرامش مسجد، توانایی علمی و دارا بودن دانش لازم درباره مسائل موردنیاز مردم، نظم، ابتکار و خلاقیت از ویژگی‌های مدیریتی هیئت‌امنای مساجد است.

۱. حضور ناکافی:

هیئت‌امنای مساجد باید کار خود را جدی تلقی کرده و همان اندازه که به شغل خود اهمیت می‌دهند، به وظیفه خود در قبال مسجد نیز باید توجه داشته باشند. گاهی دیده می‌شود که افرادی هیئت‌امنای مسجد هستند که حتی در مسجد حضور کافی نیز پیدا نمی‌کنند. این افراد چگونه می‌توانند اهتمامی در اداره خوب مسجد داشته باشند؟

۲. ناهمانگی کاری بین اعضا:

در حال حاضر عدم تقسیم کار بین هیئت‌امنای مساجد موجب ناکارآمد بودن هیئت و سردرگمی مراجعین گردیده و وجهه هیئت‌امنا را که باید در زمرة افراد مشکل حل کن باشند مخدوش کرده است.^۱

۳. عملکرد اخلاقی نامناسب:

مجموعه افرادی که در مسجد خدمت می‌کنند اعم از هیئت‌امنا و خادم و سایر افرادی که بهنوعی در ساماندهی فعالیت‌های مسجد مشارکت دارند، باید رفتاری پر جاذبه، صبورانه و بامحبت نسبت به کودک و نوجوان و جوان داشته باشند و از مشارکت برخی از آنان در امور مسجد استقبال کنند.

این در حالی است که؛ هیئت‌امنا، در غالب مساجد کشور نه تنها جذبه‌ای برای جذب کودکان و نوجوانان و جوانان ندارند بلکه خود مانع فعالیت بسیج و کانون‌های فرهنگی جوانان هستند.^۲

۱. داود ستارزاده، حسینعلی قنادزادگان و مائده یوسف‌نژاد‌شیروانی، عوامل مؤثر بر جذب نوجوانان و جوانان به مساجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۷/۲۷.

۲. محمدرضا حشمتی، همان، ص ۱۹۰.



۱. تقویت پشتوانه پژوهشی

همچون سایر عناصر کلیدی مسجد، در اینجا نیز نیازمند تقویت پشتوانه پژوهشی و تعریف جایگاه دانشگاهی برای موضوع هیئت‌امنا در سرفصل‌های مربوط به مسجد و نماز هستیم.

تحقیقات و پژوهش‌ها در این حوزه عمدتاً به دو موضوع خواهند پرداخت:
الف: چارچوب‌های لازم برای هیئت‌امنا (ویژگی‌های هیئت‌امنا)
ب: وظایف هیئت‌امنا

که البته هر دو مورد بر حسب اقتضایات زمانی و مکانی متغیر، متفاوت خواهند بود و لازم است در دوره‌های زمانی مشخص، به روزرسانی شوند.

در حال حاضر هیچ نهاد و یا دستگاهی به صورت شفاف عهده‌دار چنین مسئولیتی نیست؛ هرچند به صورت پراکنده و مبهم و بدون داشتن ضمانت اجرایی در برخی از قوانین و آیین‌نامه‌ها به صورت دستوری به آن اشاره گردیده است. چنانکه در قانون برنامه سوم توسعه می‌خوانیم:

● «ماده ۱۶۳ - و - با هدف اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های

اجتماعی- فرهنگی محلات، روستاهای و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سازماندهی شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان اقدامات ذیل در سال‌های برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد: ۱- حمایت مالی، قانونی و حقوقی از پژوهش‌های کاربردی با هدف شناخت راهکارهای اجرایی برای ارتقای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور.»

قابل ذکر است در تحقیقی که در این خصوص صورت گرفته و از بایسته‌های هیئت‌امنا و وظایف آن از برخی نهادهای مسئول سؤال شده، نتایج ذیل حاصل شده است:

۱-۱. ویژگی‌های فردی اعضا هیئت‌امنا

- ۱- التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل مترقبی ولایت مطلقه فقیه.
- ۲- دارابودن آگاهی و بینش نسبی در امور مذهبی و دینی و جایگاه مسجد.
- ۳- حتی المقدور دارابودن توانایی‌ها و تخصص‌های لازم در یکی از زمینه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، تربیتی و ورزشی و سایر قلمروهایی که در کارکردهای مسجد مؤثر است.
- ۴- دارای حسن سوابق اخلاقی در سطح شهر یا محل و عدم سوءپیشینه و عدم استعمال و اعتیاد به مواد مخدر.
- ۵- علاقه‌مند به خدمت در امور و کارکردهای مختلف مسجد.
- ۶- ساکن بودن در حوزه استحفاظی مسجد.
- تبصره: اشخاصی که واجد شرایط فوق الذکر هستند در صورتی که دارای تحصیلات بالاتری باشند، ارجحیت دارند.

البته جا داشت که در این قسمت اشاره می‌شد که حتی المقدور از افرادی در هیئت‌امنا مساجد استفاده شود که حداقل از شم فرهنگی برخوردار باشد و یا مسئولیت امور فرهنگی مسجد با فردی باشد که دارای تجربیات فرهنگی بوده و یا در نهاد و دستگاه فرهنگی شاغل باشد.^۱

۱-۲. وظایف هیئت‌امنا مسجد

- ۱- بستر سازی مناسب و ایجاد محیط و فضای مطلوب برای اقامه نماز، افزایش حضور نمازگزاران و انجام مراسم و فعالیت‌های دینی، سیاسی و فرهنگی در مسجد.
- ۲- برنامه‌ریزی برای جلب همکاری‌ها و مشارکت‌های مردم و سایر نهادهای ادارگان هادر حمایت و پشتیبانی از برنامه‌های فرهنگی و عمران مسجد.
- ۳- همکاری جدی با شورای هماهنگی مسجد در کلیه امور.
- ۴- دعوت از کارشناسان، مسئولان، معتمدین و خیرین برای بررسی وضعیت و رفع

۱. محمدعلی موظف رسمی، همان، ص. ۲۰۰.



مشکلات مربوط به مسجد.

- ۵- بررسی و نظارت بر درآمدها، موقوفات و مستغلات مسجد و ساماندهی وارائه شیوه‌های مناسب جهت استفاده و افزایش درآمدها و نحوه هزینه کرده‌اند مسجد.
- ۶- تهییه ترازنامه مالی برای مسجد.
- ۷- برنامه‌ریزی در ابسطه با چگونگی دفاع از حق و حقوق مسجد (اصل ۵).^۱ اخیراً در اسفند سال ۱۳۹۳ نیز مجلس شورای اسلامی در بررسی طرح یک‌فوریتی حمایت از احداث، تجهیز و نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها در ماده ۱۴ این طرح قانونی مصوب کرده‌اند مبنی بر اینکه هیئت‌امنای مساجد دارای وظایف و اختیارات زیر است:

الف- نمایندگی مسجد در برابر معاونت، مرکز امور مساجد و تمامی نهادها و ادارات و همچنین تشکل‌های فعال در مسجد.

ب- تصمیم‌گیری و هماهنگی تشکل‌های داخل مسجد، مراقبت، نگهداری، انجام تعمیرات و تلاش جهت رعایت پاکیزگی و آراستگی مسجد، اخذ سند مالکیت و ثبت مسجد در معاونت و ثبت اموال منقول و مشخصات دقیق در دفتر اموال مسجد با رعایت ضوابط شرعی.

پ- مشارکت و همکاری در اجرای طرح و برنامه‌های لازم در امور فرهنگی و اجتماعی.

ت- تعیین محل مناسب با هماهنگی دستگاه ذی‌ربط برای حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و آثار معنوی و نخبگان محل و ایجاد دفتر یادبود.

ث- جلب کمک‌ها و مشارکت افراد حقیقی و حقوقی به منظور انجام فعالیت‌ها، تجهیز مسجد به فناوری‌های جدید، متناسب با شئون مسجد.

۱. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۹-۱۴۰.



ج- جمع آوری درآمدها کمک‌ها و نذورات نقدی و غیرنقدی و ثبت آن در دفاتر حسابداری مسجد.

چ- پرداخت هزینه‌های ضروری جاری مسجد و پرداخت حقوق و دستمزد به خادم یا خادمان مسجد و پیگیری بیمه آن‌ها.

ح- تهیه گزارش عملکرد سالانه، صورتحساب و تنظیم و نگهداری اسناد درآمد و هزینه مسجد.

خ- طرح دعوی و دفاع از حقوق مسجد و تعقیب دعاوی مربوط به آن و در صورت لزوم انتخاب وکیل برای انجام امور مذکور. بر اساس تبصره این ماده، هیئت‌امنا مساجد مکلفاند فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی را در اولویت قرار دهند.

چنانکه ملاحظه می‌شود در قوانین موجود به شکل کاربردی و پویا به موضوع هیئت‌امنا پرداخته نشده است و درواقع قوانین بسیار کلی هستند که ظاهراً برای جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌ها وضع شده‌اند و هدفی تحت عنوان مدیریت فرهنگی کارآمد در آن‌ها چندان به چشم نمی‌خورد. در این قوانین هیچ‌گونه توصیه و الزامی نسبت به وظایف جداگانه هیئت‌امنا در خصوص جذب و تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان و جوانان با مسجد نشده است و حال آنکه تقریباً اکثر پیام‌ها و ابلاغ حکم‌های صادره از جانب مقام معظم رهبری (دام عزه) با این رویکرد هستند و مسئولان مسجد و ائمه جمعه و جماعات را به توجه ویژه نسبت به امور نوجوانان و جوانان سفارش نموده‌اند.

۳. بهره‌گیری از مدیریت توانمند در هیئت‌امنا

مهم‌ترین بخش برای ایجاد فضایی فعال و پویا در مساجد و خصوصاً برای بهره‌گیری کودکان و نوجوانان، ایجاد یک مدیریت قوی و کارآمد است که برای تحقق این



امر (لازم است اعضای هیئت‌امنا قبل از شروع به خدمت در دوره‌های آموزشی که توسط سازمان اوقاف و امور خیریه تشکیل می‌شود شرکت نمایند).^۱ توجه به این نکته مدیریتی نیز برای مدیریت مساجد، جالب‌توجه خواهد بود که از مؤثرترین و مهم‌ترین عوامل جذب نوجوانان و جوانان به مساجد، شرکت دادن خود آن‌ها در اداره امور مساجد است. «[ا]ین امر یعنی دخالت دادن نوجوانان و جوانان در اداره امور مذهبی و فرهنگی خودشان، ضمن اینکه به آنان هویت مشخص و شخصیت می‌بخشد، قابلیت مسئولیت‌پذیری را در آنان افزایش داده و موجبات افزایش اعتمادبه نفس و اطمینان به خود را در آن‌ها فراهم می‌سازند. در این صورت نوجوانان و جوانان برنامه‌های مساجد را برنامه‌های خود تلقی کرده و احساس نمی‌نمایند که این برنامه‌ها از بالابه آن‌ها دیکته می‌شود و آن‌ها فقط مجبور به اطاعت هستند».^۲

۴. الگوبرداری و استفاده از تجارب دیگران

الگوبرداری می‌تواند یکی از مهم‌ترین و بهترین راهکارهای مورداستفاده هیئت‌امنای مساجد باشد. الگوبرداری، اندازه‌گیری و سنجش عملکرد مسجد حوزه فعالیت در مقابل برترین مساجد به شکل کمی و عددی است که تعیین می‌کند چگونه آن‌ها به چنین سطوحی از کارایی در ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد رسیده‌اند و سپس از این اطلاعات به عنوان مبنایی برای اهداف و راهبردها و بهبود آن‌ها استفاده می‌کند.^۳ این فرآیند، فرآیندی نظاممند است که به طور بالقوه می‌تواند در هر کار فرهنگی مورداستفاده قرار گیرد و اگرچه نمی‌تواند جایگزین دیگر ابزارهای مدیریتی و کیفیتی شود، در صورتی که با اهداف سازمان همسو گردد، قدرتمند و بسیار مؤثر است.

الگوبرداری نیازمند یک مکان‌یابی خارجی است، یعنی در مانحنفیه، یافتن مساجدی که عملکرد بسیار خوبی در حوزه ارتباط برقرار دادن کودکان نوجوانان با

۱. همان، ص ۱۴۰.

۲. مسجد نفعه وصل، ص ۲۱۱.

۳. مصطفی جعفری و همکاران، کیفیت فرآیند، «ابزارهای استراتژیک و فرهنگی مدیریت»، ج ۲، ص ۱۱۱.

مسجد از خود نشان داده‌اند و سپس مطالعه این سازمان‌ها جهت کشف روش‌های کاری آن‌ها.^۱

به بیان دیگر؛ قطعاً هدف هر سازمان مسجدمحور موفق امروزی، عرضه خدمتی است که می‌تواند نیازها و خواسته‌های کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها را به خوبی تأمین کند. در راه رسیدن به این هدف، تلاش تمامی سازمان‌ها در جهت نوآوری‌ها و دگرگونی‌هایی است که بتواند سازمان را به مخاطب نزدیک‌تر سازد؛ اما برای این منظور نوآوری به تنها یکی کافی نیست و تقليد و اقتباس از دیگران، بسیاری اوقات می‌تواند مارا سریع‌تر و آسان‌تر به مقصود برساند و در اینجاست که الگوبرداری به یاری هیئت‌امنی مساجد می‌شتابد.^۲

گستردگی الگوبرداری تا جایی است که می‌تواند در کنار بسیاری از ابزارهای دیگر قرار گیرد و هر کجا که به جمع‌آوری اطلاعات نیاز است، مفید واقع شود. درنتیجه یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که امروزه نسبت به الگوبرداری وجود دارد، آن را به عنوان یک فرآیند مستمر مطرح می‌کند که باید همیشه در کنار دیگر برنامه‌های مدیران به اجرا درآید. فقط باید توجه شود که الگوبرداری، جانشینی برای نوآوری نیست؛ اما در هر حال، منبعی از ایده‌های خارج سازمان مسجد است و از آنجایی که موفقیت مسجد، بستگی به تعیین هدف و دستیابی به آن دارد، الگوبرداری هم سازمان مسجد را مجبور می‌کند تا اهدافش را بر اساس حقایق خارجی پایه‌ریزی کند.^۳

با بهره‌گیری از تجربیات و برنامه‌های کارشناسی شده، دستگاه‌های ذی‌ربط فرهنگی در امور مساجد و نیز هیئت‌امنی مساجد می‌توانند در وضعیت موجود فعالیت‌های مسجد بهبود ایجاد نموده و تغییراتی مثبت و روندی صعودی را طی نمایند.^۴

۱. حسین پرکان، ارتقای کیفیت خدمات و محصولات در دستگاه‌های فرهنگی، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۲. مصطفی جعفری و همکاران، همان، ص ۱۱۲.

۳. همان، ص ۱۲۸ و ۱۷۵.

۴. محمدعلی موظفرستمی، همان، ص ۲۰۰.



بخش هفتم: مدیریت کلان مساجد

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

با توجه به نقش بی‌بدیل نهاد مسجد در فرهنگ مردم و تربیت دینی آن‌ها، نوع سیاست‌گذاری و تعیین راهبردها برای این نهاد، کاملاً مهم ارزیابی می‌شود؛ به‌طوری که کمترین تغییرات در این عرصه، خروجی‌های بسیار متفاوت و تأثیرگذاری را ز خود بر جای خواهد گذاشت. بنابراین در نگاه کلان، باید مدیریتی قوی و سازماندهی شده بر تمام مساجد را شاهد بود که هماهنگ‌کننده آن‌ها با همدیگر و ارتقا دهنده فعالیت‌های آن‌ها خصوصاً در حوزه ارتباط‌گیری با نسل کودک و نوجوان و جذب آن‌ها به نهاد مسجد باشد.

درواقع بر حسب این گزاره مدیریتی گفته شده توسط دمینگ که نودوشش در صد مشکلات مربوط به سیستم‌ها است،^۱ اهمیت و ضرورت بهره‌گیری از کار سیستمی و نظاممند مشخص می‌شود؛ در شرایطی که در دنیای امروز برای کوچک‌ترین شرکت‌های دولتی و خصوصی، نگاه علمی به اداره آن جزء اصول تردیدناپذیر آن

۱. حسن فارسی‌جانی، استراتژی کلاس جهانی در مدیریت کیفیت بازرگانی، ص ۱۶۱.

شرکت است، چگونه می‌توان برای نهاد مسجد با این‌همه گستردگی مراکز و مخاطب، خصوصاً بر حسب نقش بی‌بدیل آن در فرهنگ‌سازی، از این نگاه بهره لازم را نگرفت.

باید به این گزاره رسید که موفقیت صرفاً در اخلاص و تعهد صرف نیست؛ موفقیت به منزله پرنده‌ای است که دو بال قدرتمند دارد دو بالی که وجود هر دو لازم است و هر کدام بدون دیگری، کارایی خود را از دست خواهد داد و به حداقل‌ها خواهد رسید؛ این دو بال عبارت‌اند از تعهد و تخصص.

تخصص در مانحن‌فیه چیزی جز انجام کار حساب‌شده علمی نیست؛ لذا باید برای تمام نیازهای امروز و آینده نهاد مسجد در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های آن در حوزه کودکان و نوجوانان با برنامه وارد شد و از هرگونه تقديرگرایی و توکيل مصرانه امور به خداوند اجتناب نمود. باید در ضمن ملازمت تقوا و اخلاص، هر آنچه از دست برمی‌آید و هر فکر و اندیشه‌ای که لازم است به کارانداخته شود و از هر تجربه و نظر ارزشمندی استفاده نمود. به خصوص در شرایطی که رقبای هم‌عرض مسجد که بر کودک و نوجوان اثرگذار هستند، به شکل کاملاً حرفه‌ای و حساب‌شده مطابق با جدیدترین روش‌های مدیریتی روز وارد کارشده و اقدام می‌کنند؛ رقبایی همچون بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان و مروجان عرفان‌های کاذب و انحرافی.



« ب: وضع موجود »

در حال حاضر نهادهای فراوانی در امر مسجد فعالیت می‌کنند که وضعیت آن‌ها و جایگاه مدیریتی شان به شرح ذیل است:

۱-۴. سازمان اوقاف و امور خیریه:

این سازمان عمدتاً به مسائل حقوقی مساجد و اماکن مذهبی می‌پردازد و از موقوفات محافظت می‌کند. به عنوان مأموریت بعدی نیز به عمران مساجد مبادرت نموده و در تشکیل و معرفی هیئت‌امنا به عنوان رقبه‌های وقف اقدام می‌کند.

۲-۴. مرکز رسیدگی به امور مساجد:

این نهاد عمدۀ فعالیت خود را مصروف تأمین ائمه جماعات مساجد و جابه‌جایی آن‌ها نموده است. به صورت موردي نیز به امر ساخت‌وساز و مسائل فرهنگی کمک می‌نماید و به عنوان یک مرکز که مورد قبول مساجد است، به حل اختلافات نیز می‌پردازد.

۳-۴. سازمان تبلیغات اسلامی:

در این سازمان، اداره کل مساجد، به امور مساجد کشور رسیدگی می‌کند و در مجموع به چند موضوع نظیر بهداشت مسجد، اعتکاف، اعزام مبلغ به مساجد، ائمه جماعات و تا حد بسیار کمی به تقویت کتابخانه‌های مساجد می‌پردازد.

۴-۴. مؤسسه عمران مساجد:

که قبل‌آبده نام صندوق عمران مساجد بود، مؤسسه‌ای است وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف و مأموریت اصلی آن رسیدگی به عمران مساجد و مساعدت به آنان است و در سابقه خود پیگیری‌های قانونی را از طریق هیئت دولت جهت بعضی تسهیلات در ساخت‌وساز و اداره مساجد داشته است.

۵-۴. ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد:

که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و به منظور تقویت و احیای مساجد تشکیل شده است، عمدتاً مسئولیت تجهیز و تقویت کتابخانه‌های مساجد

و سالن‌ها را به عهده دارد و از طریق تأسیس کانون‌های فرهنگی هنری و تقویت واحدهای فرهنگی و هنری، این اهداف را پیگیری می‌نماید. این ستاد که در هر استان دبیرخانه‌هایی را تأسیس کرده است، اکثرًا تحت نظر ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی این مأموریت را انجام می‌دهد.

۶. ستاد اقامه نماز:

در راستای ترویج نماز و نماز جماعت و برپایی آن در مساجد و نمازخانه‌ها فعالیت می‌کند.

۷. نیروی مقاومت بسیج:

این نیرو به عنوان مأموریت اصلی خود نقشی در مساجد ندارد و از آنجاکه پایگاه‌های نیروی مقاومت در اکثر مساجد کشور فعال هستند، بالطبع باید نقشی در اداره مسجد و به خصوص مسائل فرهنگی مسجد داشته باشد؛ این نیرو در بعضی مساجد تبلیغات را به عهده دارد و در پاره‌ای از آن‌ها با تشکیل کانون‌های بسیج به فعالیت مشغول است.

۸. جامعه روحانیت:

حوزه‌های علمیه نیز در مساجد نقش‌هایی دارند که عمدۀ نقش آن‌ها در اعزام امام جماعت و رسیدگی موردنی خواهد بود.^۱

بانظر کارشناسی می‌توان گفت در حال حاضر مساجد کل کشور فاقد نظام معینی هستند؛ چنانکه یکی از کارشناسان مسئول می‌گوید: «در این کشور همه نهادها و مؤسسات سازمانی دارند و قریب به ۶۰ هزار واحد فرهنگی هیچ سازمانی ندارند. یک سازمان سنتی به نحو ناقصی به صورت هیئتی آن‌ها را اداره می‌کند. هیچ وزارت‌خانه و سازمانی این سرمایه عظیم را یکپارچه نگاه نمی‌کند، مشکلات آن را بررسی نمی‌نماید و در راه حل معضلات آن چاره‌اندیشی نمی‌کند. رهاسده‌اند به امان خدا. اگر بحث زعامت و تصدی این مکان‌های مقدس پیش بیاید، سازمان تبلیغات اسلامی، بسیج، مرکز رسیدگی به امور مساجد، حوزه‌های علمیه و اوقاف،

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۹۳-۱۹۴.



همه داعیه تصدی آن را دارند و اگر برای امام جماعت هر یک از مساجد کشور مشکلی پیش آید، یا زلزله و سیل مسجدی را تخریب کند و یا دزدی اموال مسجدی را برد و یا اختلافی بین مسجدی‌ها پیش بیاید، همه نهادهای مسئول شانه خالی می‌کنند و به یکدیگر پاس می‌دهند. گاهی اوقات هم به عنوان صدقه مبلغ کمی کمک می‌کنند. واقعاً تأسفبار است که با خانه خدا این گونه برخورد می‌شود. عجباً که مهدهای کودک در این کشور سامانی دارند و مساجد فاقد سازمان هستند. وزشگاه‌ها، مدارس، سینماها، کتابخانه‌ها، پارک‌ها، خیابان‌ها، تفریحگاه‌ها، زندان‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، داروخانه‌ها و... همگی سازمانی دارند و مشکلات آن‌ها در جایی رسیدگی می‌شود نیروهای انسانی شاغل در این مرکز آموزش می‌بینند، نشریه دارند، بودجه و اعتبار دولتی دارند، ضابطه دارند و مساجد فاقد همه این موارد هستند!

بیش از ده نهاد سازمان دینی به صورت پراکنده و بدون هیچ هماهنگی در امر مسجد فعال هستند. وجود این تعداد سازمان و نهادهای درگیر امر مسجد موجب شده است نه تنها اقدامی اساسی و مهمی که دارای اثرات مثبت در جهت ارتقای جایگاه مساجد باشد، به صورت جدی و عملی صورت نپذیرد، بلکه کاملاً با تداخل برنامه‌های غیرهماهنگ و تشابه فعالیت‌ها، موجبات دلزدگی مردم و مخاطبان خاص مسجد را نیز به وجود آورده است.^۱

حال، ذکر این مطلب جالب توجه است که چنان نیست که به لحاظ قانونی، ستاد هماهنگ‌کننده و مرکزی که همه سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مسجد ذیل برنامه جامع آن به فعالیت پردازند وجود نداشته باشد، بلکه حدود یک دهه پیش در شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۵۳ مورخ ۲۲/۱۰/۸۳ به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی (نامه شماره ۱/۱۱۸۰/الف مورخ ۳۰/۸/۸۳) آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور به شرح وظایف ذیل تصویب شد:

۱. همان، ص ۱۹۴-۱۹۶.

● ماده ۲ - [وظایف ستاد]

- ۱ - تبیین نحوه همکاری و مشارکت وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور مناسب با مسئولیت قانونی آن‌ها.
- ۲ - هماهنگ‌سازی فعالیت وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور و برنامه‌ریزی به منظور استفاده مناسب از امکانات و توانمندی آن‌ها در تقویت بنیه مساجد کشور.
- ۳ - ارائه پیشنهادهای راهبردی و برنامه‌ریزی مناسب به منظور رفع مشکلات اساسی مساجد در مکان‌یابی، ساخت‌وساز، توسعه و تعمیر، نوسازی، بهداشت و تجهیز امکانات و فناوری‌های روز از طریق تدوین طرح‌ها، لوایح و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط.
- ۴ - تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان، هیئت‌امنا، ائمه جماعات، خادمان و دست‌اندرکاران امور مساجد.
- ۵ - تدوین راهکارهای مناسب برای بهسازی و نگهداری مساجد.
- ۶ - تدوین روش‌های جذب امکانات و تسهیلات از وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها به منظور پشتیبانی از مساجد و پاسخگویی به نیازهای موجود. بنابراین باید مشکل را در جاهای دیگر جستجو کرد و با ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به مسئله، علل اجرایی نشدن مصوبه را پیگیری نمود.



۱. بهره‌گیری از مدیریت واحد و منسجم

خداؤند در قرآن و از زبان حضرت یوسف می‌فرماید: «يَا صَاحِبَى السّجْنِ أَرْبَابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؛ اَى دُوَيْار زندانی من، آیا خدایان متعدد و پراکنده بهترند (مانند بت‌ها، ستارگان و غیره) یا خدای یکتای غالب و چیره (بر جهان هستی)»^۱ این یک واقعیتی است که با وجود مدیریت‌های چندگانه و پراکنده نمی‌توان انتظار نیل به مقصد و هدف را داشت؛ هر خدایی هدفی دارد و روشی! یکی از محققان نیز می‌گوید: باید ساختاری متمرکز تحت نظرات مقام معظم رهبری برای مدیریت مساجد ایجاد شود. سورای عالی مساجد با ترکیبی که سورای عالی انقلاب فرهنگی آن را مصوب می‌کند، بر اساس وضعیت موجود راهاندازی گردد. یک نفر هم به عنوان رئیس سازمان امور مساجد با تأیید سورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی شود و ابلاغ رسمی توسط مقام معظم رهبری برای این فرد صادر گردد. به این ترتیب سازمان امور مساجد راهاندازی شود و دستگاه‌هایی که با مساجد همکاری دارند، هر کدام تحت عنوان یک معاونت در آنجا نقش داشته باشند.^۲

در چنین حالتی از ابتدا تا انتهای با احتمال بروز مشکل - احتمالی که در اکثر قریب به اتفاق موارد رخ می‌دهد - مواجه هستیم؛ از برنامه‌ریزی گرفته تا تخصیص بودجه و نظارت‌های لازم، مگر اینکه وجود مسجد و وظیفه‌ای تحت عنوان مدیریت مسجد و نماز، فرع قضیه باشد و تحقق کامل و یا ضعف برنامه‌ها در مورد آن محلی از اعراب نداشته باشد و متقابلاً، اصل و آنچه موضوعیت دارد، وجود خود آن نهاد مدیریت‌کننده و بقای آن باشد!

پیشنهاد نگارنده ورود سورای عالی انقلاب فرهنگی به این قضیه و پیگیری مصوبه خود در خصوص تشکیل و اجرایی شدن ستاد عالی مساجد است تا همه نهادها و سازمان‌های مربوطه ذیل مدیریت واحد و با تعیین حوزه وظایف، با برنامه و بودجه

۱. یوسف/۳۹.

۲. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۶۵.

و خروجی مورد انتظارِ مشخص، به فعالیت بپردازند.
اگر فعالیتها منسجم و ذیل مدیریت واحد باشد، مکمل همیگر خواهند بود
و ضمن رفع موازی کاری‌ها، حوزه‌های مغفول مانده نیز مشخص و پوشش داده
خواهند شد.

۲. لزوم توجه مدیریت به مدیریت راهبردی

قوانينِ حضورِ فعال در عرصه فرهنگ، به طور چشمگیری تغییر کرده‌اند. برای رسیدن به موفقیت، مدیران دیگر نمی‌توانند کارها را آن‌گونه که همیشه انجام می‌داده‌اند، انجام دهند. درنتیجه یک مدیر موفق به یک سلاح قدرتمند جهت مقابله با این محیط پویا نیاز دارد. مدیریت راهبردی، یک برنامه جهت هدایت سازمانی که تلاش می‌کند بینش‌ها، مأموریت‌ها، اهداف و آرمان‌های خود را به عمل درآورد، خلق کرده، آن را از انحراف از خواسته‌ها و آرمان‌ها بازمی‌دارد. مدیریت راهبردی، یک طرح برای هماهنگ کردن توانمندی‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدهای محیط ارائه می‌دهد.^۱

مدیریت راهبردی ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و تقویت آن، مستلزم پیمودن گام‌هایی چند است که لازم است نهاد و سازمان متولی مسجد به آن‌ها توجه داشته باشد.

گام اول تبیین وضع موجود ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد است که خود از چند مرحله تشکیل یافته است:

مرحله اول بررسی دروندادهای ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد است که در آن به بررسی علل و زمینه‌های فردی کودک و نوجوان در ارتباط‌گیری با مسجد پرداخته می‌شود و مشخص می‌شود که چه علل و زمینه‌هایی در سطح خرد از مناظر مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بر ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد، تأثیر مثبت و احياناً منفی می‌گذارند که عملی شدن این مرحله و مرحله بعدی - که توضیح آن خواهد آمد - مستلزم تقویت پشتوانه پژوهشی موضوع

۱. حسین پرکان، همان، ص ۶۱



مسجد و از جمله موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد است که از طریق بسترسازی قانونی و ایجاد مراکز دانشگاهی و پژوهشی با رشته‌های تخصصی در موضوع مسجد محقق می‌شود؛ و گرنه از طریق نگاشته شدن چند مقاله و تحقیق سفارشی و غیرسفارشی نباید انتظار داشت خروجی موردنظر در جهت آشکار شدن زمینه‌ها و علل تأثیرگذار بر ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد حصل گردد. وقتی که افرادی از محققان، به‌طور تخصصی در موضوع مسجد و ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد قلم‌فرسایی کردند، آن‌وقت می‌توان بر حسب خروجی علمی کار آن‌ها، با قاطعیت گفت که کدام عوامل و زمینه‌ها در سطح خرد و کدام عوامل در سطح میانی و کلان چنانکه توضیحش خواهد آمد-در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد مؤثرند و مهم‌تر از همه اینکه مشخص می‌شود که کدام عوامل و زمینه‌ها از حیث فراوانی، کدام عوامل و زمینه‌ها از حیث اهمیت ذاتی و کدام عوامل و زمینه‌ها از جنبه‌های دیگر در اولویت تأثیرگذاری بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و نیازمند اقدام هستند.

اینکه افرادی که در حوزه فرهنگی فعالیت می‌کنند و یا در موضوع کودک و نوجوان تخصص دارند فی الدها به بیانند و در موضوع مهم ارتباط کودک و نوجوان حرف بزنند و بر حسب تأملات کوتاه‌مدت خود به شکل استقرایی، علل و عوامل و زمینه‌هایی را احصا نمایند، به لحاظ علمی، ارزش چندانی ندارد و فارغ از آگاهی‌دهی اجمالی و کلی (در بهترین وضعیت واقع‌نمایی) قابلیت مبنای قرار گرفتن برای برنامه‌ریزی راهبردی کلان را ندارد.

مرحله دوم عبارت است از بررسی نحوه فرایند ارتباط کودک و نوجوان با مسجد؛ بدین معنی که آن علل و زمینه‌های درونی در سطح خرد، تحت چه فرایند بیرونی و علل و عوامل و زمینه‌های خارجی تقویت می‌شوند و در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد مؤثر واقع می‌شوند؛ لذا در این مرحله اولاً به عوامل و زمینه‌های سطح میانی در همان چهار منظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد تأثیر می‌گذارند پرداخته می‌شود و ثانیاً عوامل و زمینه‌های منبعث از سطح کلان فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی که بر

ارتباط گفته شده تأثیرگذار هستند بررسی می‌شود. به طور مشخص و به عنوان مثال گفته می‌شود که در سطح خرد، علاقه داشتن کودک و نوجوان به مسجد، یکی از علل و زمینه‌های ارتباط‌گیری کودک و نوجوان است - که البته در بررسی علمی میزان تأثیرگذاری این علت مشخص می‌شود که جایگاه این علت در میان سایر علل و زمینه‌ها، در رتبه چندم است و چند درصد از ارتباط‌گیری متاثر از این علت است - در مرحله بعد سخن از آن است که این انگیزه درونی، در چه فرایندی تقویت شده و عملکرد کدام نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و هر کدام به چه میزان در آن دخیل بوده‌اند؛ که مثلاً گفته می‌شود عملکرد نهاد مدرسه و کتب درسی اش به میزان ۱۰ درصد، معلمانتش ۱۵ درصد، عملکرد نهاد خانواده و الگو بودن آن‌ها ۲۰ درصد، عملکرد نهاد صداوسیما و بخش برنامه‌های کارتونی اش ۱۰ درصد و ... در تقویت این انگیزه مؤثر بوده‌اند و در مرحله بعدی به عوامل و زمینه‌های تقویت‌کننده در سطح کلان پرداخته می‌شود و مثلاً گفته می‌شود که سیاست‌گذاری کلان دولت در بخش اقتصادی تحت عنوان اقتصاد آزاد و ورود آزاد کالاهای خارجی که برخی نیز فرهنگی‌اند، این مقدار تأثیر را بر کشور داشته است یا اینکه سیاست‌گذاری کلان دولت در غیرانتفاعی کردن مدارس یا عدم الحقاب به قانون جهانی حقوق مالکیت و استفاده راحت از نرم‌افزارهای خارجی و یا نوع سیاست کلان دولت در خصوص معلمان پرورشی مدارس و مانند آن و یا سیاست حمایت از مسجدسازی، هر کدام، این مقدار تأثیرات را بر تقویت انگیزه کودک و نوجوان در دوست داشتن مسجد و ارتباط‌گیری با آن داشته‌اند.

مرحله سوم مرحله برونداده‌است؛ بدین معنی که خروجی همه آن علل و عوامل و زمینه‌ها که در مرحله اول و دوم فعال بودند چه شده است و در حال حاضر وضعیت ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد چگونه است؟

این مرحله چنانکه قبلاً اشاره شد مستلزم وجود سامانه ملی آماری در حوزه مسجد است تا با اعتبار و رسمیت لازم به شکل دقیق و علمی، به بررسی وضعیت ریز ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد بپردازد و بر حسب تفکیک‌های مختلف مکانی و جغرافیایی، زمانی (بر حسب ساعت‌های روز و وعده‌های نماز)، سنی، جنسیتی



و تحصیلی برای کودکان و نوجوانان، میزان ارتباطها را استخراج نماید.

طبعتاً این مرحله نیز از ابعاد مختلف، دارای اولویت‌ها و رتبه‌بندی‌هایی است که با آمارگیری جزئی محقق می‌شود و البته بخش دیگری از داده‌های ارزشمند سامانه، از توالی آمارگیری‌ها در بازه‌های زمانی مشخص حاصل می‌شود که با درکنار هم گذاشتن آمار و داده‌های بازه‌های زمانی مختلف، روندهای ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد، چه در شکل کلی و چه در مقیاس‌های جزئی مشخص می‌شود و حوزه‌های نیازمند اقدام و اولویت‌دارهای آن‌ها را مشخص می‌نماید. (مثلًاً آمارها نشان می‌دهد که ارتباط کودکان و نوجوانان در سطح راهنمایی و در استان فلان در این بازه زمانی سه برابر شده است که سبب می‌شود تا مدیریت راهبردی مسجد، مراحل اول و دوم را در این منطقه به صورت تخصصی به اجرا درآورد و علل و عوامل و زمینه‌های این افزایش غیرمنتظره را کشف نماید، زیرا چه باعوامل و زمینه‌ها، قابلیت الگوبرداری و بسط و گسترش در جاهای دیگر را نیز داشته باشد و یا بر عکس؛ در استانی و یا استان‌هایی، میزان ارتباط به نحو محسوسی کاهش پیدا می‌کند که در اینجا لازم است قبل از فرآگیرشدن عوامل و زمینه‌ها، آن‌ها را شناسایی نموده و اقدام لازم در خصوص رفع و یا کنترل آن‌ها صورت گیرد.)

مرحله چهارم مرحله پیامدهاست که در آن به نتایج و آثار ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد و در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و امنیتی، در سطوح سه‌گانه خرد و میانی و کلان پرداخته می‌شود.

این نتایج در حوزه‌های مختلف ارتباط به یک شکل و میزان نیستند؛ لذا با رتبه‌بندی کمّی و کیفی نتایج و آثار، موارد و گونه‌هایی از ارتباط که بیشترین آثار مثبت را دارد، مورد اهتمام ویژه در برنامه‌ریزی‌ها قرار می‌گیرد و اقدام متناسب صورت می‌گیرد و متقابلاً بخش‌هایی از ارتباط که علی‌رغم سرمایه‌گذاری انسانی و مالی، تأثیرات بهینه لازم را ندارند، در اصلاح و یا تغییر آن‌ها بازنگری می‌شود. (مثلًاً نتایج این گونه نشان دهد که پیامدهای معنوی ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد به هنگام اقامه نماز مغرب و عشا به دلیل حضور حداکثری امامان جماعت و فعالیت کانون‌های فرهنگی در این زمان، بیش از سایر ارتباطات و در بازه‌های

زمانی دیگر از روز است. طبیعتاً در چنین وضعیتی به تقویت عوامل و زمینه‌های ارتباطدهنده کودکان و نوجوانان با مسجد در نماز مغرب و عشا باید توجه ویژه داشت).

همچنین با نیل به پیامدها لازم است ارتباط متناظری بین آن‌ها و عوامل و زمینه‌ها برقرار شود تا مشخص شود که کدام پیامدها و به چه میزان ناشی از کدام عوامل و زمینه‌ها هستند؟ که خروجی این بخش نیز در برنامه‌ریزی بسیار مفید و قابل استفاده خواهد بود.

گام دوم شاخص‌گذاری برای خروجی مراحل چهارگانه است. با این توضیح که هر آنچه از شناخت و استخراج اولویت‌ها در مراحل چهارگانه قبلی ذکر شد درواقع از طریق شاخص‌گذاری که در این مرحله ذکرمی‌شود، اتفاق می‌افتد.

گفتنی است شاخص یک مقوله کاملاً کمی و دقیق است که قابل تفسیر و تأثیل نیست ولذا در این مرحله و از طریق کار علمی، استنتاج می‌شود که مثلاً عوامل و زمینه‌هایی که در ۵۰ درصد ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان اثرگذار بوده‌اند و یا اینکه پیامدها و نتایجی که در ۴۰ درصد کودکان و نوجوانان مشهود است، جزء اولویت‌ها هستند و باید در برنامه‌ریزی موردنظر ویژه قرار گیرند.

همچنین یکی دیگر از نتایج و خروجی این گام نیل به «ترخ ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد» است که یک عنصر آماری بسیار مهم و تعیین‌کننده است. این کار تا به حال در کشور در موضوع مسجد و کودک و نوجوان صورت نگرفته و جای آن در تحقیقات و کارهای علمی در موضوع مسجد خالی است. این رقم یعنی نرخ مسجدی بودن کودکان و نوجوانان و نرخ ارتباط، با شناسایی کمیت و کیفیت ارتباط‌های متعدد کودکان و نوجوانان با مسجد - که در مرحله سوم گام قبلی به دست آمده است - و امتیازدهی‌های متفاوت به هر کدام از آن‌ها و نهایتاً محاسبات

ریاضی مشخصی که روی آن‌ها انجام می‌گیرد، مشخص می‌شود.

این نرخ وقتی سال بعد از آن نیز محاسبه شود، آن وقت ارزشمندی خود را در مقام مقایسه با سال قبل، بیش از پیش نشان می‌دهد، زیرا سازمان اقدام‌کننده را نسبت به پیشرفت یا پسرفت اقدامات صورت گرفته در مجموع سال در خصوص ارتباط



دادن کودکان و نوجوانان با مسجد آگاه می‌سازد. این نرخ به صورت استانی نیز می‌تواند محاسبه شود و بهتر نیز است که چنین باشد.

گام سوم تبیین وضع مطلوب است که بعد از مشخص شدن وضع موجود، نسبت به ترسیم وضع مطلوب ارتباط کودک و نوجوان با مسجد اقدام می‌شود.

لازم‌هست ترسیم وضع مطلوب وجود مأموریت سازمان مسجد در خصوص ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و تعریف آن است. مأموریت نهاد یا سازمان متولی مدیریت مسجد، چیزی است که بدان وسیله مقصود مدیریت مسجد در حوزه ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان از مقصود مدیریت‌های مشابه، متمایز می‌شود و درواقع بیان کننده فلسفه وجودی مدیریت مسجد در بخش کودکان و نوجوانان است.

برخلاف اهداف و راهبردها که می‌توان در طی زمان به آن دست یافت، هرگز نمی‌توان مأموریت را به طور کامل محقق ساخت. مأموریت مانند یک فانوس دریایی برای کار مدیریت مسجد در بخش کودکان و نوجوانان خواهد بود که پیوسته آن را دنبال می‌کند ولی هرگز به طور کامل به آن نمی‌رسد. باید توجه داشت که مأموریت مانند قطب‌نمایی است که مدیریت به وسیله آن بخش کودک و نوجوان مسجد را هدایت می‌کند.^۱

بعد از تعریف مأموریت سازمان، وضعیت مطلوب ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، با توجه به ظرفیت‌های موجود مالی و منابع انسانی و فرصت‌ها و تهدیدها، در دو قالب اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت ترسیم می‌شود.

از اهداف بلندمدت به آرمان‌ها و یا چشم‌انداز‌ها نیز تعبیر می‌شود که تعریف علمی آن‌ها بدین شرح است:

چشم‌انداز سازمان مسجد: منظور از چشم‌انداز آن است که در طول ۵ یا ۱۰ سال آینده می‌خواهیم سازمان مدیریت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد چگونه به نظر آید؟ چشم‌انداز در حقیقت یک دید واقع‌بینانه بر اساس چیزی است که می‌خواهیم به آن برسیم؛ در عین اینکه کاملاً عملی و ممکن نیز هست. توضیح و بیان این تصویر، معمولاً بسیار کوتاه و شامل جملات اندکی است. بعد از تدوین

۱. پل آرنون، ارزیابی متوازن-گام به گام (راهنمای طراحی و پیاده‌سازی)، ص ۱۰۳.

مأموریت در سازمان مدیریت کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، به چیزی نیاز داریم که نشان دهد بر اساس مأموریت و ارزش‌های تعریف شده، سازمان می‌خواهد در آینده به کجا برسد. درواقع چشم‌انداز همان چیزی است که حرکت از دنیا ایستای مأموریت و ارزش‌ها را به دنیای پویای راهبرد معنی می‌بخشد.

یک چشم‌انداز، تصویری است کلامی از آنچه سازمان قصد دارد نهایتاً به آن برسد که می‌تواند تصویر^۵، ۱۰ یا ۱۵ سال بعد باشد. این چشم‌انداز نباید غیرواقعی باشد بلکه باید تا آنجا که امکان دارد تصویری واقعی از موقعیت مطلوب را ارائه دهد و زمینه را برای تدوین راهبرد و اهداف فراهم سازد. یک چشم‌انداز قوی در سازمان مدیریت کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، چارچوب ذهنی مشترکی بین نیروهای فرهنگی فعال در آن ایجاد می‌کند که به آن‌ها در تصور آینده دور از ذهن سازمان کمک می‌کند. چشم‌انداز همواره تابعی از مأموریت و ارزش‌های سازمان است. چشم‌اندازی که بر پایه یک مأموریت نیست؛ به مثابه آرزومندی و خیال‌ورزی است که پایداری و دوامی نخواهد داشت.^۶

زمانی که کارکنان یک سازمان، یک چشم‌انداز را باور داشته باشند، تأثیر این باور به حدی خواهد بود که بتواند نیروی انگیزشی قابل توجهی را به وجود آورد. لذا می‌توانید چشم‌انداز سازمان را به عنوان یک عامل کلیدی تلقی کنید؛ زیرا چشم‌انداز سازمان، کanal ارتباطی است که دلایل وجودی سازمان را که در مأموریت منعکس شده است و ارزش‌هایی که بیانگر فرهنگ سازمان است با راهبردی که سازمان مدیریت کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، جهت دستیابی به آینده مطلوب به اجرا در می‌آورد، مرتبط می‌سازد. بدون وجود یک چشم‌انداز روشن و برانگیزاننده برای هدایت اقدامات همه عوامل فرهنگی سازمان، ممکن است درنهایت سازمان با نیروهای فرهنگی مواجه شود که اقدامات آن‌ها فاقد جهت‌گیری مناسب است و لذا سازمان نمی‌تواند از راهبرد اجرشده، حتی اگر بسیار خوب تعریف شده باشد، بهره‌ای ببرد.^۷

۱. همان، ۱۱۸.

۲. حسین پرکان، همان، ص ۶۴-۶۵.



آرمان‌ها:

مهم‌ترین نکته در تعریف آرمان‌ها، قابل اندازه‌گیری بودن آن‌هاست. تنها این‌گونه آرمان‌ها هستند که قابل برنامه‌ریزی بوده و سازمان متولی مسجد در دستیابی به آن‌ها امید موقیت دارد. این آرمان‌ها باید بر اساس شواهد آماری بنا شوند. بدون وجود دانش آماری از کل سیستم، آرمان‌ها صرفاً انعکاسی از تصورات مابینی بر تغییرات معجزه‌آسای سیستم در قالب شعارها، تشویق‌ها و سخت‌کاری‌های بی‌ثمر خواهند بود؛ تصوراتی که هرگز جامه عمل نپوشیده، به صورت همان شعار باقی خواهند ماند. آرمان‌ها باید کاملاً قابل تعریف، مشخص و قابل فهم باشند. همچنین باید سقف زمانی خاصی برای اتمام کار و رسیدن به آرمان در نظر گرفت. آرمان‌ها، برای برآورده شدن، به تعریف راه‌ها و روش‌های رسیدن به آن‌ها نیاز دارند. همچنین منابع لازم باید به طور دقیق تعیین گردند. اگر یک رابطه علت و معلولی مناسب بین آرمان تعیین شده و روش انتخاب شده برای رسیدن به آن یافت نشود، آن آرمان با این روش، ارزش سرمایه‌گذاری نخواهد داشت.

از آنجاکه قصد، پیشرفت و ارتقاء است، طبیعی است که آرمان‌ها تلاشی را برای برآورده شدن طلب می‌کنند؛ اما باید آن قدر از واقعیت دور باشند که دستیابی به آن‌ها، در نگاه همه مفهومی عبث تلقی گردد. تمام افراد، گروه‌های کاری و بخش‌های سازمان که بهنوعی با این آرمان سروکار دارند و از آن اثر می‌پذیرند، باید در جریان پیشرفت امر قرار گرفته، با آن درگیر شوند.^۱

و اما اهداف کوتاه‌مدت سازمان متولی مساجد کشور، در حقیقت همان پله‌های رسیدن به اهداف بلندمدت (آرمان‌ها و چشم‌انداز) هستند و تمام مواردی که در بالا مطرح شد، جزء خصوصیات آن‌ها نیز هست. با برآورده شدن این اهداف کوتاه‌مدت، به تدریج اهداف بلندمدت نیز به دست خواهند آمد.

گام چهارم، تعیین نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای سازمان مدیریت کننده مسجد در رسیدن به وضع مطلوب ارتباط کودک و نوجوان با مسجد است.

نقاط قوت: یک مشخصه داخلی سازمان مدیریت کننده مساجد است که برای

۱. مصطفی جعفری و همکاران، همان، ج ۱، ص ۴۵.

محقق شدن رسالت سازمان در خصوص ایجاد و تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد مؤثر است.

نقطه ضعف: یک مشخصه داخلی سازمان مدیریت کننده مساجد است که روی عملکرد آن تأثیر منفی دارد.

فرصت: یک حقیقت خارجی است که اگر از آن استفاده شود، برای محقق شدن رسالت سازمان مؤثر است یا می‌تواند مؤثر باشد.

تهدید: یک حقیقت بیرونی است که روی عملکرد سازمان اثر منفی دارد یا می‌تواند داشته باشد.^۱

تعیین نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها با استفاده از سطوح «آنالیز»^۲ سازمانی به شکل ذیل صورت می‌گیرد:

سطح ۱: فرآیند اولیه (انجام کار)

- آیا نیروی فرهنگی ماهر به تعداد کافی وجود دارد؟
- آیا فضای فیزیکی و امکانات لازم، مناسب و مطلوب هستند؟
- آیا وضعیت مالی مطلوب هست؟
- آیا دسترسی مناسب به اطلاعات و داده‌ها وجود دارد؟
- آیا سازمان محصولات یا خدماتی را که در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد باید عرضه نماید، عرضه می‌نماید؟
- آیا محصولات و خدمات عرضه شده به طور مطلوب نیازهای گروه هدف را برآورده می‌سازد؟
- آیا فرآیند کاربه نحو کارایی تنظیم شده است؟
- آیا کارشناسان فرهنگی مستقر در سازمان به نحو مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرند؟
- آیا فرآیند کار اثربخش است و منجر به تولید محصولات فرهنگی مرتبط و یا خدمات تسهیل کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد با کمیت و کیفیت خوب می‌شود؟

۱. ر. ک: حبیب جباری و سعید پور دولتی، PPT کارگاه آموزشی آنالیز SWOT، مرداد ۱۳۹۰. ۲ Analysis.



آیا روش کار مناسب است؟

- آیا همکاری و مشارکت مناسبی بین واحدها و کارکنان مختلف وجود دارد؟

سطح ۲: سازمان‌دهی

- آیا تقسیم وظایف و مسئولیت‌های نحو روش و اثربخشی انجام شده است؟
- آیا حمایت‌های اداری و پشتیبانی به نحو مناسب و مطلوبی انجام می‌گیرد؟
- آیا روش‌های کار به طور مطلوبی تعریف شده‌اند؟
- آیا روابط کارمندان با برگزاری امور اداری و مالی به طور مناسبی انجام می‌گیرد؟
- آیا یک سیستم پاداش مناسب برای حقوق و مزایای نیروهای فرهنگی وجود دارد؟
- آیا یک سیستم خوب پایش و ارزشیابی وجود دارد؟
- آیا یک رسالت روش‌نامه در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد که هدایت کننده سازمان باشد و به وسیله تمام افرادی که آثار مثبت این ارتباط شامل آن‌ها می‌شود، درک و پذیرفته شده باشد و وجود دارد؟
- آیا استراتژی سازمان روش واقع‌بینانه بوده و بر اساس رسالت سازمان تنظیم شده است؟
- آیا استراتژی سازمان تبدیل به یک برنامه و بودجه واقع‌بینانه شده است؟

سطح ۳: فرهنگ سازمانی

- رسالت سازمان تاچه حد توسط نیروی فرهنگی و کارشناسان فعال در مجموعه، تقسیم و مورد پذیرش واقع شده است؟
- آیا حساسیتی نسبت به قشر کودک و نوجوان و ارتقای وضعیت ارتباط آن‌ها با مسجد وجود دارد؟
- آیا تمایلی به یادگیری در نتیجه اشتباهات برنامه‌های گذشته از طریق پایش و ارزشیابی وجود دارد؟
- آیا تمایلی به ایجاد تغییرات وجود دارد؟

- آیا توجه کافی به عملکرد وجود دارد؟
- آیا تمايلی به پیروی از روش‌های کاری، قوانین و مقررات وجود دارد؟
- آیا تصمیم‌گیری مناسب وجود دارد؟ (دلایل روشن، به موقع و مداوم)
- آیا مشارکت و اطلاعات مناسب وجود دارد؟
- آیا توجه کافی به تفکر درازمدت (دوراندیشی) می‌شود؟
- آیا تعادل بین خطرپذیری و خطرگریزی وجود دارد؟
- آیا توجه کافی به پاسخگویی و شفافیت فعالیت‌های صورت گرفته وجود دارد؟
- آیا مدیریت از عملکرد کارشناسان فرهنگی مستقر در سازمان مدیریت کننده مساجد رضایت‌دارد؟
- آیا کارشناسان دل به کار می‌دهند؟
- آیا کارشناسان فرهنگی مستقر در سازمان مدیریت کننده مساجد احساس می‌کنند که کار درست انجام می‌دهند؟
- آیا کارشناسان از حقوق و مزايا و آینده کاری خود خشنود هستند؟
- آیا کارشناسان از عملکرد مدیریت رضایت‌دارند؟
- آیا اختلاف عمدی‌ای بین گروه‌های کارشناسان وجود دارد؟

سطح ۴: محیط

- آیا تقاضا برای محصولات فرهنگی تولید و عرضه شده و نیز خدمات تسهیل کننده ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد وجود دارد؟
- آیا خانواده‌های کودکان و نوجوانان و نیز مسئولان مساجد و در رأس آن‌ها امام جماعت از محصولات و خدمات موجود راضی هستند؟
- آیا سازمان وجهه عمومی خوبی دارد؟
- آیا تأمین کنندگان مالی از نتایج راضی هستند؟



- آیا رتباط با تأمین کنندگان مالی مطلوب و رضایت‌بخش است؟
- آیا قاب قوی با سایر عوامل محیطی هم عرض مسجد - که با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار می‌کنند وجود دارد؟
- آیا قبام حصولات یا خدمات بهتر از این نمایند؟
- آیا مکان بهبود یا برقراری همکاری مؤثر با برخی نهادهای رقیب هم راستا و هم هدف مانند مدرسه وجود دارد؟
- آیا سازمان قوانین و مقررات واضح و روشنی دارد؟^{۱۹}

۱۹. رک: حبیب جباری و سعید پور دولتی، همان.

بخش هشتم: خانواده و والدین

«الف: تبیین موضوع و ضرورت آن»

خانواده و به خصوص والدین، از سه طریق می‌تواند در ارتباط فرزندان کودک و نوجوان خود با مسجد تأثیرگذار باشند:

اول اینکه با دارا بودن ارزش‌ها و نگرش‌های متعالی و مثبت نسبت به نماز و مسجد، ارزش‌ها و نگرش‌های فرزندان را نیز از طریق آگاهی‌بخشی و معرفت‌دهی، جهت بدهد.

دوم اینکه با رفتار عملی خود مروج اقامه نماز و حضور در مسجد باشند؛ زیرا پدر و مادر به منزله مهم‌ترین و در دسترس‌ترین الگوهای عملی فرزندان به شمار می‌روند؛ لذا مشاهده نماز‌خواندن آن‌ها و رفتشان به نماز جماعت، تأثیر بسزایی در نماز‌خوان بودن و مسجدی شدن فرزندان دارد.

سوم هم این که والدین، در نماز‌خواندن و رفتن به مسجد، فرزندان را نیز با خود همراه سازند و آن‌ها را به صورت عملی با نماز و مسجد ارتباط دهند.

نحوه اثرگذاری خانواده از طریق اول و دوم که نتیجه‌اش همان نگرش‌سازی و



ارزش‌آفرینی است، در فصل قبلی و بخش مربوط به خانواده موردنرسی قرار گرفت و بُعد سوم تأثیرگذاری عملکرد خانواده بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد در این فصل موردنرسی قرار می‌گیرد. بر این اساس گفتنی است اولاً اغلب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری الگویی و رفتاری استوار است و ثانیاً اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری کانون خانواده است؛ زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف از خانه سرچشم می‌گیرد؛ بنابراین در رابطه با حضور کودکان و نوجوانان در نماز جماعت مسجد، عامل بودن خود والدین و تکریم و تعظیم عملی اقامه نماز و حضور به موقع آن‌ها و فرزندان در مسجد اثر مطلوب بیشتری در روح و جان کودک و نوجوان می‌گذارد تا توصیه‌های پی‌درپی و بدون عمل آنان. شرکت نوجوانان در نماز جماعت پیش از آنکه متأثر از اندرزها و سخنان و نظارت والدین باشد، معلول پذیرش رفتار آنان و همراه کردن فرزندان با خود در این راه است. خانواده‌ایی که با فضاسازی مناسب، امکان درک و یادگیری ارتباط با خدا را برای فرزندان فراهم می‌کنند و از طرفی کودکان و نوجوانان را همراه خویش در اماکن مذهبی حاضر می‌سازند، با ایجاد فضایی که فرزندان ترغیب و تشویق به نماز جماعت می‌شوند، باعث افزایش شرکت فرزندان خود در نماز جماعت می‌گردد.^۱ البته شایسته است که همراه بردن فرزند به مسجد با بار عاطفی مثبت همراه باشد تا خاطرات خوشایندی در ذهن او ایجاد کند.

۱. طالقانی و دیگران، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین، «مدیریت مسجد، تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی»، ص ۵۵-۸۰

« ب: وضع موجود

برحسب آنچه گفته شد، بررسی وضعیت ارتباط دادن فرزندان با مسجد توسط خانواده، از دو گام که در طول هم قرار دارند تشکیل می‌شود. این دو گام عبارت‌اند از:

- الف) وضعیت جذابیت و مطلوبیت ذهنی مسجد در اندیشه والدین
- ب) وضعیت ارتباط عملی والدین با مسجد

دلیل وجود این دو گام و تأثیرگذاری هر دو در ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد آن است که به هر میزان که مسجد برای والدین، جذابیت و مطلوبیت داشته باشد و به هر میزان که در ذهن و اندیشه والدین، این مطلوبیت، کم یا زیاد شود، به همان اندازه در ارتباط‌گیری آن‌ها با مسجد مؤثر واقع می‌افتد و به تبع، به دلیل نقش واسطه‌ای والدین در ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد، در میزان ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد تأثیرگذار می‌شود؛ بنابراین هم وضعیت جذابیت و مطلوبیت ذهنی مسجد در نگرش والدین و هم میزان ارتباط عمیق والدین با مسجد، در ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد تأثیر تام و تمام دارد با این تفاوت که یکی تأثیرش غیرمستقیم و دیگری مستقیم است. با این مقدمه به بررسی وضعیت هر کدام از دو مورد فوق می‌پردازیم.

۱. وضعیت جذابیت و مطلوبیت مسجد برای والدین

حقیقت آن است که وضعیت خوبی در این خصوص مشاهده نمی‌شود و هجمه فرهنگی سنگین غرب بر خانواده دین‌مدار ایرانی تأثیر گذاشته است. تهاجم فرهنگی غرب عمده‌اً از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی اینترنت و پتانسیل‌های موجود در آن صورت می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که نگرش و ارزش‌های افرادی که از تولیدات فرهنگی غربی در قالب ماهواره، اینترنت و بازی‌های ویدئویی استفاده می‌کنند، بهشدت تحت تأثیر قرار گرفته است و نسبت به مسائل مذهبی و از جمله نماز و مسجد، تأثیر منفی گذاشته است و شعائر دینی و نمادهای مذهبی همچون مسجد، آن جذبه و مطلوبیت ذهنی سابق را برایشان ندارد.



هم‌اکنون بنابر داده‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۷۱ درصد تهرانی‌ها از ماهواره استفاده می‌کنند و در آینده نزدیک نیز دو هزار شبکه ماهواره‌ای از طریق موبایل قابل دریافت خواهد بود. در تحلیل محتوای سریال‌های یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان یعنی فارسی‌وان، محورهای عمدۀ ذیل به چشم می‌خورد: متقادع کردن زنان به رسیدگی بیشتر به تن و ظاهر خود برای جلب توجه مردان. طرح سؤال و شبهه و تردید مکرر در مورد دیدگاه‌های افراد مقید به ازدواج و زندگی مشترک.

نمایش مکرر مشروب‌خواری و یاوه‌گویی‌های هنگام مستی و عادی‌سازی آوردن مشروب بر سر سفره.

عادی‌سازی رابطه‌های خارج از چهارچوب خانواده.

خیانت و عدم وفاداری مردان و زنان متأهل به همسران خود که بعضًا با نیت انتقام صورت می‌گیرد.^۱

همچنین در پروسه تهاجم فرهنگی، بخش اعظمی از ارزش‌ها و نگرش‌های القایی به ارزش‌ها و نگرش‌های فمینیستی تعلق دارد که بر اساس رویکردهای فمینیستی، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ستم‌آلود است که باید دگرگون شود.^۲ خانواده ترویجی غرب تحت تأثیر اندیشه‌ها و ارزش‌های جدید که بخشی از آن تبیین شد و نیز بر حسب اجراء و الزامات زندگی شهری ماشینی، کار همزمان زن و مرد را خارج از منزل فارغ از توجه به سلامت اخلاقی محیط‌های کاری، نه تنها به عنوان یک ارزش و هنجار بلکه به عنوان یک اجراء و اضطرار در سبک زندگی جدید، ترسیم و عملی نموده است؛ ثمرة چنین زندگی‌ای طبیعتاً در مرحله اول کاهش تعاملات عاطفی بین زوجین و واگذاشتن تربیت فرزندان به نهادهای اجتماعی و در قدم بعدی کاهش فرزندآوری به دلیل مشکلات و هزینه‌های زیاد آن از حیث نیاز به اختصاص وقت و نیز مزاحم دانستن آن نسبت به خوش‌گذرانی‌های زندگی مادی است. احیاناً در قدم‌های بعدی نیز باید منتظر کاهش ازدواج، افزایش

۱. نصرالله‌پور، نقش اول ۸۷ درصد سریال‌های فارسی‌وان «زن» است، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۹/۴، شماره: ۱۳۹۲۰۸۰۴۰۰۳۹۶.

۲. مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، ص ۱۷.

طلاق، سقط جنین عمدی و روابط فرازناشویی بود.

همه این‌ها را اضافه کنید به ورود سرسام آور رسانه‌ها به درون خانه و خصوصی‌ترین حریم خانواده‌ها که سبب شده تا همین ارتباط اندک باقی‌مانده خانواده‌ها نیز، روزبه‌روز کمتر از هر زمانی شده و حتی نبودن یکی از افراد خانه کمتر احساس شود و این به معنای بحران عاطفی و تجزیه شخصیتی است.^۱ در چنین خانواده‌ای اعضای خانواده به یکدیگر چندان کاری ندارند. پدر یکجا مشغول، مادر یکجا مشغول؛ نه هم‌دیگر را می‌بینند؛ نه برای هم غذا می‌پزند؛ نه برای هم محبتی و عاطفه‌ای نثار می‌کنند؛ نه از هم دلجویی می‌کنند؛ نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روان‌شناسان امور کودکان عمل کرده باشند، با هم قرار می‌گذارند تا در یک ساعت معینی پدر و مادر به خانه بیایند و یک محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع خانوادگی را که در یک خانواده سالم به طور طبیعی وجود دارد، این‌ها به صورت تصنیعی برای خود به وجود بیاورند.^۲ به راستی در چنین خانواده‌ای و با والدینی که چنین اندیشه‌هایی در سر می‌پرورانند، چقدر می‌توان انتظار نگاه مثبت نسبت به نماز و مسجد و مسجد رفتن خود و فرزندان کودک و نوجوان را داشت؟!

مگر امکان دارد قربانیان طلاق فقط زوجین باشد و بتوان فرزندان را از شمار قربانیان آن جدانمود! هم‌اکنون آمار نشان می‌دهد که در صدزیادی از نوجوانان برهکار، خانواده‌های متینج داشته و فرزند طلاق هستند. برخی از کودکان طلاق، به خاطر مشکلات مالی-خانوادگی وارد چرخه کار می‌شوند و در مواردی هم به خاطر تأثیر همسالان و دوستان خود به اعتیاد یا خردمندوشی مواد مخدر کشیده می‌شوند. نتیجه و جمع‌بندی وضع موجود از آنچه گفته شد، چیزی جز حرکت به سمت بی‌میلی نسبت به مسجد نیست؛ هر چند رویش‌های فراوانی نیز وجود دارد، لیکن با میزان ریزش‌ها برابری نمی‌کند. همچنین یکی دیگر از نتایج وضعیت حاضر، حرکت به سمت فردیت و لذت‌گرایی دلبخواهی در زندگی است که کاملاً در تضاد

۱. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۴.

۲. محمدجواد حاج علی‌اکبری، مطلع عشق، ص ۳۹.



با دین‌مداری و پذیرش ارزش‌های اخلاقی و وقت گذاشتن برای رفتارهای دینی همچون نماز جماعت یا همراهی و ایشار در فضای تعاملی خانواده است.

۲. وضعیت ارتباط والدین با نهاد مسجد

بر حسب داده‌های طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیرثبتی) در سال ۱۳۹۱ آگاهی‌های لازم مردم در خصوص نماز و مسجد و میزان ارتباط آنان با مسجد به شرح ذیل است:

۱-۱. میزان اطلاع از احکام نماز:

حدود ۴۲ درصد از ساکنان کلان‌شهرها بیان کرده‌اند که از احکام نماز «کاملاً» و ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از احکام نماز «تا حدودی» اطلاع دارند. حدود ۲ درصد از افراد نیز اعلام کرده‌اند که از احکام نماز «اصلًاً» اطلاع ندارند.
«افرادی که کاملاً از احکام نماز اطلاع دارند



۲-۲. میزان اطلاع از احکام نماز جماعت:

حدود ۲۵ درصد از مردم کلان‌شهرها اظهار کرده‌اند که از احکام نماز جماعت «کاملاً» و بیش از نیمی (۵۴ درصد) از پاسخ‌دهندگان از احکام نماز جماعت «تا حدودی» اطلاع دارند. حدود ۱۵ درصد از افراد نیز بیان کرده‌اند که «اصلًاً» از احکام نماز جماعت اطلاع ندارند.



« افرادی که کاملاً از احکام نماز جماعت اطلاع دارند »



۳-۲. میزان شرکت در نماز جماعت:

نماز صبح: نزدیک به ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان در کلان‌شهرها اعلام کردند که «تقریباً همیشه»، ۶ درصد اظهار کردند که «گاهی اوقات» و ۸ درصد گفته‌اند که «به‌ندرت» نماز صبح خود را به جماعت ادا می‌کنند. حدود ۶۲ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز عنوان کردند که «اصلًاً» نماز صبح خود را به جماعت ادا نمی‌کنند. حدود ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان ساکن در شهر مشهد، ۶۸ درصد از ساکنان شهر اصفهان، ۶۳ درصد از ساکنان شهر اهواز، ۶۰ درصد از ساکنان شهر شیراز، ۵۹ درصد از ساکنان هر یک از شهرهای قم و تهران، ۵۸ درصد از ساکنان شهر کرج و ۵۷ درصد از ساکنان شهر تبریز اظهار کردند که «اصلًاً» نماز صبح را به جماعت نمی‌خوانند.

نماز ظهر و عصر: حدود ۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در کلان‌شهرها اعلام کردند که «تقریباً همیشه»، ۱۸ درصد «گاهی اوقات» و ۱۱ درصد بیان کردند که «به‌ندرت» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا می‌کنند. حدود ۴۰ درصد از افراد نیز اظهار کردند که «اصلًاً» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا نمی‌کنند. حدود ۴۶ درصد از پاسخ‌دهندگان ساکن در هر یک از شهرهای مشهد و اهواز،



۴۵ درصد از ساکنان شهر اصفهان، ۴۱ درصد از ساکنان شهر شیراز، ۳۹ درصد از ساکنان شهر کرج، ۳۸ درصد از ساکنان شهر تهران، ۳۶ درصد از ساکنان شهر تبریز و ۲۹ درصد از ساکنان شهر قم اظهار کردند که «اصلًاً» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا نمی‌کنند.

نماز مغرب و عشا: در میان مردم کلان‌شهرها ۱۰ درصد گفته‌اند که «تقریباً همیشه»، ۱۹ درصد «گاهی اوقات» و ۱۲ درصد اعلام کرده‌اند که «به‌ندرت» نماز مغرب و عشای خود را به جماعت ادا می‌کنند. حدود ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز اظهار کردند که «اصلًاً» نماز مغرب و عشای خود را به جماعت ادا نمی‌کنند. حدود ۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان ساکن مشهد، ۳۹ درصد از ساکنان هر یک از شهرهای کرج و اصفهان، ۳۸ درصد از ساکنان هر یک از شهرهای تهران و اهواز، ۳۷ درصد از ساکنان شهر شیراز، ۲۹ درصد از ساکنان شهر تبریز و ۲۶ درصد از ساکنان شهر قم اظهار کردند که «اصلًاً» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا نمی‌کنند.

علی‌رغم اینکه این تحقیق میدانی از نوع پرسشنامه‌ای و سؤال مستقیم از مخاطبان بوده و آمارهای برآمده از آن نوعاً با واقعیت فاصله دارد و آمار بالاتر از حد واقعی را از لحاظ ارزشی و ایجابی نشان می‌دهد، ولی باز هم داده‌ها، نشان از کمی افراد حاضر‌شونده در نماز جماعت ظهر و مغرب دارد؛ بنابراین بررسی میزان ارتباط خانواده‌ها با مسجد که کودکان نیز ارتباطشان با مسجد از طریق آن‌ها حاصل می‌شود، وضعیت مناسبی را نشان نمی‌دهد.

موانع دیگر: غیر از آنچه گفته شد شاید بتوان دو عامل زیر را نیز جزء موانع حضور والدین و فرزندان در مسجد قلمداد نمود:

- ۱. همزمانی برنامه‌های رسانه و مسجد:** بسیاری از کسانی که در مراسم دینی مسجد شرکت نمی‌کنند، در پاسخ به این پرسش که چرا در مسجد حاضر نمی‌شوید می‌گویند: برنامه‌های تلویزیون از برنامه‌های مسجد محل پربارتر و بهتر است.^۱
- ۲. تراکم کاری:** امروزه بسیاری از شهرونشینان، بخش زیادی از وقت خود را در بیرون

۱. عسگر آرمون، علیرضا کامران، عبدالله اسدی، مساجد و جوانان؛ فرصت‌ها و تهدیدها، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰.

از خانه به سر می‌برند و به دلیل وجود گرفتاری‌های زندگی و نیازهای اقتصادی، ناچار بیش از یک شغل دارند. این تراکم کاری علاوه بر خستگی جسم، سبب کسالت و افسردگی روحی نیز می‌شود که برای رفع آن، فرد نیاز به استراحت دارد؛ یعنی بسیاری از شهروندان وقتی‌شان را به دو بخش تقسیم می‌کنند: قسمتی را در خارج از خانه برای کار و رفع نیازهای زندگی می‌گذرانند و باقی مانده آن را در خانه به استراحت می‌پردازنند. روزهای تعطیل نیز به استراحت، تفریح یا دیدار خویشاوندان می‌پردازند. در این شرایط جسمی و روحی، حوصله‌ای برای رفتن به مسجد و حضور در میان صفاتی نماز جماعت و شنیدن سخنان امام جماعت باقی نمی‌ماند؛ حضور در مسجد، به امنیت روانی و دست کم آمادگی جسمی و روحی نیاز دارد که گوناگونی کارها این آمادگی را از میان می‌برد.^۱

۱. ر. ک: فرحی، مجتبی، زندگی در آیینه اعتدال.



« ج: راهکارها »

مسیری که در بیان راهکارهای سایر عناصر پیموده شد، یک مسیر گام به گام علمی بوده که از معرفت‌بخشی و ارزش‌آفرینی در مورد ارتباط کودک و نوجوان با مسجد شروع می‌شد و آنگاه پس از طی راهکارهای فراهم‌سازی زمینه‌های تقنینی و نگاه علمی و تخصصی به موضوع، به رفتارسازی و نمادسازی منتهی می‌شد.

در اینجا از تکرار آن صرف‌نظر کرده و فقط به توضیح آن در سه سطح خرد و میانی و کلان بسنده می‌شود:

۱. سطح خرد

در این سطح لازم است ابتدائاً درخصوص نگرش و اندیشه والدین به عنوان عامل ارتباط‌دهنده فرزندان با مسجد، کار شود و از طرق مختلف، معرفت‌بخشی و ارزش‌آفرینی نسبت به این امر صورت گیرد که: ارتباط با نماز و مسجد جزء نیازهای بی‌بدیل روحی و روانی والدین و فرزندان و نیز عامل سعادت‌بخش اخروی است.

این کار جهت اینکه مشخص شود چگونه (با چه محتوایی و از چه طریقی) باید صورت گیرد، نیازمند تحقیقات علمی و تخصصی توسط صاحب‌نظران این حوزه است؛ در مرحله بعد نیز به منظور عملی سازی یافته‌ها، نیاز به ریل‌گذاری قانونی و بسترسازی از طریق تصویب قوانین لازم است. درنهایت نیز لازم است والدین به عنوان الگوی رفتاری و عملی، هم خود با نماز و مسجد ارتباط برقرار نمایند و هم فرزندان کودک و نوجوان خود را در این ارتباط‌گیری یاری و همراهی نمایند. بر این اساس برخی از پیشنهادهای اجرایی در این خصوص به شرح ذیل است:

۱-۱. آگاهی‌یابی و آگاهی‌دهی:

لازم است والدین از طرق مختلف نسبت به اخذ آگاهی‌ها و معارف دینی از جمله نماز و مسجد اقدام نمایند و از هرگونه کوتاهی در این خصوص دوری کنند، سپس معلومات لازم را به فراخور سن و استعداد فرزندان، به آن‌ها یاد دهنده و فرزندان را با معارف دینی و نماز و مسجد و ارزش‌های معنوی آشنا سازند.

۱-۲. آشناسازی عملی با نهاد مسجد:

والدین باید به شکل عملی، فرزندان خود را با نماد مسجد آشنا سازند که این کار از طرق مختلف می‌تواند صورت گیرد؛ برخی از موارد آن بدین شرح است:

۱. والدین سعی کنند در مناسبت‌ها به خصوص اعیاد و مراسم و جشن‌های اسلامی که مساجد دارای برنامه‌های شاد و جذاب‌تری می‌باشند، ضمن حضور خود، حتماً فرزندان خویش را نیز در این مراسم شرکت دهند تا خاطرات خوب برنامه‌های شاد مسجد، در ذهن فرزندان باقی بماند. یکی از دلایل عدم حضور خانواده‌ها گرفتاری‌های شغلی و نداشتن فرصت است؛ بنابراین حداقل شرکت در برنامه‌های اعیاد اسلامی که در ایام تعطیل است، جرقه‌هایی از آشنایی و انس را در فرزندان ایجاد می‌نماید و سبب می‌گردد تا فرزندان، نسبت به مساجد، بیگانه و ناآشنا باز نیایند. والدین می‌توانند حضور فرزندان را در برنامه‌های دینی، فرهنگی و فوق برنامه و همچنین فعالیت‌های حاشیه‌ای مسجد، تسهیل نمایند.

۲. با توجه به اینکه فرزندان در سنین نوجوانی و جوانی، غالباً محصل هستند و فصل تابستان فصل تعطیلی مدارس و اوقات فراغت محسوب می‌شود، والدین حتی المقدور تلاش کنند که در کلاس‌های غنی‌سازی اوقات فراغت مساجد، فرزندان را ثبت‌نام نمایند و اگر احیاناً به دلیل عدم امکان تشکیل بعضی از کلاس‌ها در مساجد (مانند رشته موسیقی) فرزندان را در مراکز دیگر ثبت‌نام می‌کنند، سعی نمایند حداقل، برای یک رشته و فعالیت هم که شده، آنان را در فعالیت و برنامه‌های مساجد شرکت دهند تا حلقه اتصال فرزندان با مساجد، گستته نشود.

۳. با توجه به اینکه امام جماعت بالاترین مقام را در مسجد دارد، بایسته است که والدین زمینه ارتباط دوستانه فرزندان، با امام جماعت را فراهم نمایند؛ حتی اگر این ارتباط، در حد یک مصافحه بعد از اقامه نماز جماعت باشد.

۴. والدین سعی نمایند در گردش و سفرهای تغريیحی و زیارتی، حتماً برنامه بازدید



از یک مسجد تاریخی یا اماکن مذهبی را که دارای برجستگی خاص بوده و مشهور و معروف است، [در برنامه سفر خود] بگنجانند.^۱

۱-۳. الگوی رفتاری بودن:

اگر اعضای خانواده بهویژه پدر و مادر، خود به مسجد بروند یا به رفت و آمد فرزندشان به مسجد توجه کنند، می‌توان انتظار داشت کودکان و نوجوانان با مسجد، میانه خوبی داشته باشند.^۲

۱-۴. تشویق فرزندان نمازخوان:

هر انسانی در برابر کاری که انجام می‌دهد، تشهیر تشویق است و تشویق، انسان را بهتر و ادار به کار کرده و باعث می‌شود کار را بهتر انجام دهد. این مطلب در بچه‌ها تأثیر بیشتری دارد و خوب است که فرزندان را در رابطه با تمام کارهای خوبی که انجام می‌دهند، مخصوصاً نماز، تشویق نماییم.^۳

۲. سطح میانی

در این سطح از نهادها و سازمان‌ها انتظار می‌رود نسبت به فراهم‌سازی زمینه‌ها و خلق بسترهای لازم، والدین را در ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد یاری نمایند. در این سطح مثلاً از نهاد مدرسه و انجمن اولیا و مریبیان انتظار می‌رود آموزش والدین را در ارتباط با اهتمام به امر نماز و نیز نحوه نمازخوان نمودن فرزندان، به نحو مطلوبی انجام دهند؛ آموزش‌هایی از قبیل:

- اهمیت نماز و مسئولیت والدین در قبال نماز فرزندان.
- آموزش شیوه‌های جذب فرزندان به نماز.
- بیان حقوق فرزندان بر والدین در خصوص تربیت آن‌ها.
- نقش الگویی والدین در ترغیب فرزندان به نماز.

۱. محمدعلی موظف رسمی، همان، ص ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲-۱۴۳.

۲. ظاهره سرچاهی، علی اکبری، بررسی راههای تقویت ارتباط و تعامل میان مسجد و جوانان، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰.

۳. محمد Mehdi Taj Lengrodi، نماز در خانواده، ص ۹۲.

- شیوه‌های تربیت دینی فرزندان.
- بیان آثار بی‌نمازی و پیامدهای نامطلوب آن.
- پیش‌قدم شدن والدین در امور عبادی به خصوص نماز.
- تحسین و تشویق فرزندان نمازگزار در جلوه‌گران.
- بیان فلسفه، آثار، فواید و اسرار نماز.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین نهادهایی که در این زمینه می‌توانند نقش ایفا نمایند عبارت باشند از:

- الف) مدرسه
- ب) رسانه‌های ملی
- ج) رسانه‌های مکتوب
- د) سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و در رأس آن‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۳. سطح کلان

در سطح کلان انتظار می‌رود که سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دولت منجر به یاری والدین در تقویت ارتباط فرزندانشان با مسجد باشد. سیاست‌گذاری‌ها باید به شکلی باشد که سبک زندگی مردم، آنقدر مملو از مشغله‌های ریز و درشت نباشد که والدین فرصت و امکان حضور در نماز جماعت مسجد را نداشته باشند یا فرصت و امکان فراغیری معارف و آموزش‌های لازم در این خصوص را از دست بدهنند.

همچنین عملکرد کلان دولت که به نام دولت اسلامی مزین شده است، باید در هیچ‌کدام از حوزه‌ها منجر به دلسُردي و انزجار از ديانَت و نمادهای ديانَت همچون مسجد و نماز بشود. شاید نيازی به گفتن نباشد ولی اين واقعیتی است که مشکلات اقتصادي، ناخودآگاه بر دیدگاه والدین نسبت به نماز و مسجد و دين تأثير می‌گذارد؛ فراهم نشدن نيازهای اوليه زندگی افراد و يا احساس بي عدالتى و



تبعیض در جامعه، تأثیر بسزایی در خالی شدن مساجد از والدین و درنتیجه خالی شدن مساجد از فرزندان کودک و نوجوان آن‌ها دارد.

چنین وضعیتی حتی در میزان رغبت والدین نسبت به فرآگیری معارف و آموزش‌ها، حتی در صورت فراهم شدن امکانات نیز اثرگذار خواهد بود؛ لذا دیده می‌شود که برخی والدین با اینکه به شبکه‌های تلویزیونی و برنامه‌های کم‌بیش آموزشی آن دسترسی دارند، لیکن چندان رغبتی به استفاده از آن نشان نمی‌دهند و بدتر اینکه بعضاً به سراغ شبکه‌های ماهواره‌ای می‌روند. بدون تردید بخشی از این رویکردها و رغبت‌های والدین به این یا آن، ناشی از عملکردهای کلان دولت اسلامی است که لازم است توجه ویژه به آن صورت گیرد.

البته به دلیل وجود شایعات تخریبی فراوان از عملکرد نظام -که بخش قابل توجهی از بدینه‌ها نیز ناشی از عدم اطلاع از واقعیات و ندیدن دست عامل بیگانه در پشت پرده بسیاری از کمبودها و ضعف‌هاست- لازم است در جهت شفافسازی و آگاهی دهی از مسائل کلان کشور و رو نمودن چهره شیطانی عوامل خارجی، اقدامات جدی صورت گیرد.



بخش نهم: مدرسه

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

یکی از عوامل مؤثر در مسجدی شدن نوجوانان، ایجاد هماهنگی و همکاری مثبت و سازنده بین مدرسه و مسجد است. پیوند و ارتباط نزدیک مدرسه و مسجد با یکدیگر درواقع پیوند استوانه‌های تربیت صحیح و منطقی است.

گفتنی است بحث از نقش مدرسه در خصوص موضوع کودک و نوجوان و مسجد در فصل پیش نیز مطرح شد لیکن آنچه در اینجا مطرح می‌شود متفاوت با مطالب قبلی است؛ فصل قبل در صدد بررسی عوامل و عناصری بود که در تصویرآفرینی مثبت از مسجد در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان نقش ایفا می‌کردند و جذابیت‌آفرینی داشتند، بدون اینکه لزوماً دانش‌آموزان را با خود مسجد ارتباط دهند؛ در فصل پیشین و در بخش مدرسه به محتوای کتب درسی از حیث نوع پرداختن به موضوعات دینی و مسجد و نیز به عملکرد معلمان آموزش و پرورش ازنظر الگوی رفتاری مناسب بودن برای کودکان و نوجوان و میزان توانایی آن‌ها در ارزش‌آفرینی از شعائر و نمادهای دینی از جمله مسجد پرداخته شد؛ لیکن در این فصل تمرکز



درخصوص عملکرد ارتباطدهندگی آن‌ها است و به این مسئله می‌پردازیم که برنامه‌های مدارس چقدر در جهت آشنایی عملی کودکان و نوجوانان با مسجد و عنصر کلیدی آن یعنی امام جماعت مؤثر است؟ این موضوع، موضوع بسیار مهمی است و پرداختن به آن کاملاً ضروری است به دلیل:

۱- آمادگی کودکان و نوجوانان در جذب و یادگیری:

کودکان و نوجوانان آمادگی دریافت بهتر و بیشتری برای مطالب علمی و دینی دارند؛ اگر شخصیت آنان در محیط نامناسبی شکل گیرد، اصلاح افکار و عقاید و اعمال آنان در بزرگ‌سالی، کار بسیار مشکلی خواهد بود. وقتی نهالی در زمین کاشته می‌شود، ممکن است با انواع آفات روبرو شود یا بر اثر تندبادها آسیب ببیند. حضور روحانی مانند همان تکیه‌گاه و عمودی است که در کنار نهال می‌گذارند تا او را از طوفان‌های سخت در امان نگه دارد.

۲- وجود دانش آموزان با تعداد بالا (كمیت):

در هیچ مؤسسه و آموزشگاهی حتی در مساجد نمی‌توان یکجا و حداقل ۲۰۰ تا ۵۰۰ نفر دانش آموز را به راحتی در کنار هم دید؛ اما در مدارس این امر به سهولت امکان‌پذیر است.

۳- حضور مستمر و روزانه و حداقل ۵ ساعت در روز (ظرفیت):

فقط مدارس هستند که چنین ظرفیت و توانایی را دارند که در ۵ تا ۶ روز از روزهای هفته دانش آموزان را در مدرسه جمع کنند. آن هم روزی حداقل چهار ساعت و نیم.^۱

۱. حسن آخوندپور، بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه، پورتال ستاد اقامه نماز صدا و سیما.

«ب: وضع موجود

علی‌رغم اینکه در بخشی از قانون برنامه سوم توسعه آمده است:

- «ماده ۱۶۳ - با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساخت‌وساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی، دستگاه‌های اجرایی موضوع این ماده موظف‌اند طی سال‌های اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

و - با هدف اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی محلات، روستاهای و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سازماندهی شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، اقدامات ذیل در سال‌های برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد:

۲ - تعریف فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و هنری مشترک مسجد و مدرسه در آیین‌نامه‌ها و مقررات بخش‌های آموزش، فرهنگ و هنر و تبلیغات اسلامی، تربیت‌بدنی و ورزش.»

ولی در عمل همکاری چندانی بین مدرسه و مسجد مشاهده نمی‌شود؛ نه مسجد و اهالی آن دست دوستی و همکاری به‌سوی مدارس دراز می‌کند و نه مدارس چندان رغبتی به ارتباط دادن دانش‌آموزان با مساجد دارد! البته این موضوع کلیت ندارد و هستند مدارسی که رویکرد کاملاً دینی دارند و تحت عنوان مدارس معارف اسلامی و غیر آن فعالیت می‌کنند و ضمن آنکه ارتباط وثیقی با مسجد دارند، در مناسبت‌های مختلف و حتی برای برگزاری نماز جماعت روزانه از وجود روحانی و امام جماعت بهره‌مند هستند؛ ولی این یک جریان نیست و عمومیت ندارد؛ بلکه آنچه نمود دارد و به منزله جریان اصلی این بخش قابل مشاهده است، بی‌توجهی به این ارتباط معنوی است!



در حال حاضر آنچه در مدارس اتفاق می‌افتد دو مقوله مهم زیر است:

« ۱- در اولویت بودن آموزش در مدارس:

اگرچه مدارس تحت پوشش سازمانی به نام «آموزش و پرورش» هستند، لکن ۸۰٪ فعالیتها و دغدغه‌های متولیان مدرسه در بحث آموزش متتمرکز است و باقی‌مانده به بحث ورزش، بهداشت و نهایتاً مسائل پرورشی و روحی دانش‌آموزان معطوف می‌شود؛ بنابراین توجه به پرورش که همان تربیت دینی و معرفت‌بخشی به کودکان و نوجوانان است بسیار کمنگ است. متأسفانه، حتی اولیای دانش‌آموزان و مطالبات آن‌ها نیز دچار چنین نگرشی شده‌اند. به عنوان مثال اگر یک هفته معلم و یا دبیر فارسی، علوم و یا عربی در کلاس حاضر نشود، حتی اگر معلم ورزش نداشته باشد، همه لب به اعتراض باز می‌کنند، از مراجعه به مدیر گرفته تا مراجعته به اداره آموزش و پرورش و حتی گاهی وزارت خانه. بعضی مواقع نامه می‌نویسند و پیگیر مسئله هستند و حتی گاهی کار به صدا و سیما و مطبوعات هم کشیده می‌شود. البته این حق آنان است که نگران وضع درسی فرزندان خود باشند؛ لکن بحث اینجاست که آیا این حساسیت و این احساس را در موارد دیگر نیز دارند؟ مثلاً اگر معلم دینی و قرآن نداشته باشند، اگر نماز جماعت در مدرسه برگزار نشود آیا باز هم این‌گونه دلسوز هستند؟!

« ۲- فقدان مسجد در برنامه تقسیم اوقات دانش‌آموزان:

اگر وقت دانش‌آموزان را به سه قسم تقسیم کنیم:

- وقتی برای خواب و استراحت
- وقتی برای حضور در مدرسه
- وقتی برای تفریح و یارسیدگی به امور بعد از مدرسه،

بنابراین عملاً بیشترین زمان یک دانش‌آموز مستقیم یا غیرمستقیم، مرتبط با

مراکز آموزشی است و عملاً وقت کمتری برای حضور در مساجد و ارتباط با مسجد خواهد داشت؛ لذا لازم است فضای مدرسه را مسجدی نمود و با پرداختن به اموری مانند ایجاد نمازخانه و برگزاری نماز جماعت و یا اینکه متولیان مساجد خصوصاً روحانیون در مراکز علمی حضور فعال داشته باشند آن خلاً معنوی پر شود.^۱

البته عوامل مختلفی دست به دست هم داده‌اند تا از حساسیت و اهتمام دینی معلمان و مدیریت مدارس کاسته شود؛ عامل اول وضعیت نامناسب معیشتی معلمان و کفاف نکردن حقوق برای نیازهای اولیه زندگی آن‌هاست؛ شرایط این عامل که هر روز بدتر از دیروز می‌شود و فشار اقتصادی برای آنان سنگین‌تر می‌شود، خواسته و ناخواسته در کمتر شدن اهتمام دینی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بخش کم شدن خودخواسته اهتمام دینی بدین علت است که فعالیت آن‌ها در زیر لوای دولت اسلامی صورت می‌گیرد و لذا نقصان در دریافتی‌ها منتبه به دولت می‌شود. در چنین وضعیتی شاید برخی افراد به مشکلات دولت و تحریم‌ها و خانواده بزرگ آموزش و پرورش و سایر عوامل توجه کنند و حتی در صورت علم به ضعف عملکردی دولتها، این مباحث را به موضوعات دینی و معنوی ارتباط ندهند، ولی در بخشی از افراد چنین نیست. در بخش ناخواسته نیز چنین می‌شود که وقتی دریافتی‌های آموزش و پرورش کفاف نمی‌کند، چاره‌ای جز روآوردن به شغل دوم و سوم نمی‌ماند -هرچند در نگاه دینی گنج‌های بزرگی همچون قناعت و ساده‌زیستی نیز برای جبران نقایص و کمبودهای مالی در زندگی وجود دارند ولی در عمل، کمتر به این گنج‌ها و سرمایه‌ها توجه می‌شود- نتیجه اینکه، تمام زندگی و فکر و ذهن معلم می‌شود تدریس و کار مضاعف و دیگر چه در بیرون از مدرسه و چه در داخل، توجه به مقوله نماز جماعت و نماز اول وقت و مانند این‌ها کمنگ شده و از اولویت‌های زندگی اش خارج می‌شود؛ چنین معلمی خواهانخواه، رفتار و گفتارش و نوع تفکر و ذهنياتش در تقلیل ارتباط دانش‌آموزان با مسجد اثرگذار می‌شود.

و اما مدیریت مدارس و قوانین بالادستی که باهم مرتبطند، در طول دو سه دهه اخیر

۱. همان.



به سمتی پیش رفته‌اند که مکمل و یاریگر هم‌دیگر در کم‌توجهی به مقوله تربیت و پرورش دینی دانش‌آموزان باشند. با این توضیح که روند گسترش غیرانتفاعی شدن مدارس و پولی شدن آن‌ها سبب شده تا آنچه مورد اهتمام مدیریت مدارس است و نیز اولین خواسته اولیای دانش‌آموزان از مدیران مدارس، آموزش علمی و تقویت مهارت‌های کسب نمره و قبولی در کنکور باشد و درنتیجه به شکل خودکار، توجه به مقوله تربیت دینی و آشنایی با معارفی همچون نماز از اولویت خارج شود. خصوصاً در فضای غیرانتفاعی که با هر چیزی کاسب‌کارانه برخورد می‌شود، از جا گرفته تازمان. لذا اختصاص فضا برای نمازخانه، وقت گذاشتن برای اقامه نماز جماعت در نمازخانه، اختصاص هزینه برای امام جماعت، اختصاص وقت برای بردن بچه‌ها به مسجد و نیز هزینه‌های بردن بچه‌ها به مسجد، همه در تضاد با مدیریت سوداگرانه حاکم بر مدارس غیرانتفاعی است.

به قطع و یقین می‌توان حتی این مدارس را الزام به خواسته‌های مدنظر در خصوص ارتباط دادن دانش‌آموزان با مساجد نمود؛ لیکن نه قوانین قاطعانه‌ای در این حوزه وجود دارد و نه نظارت کافی و مطلوبی!

یکی از نشریات معتبر کشور در نقد روند خصوصی‌سازی آموزش و پرورش می‌گوید: «مروری کوچک بر طرح‌ها و ایده‌های جهانی در امر «آموزش» نشان از آن دارد که ایده «جهانی‌سازی» جوامع با هدف تربیت نسلی مطیع و فرمان‌بردار سیستم لیبرال سرمایه‌داری، نیازمند «خصوصی شدن» و خروج داوطلبانه دولت و حاکمیت‌های مردمی از این حوزه پرمشتری است. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش از آموزه‌های نظام‌های لیبرالی و نئولیبرالی است که در آن تلاش می‌شود دخالت دولت در تمامی حوزه‌ها به حداقل کاهش یابد. حتی در غرب نیز متفکرین پرشماری پس از مشاهده عواقب این نوع تفکر در حوزه‌های عمومی همچون بهداشت و درمان و آموزش و پرورش، به موضع گیری علیه این دیدگاه‌ها پرداختند. آموزش و پرورش برای کاهش هزینه‌های خود در حال اجرای طرح خصوصی‌سازی مدارس دولتی است؛ در حالی که این موضوع در قانون ذکر نشده است؛ بلکه در قانون بحث خرید خدمات آموزشی از مدارس غیردولتی ذکر شده است اما آموزش و پرورش

هم اکنون مدرسه دولتی را با دانش آموز به موسسه بخش خصوصی واگذار کرده است. به نظر می‌رسد با ادامه مسیر مذکور و به دنبال کودتای خاموش در مسیر تغییر سیاست‌های کلی نظام در حوزه آموزش و پرورش، امکان تصحیح برخی از مسیرهای انحرافی ایجاد شده در حوزه حساس «تربیت نسل آینده» فراهم نگردد.^۱

۱. عباس علوی، روزنامه کیهان، «نقدی بر عملکرد دولت در خصوصی‌سازی نظام تعلیم و تربیت»، ۱۳۹۳/۱۱/۱۴، شماره ۹۸۶.



۱. راهکارهای عام

در این قسمت باید به دنبال راهکارهایی بود که اختصاص به مسجد و نماز ندارد بلکه توجه بدانها سبب تقویت ارتباط نهاد مدرسه و دانشآموزان کودک و نوجوان با مجموعه معارف دینی و نمادها و شعائر آن می‌شود که طبیعتاً یکی از آن موارد نیز نماز و مسجد است. همچنین خروجی اجرایی شدن راهکارهای اصلاحی در این بخش، نگاه بهتر به مقوله تربیت دینی و اهتمام لازم نسبت به آن خواهد شد که اهتمام به نماز و مسجد نیز بخشی از آن است.

در این قسمت رویکرد اصلی در ارائه راهکارها آن است که رجعتی دوباره به ماهیت آموزش و پرورش صورت گیرد و هدف فراموش شده تربیت، احیاء شود. لذا در این قسمت پیشنهاد می‌شود که:

امر معیشت معلمان مورد توجه جدی قرار گیرد.

تخصصی شدن آموزش و روند افزایش مدارس غیرانتفاعی با حضور افراد متخصص و دلسوز مورد بازنگری و بازندهیشی قرار گیرد.

قوانين قاطعی همراه با ضمانت اجرایی برای اهتمام مدارس به مقولات دینی و تربیتی دانشآموزان وضع گردد.

حمایت‌های مالی لازم برای هزینه کرد مدارس در مسائل تربیتی و دینی در نظر گرفته شود.

گزینش اخلاقی معلمان و استفاده از افراد متخلق به اخلاق اسلامی و معتقد به آرمان‌های انقلاب، مورد اهتمام باشد.

قدر و منزلت معلمان و مدیران اثرگذار در حوزه تربیت، پاس داشته شود. با تقدیر و تشویق مادی و معنوی درخور و تبیه افراد کم کار می‌توان زمینه بخشی از راهکارهای اصلاحی موردنیاز را فراهم کرد.

۲. راهکارهای اختصاصی نماز و مسجد

در این قسمت راهکارهایی ارائه می‌شوند که خروجی آن‌ها نسبت به ترویج عملی تمام معارف دین‌عام و فraigیر نیست بلکه صرفاً به نماز و مسجد اختصاص دارد و برونداد آن‌ها، تقویت ارتباط دانش‌آموزان با نماز و مسجد است.

این راهکارها خود بر دو نوع‌اند:

قسمت اول راهکارهایی مبنایی هستند که هدف آن‌ها تغییر رویکردها و جهت‌گیری‌ها است لذا نیاز به زمان زیاد دارند و بلندمدت‌اند؛ اما بخش دوم راهکارهایی به قول معروف دم‌دستی هستند که برای شرایط حال با تمام داشته‌ها و نداشته‌هایش تجویز می‌شوند؛ اجرای این راهکارها نیاز به زمان طولانی ندارد و همین‌الآن هم مدارس می‌توانند آن‌ها را عملی سازند؛ هدف از این راهکارها آن است که تا زمان تحقق راهکارهای اساسی و تغییر رویکردها، عرصهٔ خالی از برنامه‌های اثرگذار در این حوزه نباشد و ارتباط ضعیف فعلی، با این راهکارها حفظ شود.

۱-۱. راهکارهای بلندمدت مبنایی و اساسی

«۱-۱-۱. تقویت پشتونه علمی»

همچون سایر عناصر کلیدی در ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، در این مورد نیز لازم است نهاد مسجد، به شکل تخصصی و علمی و با تعریف سرفصل‌های مشخص دانشگاهی وارد کار شود و محققان و صاحب‌نظرانی را پرورش دهد که تخصصشان صرفاً در موضوع مسجد و همکاری مدرسه و مسجد باشد.

در حال حاضر چنین چیزی وجود ندارد لذا ضعف ادبیات کار و فقدان راهکارهای علمی مشخص به‌شدت محسوس است. اینکه برای ارتباط عملی کودکان و نوجوانان با مسجد، مدرسه چگونه می‌تواند ایفای نقش نماید، جای کار فراوان دارد. از تغییرات در سبک زندگی گرفته تا سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که باید در نهاد مدرسه عملی شوند. یا اینکه چه ضوابطی در ساخت و ساز مدارس یا اجاره آن‌ها از حیث امکان ارتباط با مساجد باید لحاظ شود، در جایی ذکر نشده و شاید



اصلًا فکرشن هم نشده است! چقدر جالب است که در کشورهای غربی، ضوابط مشخص و تخلفناپذیری در خصوص رعایت حریم مدارس وجود دارد؛ به طوری که مجوز هر حرفه و شغلی را در محدوده مشخصی از فاصله مدرسه نمی‌دهند و متقابلاً برخی دیگر از کاربری‌ها و مشاغل در آن محدوده اولویت دارند. یا در مورد استادیوم‌های ورزشی قوانین محکمی مبنی بر غیرقانونی بودن فروش مشروبات الکلی در نزدیکی آن‌ها وجود دارد؛ چون تماشاگران نوعاً احساسی و هیجانی هستند و استفاده از مشروبات الکلی در چنین حالی، اوضاع را کاملاً از کنترل خارج می‌کند؛ ولی متأسفانه چنین قوانین اولیه یا همسنخ آن‌ها برای ارتقای ارتباط مدرسه و مسجد مشاهده نمی‌شود!

بنابراین انتظار می‌رود محققان ژرفاندیش، راه کارهای ناظر به ساخت‌وساز، گذران اوقات فراغت و سایر موارد پیرامونی مدرسه را که می‌تواند در ارتباط‌گیری نهاد مدرسه با مسجد مؤثر باشد موردنمود توجه قرار دهند. همچنین سیاست‌گذاری‌ها در جهت اقدامات لازم در برنامه مدارس برای آشنایی دانشآموزان با مسجد و برقراری ارتباط آن‌ها با مسجد موردنظری قرار گیرند. حتی برنامه‌ریزی به منظور برگزاری دوره‌های آموزش مسئولان مربوطه مدرسه برای نحوه ارتباط‌دهی کودکان و نوجوانان با مساجد، می‌تواند کارساز باشد که این مسئله نیازمند تحقیق و بررسی علمی است.

« ۲-۱-۲. قوانین حمایت‌کننده باضمانت اجرایی و حمایت مالی:

بعد از تحقیقات علمی نیاز به نظام‌مندسازی و ایجاد چارچوب‌های گریزنای‌پذیر قانونی برای عملی شدن آن‌هاست تا آنچه در مرحله نظری به اثبات رسیده در مرحله عمل نیز محقق شود.

این قوانین لازم است که

● اولاً ضمانات اجرایی قوی‌ای داشته باشند.

● ثانیاً از حمایت‌های مادی و معنوی لازم برخوردار باشند.

- ثالثاً نظارت مداوم بر حسن اجرای آنها وجود داشته باشد.

۲-۲. راهکارهای کوتاه مدت برای وضعیت پیش رو

۲-۲-۱. افزایش کارکردهای مسجد به تناسب زمان

مسجد همواره در طول تاریخ بر حسب نیازهای زمان خود کارکردهای متنوع و گسترهای غیر از کارکرد عبادی داشته است و به هر شکلی که می‌توانست و نیاز بود تا در خدمت دین و تربیت دینی باشد، حضور داشته است. در زمان حاضر نیز که یکی از نیازهای عمدۀ تربیت دینی کودکان و نوجوانان است. این زمینه مشکلاتی وجود دارد. بهره‌گیری از ظرفیت مسجد و سوق دادن کارکردهای آن به سمت مسجدی کردن کودکان و نوجوانان و تربیت دینی آنان یک ضرورت است لذا به عنوان چند پیشنهاد می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:

مسجد محل برگزاری کلاس‌های درس: کودکان، نوجوانان و جوانان را می‌توان بنا به دوره تحصیلی آنان، به گروه‌های درسی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تقسیم نمود و برای هر دوره مسئولی از خود جوانان توسط امام جماعت انتخاب نمود تا برای هر دوره، کلاس‌های دروس مدرسه‌ای آنان برگزار گردد. در این روش می‌توان برای تدریس از افراد رده بالاتر تحصیلی استفاده نمود؛ به‌طوری‌که نوجوانان راهنمایی که زرنگ‌تر هستند و یا جوانان دبیرستانی باستعداد به دوره ابتدایی تدریس کنند و جوانان دبیرستانی زرنگ و باهوش، تدریس دوره راهنمایی را به عهده گیرند و دانشجویان نیز تدریس دروس تخصصی‌تر دوره دبیرستان را مقبل شوند. در این حال همه آنان نسبت به هم احساس مسئولیت نموده و همه خود را در مسجد فعال و مسئول کاری خواهند دانست. البته لازم است تا با استفاده از معلمان با تجربه کلاس‌های کنکور نیز در مساجد برگزار گردد.

برگزاری کلاس‌های درس در مساجد هم اعتماد خانواده‌ها را جلب خواهد کرد و هم سبب می‌گردد تا یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های جوانان که تحصیل است در مساجد باشد.



مسجد محل آموزش ابزارهای فناوری روز: جوانان امروز به ابزارهای فناوری روز همچون بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی علاقهٔ فراوان دارند و بر کسی پوشیده نیست که دنیای امروز بدون تصور فعالیت‌های فضای مجازی و سرگرمی‌های جدید بسیار دشوار است و از طرفی این ابزارها به وسیله‌ای بسیار گستردگی برای به انحراف کشیدن جوانان تبدیل شده است. از این‌رو لازم است تا چندین رایانه‌با مسئولان مشخص در هر مسجد موجود باشد - که البته مسئولان آن را امام جماعت مسجد مشخص می‌کند- تا جوانان در مساجد چگونگی به کارگیری آن‌ها را یاد بگیرند و در آنجا بتوانند از این ابزارها استفاده بهینه کردن را بیاموزند. با این کار یکی از نیازهای جوانان امروز در مساجد تأمین می‌گردد و موجبات کاهش انحراف جوانان از این طریق را فراهم می‌آورد.^۱

مسجد مکان آموزش‌های دینی و قرآنی: می‌توان کلاس‌هایی به صورت حساب‌شده برای تدریس قرآن، احکام و امور اعتقادی برای دوره‌های سنی مختلف در مساجد ترتیب داد و ضمن برنامه‌های دیگر، معارف دینی و تربیتی را به جوانان آموخت و برای آنان برنامه‌های دعا و هم‌خوانی و نظایر آن را به فراخور نیاز آنان اجرا کرد. مسجد محل برگزاری مسابقات علمی: با توجه به اینکه دروس مختلف در مساجد تدریس می‌شود، لازم است برای ایجاد رقابت بین دوره‌های تحصیلی مختلف مسابقات علمی برگزار گردد و از این طریق ضمن ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان هر دوره توان علمی خود را محک بزنند. برگزاری مسابقات علمی شایسته است به‌طور دائمی و در فواصل زمانی معقول صورت پذیرد. علاوه بر مسابقات علمی، می‌توان مسابقات حفظ و قرائت و مفاهیم قرآن نیز به فراخور سن برای هر دوره برگزار کرد؛ همچنین برگزاری مسابقات احکام و اصول اعتقادی در دوره‌های طولانی‌تر ولی دائم لازم به نظر می‌رسد.

۱. رحمت‌الله دانش میر کهن، چگونگی جذب پایدار جوانان به مساجد، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۱.



مسجد محلی برای برنامه اردوهای تفریحی: در هر مسجد تدوین برنامه‌هایی برای اعزام کودکان و نوجوانان به اردوهای تفریحی می‌تواند موجبات شادی کودکان و نوجوانان را فراهم سازد. هزینه این اردوها را می‌توان از خود آن‌ها گرفت. تفریح و سرگرمی و جست‌و‌خیز از نیازهای جدایی‌ناپذیر دوره کودکی و نوجوانی است و نادیده گرفتن آن می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به روح و روان کودکان و نوجوانان وارد سازد؛ مضاف بر اینکه تأمین تفریح می‌تواند شادابی کودکان و نوجوانان را حفظ کند.^۱

« ۲-۲. برگزاری نماز در مدرسه »

یکی از مسئولیت‌های مهم مریبان مدارس، آماده کردن محیطی مناسب برای برگزاری نماز است که باید دارای این ویژگی‌ها باشد: فضای نمازخانه با تعداد دانش‌آموزان مناسب داشته باشد، نمازخانه مدرسه جذاب‌ترین مکان مدرسه باشد، مفروش باشد، محراب داشته باشد؛ تهیه وسایل رفاهی نماز مثل دمپایی، سرویس بهداشتی، قفسه، جاکفسی، جامهری و امکانات گرمایشی در چنین محیطی می‌تواند جاذبه لازم را برای دانش‌آموزان داشته باشد.

حضور مسئولان مدرسه و معلمان همراه دانش‌آموزان در نماز دانش‌آموزی بسیار تأثیرگذار و ضروری است.^۲

« ۲-۳. حضور عناصر الگویی مسجد در مدرسه »

اعزام روحانی جوان توسط مسجد محله برای اقامه نماز جماعت در مدارس موجود محله و در صورت عدم حضور ائمه جماعات، به میزان کافی، حداقل هفت‌های یا ماهی یکبار یکی از برنامه‌هایی است که برای آشنایی دانش‌آموزان با الگوهای دینی و مذهبی محله ضروری است؛ امام جماعت مسجد، باید در مدارس نزدیک،

۱. همان.

۲. علیرضا خرازایی، نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاقی جامعه، مجموعه مقالات برگزیده همایش معلم، فرهنگ و توسعه، ص ۱۵.



به تناوب نماز جماعت اقامه نماید.^۱

« ۴-۲-۲. حضور عناصر الگویی مدرسه در مسجد »

دانشآموزی که از معلم خود معرفت دینی کسب کرده و توسط او معرفتش را تبدیل به باور قلبی نموده، حالا به معلمش به عنوان یک الگونگاه می‌کند تا مانند او رفتارش را در چارچوب اعتقاداتش قرار دهد. اگر ببیند معلمش دقیقاً به آنچه گفته عمل می‌کند، این دانشآموز نیز در اعتقاداتش پابرجا می‌ماند و سعی می‌کند رفتارش را منطبق با اعتقاداتش نماید.^۲

حضور معلم همراه با دانشآموزان در نماز جمعه و جماعت در خارج از محیط مدرسه به صورت دسته‌جمعی، همچنین شرکت در اعیاد دینی مثل عید فطر و قربان و مراسم شب‌های قدر در علاقه‌مندی دانشآموزان به نماز و مسجد و تثبیت عقاید اسلامی مؤثر است.

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۶۷.

۲. بتول فتاحی بافقی، نقش معلم در تربیت دینی دانشآموزان، پورتال سازمان مدارس معارف اسلامی، ۱۳۹۰/۹/۸.

نتیجه فصل

بررسی عوامل نه گانه این فصل که عمدتاً از عناصر کلیدی درون مسجد بودند نشان می دهد که در بخشی از آن ها به دلیل فقدان سامانه آماری ملی با اداده های معتبر در موضوع مسجد، نمی توان در خصوص وضعیت نقش آفرینی آن ها در ایجاد و یا تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد اظهار نظر کرد؛ هرچند از طریق بررسی فرایندها و علل و عوامل هر کدام، شواهد و قرائتی حاصل شده است ولی به هر حال این شواهد و قرائتی در حد و اندازه ای که بتواند مبنای اقدام و برنامه ریزی باشد نیستند. در بخشی نیز که آمار در دسترس بود، باز مشکل به گونه ای دیگر خودنمایی می کند؛ زیرا آمارها یا به روز نبودند و عمدتاً مربوط به یک یا دو دهه پیش بودند - هرچند آمارهای موردی از وضعیت امروز نیز موجود بود - یا جامع و فراگیر نبودند و صرفاً به بخشی از قضیه پرداخته اند و یا تفصیلی نبودند و به اجمال مسئله پرداخته اند. لذا بخش تبیین وضع موجود در عوامل موربد بحث با اینکه شمایی کلی از وضعیت را به مخاطب ارائه می دهد، لیکن نمی تواند مبنای برنامه راهبردی کوتاه و بلندمدت باشد. بر این اساس در راهکارهای هر بخش به نوعی بر مسئله تقویت پشتوانه پژوهشی و تحقیقی بر حسب مورد و نیز ایجاد سامانه آماری ملی با توضیح داده های موردنیاز، تأکید شده است.

بر این اساس پیشنهاد می شود:

۱. مسئولان نهاد مسجد، تقویت پشتوانه پژوهشی و ایجاد رشته های دانشگاهی و پژوهشگاهی در موضوع مسجد را به منظور تربیت محققان و صاحب نظران زبده در موضوع نماز و مسجد، جزء مطالبات جدی و اقدامات اولویت دار خود قرار دهند. بسیاری از موضوعات در کشور ما و نیز در همه جای دنیا وجود دارند که نه اهمیتشان مانند مسجد است، نه کارکرد و نتایج فردی و اجتماعی مسجد را دارند، نه میزان مخاطبان آن ها - آن هم به شکل حضوری - به اندازه مسجد است و نه رسالت سنگینی همچون مسجد خصوصاً در این برهه حساس از تاریخ پس شکل گیری انقلاب اسلامی بر عهده دارند و نه این همه مرکز دایر در تمام کشور



با این گستردگی و پراکندگی شگفت‌انگیز دارند، ولی رشته‌های متعدد دانشگاهی را به خود اختصاص داده‌اند!

این کار همچنین پشتوانه روانی بسیار خوبی نیز برای نهاد مسجد خواهد بود تا در مطالبه‌گری مالی و اقدام لازم برای جذب حمایت‌های مالی موردنیاز برای ساخت و تجهیز مساجد و نیز فعالیت‌های فرهنگی از جمله ارتباط کودکان و نوجوانان با مساجد، موفق عمل نماید و با پشت سر گذاشتن مرحله اول راه - که همان تحقیق و پژوهش است - به شکل جدی و دانشگاهی، مسئولان را در گام‌های بعدی این مسیر یعنی تقنین و حمایت‌های مالی و سایر مسائل به همراه شدن با نهاد مسجد مجاب نماید.

۲. لازم است برای مدتی هر چند اندک از حوزه نظر و تئوری فاصله گرفت و بیشتر به مباحث عملی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد پرداخته شود؛ آن‌هم به دو دلیل:

دلیل اول اینکه بخش عمدات از مباحث نظری مبتنی بر واقع نیستند و بر پایه واقعیاتی که برآمده از داده‌های متقن باشد صورت نمی‌گیرند؛ بلکه صرفاً بارش فکری محققان دغدغه‌مندی هستند که به کلیات ابعاد قضیه می‌پردازند و لذا نمی‌توانند معطوف به اقدام عملی باشند.

دلیل دوم اینکه بین مباحث نظری و مباحث راهبردی اقدام‌گرانه و عملیاتی، به‌هیچ‌وجه تعادل حجمی وجود ندارد؛ حال آنکه مباحث نظری و عملی باید در حالت طبیعی مکمل هم‌دیگر و رافع نیازهای یکدیگر باشند و در رفت و بازگشت از نظر به عمل و از عمل به نظر، مباحث کامل‌تر و شفاف‌تر شوند.

این وضعیت وصف شخصی شبیه است که مدام دور استخراج می‌گردد و در خصوص استخر و مزایا و راهکارهای یادگرفتن شنا و نجات از خطرات غرق شدن و مانند این‌ها نظریه‌پردازی می‌کند و حاضر نیست یکبار وارد آب شود و ببیند چقدر گفته‌هایش با واقع تطابق دارد. یا اینکه کدام‌یک از گفته‌هایش مهم‌تر هستند و لازم است در اولویت پردازش قرار گیرد. و نیز کجاها بحث را بیراهه رفته و نیاز به

حذف یا اصلاح دارد و در چه مواردی نظریه‌هایش متقن و صواب بوده است.

۳. راهکارهایی که در فصل سوم و بخش مدیریت کلان نهاد مسجد ارائه شد، علاوه بر آنکه بسیار اساسی و کلیدی و لازمه هرگونه مدیریت سازماندهی شده در نهاد مسجد است، عمومیت نیز دارند و می‌توانند به عنوان نقشه راه اقدام عملی برای سایر عوامل و بخش‌ها مطرح شده و مورد استفاده قرار گیرند. این راهکارها به جنبه‌های مدیریتی کار ناظر هستند که در تمام بخش‌ها به نوعی با مدیریت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد مواجه هستیم و تلاش‌ها در جهت ارتقای آن صورت می‌گیرد.



چکیده فصل سوم

بعد از نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی، طبیعتاً آنچه اتفاق می‌افتد مرحله عملی ساختن نگرش‌ها و ارزش‌های است که در اینجا عبارت است از رفتن کودکان و نوجوانان به مسجد و ارتباط فیزیکی داشتن با آن.

در این فصل به بررسی عوامل ارتباط کودک و نوجوان با مسجد در دو حوزه پرداخته می‌شود: حوزه خارج از مسجد که عوامل موجود در آن بیشتر در «ایجاد» ارتباط نقش بازی می‌کنند و عبارت‌اند از خانواده، مدرسه و خود مسجد؛ و حوزه داخل مسجد که عوامل مربوط به آن، بیشتر در «تقویت» ارتباط، ایفای نقش می‌کنند؛ این عوامل عبارت‌اند از: امام جماعت، خادم مسجد، نمازگزاران، کانون فرهنگی مسجد، هیئت‌امنا و مدیریت کلان مسجد.

«دسترسی به مسجد»

از جمله عناصر و عوامل عمدۀ و پایه‌ای در برقراری ارتباط بین کودک و نوجوان با نهاد مسجد، وجود مسجد مجهر و آماده - از حیث امکانات موردنیاز برای جذب کودکان و نوجوانان - والبته در دسترس کودکان و نوجوانان است؛ به‌طوری که در صورت فراهم شدن زمینه‌های دیگر و رفع موانع فکری و عینی، خانواده و والدین کودک و نوجوان بتوانند از چنین مسجدی برای فرزند خود بهره ببرند و گزنه تمام عناصر و عوامل بعدی که در بخش‌های آتی ذکر خواهند شد، در صورت بی‌توجهی به این عامل، عقیم و ناقص خواهند بود؛

هرچند ممکن است برخی عوامل و عناصر همچون امام جماعت یا خادم از حیث ارزشی و میزان تأثیر بر جذب و ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان، دارای تقدم رتبگی نسبت به مسجد باشند، ولی از حیث وجودی، بی‌گمان وجود مسجد مجهر در دسترس، مقدم بر تمام عوامل است.

در قدم اول و به‌منظور شکل‌دهی به ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، باید قبل از هر چیزی به فکر ایجاد مسجد با امکانات سخت‌افزاری موردنیاز کودک و نوجوان بود.

« آمار مساجد:

آمارهای دقیقی به شکل تخصصی از میزان وجود انواع مساجد در کشور وجود ندارد و نیز از مساجدی که قابلیت و توانایی و امکانات لازم را برای جذب و برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان دارند آماری منتشر نشده است؛ ولی برخی آمارهای کلی که متأسفانه به روز نیستند، وجود دارند. در شرایط فعلی که نهاد مسجد با نقصان شدید در حوزه آماری مواجه است، چاره‌ای جز تمسمک به این آمارهای هرچند کلی و غیرروزآمد نیست.

رونده مسجدسازی در شهرها در مقایسه با تغییرات جمعیتی در بازه زمانی مذکور، یک روند منفی و رو به کاهش را نشان می‌دهد. از طرفی با افزایش مشکلات اقتصادی و نیز عدم اقدام قابل ملاحظه در امر مسجدسازی، روند ساخت و ساز نیز به نظر می‌رسد نزولی تر از قبل باشد.

مسجد در سال‌های قبل، اماکن مقدسی بودند که نمازگزاران می‌توانستند تا پاسی از شب در آن به عبادت بپردازند؛ ولی امروزه هرچند تلاش شده تا از بار قدادست این اماکن کم نشود، اما شرایط اجتماعی و امنیتی بر عملکرد و مدیریت این اماکن تأثیر گذاشته و درنتیجه، مساجد تنها در ساعات اذان ظهر و مغرب و البته برخی هم هنگام اذان صبح آماده پذیرایی از نمازگزارانند.

« پشتونه تحقیقاتی:

هم‌اکنون تحقیقات و پژوهش‌های وزینی در حوزه کودک و نوجوان و مسجد به‌طوری که شرایط مسجد مطلوب و بهینه برای کودک و نوجوان را به لحاظ نظری و تئوریک، بررسی کنند وجود ندارد و یا بسیار اندک و تقریباً ضعیف هستند؛ خصوصاً که این گونه پژوهش‌ها به کلی گویی پرداخته‌اند و به صورت تفصیلی برای مکان‌های مختلف، این کار را انجام نداده‌اند.

سامانه آماری مسجد از نیازهای اصلی و اجتناب‌ناپذیر برای انجام کارهای حساب‌شده در حوزه نماز و مسجد است؛ و گرنه وقتی وضع موجود مشخص نباشد، نقاط قوت و ضعف و خلاه‌ها و کمبودها و نیز رشددها و ارتقاها مشخص نباشد، چگونه می‌توان



برای نیل به وضع مطلوب برنامه‌ریزی کرد؟! و آیا اقدام در چنین وضعیتی، مصادق تیر در تاریکی افکنند نخواهد بود؟

نواقص آماری در این حوزه آن قدر عمیق و زیادند که اصلًا بحث به نیازهای آماری کودک و نوجوان و مسجد نمی‌رسد؛ زیرا داده‌ها برای اولیات و ضروریات نیز کفايت نمی‌کند. در این حوزه آمارهای منسجم و متوالی به شکل معتبر و رسمی از وضعیت دسترسی به مسجد و میزان مساجد در دسترس برای عموم مردم (بنابراین این فرض که زمان مطلوب دسترسی به مسجد استخراج شده باشد) وجود ندارد و مشخص نیست که چه تعداد از مساجد نیازهای عموم مردم و نه اختصاصاً کودک و نوجوان را از حیث دسترسی به مسجد برآورده می‌سازند؛ بلکه یکسری آمارهای کلی و بعضًا متناقض، صرفاً از تعداد مساجد موجود در کشور و از طریق نهادهای مختلف منتشرشده که رقمی بین ۵۰ هزار تا ۹۰ هزار مسجد در آن‌ها قابل مشاهده است.

« قوانین حمایت از مسجد:

رویکرد قوانین موجود چه در حوزه ساخت و چه در حوزه مکان‌یابی منفعلانه است و صرفاً نظر به رفع آسیب‌ها و نواقص در این حوزه دارند؛ به‌طوری که با اندکی تعمق در قوانین موجود این برداشت حاصل می‌شود که اکثریت نزدیک به تمام قوانین برای شهرک‌های تازه‌تأسیس، مراکز درمانی، جاده‌های بین‌راهنی و مانند آن است که موضوع نماز و مسجد را مورد کم‌لطفي قرار داده‌اند و فلسفه وضع این قوانین، ملزم ساختن آن‌ها و مسئولینشان به در نظر گرفتن مکانی مناسب برای نماز خواندن است؛ و سخنی از محیط عام جامعه و مساجدی که در این‌ها هستند و فعالیت می‌کنند به میان نیامده است.

در حال حاضر همه انواع مساجد به‌طور یکسان مورد حمایت قانونی قرار گرفته است و حال آنکه مساجد بر حسب جایگاه‌های مختلف، نیازهای سخت‌افزاری متفاوت دارند و درنتیجه به حمایت‌های قانونی کمتر و بیشتر نیازمندند. ضمن آنکه با توجه به موضوع این تحقیق، امکانات مسجد مطلوب برای کودکان و نوجوانان متفاوت با

مسجد در شکل عام آن است که در این قوانین به حمایت‌های قانونی لازم برای مرتفع ساختن این نیازها در مساجد، توجهی نشده است. حقیقت آن است که نه قوانین حمایت‌کننده در بخش مالی و نه کمک‌های مالی عینی صورت گرفته، در حد و اندازه نیازهای مالی در حوزه مسجد و مسجدسازی نیست و فاصله زیادی بین آن دو وجود دارد.

به نظر می‌رسد اگر دولت‌های جمهوری اسلامی به فکر تربیت اسلامی نسل کودک و نوجوان و ارتباط اخلاقی و عاطفی آن‌ها با نهاد مسجد هستند، باید قدم‌های بزرگ‌تر را در حمایت‌های مادی و معنوی از مساجد بردارند و در ساماندهی به مساجدی که امکانات جاذبه‌آفرین برای نسل کودک و نوجوان دارد و ارتباط وثیق با آن‌ها برقرار می‌نماید کوشش و فعال و پیگیر باشند و گرنه با صرف وضع قوانینی چند، آن هم ناقص و بدون پشتونه مالی، کار به جایی نخواهد رسید. مسجدی که جذب کودک و نوجوان و تقویت ارتباط با او را به عنوان بخشی از رسالت و هدف فعالیت‌های خویش قرار داده است، طبیعتاً باید امکانات سخت‌افزاری موردنیاز این ارتباط را هم فراهم نماید.

« امام جماعت:

امام جماعت یا روحانی مسجد مهم‌ترین نقش را هم در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد و هم در جذب نوجوانان به مسجد دارد و درواقع در موضوع تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، هرچند وجود مسجد در دسترس، تقدم رتبه‌ای بر سایر عناصر و عوامل دارد، لیکن به لحاظ میزان تأثیر، عنصر و عامل امام جماعت، تقدم ارزشی و ماهوی بر سایر عناصر دارد و هیچ‌کدام از عناصر و عوامل دیگر مانند امام جماعت نمی‌توانند در به وجود آوردن ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و خصوصاً در تقویت آن تأثیر گذار باشند.

امام جماعت می‌تواند هم در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان با این کانون معنویت و هم در جذب آن‌ها به مسجد نقش ایفا کند؛ بدین‌صورت که عملکرد و رفتار مناسب امام جماعت با مأمورین که طبیعتاً بخشی از آن‌ها را والدین کودکان و



نوجوانان تشکیل می‌دهند، سبب خواهد شد تا آن‌ها حضور پرنگی در مسجد داشته باشند که این وضعیت ناخودآگاه به حضور تبعی کودکان و نوجوانان نیز منجر خواهد شد و این موضوع در مورد سایر عوامل و عناصر مسجد نیز مطرح است که عملکرد صحیح و رفتار مناسب آن‌ها با نمازگزاران و بزرگسالان و جذب آن‌ها به مسجد، به شکل غیرمستقیم، سبب تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد خواهد شد؛ اصل ارتباطگیری کودکان و نوجوانان تا حد زیادی تابع ارتباط والدین با مسجد است و هر آنچه از فرهنگ و سبک زندگی و اقتصاد و سیاست، بر حضور خود والدین در مسجد، تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد، همان نحو از تأثیر، به ارتباط فرزندان - کودکان و نوجوانان - با مسجد نیز منتقل می‌شود. نقش اثرگذار دیگر امام جماعت، از حیث رفتاری با خود کودکان و نوجوانان حاضر در مسجد است که می‌تواند در جذب و دفع آن‌ها و چه بسا برحسب جایگاهی که روحانیت دارد و نماد دین و دین داری به شمار می‌رود، در تصویرآفرینی مثبت و یا احیاناً منفی نسبت به اصل دین و دین داری تأثیرگذار باشد. بر این اساس انتظار می‌رود که به موازات فراهم نمودن مسجد در تمام نقاط کشور برای نمازگزاران، امامان جماعت مطلوب و مناسبی رانیز برای مساجد در نظر بگیرند. امامانی که ویژگی‌ها و شرایط لازم برای جذب کودکان و نوجوانان را هم داشته باشند.

از اینکه عملکرد امامان جماعت چقدر برای عموم مردم و یا کودکان و نوجوانان مفید است و چه میزان از امامان جماعت قابلیت‌های لازم را در این خصوص دارا هستند؟ آماری وجود ندارد و ظاهراً کاری در این حوزه صورت نگرفته است؛ موقیت امامان جماعت در ارتباط دادن مردم و کودکان و نوجوانان با مسجد، در نگاه کلان، نیازمند آموزش برنامه‌ریزی شده و نظاممند آن‌هاست. این آموزش‌ها باید علاوه بر بدء خدمت در ضمن خدمت نیز باشد و همواره برحسب نیازسنجی‌های دقیق، مهم‌ترین آموزش‌های موردنیاز، در اولین فرصت برای امامان جماعت عرضه گردد. (مانند فراغیری جدیدترین و تأثیرگذارترین روش‌های تبلیغی، آموزش مقابله با جدیدترین شباهات دینی، روش‌های مقابله با آسیب‌های اجتماعی نوپدید و متقابلاً روش‌های تبلیغ، ترویج و بالنده نمودن جدیدترین رویش‌های نگرشی،



ارزشی، رفتاری و نمادی اسلام و انقلاب) ضمن اینکه در کنار آموزش‌های رسمی، ارتباط با اساتید آموزش‌دهنده، ارتباط امامان جماعت با همدیگر و در میان گذاردن تجربیاتشان بسیار می‌تواند راهگشا باشد و لازم است نهادهای مسئول در این مورد، خصوصاً با توجه به فراگیر و سهل‌الوصول شدن ابزارهای ارتباطی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقدام لازم را انجام دهد.

در حال حاضر در اصل وجود امام جماعت در مساجد و تأمین نیروی انسانی کافی در این خصوص مشکل اساسی وجود دارد ولذا در موارد فقدان امام جماعت، اصلاً جای این موارد نباید باشد که امام جماعت لابد باید فلان شرایط و ویژگی‌ها را داشته باشد تا بتواند به عنوان امام جماعت منصوب شود! آری؛ یکسری شرایط هستند که اصل هستند که در رساله‌های احکام نیز بدان‌ها اشاره شده است؛ مانند با تقویت بودن، مرتكب گناه کبیره نشدن و امثال این‌ها. این موارد لازم است مورد توجه باشد؛ لیکن بحث از اندوخته‌های علمی و فرهنگی و مانند آن، الزامات عارضی هستند؛ بدین معنی که وظیفه اولیه و بالذات امام جماعت این است که ضمن رعایت تقویت اخلاق، نماز جماعت را اقامه نماید و نگذارد این امر خطیر که واجد برکات و مزایای مستقیم و غیرمستقیم فراوان است تعطیل شود و از طریق برپایی نماز جماعت، سبب شود تا بخشی ولو اندک از زمان و اوقات فراغت خانواده‌ها و کودکان و نوجوان در کانون آرامش و معنویت یعنی مسجد سپری شود. سخت‌گیری بیش از حد در مورد شرایط فرعی و سخن فراوان در این خصوص، عملأ کار را به سمت تقلیل کمی اقامه نماز جماعت سوق می‌دهد؛

« خادمان مساجد: »

تمام ضعف‌هایی که در مورد سایر عناصر کلیدی مسجد وجود دارد باید شکل مضاعف آن را در مورد خادمان تصور نماییم؛ شاید عمدت‌ترین مشکل در این زمینه، فقدان فرهنگ نگاه مناسب به موضوع خادمی مسجد باشد. نگاهی که برای همه واضح است و نیازی به تبیین آن نیست. باید با تغییر نگرش‌ها در این خصوص، برای جایگاه ارزشمند خادمی مساجد



ارزش آفرینی نمود. باید مسئولین مربوطه و هیئت‌امنای مساجد به عنوان الگوهای رفتاری در این زمینه، رفتاری ارزش‌آفرین با خدام مساجد داشته باشند.

اما این تمام راه حل در این محور نیست؛ بلکه بخش بعدی آن، نگاه علمی و سیستماتیک داشتن به این موضوع است. برای این کار لازم است عملًا موضوع خادم مسجد به عنوان یکی از موضوعات راهبردی ارتقای مساجد در نظر گرفته شود و با مواجهه کاملاً علمی و تخصصی با مسئله خصوصاً از حیث حمایت‌های قانونی مادی و معنوی لازم و آموزش نحوه ارتباط خادم با کودکان و نوجوانان، به منظور ارتقای نقش خادم مسجد به جایگاه شایسته و بایسته‌اش به رفع موانع و فراهم‌سازی اقتضایات و زمینه‌های لازم اقدام شود.

پس از آشنایی مسئولان و هیئت‌امنای مساجد با نقش تأثیرگذار خادم و جایگاه ویژه‌وی در تقویت ارتباط مأموریت و خصوصاً کودکان و نوجوانان با مسجد، لازم است سه اقدام ویژه را در این خصوص انجام دهنده:

الف: اول این که در انتخاب و گزینش خادم مسجد، ملاک‌های فرهنگی و تربیتی و مهارت‌های ارتباطی شخص را کاملاً مدنظر قرار دهند و صرفاً ملاک‌های سنتی را که بیشتر ناظر به ویژگی‌های فیزیکی خادم مسجد است لحاظ ننمایند.

ب: دوم این که صرفاً به اندوخته‌ها و داشته‌های قبلی خادمان مساجد اکتفا ننمایند و بلکه قبل از اینکه خادم وارد کار شود، وی را به فرآگیری آموزش‌های تخصصی لازم به شرطی که به شکل استاندارد و مشخص وجود داشته باشد و نهاد ارائه‌کننده آن موجود باشد - الزام نمایند. آموزش‌هایی همچون نحوه مواجهه با شلوغی‌ها و خرابکاری‌های کودکان و نوجوانان و مهارت دوست شدن با کودک و نوجوان و تقویت ارتباط آنان با مسجد و معارف مسجدی.

ج: سوم این که به دوره‌های آموزشی بدو خدمت نیز اکتفا نشود؛ بلکه در بازه‌های زمانی مشخص و با لحاظ نمودن شأن والای خادمان، دوره‌های آموزشی حضوری و

غیرحضوری برایشان در نظر گرفته شود.

« نمازگزاران:

نمازگزاران و مأمورین، نقش بسزایی در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد دارند؛ نمازگزاران و مأمورین با عملکرد مناسبشان، هم می‌توانند مانع حضور و ارتباط نباشند و هم اینکه مشوق باشند. با این توضیح که بخشی از عملکرد مثبت نمازگزاران و مأمورین مربوط به صبر و خویشتن داری شان در برابر آزار و اذیت‌های ناشی از حضور کودکان و نوجوانان در مسجد است که در صورت بی‌صبری و اعتراض‌های زیاد، بی‌تردید در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان و نیز ارتباط‌دهی کودکان و نوجوانان توسط والدین با مسجد، تأثیر منفی خواهد گذاشت؛ اما بخش دوم رفتارها که متعالی تر از بخش اول است رفتارهایی است که ضمن صبر نشان دادن، متنضم تشویق و ترغیب به حضور کودکان و نوجوانان از طریق گشاده‌رویی و رفتارهایی مانند آن است. این اخلاق پیامبر گونه از نمازگزاران و مأمورین، سبب می‌شود تا تصویر جذاب و مناسبی از مسجد در ذهن و دل کودک نوجوان نقش بیندد و نسبت به حضور در مسجد و تقویت ارتباط خود با آن، رغبت بیشتری پیدا کند؛ همچنین والدین نیز رغبت بیشتری به ارتباط دادن و فراهم آوردن زمینه‌های حضور فرزندان در مسجد، پیدا می‌کنند.

در همه حوزه‌های مربوط به موضوع «نقش نمازگزاران و مأمورین در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد»، با کمبود و نقص شدید اطلاعات و آمار متقن مواجه هستیم که لازم است به صورت جدی نسبت به رفع و اصلاح آن‌ها اقدام شود. اولین قدم در موضوع نمازگزاران، تولید علم در این زمینه و البته به شکل کامل‌آ تخصصی است؛ بدین معنی که لازم است با سوق دادن بخشی از تحقیقات و پژوهش‌های مسجد به موضوع تأثیر نمازگزاران در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد، اقدامات عملکردی موردنیاز، تبیین و مشخص شوند.

باید مشخص شود که کدام رویکردهای رفتاری و گفتاری نمازگزاران چه نقش مثبت و منفی را در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان به جا می‌گذارند؛ همچنین باید به



لحاظ علمی نحوه مواجهه مناسب نمازگزاران با رفتارهای کودکانه و اشتباه کودکان و نوجوانان مشخص شود؛ حتی راهکارهای تصحیح و تلطیف اقدامات تذکرگونه و منع برخی رفتارهای کودکان و نوجوانان تبیین شود.

در این مسیر علاوه بر متون غنی و گهربار احادیث موجود که میراث گران قدر شیعه از امامان معصوم خویش است، بهره‌گیری از علوم روز همچون روان‌شناسی رشد و تربیت کودک، یک ضرورت است.

« کانون‌های فرهنگی هنری مساجد:

تعداد کانون‌ها بر حسب آنچه اعلام شده در حد مطلوبی است؛ بدین معنی که به اهداف چشم‌انداز کوتاه‌مدت خود که نیل به پوشش ۲۵ درصدی مساجد (حدود ۲۰ هزار مسجد) از کانون‌ها در پایان برنامه پنجم بوده، تقریباً نائل شده و بر حسب آمار منتشر شده از طرف نهادهای رسمی این آمار به رقم ۱۹ هزار کانون در اسفند ۱۳۹۳ رسیده است. البته هنوز به هدف نهایی و بلندمدت پوشش سراسری مساجد نرسیده و مساجد زیادی (تقریباً سه‌چهارم از آن‌ها) بدون کانون هستند.

تعداد اندکی از کانون‌ها دارای فعالیت رتبه ۱ و ۲ هستند و بخش قابل توجهی از آن‌ها در رتبه‌های پایین فعالیتی قرار دارند. این موضوع زمانی حائز اهمیت می‌شود که متوجه شویم بر حسب اظهارات مسئولان، حتی همه کانون‌های دایر شده فعال نیستند و بلکه برخی از آن‌ها که آمار دقیقشان در دست نیست، نیمه فعال و یا راکد هستند؛ به حال امیدواریم هدف و اولویت، نام‌گذاری محلی در مساجد تحت عنوان کانون بهمنظور نیل به چشم‌انداز رقمی اعلام شده، بدون توجه به کیفیت و محتوای فعالیت کانون‌ها نباشد.

پژوهش‌ها و تحقیقاتی که در حوزه کانون‌های مساجد صورت می‌گیرد، بسیار ضعیف و غیرواقع‌نمای هستند؛ تحقیقاتی هستند که علاوه بر رنج بردن از وضعیت کمی، ضعف محتوای کیفی نیز دارند.

این تحقیقات توسط افرادی که صاحب‌نظر در حوزه مسجد و فرهنگ باشند و تحصیلات دانشگاهی خود را به‌طور تخصصی در این رشته‌ها گذرانده باشند



نوشته‌نشده است؛ بلکه صرفاً توسط افراد دغدغه‌مندی که البته با کلیت حوزه فرهنگ و مسجد نیز آشنایی دارند به نگارش درآمده‌اند؛ لذا خروجی کار آن‌ها نظاممند و برآمده از تحقیقات مبنایی و وضعیت‌سننجی‌های دقیق و علمی نیست و حاصل بارش فکری نویسندگان در این زمینه است.

حمایت‌های مالی صرفاً در مرحله تأسیس و راهاندازی کانون‌ها تعریف نمی‌شود بلکه این تازه قدم اول راهی است که قسمت عمده هزینه‌هایش هنوز شروع نشده و نیازمند حمایت‌های به مراتب بیشتر در گام‌های بعدی است؛ بدین معنی که در گام بعدی که کانون شروع به فعالیت نمود، فعالیت‌های فرهنگی آن نوعاً نیازمند صرف هزینه‌های مادی است و به قول معروف «بی‌مایه فتیرند»؛

با توجه به اهمیت گستردگی فعالیت‌های مسجد و ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی، امروزه مساجد بدون داشتن برخی از امکانات مادی و سخت‌افزاری اولیه نمی‌توانند با نهادهای به‌ظاهر فرهنگی رقیب رقابت کنند.

« هیئت‌امنای مساجد:

هیئت‌امنای مسجد نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود روابط کودک و نوجوان با مسجد و یا احياناً تضعیف آن دارد. هیئت‌امنا از چند طریق می‌تواند در این روند تأثیرگذار باشد:

اول از این حیث که متولی مسجد است و لذا نوع رفتار و مواجهه‌اش با مهمانان که همان نمازگزاران‌اند بسیار تعیین‌کننده است؛ خصوصاً اگر مهمان از نوع کودک و نوجوان باشد و چندان نتواند تمایز قائل شود بین رفتار هیئت‌امنا با خوب یا بد بودن اصل مسجد که در چنین حالتی رفتارهای تشویق‌کننده و مثبت هیئت‌امنا سبب ایجاد تصویر مثبت از دین و نهاد مسجد در اذهان کودکان و نوجوانان خواهد شد و احیاناً رفتارهای منفی و بازدارنده سبب گریز کودک و نوجوان از مسجد و مسجدی خواهد شد.

دوم اینکه نوع رفتار هیئت‌امنا با کودکان و نوجوانان، در جهت‌گیری رفتاری والدین آن‌ها نیز تعیین‌کننده است؛ رفتار با متناسب و صبورانه هیئت‌امنا سبب



دلگرمی والدین نسبت به حضور خود همراه با فرزندان در نماز جماعت و سایر فعالیتهای مسجد خواهد شد و متقابلاً مواجهه نامناسب با فرزندان، به شکل غیرمستقیم در حضور والدین و نیز فرزندانشان تأثیرگذار خواهد بود؛ اما وجه سوم به عملکرد مدیریتی هیئت‌امنا مرتبط است؛ بیشترین نقش اعضای هیئت‌امنا از حیث مدیریت امور مسجد و تأثیر غیرمستقیم بر فرایندهاست. هیئت‌امنا با إعمال مدیریت در انتخاب امام جماعت و فعال نمودن کانون‌های هنری و فرهنگی مساجد و در نظر گرفتن فضاهای سخت‌افزاری لازم برای کودکان و نوجوانان، اهداف و رسالت‌های مسجد را به شکل غیرمستقیم به سرانجام می‌رساند و لذا نقش دیگر هیئت‌امنا نقش مدیریتی بر تمام ارکان مسجد و نظارت بر نحوه عملکرد آن‌ها و احیاناً إعمال تغییرات و اصلاحات در روندها و عملکردهاست که نقشی بسیار عمدۀ در منظومه نقش‌ها و عملکردهای نهاد مسجد است.

« سیاست‌گذاری و مدیریت نهاد مسجد »

با توجه به نقش بی‌بدیل نهاد مسجد در فرهنگ مردم و تربیت دینی آن‌ها، نوع سیاست‌گذاری و تعیین راهبردها برای این نهاد، کاملاً مهم ارزیابی می‌شود؛ به‌طوری که کمترین تغییرات در این عرصه، خروجی‌های بسیار متفاوت و تأثیرگذاری را از خود بر جای خواهد گذاشت. بنابراین در نگاه کلان، باید مدیریتی قوی و سازماندهی شده بر تمام مساجد را شاهد بود که هماهنگ‌کننده آن‌ها با همدیگر و ارتقا دهنده فعالیتهای مساجد خصوصاً در حوزه ارتباط‌گیری با نسل کودک و نوجوان و جذب آن‌ها به نهاد مسجد باشد.

موفقیت در این راه صرفاً در اخلاص و تعهد صرف نیست؛ موفقیت به منزله پرندۀ است که دو بال قدرتمند دارد دو بالی که وجود هر دو لازم است و هر کدام بدون دیگری، کارایی خود را از دست خواهد داد و به حداقل‌ها خواهد رسید؛ این دو بال عبارت‌اند از تعهد و تخصص.

تخصص در مانحن فیه چیزی جز انجام کار حساب‌شده علمی نیست؛ لذا باید برای تمام نیازهای امروز و آینده نهاد مسجد در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های



آن در حوزه کودکان و نوجوانان با برنامه وارد شد و از هرگونه تقدیرگرایی و توکیل مصرانه امور به خداوند اجتناب نمود. باید در ضمن ملازمت تقوا و اخلاص، هر آنچه از دست بر می آید و هر فکر و اندیشه‌ای که لازم است به کار آنداخته شود و از هر تجربه و نظر ارزشمندی استفاده نمود. به خصوص در شرایطی که رقبای هم عرض مسجد که بر کودک و نوجوان اثرگذار هستند، به شکل کاملاً حرفه‌ای و حساب شده مطابق با جدیدترین روش‌های مدیریتی روز وارد کارشده و اقدام می‌کنند؛ رقبایی همچون بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان و مروجان عرفان‌های کاذب و انحرافی.

اگر فعالیت‌ها منسجم و ذیل مدیریت واحد باشد، مکمل هم‌دیگر خواهند بود و ضمن رفع موازی کاری‌ها، حوزه‌های مغفول مانده نیز مشخص و پوشش داده خواهند شد.

قوانین حضور فعال در عرصه فرهنگ، به طور چشمگیری تغییر کرده‌اند. برای رسیدن به موفقیت، مدیران دیگر نمی‌توانند کارها را آن‌گونه که همیشه انجام می‌داده‌اند، انجام دهند. درنتیجه یک مدیر موفق به یک سلاح قدرتمند جهت مقابله با این محیط پویا نیاز دارد. مدیریت راهبردی، یک برنامه جهت هدایت سازمانی که تلاش می‌کند بینش‌ها، مأموریت‌ها، اهداف و آرمان‌های خود را به عمل درآورد، خلق کرده، آن را از انحراف از خواسته‌ها و آرمان‌ها بازمی‌دارد. مدیریت راهبردی، یک طرح برای هماهنگ کردن توانمندی‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدهای محیط ارائه می‌دهد.

مدیریت راهبردی ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و تقویت آن، مستلزم پیمودن گام‌هایی چند است که لازم است نهاد و سازمان متولی مسجد به آن‌ها توجه داشته باشد.



نتیجه‌گیری

شاید بتوان از تمام مباحث طرح شده در این کتاب دو نتیجه کلی را اخذ نمود: دنیا متحول شده و مسجد به عنوان جایگاه تعلیمی و تربیتی در فرایند آموزش و تربیت خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان دچار چالش‌های جدیدی شده است. نهادها و عوامل محیطی زیادی هم‌عرض مسجد بروز و ظهور پیداکرده‌اند و هر کدام به‌نوعی در فرآیند نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان، به‌گونه‌ای فعال عمل می‌کنند.

وضع موجود عملکرد این عوامل و نیز راهکارهای اقدام مناسب در مواجهه با نقش تربیتی و فرهنگ‌سازی آن‌ها به شکل مبسوط در فصل دوم این پژوهش گفته شده است.

جهت‌گیری فرهنگی عوامل مذکور عمدتاً معیوب و بعض‌اً ضدفرهنگی است؛ به‌طوری که خروجی آن عوامل، نه تنها رغبتی در کودک و نوجوان به مقوله نماز و مسجد ایجاد نمی‌کند، بلکه چه‌بسا فاصله، دوری و تنفر نیز به وجود می‌آورد. ضمن اینکه نباید از نقاط مثبت عملکرد برخی عوامل مانند بخشی از برنامه‌های مسجدی رسانه‌ملی و برنامه‌های کارتونی آن و نیز بخشی از محتوای کتب آموزش و پرورش غافل بود.

این وضعیت که کلیت آن به فاصله گرفتن کودکان و نوجوانان از مسجد منجر شده، با فعال شدن نهاد مسجد به عنوان سنگر اسلام و انقلاب و اقدام متقابل آن همراه شده است و لذا در همین راستا بعد از انقلاب، تحقیقات بی‌شماری در موضوع مسجد و ارتباطش با کودک و نوجوان انجام شده است؛ در این پژوهش‌ها به نقش عناصری همچون امام جماعت و هیئت‌امنا و خادم و نمازگزاران در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد به شکل وسیعی -البته صرفاً در حوزه نظری- پرداخته شد و بخشی از تحقیقات به این سمت سوق داده شد؛ در مواردی نیز محتوای برخی عوامل محیطی مانند رسانه‌ملی و آموزش و پرورش به کمک مسجد آمدند تا کودکان و نوجوانان را با مسجد ارتباط دهند؛ در کنار همه این‌ها به منظور تقویت محتوا و بخشیدن روح و جان به مساجد، راهاندازی کانون‌های فرهنگی در مساجد

آغاز شد تا پس از مسجدی شدن کودک و نوجوان، تغذیه فرهنگی مناسب نیز -که از اهداف اصلی و عمده آوردن کودک و نوجوان به مسجد بود- صورت گیرد. لیکن همه این مراحل با مشکلاتی همراه بود؛ مهم‌تر از همه اینکه عمده کارها به صورت علمی و نظاممند و بر اساس یک مدیریت صحیح و نگاه بلندمدت انجام نمی‌شد و لذا عوامل درون مسجد(که در فصل سوم این تحقیق معرفی شدند) توفیق شایسته و بایسته خود را در ارتباط دادن کودک و نوجوان با مسجد کسب نکردند؛ اگرچه این گفته به معنی درنظر نگرفتن اقدامات ارزشمند انجام شده همچون راهاندازی ۲۰ هزار کانون فرهنگی مسجد در طول ۲۰ سال اخیر نیست. نظر نگارنده در مقام جمع‌بندی این است که برحسب هجمه فرهنگی بی‌امان دشمن که بعد از انقلاب صورت گرفت و به دلیل کم‌کاری و یا ضعف سایر نهادهای فرهنگی، بخش قابل توجهی از مسئولیت مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن، به عهده نهاد مسجد گذاشته شد؛ نهادی که همپای سایر عوامل محیطی، به روز نشده بود و همچنان در گیرودار نگاه سنتی و با کمترین امکانات لازم برای مقابله به سر می‌برد؛ لذا با اینکه از ظرفیت بالایی در حوزه ساخت‌افزاری برخوردار بود (با صرف نظر از برخی مشکلات در همین زمینه) در بخش نرم‌افزاری در حد و اندازه‌ای که باید می‌بود، نمی‌توانست ظاهر شود که اقداماتی در راستای توجه به مباحث فرهنگی مسجد و محتوا بخشی به فعالیت‌های آن (که مواردش گفته شد) در این خصوص صورت گرفت ولی این اقدامات به هیچ‌وجه کافی نبودند.

علاوه بر پیشنهادهایی که در انتهای بخش‌ها و نیز فصول دوم و سوم بیان شد، پیشنهادهای کلی دیگری نیز برای بروز رفت از این وضعیت به نظر می‌رسد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. اتخاذ رویکرد واقع‌بینی نسبت به عوامل محیطی هم‌عرض

نهاد مسجد باید به دنبال بازیافتن جایگاه پیشین خود -به شکل قبلی آن که مسجد و خانه و احیاناً مکتب‌خانه نقش‌های تقریباً انحصاری در تعلیم و تربیت داشتند- باشد. بلکه باید برحسب شرایط موجود و با پذیرش کلیت ساختار نظام



آموزش موجود، با رویکرد اصلاحی و نه بازگونه‌ای، طرحی نو دراندازد و جایگاه واقعی خود را در منظومه آموزش و تربیت نسل کودک و نوجوان شناسایی نماید. لذا در رویکرد واقع‌بینی، فارغ از قضاوت ارزشی در مورد نهادهای هم‌عرض، اصل وجود آن‌ها و حتی ضرورت وجود برخی از آن‌ها را به دلیل سبک زندگی موجود در جامعه بشری و جامعه ایرانی باید به رسمیت شناخت و دنبال حذف تمام آن‌ها نبود؛ چنانکه در سبک زندگی فعلی اگر نهاد تربیتی هم‌عرضی همچون مدرسه وجود نداشته باشد، واقعاً خانواده و مسجد با مشقت مواجه می‌شود؛ نهادهای هم‌عرض دیگر نیز همین‌طور؛ بنابراین مسجد باید با مفروض گرفتن «وجود» این پازل (نه با فرض نبود آن‌ها) باید به دنبال جای مناسب خود باشد.

۲. انضمام رویکرد «مدیریت تربیت» با رویکرد «تولیت تربیت»:

در شرایط موجود هرچند مسجد نباید از نقش مستقیم خود در تربیت دینی کودک و نوجوان و ارتباط داشتن با اوی غافل شود و از همه امکانات و ظرفیت‌های موجود برای تعلیم معارف دینی به کودک و نوجوان خصوصاً به شکل حضوری و چهره به چهره که مؤثرترین روش تربیتی است بهره گیرد، لیکن چنانکه گفته شد، بخش اعظم نهادهای تأثیرگذار بر تربیت دینی کودک و نوجوان و ابزارهای مؤثر بر باورها و نگرش‌های آن‌ها، خارج از مسیر مسجد عمل می‌کنند؛ در چنین شرایطی که مسجد نمی‌تواند و نباید هم جلوه‌مه آن‌ها را بگیرد، باید مواجهه فعال با این قضیه داشته باشد؛ به این صورت که مسجد رویکرد مدیریت مسیرهای تأثیرگذار بر تربیت کودکان و نوجوانان را عهده‌دار شود که در این مسیر طبیعتاً لازم است با همکاری علمی و عملی با عوامل محیطی همچون بازی‌های رایانه‌ای و اسباب‌بازی - که مواردی از نحوه تعامل و همکاری با آن‌ها در بخش‌های مربوطه توضیح داده شد - کودک و نوجوان را در جهت بهره‌مندی از محتوای مسجدی مناسب در آن‌ها، یاری کند و حتی در قدم‌های بعدی و عملیاتی‌تر، زمینه را برای رشد ابزارها و نهادهای سالم فراهم آورد و تسهیل سازد و متقابلاً به مقابله نظری و عملی با



نهادهای ناسالم و دور نگهداشتن کودک و نوجوان از این عوامل بپردازد. مسجد همچنین می‌تواند با فرستادن امام جماعت و فعالان فرهنگی خود به محیط برخی از رقبای خود همچون مدارس و مهدهای کودک، از این طریق ارتباط خود را با کودکان و نوجوانان ایجاد کند یا در صدد تقویت آن باشد.

۳. اتخاذ رویکرد علمی و تخصصی:

همچنان که ابزارها و نهادهای رقیب از آخرین روش‌ها و جدیدترین مدل‌ها و فناوری‌ها برای پیشبرد اهداف خود در امر تربیت کودک و نوجوان و تأثیرگذاری بر آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند و از هیچ خلاقیت و نوآوری در این مسیر رویگردان نیستند، مسجد نیز نباید در این رقابت شدید و تنگاتنگ از این مسائل غافل شود و باید با فاصله گرفتن از نگاه رایج قدیمی، نگاه کاملاً علمی-تخصصی و سامانمند به مسئله داشته باشد؛ لذا لازم است اولاً برای تمام تصمیماتش از پشتونه علمی و پژوهشی قوی و استوار بهره‌مند باشد و تخصص و علم را چاشنی تمام برنامه‌ها و تصمیمات کند و ثانیاً از مدیریت متخصص و کارآمد بهره بگیرد؛ مدیریت مسجد علاوه بر برخورداری از اخلاق حسن و تقوای دینی، لزوماً باید شخصی آشنا با مبانی مدیریت سازمانی، اصول جذب مخاطبان (کودک و نوجوان) و نگهداری آن‌ها بوده و نیز با موضوع ابزار رسانه در انواع مختلف آن و نحوه مواجهه فعال با این پدیده بسیار تأثیرگذار و حاوی ظرفیت تبلیغی بالقوه فراوان آشنا باشد. لذا نهاد مسجد باید فضارا برای کارها و تحقیقات علمی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد آن هم با رویکرد کاربردی بر حسب شرایط جامعه مهیا نماید و بر حسب خروجی آن تحقیقات گام بردارد.



٣٦٢



فهرست منابع

« القرآن الكريم»

«نهج البلاغه»

«ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، کتابچی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۶ ش.

«_____ محمد بن علی، ثواب الاعمال، مکتبه الحیدریه، نجف، بی‌تا.

«ابن جبیر، محمد بن احمد، مساجد الاسلامیه، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آستان قدس، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۸۲ ش.

«ابن شعیه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ ق.

«ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، محقق احمد موحدی قمی، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.

«ابوحنیفه، نعمان بن منصور، دعائیم الاسلام، جلد ۱، دارالمعارف، قاهره، ۱۳۸۳ ق.

«atabکی، هادی، نگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت، ماهنامه تازه، شماره ۴، ۱۳۸۶ ش.

«اتکینسون، ریتا، اتکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست، زمینه روان‌شناسی، ترجمه براهنی و همکاران، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۶۹ ش.

«خبراریه، هانیه، آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بر خانواده‌ها، پورتال موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۹۳/۱۰/۲۷.

«اخلاقی، اسماعیل، نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان در روش تربیتی امام صادق علیه السلام، مجله پیام زن، شماره ۲۰۴، اسفند ۱۳۸۷ ش.

«اسلام پور، کریمی، راهکارهای جذب کودک و نوجوان به مسجد، سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، بی‌تا.

«اظهارات رئیس بنیاد بازی‌های رایانه‌ای در مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۱۰/۲۶ ش.

«اظهارات رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران، در اسفند ۱۳۹۳ ش.

«اظهارات مسئولان در نشست نوآوری فرهنگی و صنایع فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.

«افهمی، بنفشه و آقامحمدیان، حمیدرضا، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به ماهواره و تأثیر آن بر باورها و رفتارهای دینی مردم مشهد، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی، ش ۳۰، مهر ۱۳۸۶ ش.

«الیاده، میرچا، دین پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، ج ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

«امامی، مجید، تلویزیون فرصتی برای تربیت کودک، نشریه الکترونیکی باحجاب، شماره مطلب ۲۶۴۷، تاریخ ۱۳۹۲/۵/۸ ش.

«امانلو، حسین؛ بشقاب‌های سمی: آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، فرآهنگ اندیشه، تهران، ۱۳۹۳ ش.

«امیری، مصطفی؛ گفتمان بی‌مرز (چت، آسیب‌ها و کاربردها)، نشریه پیام، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۸۷ ش.

«امینی، راضیه، شریفی، زهرا، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مسئول و مرتبط با مساجد جهت جذب جوانان به

- مسجد و نماز جماعت، پورتال ستاد اقامه نماز صداوسیما، بی‌تا.
- « ایلانلو، مژگان، کلیساها مجازی در جهان واقعی، مجله دینپژوهان، دوره سوم، شماره ۴ و ۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۲ ش.
- « آخوندپور، حسن، بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه، پورتال ستاد اقامه نماز صداوسیما.
- « _____ بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه و رایه راهکارهای کاربردی، پورتال صلاه رسانه ملی.
- « آرمون، عسگر، کامران، علیرضا، اسدی، عبدالله، مساجد و جوانان؛ فرصت‌ها و تهدیدها، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰ ش.
- « آسفورد، باری، نظام جهانی: سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- « آیین‌نامه ساماندهی، بهسازی و عمران مساجد کشور.
- « بخش فرهنگی پورتال پالثارات، سکولاریزه کردن مهدکودک‌ها، ۱۳۹۲/۴/۲۹ ش.
- « برقی، احمد بن محمد، المحاسن، جلد ۱، دارالكتب الاسلامیه، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۱ ق.
- « بغزیان، آلبرت، پیامدهای جهانی شدن یک رویکرد آماری، مجله توسعه مدیریت، شماره ۳۱، آبان ۱۳۸۰ ش.
- « بلقان‌آبادی، مصطفی؛ منطقی، مرتضی، تحلیل محتوای اتفاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی (چترrom‌های) ایرانی، نشریه علمی-پژوهشی سلامت روانی، دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹ ش.
- « بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای.
- « بهشتی، سید مهدی، تأثیر مسجد در تربیت کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۹/۲۳ ش.
- « بهشتی، سید مهدی، کودک، مسجد، نمازگزاران ۱ و ۲ و ۳، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۱۰/۷ ش.
- « بیجرانلو، عبدالله، کارکردهای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در جنگ نرم، مجله رسانه، ش ۷۸، تابستان ۱۳۸۸ ش.
- « پاکنیاهاد، هدی سادات، رقص بایانوئل در مهدکودک‌ها، بخش اجتماعی پورتال تبیان، ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ ش.
- « پاول هنری، ماسن، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز و کتاب ماد، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- « پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، امام جماعت، عامل پیشرفت مساجد، ۱۳۹۳/۸/۲۴ ش.
- « پایگاه خبری تحلیلی خرداد نیوز، بازار اسباب‌بازی و حفاظه‌های قانونی، ۱۳۹۰/۲/۱۴، کد خبر ۱۴۶۴۲۳.
- « پرکان، حسین، ارتقای کیفیت خدمات و محصولات در دستگاه‌های فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- « پورتال ستاد اقامه نماز، جذب جوانان با شیوه‌های نو، ۱۰/۱ ش. ۱۳۸۹/۱۰/۱ ش.
- « پورتال مشرق نیوز، خطوطی به نام کم‌توجهی والدین به وضعیت مهدکودک‌ها، ۱۳۹۳/۸/۲۵، کد خبر ۱۶۳۶۰۱۶.
- « سبک زندگی کاربران شبکه‌های اجتماعی، ۱۳۹۲/۱/۱۴، کد خبر ۱۹۵۷۸۲.

- » پویا، علیرضا، ارزیابی و آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در گسترش فرهنگ نماز، موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۹۴ ش.
- » پیش‌نمایی، باقر، نوشت افزار و سلامت تحصیلی، نشریه رسالت، ۱۳۹۳/۶/۱ ش.
- » تاج لکنگرودی، محمد‌مهدی، نماز در خانواده، نشر ممتاز، ۱۳۷۵ ش.
- » تافلر، الوبن، جایگایی در قدرت (دانایی، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم)، مترجم شهین دخت خوارزمی، ۱۳۷۱ ش.
- » تمیمی آمدی، عبدالوهاب، تصنیف غررالحكم و درالکلم، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ ق.
- » جباری، حبیب، پور دولتی، سعید، PPT کارگاه آموزشی آنالیز SWOT، مرداد ۱۳۹۰ ش.
- » عجفری، مصطفی و سید‌حسین اصولی، حسام شهریاری، مژده شیرازی منش و امیر‌حسین فهیمی، ایزارهای استراتژیک و فرهنگی مدیریت کیفیت فرآیند، جلد ۱ و ۲، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- » جمال‌آبادی، سارا، اولین‌های جهانی مهدکودک، روزنامه سلامت، ۱۳۸۹/۷/۲۲ ش.
- » حاج علی‌اکبری، محمد‌جواد، مطلع عشق، نشر فرهنگ، تهران، بی‌تا.
- » حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱، ۵، ۹، ۱۳، ۲۱، ۲۱، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لایحاء التراش، قم، ۱۴۱۴ ق.
- » حسنوندی، صبا و منطقی، مرتضی؛ فراز و فرود چتروم‌ها، عابد، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- » حشمتی، محمدرضا، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه اماکن مذهبی کشور، انتشارات فلاح، ۱۳۸۴ ش.
- » خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹ ش.
- » ————— بیانات در دیدار علماء و روحاًنیون استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹ ش.
- » خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، جلد ۲، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.
- » خانیکی، هادی، چرایی و چگونگی رویارویی با شبکه‌های ماهواره‌ای، ضمیمه شماره ۱۳۲۹ روزنامه شرق، ۱۳۹۰ ش.
- » خبرگزاری دانشجو، آنچه که بازی‌های رایانه‌ای با کودکان و نوجوانان می‌کند، ۱۳۹۱/۴/۲۰، کد خبر ۱۹۵۳۱۳.
- » ————— فلش‌بازی رایانه‌ای کودکانه و آموزش سبک زندگی غربی، ۱۳۹۲/۴/۴، کد خبر ۲۴۶۹۹۹.
- » خبرگزاری فارس، القای فرهنگ غرب در قالب اسباب‌بازی‌های چینی، ۱۳۹۱/۱۲/۱، شماره ۱۳۹۱۱۲۰۱۰۰۰۹۲۵.
- » خبرگزاری مهر، درآمد تولید اسباب‌بازی چین، چند برابر درآمد نفتی ایران است، ۱۳۹۳/۱۰/۱۱، شناسه خبر ۲۴۵۳۹۲۹.
- » خبرنامه دانشجویان، در مهدهای کودک چه می‌گذرد؟ ۱۳۹۲/۷ ش.
- » خزایی، علیرضا، نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاقی جامعه، مجموعه مقالات برگزیده همایش معلم، فرهنگ و توسعه، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۳۸۴ ش.

- « خوشابی، کتابیون، راهی برای اجتماعی شدن کودک، هفته‌نامه سلامت، شماره ۳۲۵، ۱۳۹۰ ش.
- « دادستان، محمود، روانشناسی ژنتیک (پیازه)، نشر ترمه، چاپ پنجم، ۱۳۷۰ ش.
- « دانش میرکهن، رحمت‌الله، چگونگی جذب پایدار جوانان به مساجد، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۱ ش.
- « دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، طرح آمایش فضاهای مذهبی استان تهران، سال ۱۳۹۳ ش.
- « دهنمکی، مسعود، اظهارات در مراسم بزرگداشت خود در افتتاحیه جشنواره فیلم عمار به نقل از شهید آوینی، ۱۳۹۳ ش.
- « راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- « رسولی شورکی، زهرا، نقش مسجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۸/۲۷ ش.
- « رضایی، حامد، معظمی گودرزی، ابراهیم، گزارش رصدی اسباب بازی، سبک زندگی، مرکز رصد فرهنگ و علم شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
- « روش، گی، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۰ ش.
- « رهبری، حسن، کودک و مسجد، بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- « زارعی، فائزه، ارتقای عملکرد مهدهای کودک، پورتال وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی.
- « زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس (من اهر القاموس)، جلد ۲، منشورات دارمکتبه الحیاء، لبنان، بی‌تا.
- « زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد با حکام المساجد، تحقیق ابوالوفاء مصطفی المراجعي، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۴۰۳ ق.
- « سادات، رضا، این صنعت ۸۵ میلیارد دلاری... نشریه جام جام، ۱۳۹۱/۸/۱ ش.
- « سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- « ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- « سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۹۰ م در مجمع عمومی.
- « ستاد مرکزی اقامه نماز کشور، نتایج بیش از ۶۰ طرح تحقیقاتی، بی‌تا.
- « ستارزاده، داوود، قناد زادگان، حسینعلی، یوسف نژاد شیروانی، مائدۀ، عوامل مؤثر بر جذب نوجوانان و جوانان به مساجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۷/۲۷ ش.
- « سجادی، زهرا، اظهارات در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ ش.
- « سجادی، سیدمهدي، جاذبه‌های مسجد؛ مسجد نقطه وصل، نشر فرهنگ، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- « سرچاهی، طاهره، علی‌اکبری، بی‌نا، بررسی راههای تقویت ارتباط و تعامل میان مسجد و جوانان، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰ ش.
- « سوئیزی، پل و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف، ترجمه ناصر زرافشان، آگاه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- « سهپوری، یحیی، جهانگیری، بی‌نا، مسجد مجازی تحول و نوآوری در مسیر ایران در سال ۱۴۰۴، رهآورد نور،



شماره ۲۳، تابستان ۱۳۸۷ ش.

« شاکری نیا، ایرج، تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده، مصبح، شماره ۵۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳ ش.

« شاه آبادی، حمیدرضا، مقدمه بر ادبیات کودک (بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۲ ش

« شورای عالی انقلاب فرهنگی، آسیب‌شناسی، تحلیل و بررسی صنعت اسباب بازی، ۱۳۹۳/۱/۲۷، کد تحقیق ۶۴۰۶۴ (کتابخانه الکترونیکی پورتال دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی).

« آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور، مصوب جلسه ۵۵۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ ش.

« پیش‌نویس سند نظام نوآوری فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.

« سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰ ش.

« مصوبه شماره ۲۰.

« مصوبه شماره ۴۵۹ در خصوص سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی.

« شورای فرهنگ عمومی کشور، طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۸۸ ش.

« طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیر ثابتی شهر تهران)، ۱۳۹۰ ش.

« طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیر ثابتی)، ۱۳۹۱ ش.

« صادقی لویه، ناهید و همکاران، تحلیل محتوای کتاب درسی دین و زندگی پایه دوم متوسطه از دیدگاه معلمان، نشریه اطلاعات، ۱۳۹۲/۹/۳۰ ش.

« صدیق، اسماعیل، جامعه‌شناختی تحولات فرهنگی- ارزشی خانواده در شهر تهران (پایان‌نامه)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، ۱۳۸۲ ش.

« صفری، نسرین، و اما مهد کودک، پورتال تبیان، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ ش.

« ضیایی‌پور، حمید، تأثیر بازی‌های رایانه‌ای، فردا نیوز، ۱۳۹۰/۸/۲۴، کد خبر: ۱۶۹۷۸۷.

« طالقانی و دیگران، مدیریت مسجد، تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین، سال دوم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۹ ش.

« طبرانی، المعجم الكبير، جلد ۹، بی‌جا، ۱۴۱۵، ق.

« طبرسی، ای الحسن بن فضل، مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲، ق.

« عبدالکریمی، بیژن، آسیب‌شناسی پاره‌ای از مبانی نظری تعلیم و تربیت دینی در ایران، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.

« عبدالهی شترخفت، امید، وضعیت مساجد کشور، کتاب مجموعه گزارشات رصدی حوزه دین، مرکز رصد

- فرهنگ و علم دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
- « عرشی نیاسر، عباس، مسجد گوهر بی همتا، معروف، قم، ۱۳۸۷ ش.
- « عسکری، اسلامپور، کریمی، بایسته‌های رفتار امام جماعت در مواجهه با کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ ش.
- « راهکارهای جذب کودک و نوجوان به مسجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ ش.
- « عشقی، داریوش، مسجد، کودک و محرم، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۹/۲۳ ش.
- « عشقی، داریوش، مسجد، کودک و مسئولیت‌دهی، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ ش.
- « عطایی، نوجوانی گذر از کودکی، مجله آشنای خانواده، شماره ۱۳۲، بی‌تا.
- « عظیمی، اقدس، مهدکودک دینی از رؤیا تا واقعیت، هفته‌نامه حزب مؤتلفه اسلامی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸، کد مطلب: ۹۶۷۵.
- « علوی، عباس، نقدی بر عملکرد دولت در خصوصی‌سازی نظام تعلیم و تربیت، روزنامه کیهان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۴، شماره ۲۰۹۸۶.
- « غفاری، سعید، سایه‌روشن شبکه‌های ماهواره‌ای، جام جم، ویژه‌نامه نوروز، ۱۳۹۰ ش.
- « فارسی‌جانی، حسن، استراتژی کلاس جهانی در مدیریت کیفیت بازرگانی، قصیده‌سرا، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- « فاضلی، نعمت‌الله، گونه‌های در حال ظهور خانواده در تهران، کتاب مجموعه مقالات زن و زندگی شهری، بینا، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- « فتاحی بافقی، بتول، نقش معلم در تربیت دینی دانش آموزان، پورتال سازمان مدارس معارف اسلامی، ۱۳۹۰/۹/۸ ش.
- « فراهانی، محسن، جهانی‌شدن به اختیار یا بهاجبار، روزنامه جام جم، ۱۳۸۱/۵/۱ ش.
- « فرحی، مجتبی، زندگی در آینه اعتدال، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۰ ش.
- « فرهادیان، رضا، عوامل آموزش و گرایش نوجوانان و جوانان به نماز، بی‌تا.
- « فرهی بوزنجانی، بروز، چگونگی ساماندهی دستگاه‌های متولی نماز و مسجد، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- « فقفوری، محمدصادق، نگاهی به تربیت نیروی انسانی در مهدکودک‌های ایرانی، نشریه کیهان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳ ش.
- « قادری، مجید، ایران فاقد صنعت اسباب بازی است، گفت و گوی ویژه خبری شبکه دو سیما، ۱۳۹۱/۱/۲۳ ش.
- « قاسمی، طهمورث؛ سواد رسانه‌ای رویکردی نوین به نظرارت رسانه‌ای، مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۲، ۱۳۸۸ ش.
- « قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- « قانون برنامه دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- « قیدرلو، کمیل، دایه مجازی؛ کودکی که تلویزیون برای ما پرورش می‌دهد، مجله سوره اندیشه، شماره دهم،



بی‌تا.

- » کارگر، بهمن، اظهارات سردار و معاون اجتماعی ناجا، تیر ۱۳۹۱ ش.
- » کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد ۵، ترجمه آیت‌الله کمره‌ای، انتشارات اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ش.
- » گریدانوس و همکاران، مراقبت از نوجوانان، ترجمه صرافی و مطهری، انتشارات رشد، ۱۳۸۳ ش.
- » گل‌محمدی، احمد، جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، جلد اول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- » لاثوش، سرژ، غربی‌سازی جهان، ترجمه امیر‌رضایی، قصیده، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- » لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۰ ش.
- » ماسن، کانجر و همکاران، روان‌شناسی رشد و شخصیت، ترجمه مهشید یاسایی، انتشارات قدس، ۱۳۷۲ ش.
- » متقی‌الهندی، علی بن حسام‌الدین، کنز‌العمال، جلد ۳، ۱۶، ۷، ۴۳، ۶۶، ۱۰۰، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- » مجلسی، محمدمباقر، بحار الانوار، جلد ۸، ۱۴۰۳ ق.
- » محبی، فاطمه، اسباب‌بازی؛ نمادی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳ ش، کد تحقیق ۶۴۰۶۴۷ (کتابخانه الکترونیکی پورتال دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی).
- » محدث نوری، مستدرک الوسائل، جلد ۳، ۸، مؤسسه آل‌البیت لاحیه التراث، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- » محدثی، جواد، عشق برتر، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ش.
- » محمدخانی شهری، لیلا، بررسی عوامل ایجاد پیوند و موانع جذب میان مسجد و جوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۹/۱۱ ۱۳۸۹ ش.
- » محمدی سیف، معصومه، شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده، فصلنامه رسانه و خانواده، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۲ ش.
- » محمدی، محمدرضا، جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان، مجله معرفت، شماره ۳۸، بهمن ۱۳۷۹ ش.
- » محمدی، مژگان، رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش‌وپرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- » مرادزاده، علی، آموزشگاه مسجد با درس‌های معنوی برای کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۲/۸ ۱۳۹۳ ش.
- » مرکز آمار ایران
- » مرکز رسیدگی به امور مساجد، رسانه ملی و مسجد (قابل یا تعامل)، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، بی‌تا.
- » مطهری، مرتضی، داستان راستان، جلد ۲، بی‌جا، ۱۳۸۱ ش.
- » معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، مسجد نقطه وصل، ۱۳۷۶ ش.
- » مفید، محمد بن محمد، الامالی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- » منطقی، مرتضی، راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید: تلفن همراه و بازی‌های ویدئویی، عابد، تهران، ۱۳۸۶ ش.



- « رفتارشناسی جوانان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳ ش.
- « چترهای ایرانی، جوانان و اولیا، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- « موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مربوطه، پژوهشنامه متین، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۲ ش.
- « موسوی نژاد، ایمن السادات، کالبدشکافی موشکافانه بازی رایانه‌ای، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۷/۷، شماره: ۱۳۹۰۷۰۷۰۰۰۱۸۹.
- « موظف رستمی، محمدعلی، روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و نماز جماعت، ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- « مهربانی‌فر، حسین و خلیل‌زاده، محمدمهردی؛ شبکه‌های ماهواره‌ای نگاهی به ابعاد فرهنگی و حقوقی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- « مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، معاونت امور اساتید، قم، ۱۳۷۷ ش.
- « مؤمن نسب، روح‌الله، ۸۹ درصد محتوای شبکه‌های اجتماعی موبایل غیراخلاقی‌اند، خبرگزاری میزان، ۱۳۹۳/۷/۱۵، کد خبر: ۹۴۱۹.
- « نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۲ ق.
- « نش، کیت، جامعه‌شناسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، انتشارات کویر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- « نشیریه خراسان، کارنامه مسئولان در مقابله با عروسک‌های نامناسب فرهنگی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ ش.
- « نصرالله‌پور، نقش اول ۸۷ درصد سریال‌های فارسی‌وان «زن» است، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۹/۴، شماره: ۱۳۹۲۰۸۰۴۰۰۰۳۹۶.
- « نصیری، قدیر، در چیستی جهانی‌شدن، تأملی نظری در سمت و سرنوشت آهنگ جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰ ش.
- « نقدي، محمدرضا، اظهارات سردار در دهمین همایش تخصصی مدیران کانون‌ها و مسئولان سازمان بسیج فرهنگیان کشور در مشهد، ۱۳۹۳/۵/۳۰ ش.
- « نوبهار، حبیم، سیمای مسجد، ج ۲، مؤلف، قم، ۱۳۷۳ ش.
- « نوروزی، مرضیه، مدرسه و اجتماعی شدن مذهبی دانش آموزان، دانشنامه روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۱۱۳۳، کد مطلب: ۱۳۹۱/۲/۲۹.
- « نیکفام، کیانا، دختران نیمه عریان روی دفترها، پورتال مؤسسه فرهنگی تبیان، بخش اجتماعی، ۱۳۹۳/۷/۳ ش.
- « نیومن، فیلیپ و نیومن، باربارا، اثرات تلویزیون بر رشد کودکان و نوجوانان، ترجمه اسماعیل بیابانگرد، فصلنامه پژوهش و سنجهش، ش ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ ش.
- « نئون، پل. آر، ارزیابی متوازن-گام به گام (راهنمای طراحی و پیاده‌سازی)، ترجمه پرویز بختیاری، صنم الفقلی، آناهیتا خزاعی و شیما مشایخی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- « والرشتاین، امانوئل، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷ ش.



- « وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح تهییه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران، ۱۳۷۵ ش. — گزارش ده ساله ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد (۱۳۷۲-۱۳۸۲)».
- « ولی‌زاده، محمد‌جواد، مسجد و خانواده/ فروغ مسجد (مجموعه مقالات)، ج ۸، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳ ش. ۲۵۱۵۷۲۴.
- « همتی‌فر، مجتبی، وقتی مهدکودک سکولار باشد، پورتال خبر‌گزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳، کد خبر: ۴۱۵۷۲۴.
- « هیئت‌وزیران، آیین‌نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوبه هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶.
- « مصوبه شماره ۱۳۴۰۲۰/ت ۱۳۸۷/۸/۵ هـ ۴۱۰۶۵ در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۳ ش.
- « مصوبه شماره ۴۴۷۲۱/ت ۱۳۸۸/۲/۳۱ هـ ۴۱۹۹۹ در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ ش.
- « هیلگارد و همکاران، زمینه روانشناسی، ترجمه جمعی از مؤلفان، انتشارات رشد، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
- « هیلگارد و همکاران، زمینه روانشناسی، ترجمه جمعی از مؤلفان، انتشارات رشد، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
- « www.dokhtiran.com، مهدکودک‌ها و تربیت مدرن، www.zarrintoys.com، اظهارات دبیر شورای نظارت بر اسباب‌بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در صنعت اسباب‌بازی، ۱۳۸۹/۵/۹، اظهارات دبیر شورای نظارت بر اسباب‌بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در صنعت اسباب‌بازی، ۱۳۸۹/۵/۹، www.vgpostmortem.blogfa.com/post.aspx.44-<http://www.vgpostmortem.blogfa.com/post.aspx.44>، کالبدشکافی بازی‌های رایانه‌ای

